

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

### علمی - ترویجی

سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: دانشگاه جامع امام حسین (ع)، دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت سپاه (دافوس)

مدیر مسئول: دکتر بهرام حسینی مطلق

سر دبیر: دکتر محمد باقر بابائی طلائی

مدیر اجرایی: حسن احمدی

#### اعضای هیأت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر عباسعلی سلمانی استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)	دکتر محمدباقر بابائی دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر سیده محمودرضا شمس دولت آبادی استادیار دانشگاه دفاع ملی	دکتر محمد بیگلری استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)
دکتر اسماعیل کاووسی استاد دانشگاه آزاد اسلامی	دکتر محمدرضا خراشادی زاده استادیار دانشگاه دفاع ملی
دکتر قدیر نظامی استادیار دانشگاه دفاع ملی	دکتر محمد جواد سبحانی فردانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

#### همکاران این شماره به ترتیب:

محمدباقر بابایی، محمدعلی برزنونی، محمد ازگلی، سعید کافی، مصطفی مردانان، محسن نودریان، فضل‌اله نودری، علی جمالی، حسن بلوغ‌زاده، علی‌اکبر رستمی، محمد مردانی شهرابک، مجید نواب، قاسم حسینی، احمد کارگر، حسن ابوطالبی.

ویراستار: دکتر محمد دانشگر

مترجم: دکتر قاسم قنبری

نشانی: تهران، بزرگراه شهیدبابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین (ع) - ساختمان ولایت - دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت سپاه

تلفن: ۷۴۱۸۸۲۷۰

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

پایگاه اینترنتی: <http://mdrj.ihu.ac.ir>

پست الکترونیک: [mdrj@ihu.ac.ir](mailto:mdrj@ihu.ac.ir)

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، براساس مجوز شماره ۳/۲۳۳۳۹۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ کمیسیون بررسی نشریات علمی کشور، به‌عنوان نشریه علمی - ترویجی، مورد تأیید قرار گرفته است.

کلیه حقوق مادی و معنوی برای معاونت تربیتی و علمی دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت محفوظ است. مطالب مندرج در فصلنامه به منظور اطلاع‌رسانی به دانشجویان و دانش‌پژوهان گرامی تهیه می‌شود و لزوماً منعکس کننده دیدگاه‌های دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت نیست.

## شرایط تدوین و ارسال مقاله‌های علمی و پژوهشی برای چاپ در فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی

- ۱- مقاله باید دستاورد پژوهش علمی نگارنده و برخوردار از مختصات روش‌شناختی و سامان‌یافته در ارایه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
- ۲- پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیأت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و تمامی مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده یا نویسندگان آن خواهد بود. در عین حال، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی در ویرایش مندرجات مقاله آزاد است.
- ۳- مقاله حداکثر در ۲۵ صفحه و از طریق سامانه فصلنامه ارسال گردد.
- ۴- مقاله‌ارسانی باید دارای ساختار مقالات علمی - ترویجی و با رعایت شرایط زیر باشد:
  - ۴-۱- مقاله‌ارسانی باید دارای عنوان، چکیده (حداکثر ده سطر)، کلیدواژه‌ها (سه الی پنج کلیدواژه)، مقدمه، متن، نتیجه‌گیری، خلاصه انگلیسی و فهرست منابع طبق راهنمای نحوه‌ارایه مقاله‌های علمی در انتهای توضیحات زیر، باشد.
  - ۴-۲- مقاله باید برخوردار از عنوان دقیق علمی متناسب با محتوا، رسا و مختصر باشد.
  - ۴-۳- مقدمه مقاله محل طرح و بیان نظری موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد موضوع مسأله مورد پژوهش و بیان منظور پژوهشگر از طرح و انتشار آن است.
  - ۴-۴- نتیجه‌گیری: در پایان مقاله، نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه، که روش‌نگر بحث و نتیجه‌گیری باشد، ارائه گردد.
  - ۴-۵- منابع مورد استفاده: تمام منابع مورد استفاده در متن، بایستی در فهرست منابع پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا آورده شود. در نگارش ارجاعات مربوط به منابع در داخل متن، نام مؤلف، سال انتشار منبع و صفحه مورد استفاده بدین شکل (اسمیت، ۲۰۰۱، ۲۲) یا (Smith, 2001, p. 22) نگاشته شود. در مواردی که تعداد نویسنده بیشتر از یک نفر باشد، ذکر منبع بدین صورت خواهد بود (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۱، ۲۲) و یا (Smith, et.al, 2001, p. 22). برای ارجاع به منابع اینترنتی بدین شکل (www.smith,2001) نگاشته می‌شود. در نگارش متن، معادل لاتین اسامی افراد یا اصطلاحات و واژه‌های ضروری با شماره ارجاع در پاورقی هر صفحه آورده می‌شود.
  - ۴-۶- ترتیب شناسه‌های کتاب‌شناختی در صفحه فهرست در مورد مقاله، کتاب، گزارش و سایر مراجع

به شرح زیر است:

- مقاله‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام مجله، دوره، شماره و صفحات مقاله.
  - کتاب‌ها: نام نویسنده (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح. محل انتشار: نام ناشر.
  - منابع اینترنتی: نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان متن، نام سایت یا صفحه اینترنتی <نشانی دسترسی>، (تاریخ مشاهده).
- ۴-۷ - خلاصه انگلیسی (۲۰ - ۱۵ سطر) باید همراه مقاله با مشخصات کامل نویسنده

### جدول ۱: مشخصات قلم‌های مورد استفاده در نگارش مقاله

عنوان	نوع قلم	عنوان	نوع قلم
عنوان مقاله با (تیترا ۱)	B Titr 16 Bold	متن چکیده و کلید واژه‌ها	B Lotus 11 Italic
عنوان چکیده، کلید واژگان، مقدمه و نتیجه‌گیری با (تیترا ۲)	B Zar 12 Bold	متن پانویس فارسی	B Lotus 10
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۲ با (تیترا ۳)	B Zar 11 Bold	متن پانویس انگلیسی	Roman 9
عناوین فرعی زیرمجموعه‌ی تیترا ۳ با (تیترا ۴)	B Lotus 11 Bold	متن مقاله	B Lotus 13
تیترا جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها (تیترا جدول و نمودارها باید بالای آنها در وسط ذکر شود).	B Lotus 11 Bold	ارجاعات منابع داخل متن به فارسی	B Lotus 10
		ارجاعات منابع داخل متن به انگلیسی	Roman 9

## فهرست

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده فرماندهی و مدیریت ولایت سپاه (دافوس)

سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

- |     |  |  |
|-----|--|--|
| ۷   | محمدباقر بابایی طلائی                                      | * سخن سردبیر   |
| ۱۹  | اکبر رحیمی<br>عباس راد<br>اکبر عالم تبریز<br>علیرضا مؤتمنی | * به‌کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب‌آور در<br>زنجیره تأمین صنایع دفاعی، راهبردی جدید و مؤثر در<br>ارتقای بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی |
| ۵۹  | اسماعیل خان‌محمدی  | * رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه  |
| ۸۳  | حمید آرونند<br>میکائیل زارعی                               | * طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی<br>تیم‌محور   |
| ۱۰۳ | حسن رحیمی (روشن)   | * بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و<br>مکاتب  |
| ۱۳۱ | علیرضا علیخانزاده<br>رضا نجاری                             | * مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه امام خمینی (ره)  |
| ۱۵۷ | حمیدرضا قائدعلی  | * الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم<br>(پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی»)  |
| ۱-۶ | قاسم قنبری   | * ترجمه چکیده مقالات به انگلیسی  |

## سخن سردبیر

### شاخصه‌های فرهنگ جهادی مدیران جهادی در گام دوم

مدیران جهادی برای اینکه بتوانند موفق عمل کنند باید فرهنگ حاکم بر آنها از نوع جهادی شده و گفتمان عمومی و تخصصی آنها برآمده از آموزه‌های اندیشه‌ای و انگیزشی این فرهنگ باشد. به همین دلیل با توجه به سخن قبلی این سخن را به بازشناسی شاخصه‌های فرهنگ جهادی اختصاص دادیم به امید اینکه افقی برای مدیران عملگرای گام دوم انقلاب واقع شود. براساس تعریف فرهنگ جهادی و دلالت التزامی واژه جهاد و مفاهیمی که در معنای آن مندرج است و رهنمودهای حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌توان شاخصه‌های فرهنگ جهادی را به دو بخش عمده اندیشه‌ای و ارزشی تقسیم کرد؛ چراکه مدیران جهادی برای اینکه بتوانند به درستی رفتار کنند، نیازمند پایه‌های شناختی و ارزشی درستی هستند که براساس آنها، رویکرد و رهیافت‌های آنها شکل بگیرد و کیفیت رفتارهای آنها را رقم زند. به معنای دیگر آنچه باعث اختلاف رفتار در مدیران شده و جهت رفتاری آنها را متفاوت می‌سازد نوع رویکرد برخاسته از اندیشه و ارزشهای حاکم بر روح و روان مدیران است که آنها را می‌توان در موارد زیر جمع کرد.

شناخت واقع‌نگر بصیرت‌افزا، دشمن‌شناسی، راه‌شناسی، جبهه‌شناسی، جریان‌شناسی، جهتگیری توحیدی، استقلال در فکر، الگو و عمل، هدفمندی هوشمندانه، رنگ‌خداایی داشتن، ایثار و دیگران را بر خود برگزیدن، اعتماد به خدا و توکل بر او، تکلیف‌مداری، خستگی‌ناپذیری مستمر، صبر و شکیبایی، عدم دلبستگی به دنیا، وحدت در گفتار و عمل، ولایت‌مداری.

با توجه به اهمیت و نقش مؤثری که شناخت در شکل‌گیری مؤلفه‌های فرهنگ جهادی و عملکرد مدیران جهادی دارد این مؤلفه را بازتحلیل می‌کنیم.

### شناخت واقع‌نگر بصیرت‌افزا

نوع شناخت انسان از جهان، دیگران، خود و خدا از عوامل مهم و تأثیرگذار در ماهیت

رفتارهای مدیران در عرصه‌های مختلف است. در فرهنگ علوی ماهیت شناخت، واقع‌بینی است و مهم‌ترین ره‌آورد آن بصیرت‌دهی و بصیرت‌زایی است. براساس این بصیرت جهان را خدائی است حکیم و دانا که خالق همه چیز بوده و اختیار هویت‌دهی انسان را به‌خود او واگذار کرده است تا با تابعیت از رهبران الهی و انتخاب‌های درست فضای زندگی ایده‌ال را برای خود و دیگران رقم زند.

این بصیرت مشتق از ماده بصر به معنی نور است که روشنایی و نورانیت به‌همراه دارد (المصباح: ۵۰) با این تفاوت که «بصر» در معنای چشم ظاهری و «بصیرت» در معنای چشم دل به کار می‌رود. بصیرت جهت زندگی را مشخص می‌کند و انسان بی‌بصیرت به کوری می‌ماند که مسیر زندگی را به‌درستی تشخیص نمی‌دهد.

بصیرت را زاده عمل می‌دانند که در ترمولوژی آن معانی متعددی ذکر شده است. روشن‌بینی، ژرف‌اندیشی، دانایی و هوشیاری، داشتن عقل سیاسی و اجتماعی، مشاهده حقیقت و عمق حوادث و رخدادها با چشم دل و موارد مشابه، از جمله معانی واژه بصیرت است؛ در مفردات راغب از بصیرت به درک قلبی و معرفت یاد شده است و در تفسیر طبرسی در تفسیر آیه " قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ " (یوسف / ۱۰۸) بصیرت به معنای معرفت و بینایی تفسیر شده است. این واژه با مشتقاتش ۱۴۴ بار و جمع آن ابصار ۵ بار در قرآن به کار رفته است (ان فی ذالک لعبره لاولی ابصار) «آل عمران/ ۱۳».

بصیرت گرچه در چند مورد در معنای چشم و دیدن به کار رفته است ولی بیشتر مشتقات آن به معنای بینایی دل و معرفت است، بینایی که به دنبالش علم و معرفت داشته و به رفتار حاکی از علم و دانایی منتهی می‌شود. از این رو تفاوت کور و بینا در فرهنگ قرآنی به داشتن چشم ظاهری نیست بلکه به نوری است که ناشی از تقوای سیرت ماست که حقایق را غربالگری می‌کند، (قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرَ أَمْ هَلْ يَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ) «غافر / ۵۸» و «لَيْسَ الْأَعْمَىٰ مَنْ يَعْمَىٰ بَصَرَهُ إِنَّمَا الْأَعْمَىٰ مَنْ تَعَمَّىٰ بِصِيرَتِهِ» (کنز العمال، حدیث ۱۲۲۰). به عبارتی واقع‌بینی و قدرت تشخیص حق از باطل از ویژگیهای مهم اهل بصیرت است که تقوا از علل ایجاد آن است (ان تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا) «انفال / ۲۹»؛ لذا چه بسیار چشم‌دارانی که

کورند و قدرت تمیز حق از باطل را ندارند و چه بسیار روشندانانی که به حقیقت از نورانیت باطن برخوردار بوده و حقایق را درک و خطوط را به خوبی شناسایی می‌کنند.

از دیدگاه احادیث و روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز نابینای واقعی کسی است که از گوهر بصیرت و آگاهی بی‌ بهره باشد. پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) نابینای واقعی را کسی می‌داند که بصیرت نداشته باشد: "لیس الاعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تعمی بصیرته"<sup>۱</sup> (کنز العمال، حدیث ۱۲۲۰) و گذر از دنیا از علل اکتسابی بصیرت است.

از نگاه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) «فَقَدْ الْبَصْرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ» (غررالحکم، ص ۳۴) نابینایی آسان‌تر از بی‌بصیرتی (کوردلی) است. صاحبان بصیرت با چشم دل، راه زندگی پاکیزه (حیات طیبه) را می‌یابند؛ برای آنها تنها حق مطرح است و جلوه‌های زیبای زندگی دنیا آنها را نمی‌فریبند، آنان دنیا را مسلخ ارزشها قرار نمی‌دهند، آنان آخرینند نه آخوریان! "کالبهیمه المربوطه همها علفها" (نامه ۴۵) به تعبیر امام علی علیه السلام "ان اولیا الله هم الذین نظروا الی باطن الدنیا اذا نظر الناس الی ظاهرها و اشتغلوا باجالها اذا اشتغل الناس بعاجلها"<sup>۲</sup> (حکمت ۴۳۲).

امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید کسی که بدون بصیرت عمل کند به کسی می‌ماند که در راه انحراف افتاده و با هر قدم و سرعت از راه دور می‌شود. «الْعَامِلُ عَلٰی غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلٰی غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا» (کافی، ج ۱، ص ۴۳) و امام صادق (علیه‌السلام) راز وفاداری عمویش حضرت ابوالفضل (علیه‌السلام) را بصیرت نافذ ذکر کرده و می‌فرماید: "انَّ عَمِّي الْعَبَّاسُ كَانَ نَافِذَ الْبَصِيرِ؛ هَمَانَا عَمُويم عَبَّاسُ دَارَايَ بَصِيرَتِ نَافِذُ بُوَد." "

بنابراین می‌توان گفت بصیرت از جنس دانائی و معرفت است و مهمترین آثار آن در رفتار، گفتار و کردار ظاهر می‌شود و نشان از قدرت تشخیص و تمیز خطوط سره از ناسره و حق از باطل است و از عوامل مهم ایجاد آن تقوای الهی است که دانش علمی و تجربی را جهتدار می‌کند. چشم ظاهری نشان از بصیرت نیست بلکه بصیرت از ویژگیهای روح و ملکوت

۱. کور کسی نیست که چشمش نابینا باشد کور کسی است که بصیرت نداشته باشد.

۲. دوستان خدا کسانی هستند که به باطن دنیا می‌نگرند، زمانی که مردم به ظاهر آن نگاه می‌کنند، به آینده آن مشغولند، آنگاه که مردم به امروز آن سرگردمند.



انسانی است و از اوصاف درونی او شمرده می‌شود. (فکشفنا عنک غطائك فبصرک الیوم حدید) «حدید / ۲۵» و فصل ممیز انسان از سایر حیوانات است "وَلَقَدْ زَرَّانَا لِحَبْنَمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ" (اعراف / ۱۷۹) و اینکه کوردلان به ظاهر دنیا توجه دارند و تنها از چشم ظاهری بهره می‌جویند و منکر بصیرت و یا غافل از آن هستند: "يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ الْغَافِلُونَ!" (روم / ۷)

### آسیبهای عنصر بصیرت در فرهنگ جهادی

بررسی اجمالی تاریخ اسلام از بعثت پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) بویژه در دوره امامت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تا امروز نشان می‌دهد آنچه بیش از سایر عوامل در دستیابی به پیروزی و موفقیت و یا در ناکامی و شکست مسلمانان و رهبران الهی تأثیر بسزایی داشته است، میزان بهره‌مندی و برخورداری مردم و نخبگان جامعه از "آگاهی و بصیرت" سیاسی - اجتماعی است "الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ يَجَالُهُ الرَّأْيُ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ" (قصار، ۴۸) به این معنی که در هر برهه‌ای از زمان که مردم و نخبگان جامعه از بصیرت و آگاهی لازم بهره برده و با تشخیص درست و به‌موقع حق از باطل، به یاری جبهه حق شتافته‌اند، زمینه برای حاکمیت احکام الهی و روی کار آمدن رهبران دینی فراهم گردیده و در غیر این صورت احکام الهی فراموش و رهبران واقعی جامعه در انزوا قرار گرفته‌اند و نتیجه‌ای جز پشیمانی نداشته است "تَمْرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ" (قصار، ۱۸۱)

به همان اندازه که بصیرت در هدایت و فرهمندی افراد و مدیران جهادی نقش آفرین است به همان اندازه و پیروسیها در کمین او نشسته‌اند تا او را از کارکرد اصلی باز دارند که عدم شناخت آنها آسیبهای جدی بر جوهره و ماهیت آن وارد می‌کند؛ و مسیر حرکت آن را منحرف و یا شتاب آن را به‌شدت کند می‌کند و یا ماهیت ثانوی پیدا کرده و خودش به تهدید بزرگ تبدیل می‌شود. به تعبیر مثنوی (دفتر دوم ص ۲۷۹)

۱. پیروزی با دوراندیشی و بصیرت بدست می‌آید و دوراندیشی با جذب و بکارگیری رأی‌ها به‌دست می‌آید و رأی با نگهداری اسرار فراهم می‌شود.

## سخن سردبیر؛ شاخصه‌های فرهنگ جهادی مدیران جهادی در گام دوم

کی شناسد کور دزد خویش را چون ندارد نور چشم آن و آن ضیا و لذا آدم بی‌بصیرت نه تنها دزد اندیشه و هنجارهای خودی را نمی‌شناسد بلکه به راحتی ابزاری در اختیار دیگران واقع می‌شود:

چون بدزد دزد بینایی ز کور هیچ یابد دزد را او در عبور نگاه اجمالی به تاریخ بشری گویای این واقعیت تلخ است که دشمن قسم خورده انسان (ابلیس) بارها از این فرصت استفاده کرده و ضربات سختی بر زندگی انسان وارد ساخته و چه بسا مسیر تاریخ را رقم زده است؛ اولین انحراف با قسم دروغین ابلیس و فریب حضرت آدم و حوا و فراموشی تذکر خداوند اتفاق می‌افتد که نتیجه آن هبوط انسان از جنت به زمین می‌شود (اعراف / ۲۱-۲۴).

دومین ضربه بی‌بصیرتی در کیفیت مدیریت و نوع نگاه فرزندان حضرت آدم ایجاد می‌شود که نتیجه آن شهادت هابیل و ایجاد دو خط حق و باطل در تاریخ بشری است (مائده / ۳۰).

این وضعیت را می‌توان در جریان سامری نیز مشاهده کرد؛ سامری از درد کشیده‌های بنی اسرائیل بوده ولی در مدت زمان کوتاه غیبت حضرت موسی (ع) نتوانست تابعیت جانشین حضرت (هارون) را پذیرا باشد و به توصیه‌های آن عمل کند و همین قصه بعد وفات پیامبر اسلام (ص) تکرار می‌شود. امثال طلحه و زبیر نتوانستند شم بصیرتی خود را به درستی به کار گیرند و بدانند که تفاوت بین پیامبر صلی الله و علیه و آله و سلم و امام علیه‌السلام فقط در نبوت بود والا در تابعیت یکی بودند و نتیجه قضاوت نادرست آنها در تفکیک مقام نبوت با رسالت در اطاعت و رهبری ضربات جبران‌ناپذیری در حرکت نوپای انقلاب اسلامی ایجاد کرد. متأسفانه همین انحراف‌ها امروزه در دوره ولایت و امامت مقام معظم رهبری تکرار می‌شود و خواص به علت تفکیک جایگاهی و رهبری امام خمینی با امام خامنه‌ای ضربات نابخشودنی به حرکت انقلاب وارد می‌سازند که امیدوارم به بصیرت لازم دست یابند و با مدیریت صحیح رفتاری خود و دیگران بتوانند به وظایف و تکلیف الهی خود عمل نمایند. آسیب‌های بی‌بصیرتی شکل‌های متفاوتی دارد که به تناسب به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

## اختلاف در رویکرد بین رهبران و مدیران

از آنجا که تصمیم‌گیری جوهره مدیریت را تشکیل می‌دهد و در تمام سطوح آن جریان دارد و استحکام و پویایی سیستم مدیریتی نیز به روند پایش و عملیاتی شدن تصمیم‌های بر می‌گردد که از ناحیه مدیران بالادستی اتخاذ می‌شود و به کمک مدیران پایین دستی به اجرا گذاشته می‌شود. نبود رویکرد مشترک بین مدیران بالادستی و پایین دستی باعث سستی در اجرایی کردن تصمیم‌ها شده و حرکت کلی کشور و سازمان را به چالش می‌کشد. این چالش گاهی در نوع نگاه به هویت و چیستی نظام و سازمان و رسالت مترتب بر آن و گاهی در اختلاف در عوامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ظاهر می‌شود. نمونه‌ای از این چالش در سال ۶۹ وقتی که رهبری تابو تهاجم فرهنگی بلند کردند و عده‌ای سنگبارانش کردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۱/۸) اتفاق افتاد و صدمات جبران‌ناپذیری وارد کرد؛ زمانی که رهبر معظم انقلاب اعلام توطئه دشمن - در تغییر تاکتیک و استراتژی - کردند. مدیران عالی نظام به جای حمایت و ایجاد تدابیر لازم برای رویارویی با آن، طرح توهم توطئه کردند و ناجوانمردانه رهبری را به توهم توطئه متهم کردند. در صورتی که «اگر ما چشم خودمان را بر این دشمنها بیندیم، این دشمنها از بین نمی‌روند. اگر ما به خودمان تلقین کنیم که او دشمن ما نیست، او از دشمنی منصرف نخواهد شد؛ باید دشمن را شناخت. بعضی گفتند: شما توهم توطئه می‌کنید؛ توطئه‌ای وجود ندارد! من در پاسخ، نشانه‌های توطئه و نشانه‌های خصومت را از اول انقلاب تا امروز در یک فهرست طولانی معرفی می‌کنم و نشان می‌دهم. چطور توطئه علیه ما نیست؟»<sup>۴</sup>

## اختلاف در اختیارات رهبری و مدیران در دوره‌های متفاوت

بعد از رحلت و یا ترک قدرت رهبران و مدیرانی که مؤسس نظامی یا سازمانی بوده‌اند و رهبران و مدیران دیگری به جای آنها می‌نشینند در اختیارات اینها اختلاف می‌شود که آیا همان اختلاف مؤسسين را دارند و یا اینکه باید تعدیلی در آن صورت گیرد. همین امر موجب سست شدن پایه‌های نظام و سازمان نوپا می‌شود در صورتی که در اصل رهبری و مدیریت بین این دو سطح نباید تفاوتی قائل شد.

۱. (بیانات در دیدار جمع کثیری از جوانان استان اردبیل، ۱۳۷۹/۵/۵)

### تعمیم تقدس به همه یاران رهبر

احترامی که رهبران و مدیران مؤسس در بین افراد جامعه و سازمان دارند از عوامل موفقیت نظامها در حل مشکلات شمرده می‌شود. تعمیم این احترام بدون توجه به عملکرد اطرافیان رهبران و مدیران عالی به همه اطرافیان چالشهایی را در جوامع ایجاد می‌کند که نمونه آن بین اصحاب رسول خدا (صلی‌الله و علیه و آله) و تابعین در طول تاریخ دیده می‌شود که صدمات بزرگی به انقلاب بزرگ رسول گرامی اسلامی (صلی‌الله و علیه و آله) وارد کرده‌اند و چه بسیار افرادی که به خاطر این چالش از راهیابی صحیح باز مانده‌اند.

### تعمیم تغییر از فروع به اصول

ارکانی که نظامها را شکل داده و رسالت سازمانها را تبیین می‌کند اصولی هستند که گذشت زمان در آنها تغییر ایجاد نمی‌کند ولی خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مترتب بر اصول که از آنها به فروع یاد می‌شود به خاطر شرایط تغییر می‌کنند. تغییر این وضعیت گاهی هویت نظامها و سازمانها را تهدید می‌کند.

### عدم تشخیص صحنه‌گردان‌های آشکار و پنهان (عاملین و تئوریسین‌ها)

علل شکل‌گیری حوادث به دو بخش آشکار و پنهان تقسیم می‌شود. برای اصلاح امور باید هم عوامل آشکار را مورد توجه قرار داد هم عوامل پنهان. غفلت از عوامل پنهان باعث چالشها در آینده نزدیک می‌شود. وقتی اختلاف فرزندان حضرت آدم علیه‌السلام را در قرآن می‌خوانیم نباید از عامل پشت صحنه آن غافل شویم و شاید ذکر این داستان در قرآن برای فهم و هدایت ما انسان‌ها باشد «لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَىٰ يَدِكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمَكَ فَتَكُونَ مِنَ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝۵ (مائده / ۲۸ و ۲۹) که ریاست و مدیریت صحیح تنها با رهبران و مدیرانی تداوم

۱. و تو اگر دست خود را به سوی من دراز کنی که مرا بکشی من هرگز دست خود به سوی تو کشتمت دراز نخواهم کرد، زیرا من از خدا که مالک و مدبر همه عالم است می‌ترسم، من از این عمل تو کراهتی ندارم چون اگر مرا بکشی هم وبال گناهان مرا به دوش می‌کشی و هم وبال گناهان خودت را، و در نتیجه از اهل آتش می‌شوی و سزای ستمکاران همین آتش است (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۴۸۵)

پیدا می‌کند که شایستگی این مقام را داشته باشند که بارزترین صفت آن تابعیت در اندیشه و رفتار است «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيَبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ، أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ، أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ؛ إِنَّ الرُّسُلَ لَأَتَّصِلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا»<sup>۶</sup>.

### انواع بصیرت

با توجه به اینکه بصیرت مهمترین پشتوانه رفتارهای مدیران جهادی شناخته می‌شود و از آنجا که رفتار، کردار و گفتارهای مدیران براساس میزان بصیرت، صحت، تیزبینی، حقیقت‌یابی، تشخیص حقایق و واقع‌بینی خود را نشان می‌دهد، و از طرف دیگر رفتارهای انسان ابعاد مختلف داشته و جهت و هویت‌های متفاوتی دارند از این‌رو بصیرت نیز به تناسب رفتارها و هویت آنها، اقسام مختلف به خود می‌گیرد؛ مانند بصیرت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دینی، نظامی و مدیریتی و بی‌شک نوع بصیرت در هر یک از این اقسام متفاوت خواهد بود و کارایی هر کدام در ظرف خود معنی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر بصیرت سیاسی که پشتوانه رفتارهای سیاسی است با بصیرت فرهنگی که پشتوانه رفتارهای فرهنگی و بصیرت اقتصادی که پشتوانه رفتارهای اقتصادی است و بصیرت دینی که پشتوانه رفتارهای دینی است و بصیرت مدیریتی که پشتوانه رفتارهای مدیریتی و فرماندهی است تفاوت دارند.

در تقسیم دیگر، بصیرت به دو بخش بصیرت در دین و بصیرت در عمل تقسیم می‌شود. بصیرت در دین - همچنانکه در روایت آمده است. - اگر نباشد زیان این کار از سودش بیشتر است؛ اما بصیرت در عمل لازمه دو شرط است که در فقه از آنها به «احتمال تأثیر» و «عدم ترتب مفسده» تعبیر شده است و مآل آن به دخالت دادن منطقی در این دو تکلیف است، از این رو خوارج نه بصیرت دینی داشتند و نه بصیرت عملی. مردمی نادان و فاقد بصیرت بودند بلکه اساساً منکر بصیرت در عمل بودند، زیرا این تکلیف را امری تعبدی می‌دانستند و مدعی بودند باید با چشم بسته انجام داد (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۶، ص ۲۹۹). بر پایه این

۱. کافی (ط - دار الحدیث) / ج ۱ / ۱۱۴ / ۱۴ - باب المستأکل بعلمه و المباهی به ... ص: ۱۱۲ (از امام صادق (ع): هرکس جوای علم برای فخرفروشی به علما باشد و یا بر نادانان برتری جوید و مردم را به خود جلب نماید جایگاه خود را پر از آتش کرده است در صورتی که ریاست و حکومت تنها با اهلش تصحیح می‌گردد.

منطق مدیران جهادی قبل از هر اقدام باید در مورد احتمال تأثیر تصمیمها و نداشتن مفسده و پیامد تأمل کنند و آنگاه تصمیمگیری کنند. به همین دلیل در فرهنگ جهادی، مدیران پیش از هر تصمیمگیری باید تحقیق نمایند: لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ (قصار ۴۰). مرحوم رضی در توضیح کلام می‌گوید همانا عاقل زبانش آزاد نیست هرطور که خواست حرف بزند بلکه نطق آن بعد از مشاوره با اهل فکر و توجه به نتایج آن صورت می‌گیرد برخلاف آدم احمق که هر چه بر زبانش جاری است بدون تأمل و فکر می‌گوید و سپس به دنبال پیامدهای آن می‌دود. این کلام در خطبه ۱۷۶ به نوع دیگری بیان شده است. إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدْبِرُهُ فِي نَفْسِهِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبْدَاهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَارَاهُ<sup>۶</sup> (خطبه ۱۷۶).

### بصیرت فرهنگی

از فرهنگ تعاریف مختلفی شده است و تعریفی که مبنای این متن است "شیوه و سبک زندگی برخاسته از مبانی نظری و عملی"<sup>۸</sup> است و سطوح آن را در سه بخش - لایه زیرین متضمن مفروضات اساسی و جهان‌بینی و ایدئولوژی، لایه میانی که در برگرنده الگوهای رفتاری و لایه روئین که متضمن رفتارها، کنش‌ها، هنجارها و ارزشها است. - در نظر می‌گیریم

بصیرت فرهنگی به پشتوانه دانائی اطلاق می‌شود که سطوح سه گانه فوق را پشتیبانی کرده و هویت و جهت آنها را تعیین کند. پشتوانه جهان‌بینی و ایدئولوژیها، تصورات و تصدیقاتی است که از آگاهی و دانایی و چگونه‌دیدن به‌دست آمده و نگرش و پارادایم افراد را شکل می‌دهند. به‌طوری که به هر میزان این پشتوانه از واقع‌بینی بیشتری برخوردار باشد به همان اندازه میزان خطاهای آن کاسته می‌شود. براساس آیات و روایات و دلایل منطقی بهترین و محکم‌ترین بصیرت فرهنگی به کمک اندیشه و نگاه توحیدی حاصل می‌شود. که به کمک آن جهان را وابسته به خدایی می‌شناسد که یکتا، بی‌همتا و بی‌نیاز مطلق بوده و آفرینش او

۱. همانا زبان مؤمن پشت عقل او قرار دارد ولی قلب منافق پشت زبانش قرار دارد چراکه مؤمن هر موقع بخواهد حرفی بزند در آن تأمل می‌کند، اگر خیری در آن باشد حرف می‌زند و اگر شر باشد آن را رها می‌سازد.

۲. بابائی، محمدباقر، مبانی استراتژی فرهنگی، ۱۳۸۴، ص ۴۵

بر اساس حکمت صورت می‌گیرد و هر چیز را در جای خود به نیکویی خلق کرده است. انسان به دلیل ویژگی ذاتی نیازمند الگوهایی است که مبنای استدلال و گزینشهای او گردد؛ فردی که به آینه‌ای نگریسته و بعد از چندی رضایت به قیافه خود می‌دهد نشان از حکم و مقایسه‌ای می‌کند که فرد ناخواسته در ذهن، بین خود که در آینه می‌بیند و تصویر دیگری برقرار کرده و حکم صادر می‌کند. تصویر دیگر همان الگویی است که از ترکیب اطلاعات بدست آمده از نگاه کردن‌ها و گوش دادن‌ها و غیره به دست می‌آید. به طور طبیعی صحت و درستی الگو به گزاره‌هایی می‌ماند که از مسیرهای فوق وارد می‌شود و دقت در آن و مواظبت در ورودیها از خطاهای آن می‌کاهد.

### ویژگیهای بصیرت فرهنگی مدیران جهادی

- برخاسته از اندیشه توحیدی
- تقدس آفرینی
- ایجادکننده نشاط و دلگرمی
- ارائه افقهای مقدس با اهداف متعالی
- تعهدآوری و مسئولیت‌خیزی
- پشتوانه منطقی و استدلالی
- معنابخشی به زندگی و حیات
- جهان را از خدا به سوئی خدا دیدن

### بصیرت دینی

دین به مجموعه‌ای از آموزه‌ها گفته می‌شود که به وحی مستند بوده و سعادت دنیوی و اخروی انسان را تضمین کرده است. خاستگاه این آموزه‌ها به کتابهای آسمانی بر می‌گردد که در قالب شرایع آسمانی از آدم گرفته تا خاتم‌الانبیاء (علیهم‌السلام) نازل شده و در اختیار بشر قرار گرفته است که در حال حاضر این آموزه‌ها در قرآن کریم کتاب آسمانی پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جمع شده است و سعادت اخروی و دنیوی انسانها را تضمین کرده است و بهترین سبک زندگی را برای انسانها رقم می‌زند «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي هِيَ الْاَلْتِي اَقَوْمُ» (اسراء/ ۹).

## سخن سردبیر؛ شاخصه‌های فرهنگ جهادی مدیران جهادی در گام دوم

در بصیرت دینی نکته بارز عمل صحیح و درست به آموزه‌های دینی است. کی و چگونه نماز خواندن، امر به معروف و نهی از منکر کردن، با چه کسانی دوست و همراه شدن و با چه کسانی و چگونه دشمنی کردن و غیره مسائلی است که در بصیرت دینی به آنها پرداخته می‌شود.

مهم‌ترین آفت بصیرت دینی که نشان از بی‌بصیرتی است پذیرش تفسیر و تبعیت از کسانی است که آشنائی ظاهری به آموزه‌های دینی و خاستگاه آنها یعنی سنت و قرآن دارند و تمسک به اتخاذ این آموزه‌ها از سر منشا اصلی آنها، نشان از بصیرت دینی و راه‌یابی است و سخن رسول خدا (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) اشاره به این نکته دارد. «أنتی تارکم فیکم الثقلین ما إن تمسکتُم بهما لن تضلوا کتاب‌الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» (وسایل‌الشیعه، ج ۳۳ ص ۲۷۹) و تأکید رهبر کبیر انقلاب اسلامی در طلیعه وصیت‌نامه سیاسی و الهی خویش به این سخن، نشان از اهمیت و اثرگذاری آن در رشد و توسعه جامعه اسلامی است و تعبیر ایشان به اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) نیز حاکی از این مهم است.

### ویژگیهای بصیرت دینی مدیران جهادی

- متکی بر آموزه‌های برخاسته از کتابهای آسمانی
- دخالت عنصر زمان و مکان
- واقع‌بینی و حق‌یابی
- اتکا به ولایت به‌عنوان محور پذیرش آموزه‌های صحیح
- هدفمندی و اطاعت‌پذیری

### بصیرت مدیریتی

رهبران و مدیران در اتخاذ تصمیمها نیازمند بصیرت و دانایی هستند که بتوانند بهترین گزینه‌ها را انتخاب کنند؛ چراکه رهبری و مدیریت از مقوله‌های رفتاری است که دو عامل در آن نقش آفرین هستند یعنی انگیزه‌ها و افکار که اولی بر جاذبه‌ها و انگیزش تأکید می‌کند و دومی بر دانایی و آگاهی و اطلاعات پای می‌فشارد. مدیریت به طیفی می‌ماند که یک طرف آن در مدیریت فردی ظهور می‌کند و طیف دیگر آن در مدیریت جهانی متبلور می‌شود. در



تمام سطوح این طیف، آنچه بیش از همه اثرگذار است نوع معرفت و شناخت است که جهت حرکت را مشخص و افق‌های آن را تعیین می‌کند. کلام امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه مبنی بر این که در فتنه‌ها و حوادث مانند بچه شتری باشید که نه اجازه سوار شدن می‌دهد و نه پستانی دارد که دوشیده شود «کن فی‌الفتنه کابن اللبون لاظهر فیرکب و لاضرع فیحلب» (کلمات قصار: ۱) اشاره به مدیریت رفتارها یا مدیریت تهدیدات نرم در شرایط مختلف دارد. به عبارت دیگر در حوادث، افراد باید از چنان بصیرتی برخوردار شوند که بتوانند رفتارهای خود را مدیریت کرده و مورد سوء استفاده دیگران واقع نشوند.

### ویژگیهای بصیرت مدیریتی در مدیران جهادی

- پایبند به اصول خدامحوری، واقع‌نگری، حق‌مداری، کمال‌جویی و انسان‌مداری
- تأکید بر اندیشه توحیدی و سیره و سنت رسول خدا (صلی‌الله‌وعلیه‌وآله) و اهل بیت ایشان
- بکارگیری عنصر آینده‌نگری
- پایبند تفکر و تأمل قبل از هر تصمیم
- ایجادکننده نشاط و دلگرمی
- ارائه افق‌های مقدس با اهداف متعالی
- تعهد‌آوری و مسئولیت‌خیزی
- پشتوانه منطقی و استدلالی

دکتر محمدباقر بابائی طلائی

۱۳۹۸/۶/۱۱

## به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، راهبردی جدید و مؤثر در ارتقای بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی

اکبر رحیمی<sup>۱</sup>

عباس راد<sup>۲</sup>

اکبر عالم تبریز<sup>۳</sup>

علیرضا مؤتمنی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۵

### چکیده

قدرت نظامی، به دلیل نقشی که در ایجاد توان بازدارندگی در مقابل تهدیدات خارجی ایفا می‌کند به عنوان مهمترین مولفه قدرت ملی به‌شمار می‌رود. تجهیزات به‌روز و پیشرفته نظامی از مهمترین ارکان قدرت نظامی یک کشور محسوب گردیده و لذا در ایجاد و ارتقای امنیت ملی که تمام افراد جامعه از وجود آن منتفع می‌شوند، تاثیرگذار است. در جمهوری اسلامی ایران، محصولات نظامی، در صنایع دفاعی و در قالب زنجیره‌های تأمین، تولید شده و در اختیار سایر نیروهای مسلح قرار می‌گیرند. نکته اساسی اینکه، تنها آن دسته از محصولات می‌توانند در ارتقای توان دفاعی موثر باشند که در مقایسه با محصولات دفاعی کشورهای پیشرفته، از ویژگی‌های رقابتی، برخوردار باشند. به منظور تولید محصولات رقابت‌پذیر، رویکردهای جدیدی در حوزه مدیریت، معرفی شده است. این تحقیق تلاش می‌کند با تدوین یک الگوی مفهومی، نقش به‌کارگیری رویکردهای نوین مدیریتی سه‌گانه ناب، چابک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی را در ارتقای امنیت ملی به نمایش بگذارد. برای این منظور، ابتدا با به‌کارگیری روش دلفی، ویژگی‌های رقابتی صنایع دفاعی شناسایی، و سپس با به‌کارگیری روش تحقیق کیفی تحلیل محتوا و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و عمیق، نقش هر یک از رویکردهای سه‌گانه در تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر، ارتقای توان بازدارندگی و امنیت ملی بررسی شده است. نتایج حاکی است که به‌کارگیری رویکردهای نوین سه‌گانه زنجیره تأمین در صنایع دفاعی، به عنوان یک راهبردی جدید به ارتقای توان بازدارندگی و امنیت ملی منجر خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** رویکرد ناب‌سازی، رویکرد چابک‌سازی، رویکرد تاب‌آورسازی، بازدارندگی دفاعی، امنیت ملی.

rahimi\_akr@yahoo.com

a-raad@sbu.ac.ir

a-tabriz@sbu.ac.ir

motameni@sbu.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری مدیریت صنعتی، دانشگاه شهید بهشتی و محقق صنایع دفاعی

۲. استاد یار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

۳. استاد دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

۴. دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی

## مقدمه

امنیت ملی، که توانایی هر کشور برای حفاظت از ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می‌شود، بستر هر گونه پیشرفت علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برشمرده شده است و لذا اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. قدرت نظامی به دلیل نقشی که در ایجاد توان بازدارندگی در مقابل تهدیدات خارجی ایفا می‌کند مهمترین مؤلفه قدرت ملی به‌شمار می‌رود. تجهیزات به‌روز و پیشرفته نظامی از مهمترین ارکان قدرت نظامی هر کشور محسوب، و لذا در ایجاد و ارتقای امنیت ملی تأثیرگذار است که کل افراد جامعه از وجود آن بهره‌مند می‌شوند.

تسلیحات و تجهیزات نظامی، که در صنایع دفاعی ایران و در قالب زنجیره‌های تأمین، تولید می‌شود در صورتی می‌تواند به ارتقای توان بازدارندگی منجر شود که در مقایسه با تجهیزات به‌روز کشورهای پیشرفته از توان رقابت‌پذیری بسیاری برخوردار باشد. ویژگیهایی مانند نوآوری، کیفیت، سرعت تولید و تحویل زیاد، انعطاف‌پذیری بسیار، هزینه کم و توان اطمینان فراوان تحویل از جمله مهمترین ویژگیهای محصولات دفاعی امروزی به‌شمار می‌آید. تولید محصولات مجهز به این ویژگیها، همواره از دغدغه‌های مسئولان و مدیران ارشد صنایع دفاعی است. با توجه به اینکه صنایع دفاعی وظیفه ساخت و تولید اقلام مورد نیاز نیروهای مسلح، اجرای تحقیقات صنعتی لازم، افزایش امکانات فناورانه و تجهیز نیروهای دفاعی به انواع تسلیحات نظامی را برعهده دارد، بنابراین حوزه رقابتی این صنایع فراسازمانی و بین‌المللی است و می‌باید محصولاتی تولید کند که بتواند در سطح بین‌المللی و با عملکرد بهتر با تسلیحات و تجهیزات نظامی به‌روز و پیشرفته دشمن، رقابت کند.

به دلیل اهمیت زنجیره تأمین و مدیریت اثربخش آن در ایجاد مزیت‌های رقابتی، گفته می‌شود که امروزه رقابت سازمانها با رقابت بین زنجیره‌های تأمین آنها جایگزین می‌شود. سازمانها در تلاشند تا با بهبود مدیریت زنجیره تأمین خود، عملکرد زنجیره آن را در کسب مزیت‌های رقابتی پایدار بهبود بخشند. بنابراین مدیریت مؤثر زنجیره تأمین از عوامل اصلی بقای سازمانها است و در حال حاضر بخش جدایی‌ناپذیری از هر کسب و کاری به عنصری حیاتی برای افزایش سودآوری تبدیل، و برد رقابت سازمانها شده است. مدیریت مناسب زنجیره تأمین، توانایی افزایش خدمات به مشتری، کاهش هزینه‌های عملیاتی، افزایش کیفیت محصول، افزایش سرعت تحویل و نوآوری را دارا، و همه اینها نشان‌دهنده اهمیت کلیدی آن است.

ایجاد مزیت‌های رقابتی مختلف در محصولات نظامی، نیازمند به کارگیری رویکردهای مختلف مدیریتی است. از آنجا که انتظار می‌رود زنجیره تأمین به عنوان شبکه، بتواند محصول و خدمات مناسب را به موقع با ویژگی‌های مورد نیاز مشتری و در مکان مناسب ارائه کند، مدیریت مؤثر آن در قالب به کارگیری رویکردهای نوینی چون ناب، چابک و تاب آور میسر خواهد بود. ناب‌سازی زنجیره تأمین، رویکرد مبتنی بر کاهش هزینه است که با تمرکز بر بهبود فرایندها از طریق کاهش یا حذف تمام فعالیت‌های بدون ارزش افزوده در تمام مراحل چرخه عمر محصول از طراحی محصول تا تحویل نهایی آن به مشتری در عملکرد زنجیره تأمین بهبود ایجاد می‌کند. رویکرد چابک‌سازی زنجیره تأمین، توانایی پاسخ سریع و مؤثر به تغییرات غیرقابل پیش‌بینی در بازارها را از نظر حجم و تنوع محصول ایجاد می‌کند؛ با این حال، زمانی که سازمانها به اختلالات ناشی از وقایع ناگهانی و غیر قابل پیش‌بینی (مانند بحران اقتصادی و سیاسی یا تحریم) دچار می‌شود، ضروری است که زنجیره‌های تأمین آنها تاب آور باشند.

با توجه به اهمیت رویکردهای نوین مدیریتی به کارگیری آنها در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، غیرقابل انکار است و تولید محصولات نوین و پیشرفته دفاعی به شدت ضروری است که بتواند از طریق ارتقای توان بازدارندگی، امنیت ملی را ایجاد کند. این مقاله به منظور پاسخگویی به این سؤال تدوین شده است که نقش طراحی دوباره زنجیره تأمین صنایع دفاعی با به کارگیری رویکردهای نوین مدیریتی در ارتقای توان بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی چیست. توجه نکردن به رویکردهای نوین مدیریتی و نیز عدم تلاش برای به کارگیری آنها به عدم ارتقای سطح کیفی و هم‌چنین نوآوری در محصولات دفاعی در مقایسه با محصولات دفاعی دشمنان منجر، و باعث ایجاد اختلال در قدرت بازدارندگی و امنیت ملی خواهد شد.

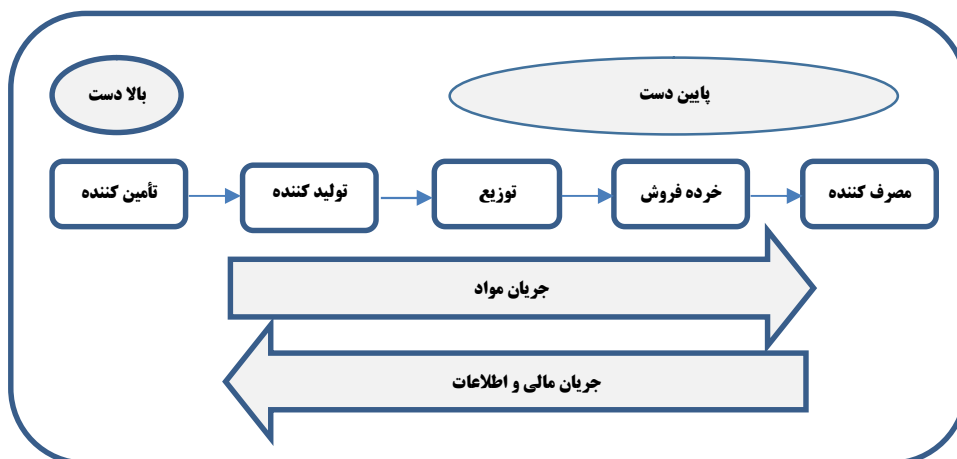
### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

#### زنجیره تأمین، مدیریت زنجیره آن و زنجیره تأمین صنایع دفاعی

در دنیای کنونی، تغییرات در اقتصاد و صنعت با سرعت بیشتری نسبت به گذشته در حال وقوع است. کشورها به دلیل روند جهانی شدن، افزایش رقابت را بیشتر حس می‌کنند. مشتریان به دنبال کالاها و خدماتی هستند که پاسخگویی نیاز آنها باشد و از سوی دیگر شرکتها به دنبال خلق مزیت رقابتی و با هدف ماندگاری بیشتر در بازار هستند. مدیریت زنجیره تأمین از عناصر مهم و ضروری پاسخگویی به نیاز مشتری و کسب مزیت رقابتی پایدار است؛ لذا مجموعه این عوامل به توجه جدی

مدیران و محققان دانشگاهی به زنجیره تأمین منجر شده است (چوی و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۲۹). زنجیره تأمین بر هماهنگی بین شرکتهایی تأکید می‌کند که در ارتباط با یکدیگر، محصولات و یا خدماتی را تولید و به بازار عرضه می‌کنند (ایگاراشی و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۴۷). زنجیره تأمین شامل تمام مراحل و بخشهایی است که مستقیم یا غیرمستقیم در تأمین درخواست مشتری، اثرگذار است. بنابراین زنجیره تأمین نه تنها شامل تولید کننده و تأمین کنندگان می‌شود، بلکه حمل و نقل، انبارها، خرده فروشان و مشتریان را در بر می‌گیرد (چوپرا و میندل، ۲۰۰۴: ۱۰۴). زنجیره تأمین شبکه‌ای از امکانات و گزینه‌های توزیع است که وظایف تهیه مواد، تبدیل این مواد به محصولات نهایی و توزیع آنها به مصرف کنندگان را بر عهده دارد (گاناسکاران، ۱۹۹۸: ۷۵۸).

شکل (۱) نمایی ساده از زنجیره تأمین را نشان می‌دهد که دارای پنج لایه تأمین کننده، تولید کننده، توزیع کننده، خرده فروش و مشتری نهایی است. هم چنانکه شکل (۱) نشان می‌دهد بین سطوح زنجیره تأمین سه جریان اصلی و مهم رخ می‌دهد که شامل جریان مواد، جریان اطلاعات و جریان مالی است. جریان مواد از تأمین کننده شروع، و به مشتری نهایی ختم می‌شود. جریان اطلاعات در هر چرخه و بین حداقل دو عضو از زنجیره تأمین رخ می‌دهد و جهت آن می‌تواند به سمت ابتدا و یا انتهای زنجیره باشد. جریان دیگر، جریان مالی و یا انتقال اعتبار مالی است که معمولاً در هر زنجیره تأمین مستقیم از انتهای زنجیره به ابتدای زنجیره، منتقل می‌شود. اهمیت و ضرورت توجه به این سه جریان در مدیریت زنجیره تأمین ضروری است (بلانچارد، ۲۰۱۰: ۲۱۱).



شکل ۱: نمای زنجیره تأمین

کسب و کارها برای حیات و موفقیت خود، شدیداً به زنجیره‌های تأمین خود وابسته‌اند. هر کسب و کاری شامل یک یا چند زنجیره از کل زنجیره تأمین بوده و نقشی را در هر یک از زنجیره‌ها به عهده دارد؛ بنابراین توجه به زنجیره تأمین هر کسب و کاری از اولویتهای مدیران ارشد آن، و تلاش برای مدیریت اثربخش این زنجیره برگ برنده آنهاست. در مجموع اگر این موارد تعریف زنجیره تأمین باشد، می‌توان مدیریت زنجیره تأمین را کارهایی تعریف کرد که ما انجام می‌دهیم تا بر رفتار زنجیره تأمین تأثیر بگذاریم و نتایجی به دست آوریم را که می‌خواهیم به دست آوریم (هوگس، ۲۰۰۶: ۱۱۹). جین و همکاران (۲۰۱۰: ۳۰۳)، مدیریت زنجیره تأمین را مدیریت فرایندی پویا شامل جریان مداوم مواد، بودجه و اطلاعات بین نواحی مختلف عملکردی در داخل و بین اعضای زنجیره می‌دانند. یونگان و همکاران (۲۰۱۲: ۲۴۹)، آن را مدیریت زنجیره‌ای توصیف می‌کنند که از طریق تمرکز اثربخش بر جریان مواد، اطلاعات و پول، سعی در ایجاد ارتباط مؤثر میان مشتریان و تأمین کنندگان سازمان دارد. حیدرزاده و همکاران (۲۰۱۶: ۱۰۵)، آن را شامل تمام تلاشها از خرید و ذخیره‌سازی مواد خام و همه فرایندهای کار از نقطه شروع تا نقطه تحویل کالاهای تولید شده به مصرف کننده نهایی معرفی می‌کنند. زنجیره تأمین صنایع دفاعی سه سطحی و شامل تأمین کنندگان، تولید کنندگان و مشتریان نهایی است. تأمین کنندگان، داخلی یا خارجی، تولید کنندگان، سازمانهای مختلف صنایع دفاعی و مشتریان آن شامل تمام نیروهای نظامی و انتظامی هستند. مدیریت زنجیره تأمین در صنایع دفاعی، شامل یکپارچه سازی فرایندهای کلیدی کسب و کار است که محصولات و خدماتی را تولید می‌کند که ارزش افزوده برای نیروهای مسلح ایجاد می‌کند.

#### رویکردهای نوین مدیریت زنجیره تأمین

##### رویکرد نابسازی زنجیره تأمین

زادگاه تولید ناب در شرکت تویوتا در ژاپن است. شرکت تویوتا در اواسط قرن نوزدهم به دلیل نیاز شدید دولت، وارد صنعت وسایل نقلیه موتوری شد. به منظور کسب تجربه از شرکت خودرویی فورد در امریکا، ای جی تویوتا (مدیر عامل شرکت تویوتا) با اوهنو (مهندس شرکت) به آمریکا سفر کردند و از شرکت اتومبیل سازی فورد بازدید به عمل آوردند و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که اصول تولید انبوه به دلیل کوچک بودن بازار مشتری، نیاز به خودروهای متنوع کوچک و بزرگ، نبود سرمایه کافی برای خرید وسایل، ماشین آلات و فناوری تولید انبوه، نیاز به وقت و مهارت زیاد کارگران برای تعویض قالبها، امکان اجرا را در ژاپن ندارد. بنابراین برای رفع این محدودیتها، شیوه

جدید تولید ناب در اواخر قرن نوزده در شرکت تویوتا شکل گرفت تا متناسب با خواست مشتری و با حداقل هزینه، تولید صورت گیرد (بیازو و پانیزولو، ۲۰۰۰: ۶). پس از معرفی تولید ناب با هدف برآورده کردن خواسته‌های مشتریان در بهترین کیفیت، کمترین هزینه و زمان ممکن، ایجاد تنوع در محصول و تمرکز بر کاهش هزینه‌ها با حذف دائمی فعالیتهای زائد، تفکر و رویکرد ناب در راستای ارزش آفرینی بیشتر برای مشتری به عنوان رویکردی جدید در حذف اتلافها و کاهش هزینه‌ها مورد توجه مدیران سازمان‌ها قرار گرفت (ریچهارت و هولوگ، ۲۰۰۷: ۳۶۱). این رویکرد یا تفکر، از این رو ناب نامیده می‌شود که می‌تواند شیوه‌ای را فراهم آورد که از طریق آن می‌توان با کمترین منابع (یعنی با نیروی انسانی کمتر، تجهیزات، زمان و فضای کمتر)، بیشترین کار را به انجام رساند و همزمان با تأمین درست نیاز مصرف کنندگان به آنها نزدیک و نزدیکتر شد (ووماک و جونز، ۱۹۹۰: ۱۲۴). امروزه واژه ناب را به مجموعه‌ای از فعالیتها و راهکارهای کاهش اتلاف و حذف عملیاتی اطلاق می‌کنند که هیچ ارزش افزوده‌ای ندارد (جاستی و کورا، ۲۰۱۷: ۱۰۵). شرکت ناب، نهادی یکپارچه است که به طور مؤثر برای چندین ذی نفع آن (شامل مالک، تأمین کنندگان، کارکنان و مشتریان) با استفاده از اصول و شیوه‌های ناب، ایجاد ارزش می‌کند (متایسل، ۲۰۰۵: ۶۲۳). زنجیره تأمین ناب، زنجیره‌ای است که در آن طی تمامی گامهای مورد نیاز برای تولید محصول یا خدمت از تأمین مواد اولیه تا تحویل محصول نهایی به مشتری، مفهوم ارزش از دید مشتری، مدنظر قرار می‌گیرد و تمامی فعالیتهای غیر ارزش افزا، حذف می‌شود و یا تا حد امکان کاهش می‌یابد (پانمان، ۲۰۱۷: ۱۰۹). ویتاسک (۲۰۰۵: ۳۹) زنجیره تأمین ناب را مجموعه‌ای از فعالیتها از تأمین مواد خام تا تحویل محصول به مشتری نهایی می‌داند که با تفکر ناب مبنی بر کاهش هزینه‌ها و اتلافها در کل زنجیره برای تأمین خواست مشتری همراه شده است. لتین و تورکو (۲۰۰۵: ۵۷) ویژگیهای مهم زنجیره تأمین ناب را حذف دوباره کاری در فرایند و فعالیتها و بهبود مستمر در میان تمام واحدهای زنجیره تأمین می‌دانند.

رویکرد چابک‌سازی زنجیره تأمین

رویکرد استفاده از منابع کمتر به منظور تولید با قیمت کمتر و تنوع بیشتر در محصولات به تغییر سامانه‌های تولید از انبوه به ناب و چابک منجر شد (کریستوفر و توپل، ۲۰۰۰: ۲۱۳). تولید ناب بر حذف اتلافها تمرکز می‌کند؛ اما تولید چابک بر توانایی درک و واکنش سریع نسبت به تغییرات بازار متمرکز است. تفاوت عمده دیگر این است که تولید ناب با برنامه‌ریزی تقاضا در وضعیت قابل کنترل همراه است در حالی که تولید چابک به معنای ایجاد ظرفیت ذخیره برای مقابله با تقاضای غیرقابل پیش‌بینی و رو به جلو است (وورلی و دولین، ۲۰۰۶، ۲۲۸). نیلور و همکاران (۱۹۹۹: ۱۰۷) معتقدند

زمانی که تنوع تقاضا خیلی زیاد نیست و محصولات استاندارد تولید می‌شود، تغییر در حجم تقاضا با ذخیره متناسب راهبردی مدیریت، و از رویکرد ناب به منظور حذف اتلافها و کاهش هزینه و قیمت محصول استفاده می‌شود؛ اما با تغییر حجم تقاضا و تنوع زیاد محصولات از رویکرد چابک استفاده می‌گردد. رویکرد چابکی، توانایی پاسخ سریع و مؤثر به تغییرات غیرقابل پیش بینی و وضعیت آشفته بازارها در حجم و تنوع تقاضاها است؛ به عبارتی مفهوم پایه چابکی انعطاف پذیری است (آگاروال، ۲۰۰۷: ۴۵۱). سازمانهای تجاری مدرن، رویکرد چابکی را راهبردی حیاتی برای بقا در طرح رقابتی شناخته‌اند (فن، ۲۰۰۷، ۱۶). هدف عمده رویکرد چابکی، ارائه راه‌حلی مناسب برای کمک به شرکتهای در تحویل محصول درست و در زمان درست به مشتریان در بازارهای آشفته و بی ثبات از دید تقاضاهای بسیار گوناگون و در حجمهای متفاوت از محصول است (لین و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۸۵). بارامیچیا و همکاران (۲۰۰۷: ۳۳۴)، زنجیره تأمین چابک را برای سازمانهای امروزی ضروری می‌دانند و بیان می‌کنند که چابکی زنجیره تأمین توانایی شرکت در تطبیق سریع یا پاسخ دادن به تغییرات بازار در رفع نیاز مشتریان است و توسعه این توان به برنامه‌ریزی قابل توجهی نیاز دارد و شناسایی نیاز در حال تغییر مشتریان از اولویتهای آنها است.

#### رویکرد تاب‌آورسازی زنجیره تأمین

گرچه حوزه‌های مختلفی از جمله علوم زیستی، علوم اجتماعی، علوم انسانی و مهندسی هر کدام با تعریف خود از تاب‌آوری در شکل‌گیری مفهوم آن نقش داشته‌اند دو رشته روانشناسی و علوم زیستی از پیشگامان معرفی مفهوم تاب‌آوری هستند (ریبریو و پواوو، ۲۰۱۵: ۹۶). هامل و همکاران (۲۰۰۳: ۵۲) ظرفیت بازسازی مستمر و استولتز (۲۰۰۴: ۱۶)، توانایی برگشتن از ناسازگاری و حرکت به جلو قوی‌تر از قبل را تعاریف تاب‌آوری مطرح می‌کنند. با توجه به اینکه سازمانها سامانه‌ای شناخته شده هستند و در محیطی فعالیت می‌کنند که بروز اختلالات جزء جدایی‌ناپذیر آن است، حفظ تعادل و برگشت پذیری آنها به حالت اولیه پس از بروز اختلالات ضروری است. این ضرورت باعث شد تا مفهوم تاب‌آوری به سازمانها نیز وارد، و رویکرد اساسی حوزه مدیریت مطرح شود. سازمان به عنوان سامانه، می‌تواند تحت تأثیر منابع مختلف اختلالات از جمله منابع خارجی مانند فاجعه‌ای طبیعی و منابع داخلی مانند بروز مشکلات فنی در کارکرد صحیح ماشین آلات باشد. اغلب چنین اختلالاتی به سرعت و بدون هشدار رخ می‌دهد (پونورامو و هولکوپ، ۲۰۰۹: ۱۲۴). با توجه به اهمیت مدیریت مؤثر زنجیره تأمین سازمانها در کسب مزیت رقابتی و ضرورت توجه سازمانها به کل چرخه زنجیره تأمین، رویکرد تاب‌آوری نیز در مدیریت زنجیره تأمین ورود یافت (شفی، ۲۰۰۵: ۴۱). سونی و



همکاران (۲۰۱۴: ۱۱) معتقدند که با توجه به اینکه سازمانها در محیطی متغیر و غیر قابل پیش‌بینی فعالیت می‌کنند و هیچگونه گریزی از اختلالات در زنجیره تأمین آنها نیست، زنجیره تأمین آنها باید به گونه‌ای طراحی شود که توانایی لازم را برای پاسخ کارا و اثر بخش به هر رویدادی داشته باشند و بتوانند پس از اختلال به وضعیت اولیه و یا حتی مطلوب‌تر از آن، دست یابند. کاروالهو و همکاران (۲۰۱۲: ۳۲۹) بیان می‌کنند که رقابت‌پذیری زنجیره‌های تأمین دیگر تنها به کاهش هزینه، کیفیت مناسب، کاهش زمان سفارش تا تحویل و سطح خدمات بهتر، بستگی ندارد، بلکه با توجه به اینکه بروز اختلال در زنجیره‌های تأمین طبیعی است، رقابت‌پذیری به توانایی زنجیره‌های تأمین در شناسایی و غلبه بر اختلالات گوناگونی بستگی دارد که عملکرد آنها را به خطر می‌اندازد. بنابراین زنجیره‌های تأمین می‌باید تاب‌آور نیز باشد. پونیز (۲۰۱۲: ۹۲۱) زنجیره تأمین تاب‌آور را زنجیره‌ای توانا در برنامه‌ریزی و طراحی شبکه خود برای پیش‌بینی وقایع غیرمنتظره، سازگار با اختلالات و همزمان با حفظ نظارت بر ساختار و عملکردها و دستیابی به وضعیت مطلوب‌تر قبل از رویداد، معرفی می‌کند و معتقد است که زنجیره تأمین تجهیز شده به این رویکرد به ایجاد مزیت رقابتی منجر می‌شود. کمال و همکاران (۲۰۱۶: ۱۱۶) زنجیره تأمین تاب‌آور را زنجیره‌ای توانا برای کاهش احتمال برخورد ناگهانی اختلالات، مقاوم در برابر گسترش اختلالات با حفظ کنترل ساختارها و عملکردها و بهبود و واکنش با برنامه‌های واکنشی سریع و مؤثر برای جلوگیری از اختلال و بازگرداندن خود به حالت مطلوب عملیاتی، تعریف می‌کنند.

### ویژگیهای رقابتی و محصولات رقابت‌پذیر

ویژگیهای رقابتی، مجموعه‌ای از اهداف واحدهای تولیدی است که با نیازهای بازار ارتباط دارد. راهبردهای تولید بر ویژگیهای رقابتی تمرکز می‌کند و اقداماتی را در بر می‌گیرد که به سازمان کمک می‌کند توانایی‌های راهبردی خود را در ایجاد و توسعه مزیت‌های رقابتی اصلی گسترش دهد. ویژگیهای رقابتی به ابعادی اطلاق می‌شود که سامانه تولیدی شرکت باید برای حمایت از تقاضای بازار ایجاد کند و شرکت به رقابت در آن مایل است. راهبرد عملیاتی هر شرکت به مجموعه‌ای از تصمیمات زیربنایی و ساختاری گفته می‌شود که از راهبردهای کلان آن شرکت و الزامات مشتریان نشأت می‌گیرد. اغلب این تصمیمات زیربنایی و ساختاری به دنبال عملی کردن نیازهای مشتریان است و آنها را به ویژگیهای رقابتی تبدیل می‌کند (ریتسمن و همکاران، ۲۰۰۴: ۲۱۴). چهار ویژگی رقابتی که شرکتهای برای رقابت در بازار انتخاب می‌کنند و به‌طور کلی در ادبیات پذیرفته شده است شامل

**به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...**

هزینه، کیفیت، انعطاف پذیری و تحویل به موقع است. برخی از مطالعات، نوآوری و سطح خدمات به مشتری را نیز ویژگیهای رقابتی دیگر برشمرده‌اند (بویر و لیوز، ۲۰۰۲: ۹).

پژوهشگران در چند دهه گذشته تعداد قابل توجهی از ویژگیهای رقابتی را شناسایی کرده‌اند که می‌توان بر اساس آنها عملکرد مدیریت زنجیره تأمین را ارزیابی کرد. جدول (۱)، این ویژگیها را نشان می‌دهد.

**جدول ۱: ویژگیهای رقابتی در پژوهشهای مختلف**

ویژگیهای رقابتی	پژوهشگر
کیفیت، هزینه، نوآوری، سطح خدمات، انعطاف پذیری، رضایت مشتری	بیمون و همکاران (۱۹۹۹)
هزینه، کیفیت، فاصله زمانی سفارش تا تحویل، انعطاف پذیری و پاسخگویی، امکان اطمینان تحویل	پرسون و اولهاگر (۲۰۰۲)
کیفیت، سرعت تحویل، انعطاف پذیری، هزینه	نیلی و همکاران (۲۰۰۵)
فاصله زمانی سفارش تا تحویل، هزینه، کیفیت و سطح خدمات	آگاروال و همکاران (۲۰۰۷)
هزینه، سرعت تحویل، کیفیت، انعطاف پذیری، نوآوری، سطح خدمات	شفرد و گانتز (۲۰۰۶)
کیفیت، قیمت، انعطاف پذیری، سرعت تحویل، رضایت مشتری، سطح خدمات	چن و همکاران (۲۰۰۶)
نوآوری، هزینه، خدمات با کیفیت، انعطاف پذیری، سطح خدمات، کیفیت محصول، امکان اطمینان تحویل	ونگ و همکاران (۲۰۰۹)
فاصله زمانی سفارش تا تحویل، رضایت مشتری، کیفیت، هزینه، نوآوری	فلورنت و ژن (۲۰۱۰)
انعطاف پذیری، امکان اطمینان تحویل، سطح خدمات، کیفیت و هزینه	نجمی و ماکوی (۲۰۱۰)
کیفیت، هزینه، زمان و سرعت تحویل، معرفی محصول جدید	پهروزی و وانگ (۲۰۱۱)
هزینه، کیفیت، سرعت تحویل، معرفی محصول جدید و رضایت مشتری	آمید و همکاران (۲۰۱۱)
کیفیت، امکان اطمینان تحویل، هزینه، سرعت تحویل	زاری و همکاران (۲۰۱۲)

جدول (۲)، توضیح خلاصه‌ای از ویژگیهای رقابتی جدول (۱) و هم‌چنین تعداد تکرار آنها را ارائه می‌کند.

**جدول ۲: شرح خلاصه‌ای از ویژگیهای رقابتی**

توضیح	معیار (تعداد تکرار در مطالعات جدول ۱)
کیفیت از طریق حداقل انحراف ممکن از الزامات کیفیت در منبع، ساخت و تحویل به دست می‌آید. این موضوع بسیار حیاتی است که کیفیت محصول از نظر مشتری مورد پسند باشد و خوشایند وی قرار گیرد. کیفیت هر محصول در خرسندی مشتری از انتخاب و استفاده از آن، خلاصه می‌شود. کیفیت ضعیف به تولید ضایعات و هزینه‌های اضافی برای سازمان ایجاد می‌کند. محصول بی کیفیت می‌تواند در سراسر زنجیره تأمین ارائه، و به ایجاد مشکل منجر	کیفیت (۱۲)

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

توضیح	معیار (تعداد تکرار در مطالعات جدول ۱)
<p>شود؛ به عنوان مثال، نقص در قطعات خریداری شده می‌تواند برای تولید مشکل ایجاد کند. به‌طور کلی مدیریت کیفیت در زنجیره تأمین می‌باید به کار گرفته شود که شامل روشهای مدیریت کیفیت برای بهبود کیفیت در سراسر زنجیره تأمین است.</p>	
<p>مشتریان همواره خواهان آن هستند که برای تأمین نیازهای خود، هزینه کمتری پرداخت کنند؛ بنابراین شرکتهای برای فروش محصولات خود بناچار می‌باید، بر کنترل هزینه‌های زنجیره تأمین، متمرکز شوند. اغلب شرکتهای تولیدی به کنترل هزینه توجه زیادی می‌کنند. اصطلاح هزینه به توانایی مدیریت هزینه‌های تولید کارآمد تمرکز می‌کند که شامل هزینه‌های کلی و موجودی است. ابزارهایی نظیر زمان تحویل کوتاه مدت و موجودی کم بر هزینه‌های عملیاتی تأثیر می‌گذارد. برای دستیابی به هدف هزینه‌های عملیاتی کم، باید به عنوان مثال ضایعاتی حذف شود که ممکن است ایجاد شود. همچنین هزینه‌های تدارکات، هزینه‌های پردازش اطلاعات، فرایندهای مدیریت تدارکات و فرایندهای انبارداری باید کاهش یابد؛ برای مثال، هزینه‌ها را می‌توان با پشتیبانی و خودکارسازی تبادل اطلاعات و پردازش سفارش با استفاده از فناوری اطلاعات، شناسایی و ردیابی، تهیه و پرداخت الکترونیکی و همچنین روشهای بهتر تحویل، کاهش داد.</p>	<p>هزینه (۱۲)</p>
<p>تنوع در محصولات، نوعی راهبرد است که بر اساس سلیقه گوناگون مشتریان به سازمانها تحمیل می‌شود. سازمانها تلاش می‌کنند تا با تولید محصولات گوناگون، به حجم بیشتری از مشتریان پاسخگو باشند. لازمه تولید محصولات متنوع انعطاف‌پذیری است انعطاف‌پذیری به توانایی شرکت در هماهنگی با تغییرات و عدم اطمینان بازار اشاره دارد. انعطاف‌پذیری در دستیابی به مزایای مشتری و انعطاف‌پذیری در استفاده از منابع مختلف، یعنی انعطاف‌پذیری کمی و کیفی ظرفیتهای انعطاف‌پذیری زیاد می‌تواند از طریق ظرفیتهای انعطاف‌پذیر، ایجاد و ارائه شود؛ به عنوان مثال با ظرفیتهای اضافی و نیروی کار واجد شرایط است که می‌توان انعطاف‌پذیری ایجاد کرد.</p>	<p>تنوع محصول (۷)</p>
<p>برخی مشتریان تمایل دارند محصول مورد نیاز خود را در زمان سفارش تحویل بگیرند؛ بنابراین سازمانها تلاش می‌کنند با تولید اضافه‌تر از نیاز فعلی بازار به این مشتریان نیز پاسخگو باشند. سطح خدمات سازمان به عنوان نسبتی از تقاضا در یک بازه زمانی مشخص تعریف می‌شود که با موجودی فعلی سازمان، بدون تأخیر و به طور کامل، قابل تحویل باشد. بهبود سطح خدمات همیشه هدف کلیدی مدیریت زنجیره تأمین مطرح می‌شود. مدیران زنجیره تأمین برای دستیابی به سطح خدمات بهتر، می‌باید به طور راهبردی سطح خدمات را مدیریت کنند و توانایی زنجیره تأمین را برای عرضه خدمت به مشتریان توسعه دهند. خدمت به مشتری اغلب هدف مهم مدیریت زنجیره تأمین ذکر شده است</p>	<p>سطح خدمات (۶)</p>

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

توضیح	معیار (تعداد تکرار در مطالعات جدول ۱)
<p>سرعت تحویل به مسائلی که بر زمان مبتنی است، مربوط می‌شود. یعنی اینکه چطور محصول یا خدمت بسرعت در اختیار مشتری قرار می‌گیرد؛ هم‌چنین به زمان عرضه محصول جدید به بازار هم توجه می‌کند. مشتریان تمایل دارند نیازهایشان با کمیت مناسب در زمان مناسب و با کیفیت مناسب در اختیارشان قرار گیرد.</p>	<p>سرعت تحویل (۶)</p>
<p>به‌طور کلی امکان اطمینان تحویل به زمانهای کوتاه و برابر برای تکمیل مراحل فرایند تولید وابسته است که به پایایی تحویل کمک می‌کند. بنابراین، نوسانات (تغییرات) در زمان پردازش محصول و هم‌چنین حمل و نقل آن، باید برای افزایش امکان اطمینان تحویل مدیریت شود. نوسانات در جریان مواد، اطلاعات و دیگر منابع سازمانی در زنجیره تأمین به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر امکان اطمینان تحویل اثرگذار است و می‌باید کنترل شود. روشهای مدیریت خطر زنجیره تأمین می‌تواند به منظور شناسایی، ارزیابی، کاهش و کنترل خطر در طول زنجیره تأمین مورد استفاده قرار گیرد.</p>	<p>قابلیت اطمینان تحویل (۴)</p>
<p>رضایت مشتری، واکنش مشتری نسبت به ارزش دریافت شده از خرید است؛ به عبارتی رضایت مشتری نشاندهنده واکنش مشتری از درک خود از ارزش دریافت شده در نتیجه استفاده از هر محصول یا خدمات خاص است. این واکنش تحت تأثیر ارزش مورد نظر استاندارد و مطلوب و هم‌چنین ارزش درک شده از رقابت (انتظارات بر اساس استفاده از محصولات رقیب) تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین رضایت مشتری تحت تأثیر درک ارزش تحویل شده و هم‌چنین درک ارزش ارائه شده از محصولات رقیب است.</p>	<p>رضایت مشتری (۴)</p>
<p>نوآوری به معنی به کارگیری تفکرات جدید ناشی از خلاقیت است که در هر سازمان می‌تواند به صورت کالای جدید خدمت و یا راه حل جدید کارها باشد. خلاقیت به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو اشاره دارد و نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار تازه و نو است. نوآوری می‌تواند در محصول، فرایند و یا ساختار باشد. رقابت شدید در بازار، چرخه عمر محصول را کاهش می‌دهد و از این رو نوآوری یکی از معیارهای مهم تعیین موفقیت شرکت است.</p>	<p>نوآوری (۳)</p>
<p>لید تایم به مفهوم فاصله زمانی بین سفارش تا تحویل محصول به مشتری است و به سطح موجودی و زمان تولید محصول بستگی دارد. زمان تحویل کوتاه می‌تواند از طریق نگهداری موجودی در انبار، موجب ایجاد ارزش افزوده از دید مشتری، و یا از طریق زمانهای کوتاه در تهیه و تولید محصولات، تأمین شود.</p>	<p>لید تایم تحویل (۳)</p>
<p>توانایی معرفی محصول جدید برای زنجیره‌های تأمین که می‌خواهند برتری رقابتی داشته باشند بسیار مهم است. در ابتدا، تنها کیفیت در الگوی راهبردی رقابتی مطرح بود؛ اما اخیراً معرفی محصول جدید راهبرد برنده شناخته شده است؛ این امر بویژه در کسب و کارهایی که در آن چرخه عمر محصول نسبتاً کوتاه است، بسیار مهم است. تأخیر در معرفی</p>	<p>معرفی محصول جدید (۲)</p>

معیار (تعداد تکرار در مطالعات جدول ۱)	توضیح
	محصولات جدید به بازار می‌تواند به پیامدهای منفی مانند کاهش سهم بازار، حاشیه سود کمتر و یا از دست دادن مشتریان منجر گردد.

محصولات رقابت پذیر، محصولاتی است که به دلیل مجهز شدن به ویژگیهای رقابتی، امکان رقابت با دیگر محصولات موجود در بازار را دارد (اوززمان و نازمول، ۱۴:۲۰۵۸).

### قدرت نظامی

قدرت ملی به مجموع تمامی منابع در دسترس هر ملت برای پیگیری اهداف ملی خود، گفته می‌شود و شامل قدرت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی است. قدرت در هر یک از این ابعاد به ایجاد امنیت در آن بعد منجر می‌شود؛ به عنوان مثال، قدرت اقتصادی موجب ایجاد امنیت اقتصادی کشور می‌شود و به عبارتی قدرت ملی، تضمین کننده امنیت ملی است (کریج، ۲۰۰۸:۵۹). قدرت نظامی یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی است و آشکارترین و بارزترین بخش قدرت ملی را تشکیل می‌دهد (ازغندی و روشندل، ۱۳۹۰:۳۲). قدرت نظامی به نیروی اعمال اراده تعریف می‌شود که از طریق نیروها و ابزار نظامی (نیروهای منظم با وظیفه مشخص حفظ و بقای جامعه و ابزار مشخص) صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر هر جامعه‌ای، برای حفظ و بقای خود به ایجاد تجهیزات و نیروهایی مبادرت می‌کند که پدیدآورنده قدرت نظامی است. قدرت نظامی اصولاً از پنج عنصر عمده شامل اهداف و راهبردهای نظامی، سازمان و تشکیلات نظامی، نیروی انسانی، فنون و فناوری نظامی و هم چنین تسلیحات و تجهیزات نظامی، ناشی می‌شود؛ به عبارتی، قدرت نظامی حاصل و برآیند این پنج عامل و پدیده مهم است. قدرت نظامی هر کشور، مهمترین مانع تهدیدات نظامی است (جمشیدی، ۱۳۷۴:۴۸).

### بازدارندگی دفاعی

بازدارندگی، مفهومی است که در برآیند "تهدیدات" و "قدرت نظامی" به "امنیت ملی بدون جنگ" منجر می‌شود. تهدید به معنی تواناییها، نیات و گاه اقدام بالقوه و بالفعل دشمنان برای جلوگیری از دستیابی موفقیت آمیز به علائق و مقاصد امنیت ملی است به گونه‌ای که ثبات سیاسی و امنیت ملی کشور به خطر افتد. تهدید ممکن است اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و از نوع نرم، نیمه سخت و سخت باشد (نوروزی، ۱۳۸۵:۲۷۶). بازدارندگی شامل سه سطح کاهش تهدید، منع

تهدید و رفع تهدید می‌شود. در سطح کاهش، تهدید به طور کلی برطرف نمی‌شود؛ اما میزان آن کاهش می‌یابد یا نوع آن به گونه‌ای تغییر می‌کند که قابل تحمل‌تر یا قابل دفاع‌تر باشد. پاسخ به این سؤال که: "تهدیدات را با چه شیوه‌هایی می‌توان کاهش داد؟" می‌تواند به بازدارندگی در این سطح مینجامد. در سطح منع، تهدید بکلی برطرف نمی‌شود؛ اما قدرت فعلیت ندارد. صلح مسلح، مسابقه تسلیحاتی، جنگ سیاسی و ایجاد پیمانهای مشترک، تقویت توان اقتصادی و علمی کشور موجب می‌شود تا تهدیدات، فرصت و زمینه تحقق پیدا نکند. کشورها در اغلب موارد به دنبال رسیدن به این سطح از بازدارندگی هستند. پاسخ به این سؤال که: "چگونه می‌توان مانع فعلیت یافتن تهدیدات بالقوه شد؟" می‌تواند به بازدارندگی در این سطح منتهی شود. رفع تهدید، بالاترین سطح بازدارندگی است که اساساً زمینه‌های ایجاد و بروز دشمنی و تهدید را از بین می‌برد. پاسخ به این سؤال که: "چگونه می‌توان اندیشه تهدید را از کشور تهدیدکننده سلب کرد؟" به بازدارندگی در این سطح منتهی می‌شود. کسب توان غیرقابل رقابت در توان دفاعی، اقتصادی و فرهنگی به گونه‌ای که کشور تهدیدکننده به فکر تهدید نیفتد، بالاترین سطح بازدارندگی است؛ بنابراین توان قوی دفاعی در ایجاد بالاترین سطح بازدارندگی دفاعی نقش بسیار حیاتی به عهده دارد (نوروز شاد، ۱۳۹۶: ۱).

### امنیت ملی

امنیت به مفهوم مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است که دو بعد فردی و ملی دارد. امنیت ملی یعنی ایمن و در امان بودن ملت. بدیهی است ملت زمانی از امنیت برخوردار است که تمامی نیازها و ارزشهای حیاتی آن از خطر تهدیدهای مختلف و همه‌جانبه به طور نسبی در امان، و ارتقای کمی و کیفی زندگی مردم نیز متناسب با نیاز زمان و روند تحولات جهانی، رشدی فزاینده داشته باشد؛ به عبارت دیگر مراد از امنیت ملی، ایمن و در امان بودن نسبی تمامی نیازها و ارزشهای حیاتی مردم در برابر تهدیدها و نیز ادامه روند روبه افزایش قدرت دولت در بستر زمان برای پاسخگویی به انتظارات فزاینده تمامی افرادی است که ملت را تشکیل داده‌اند. امنیت ملی توانایی کشور برای حفاظت از ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می‌شود. امنیت ملی به مفهوم وجود زمینه‌هایی است که در آن افراد ملت (مردم) از خطر هرگونه تهدیدی نسبت به تمامیت ارزی و استقلال کشور، وحدت ملی، نهادهای حکومتی، ثروتها، اقتدار و اعتبار ملی، عقاید، مقدسات، مال، معیشت، حیثیت، ناموس، جسم، جان، حقوق اساسی و به‌طور کلی همه ارزشهایی که در گستره چتر منافع امنیت ملی قرار دارد، در چارچوب قوانین کشور به‌طور نسبی در بستر زمان در امان باشند. بدیهی است رسیدن به توسعه ملی و افزایش ظرفیتهای کشور، متناسب با نیازهای جامعه و موقعیت

زمان ابعاد علمی، فناوری، صنعتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و به‌طور کلی هرگونه سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای تأمین نیازهای حال و آینده جامعه و رسیدن به زندگی بهتر و تعالی همه‌جانبه در صورتی فراهم است که امنیت ملی برقرار و با دوام باشد. امنیت ملی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و نظامی دارد. گرچه دیدگاه مدرن درباره امنیت ملی، آن را کاملاً با امنیت نظامی همراه نمی‌داند و مؤلفه‌های دیگر امنیت را نیز مورد توجه قرار می‌دهد نکته قابل توجه این است که همچنان تهدید نظامی، جزء اساسی‌ترین و اصلی‌ترین تهدیدهای امنیت ملی تلقی می‌شود و به همین دلیل امنیت نظامی به شاخص‌ترین بعد امنیت ملی تبدیل شده است (تهامی، ۱۳۹۰: ۲۵).

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای تدوین الگوی مفهومی نهایی تحقیق، نیازمند پاسخگویی به سؤالات تحقیق است.

#### سؤال اصلی تحقیق

طراحی دوباره زنجیره تأمین صنایع دفاعی و تجهیز آن به رویکردهای سه‌گانه ناب، چابک و تاب‌آور، چگونه به ارتقای توان بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود؟

#### سؤالات فرعی

ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی ایران کدام است؟

رویکردهای سه‌گانه ناب، چابک و تاب‌آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، چگونه بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی و تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر، تأثیر می‌گذارد؟  
تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر چگونه بر قدرت نظامی و ارتقای توان بازدارندگی دفاعی تأثیرگذار است؟

چگونه ارتقای توان بازدارندگی دفاعی بر ارتقای امنیت ملی اثرگذار است؟

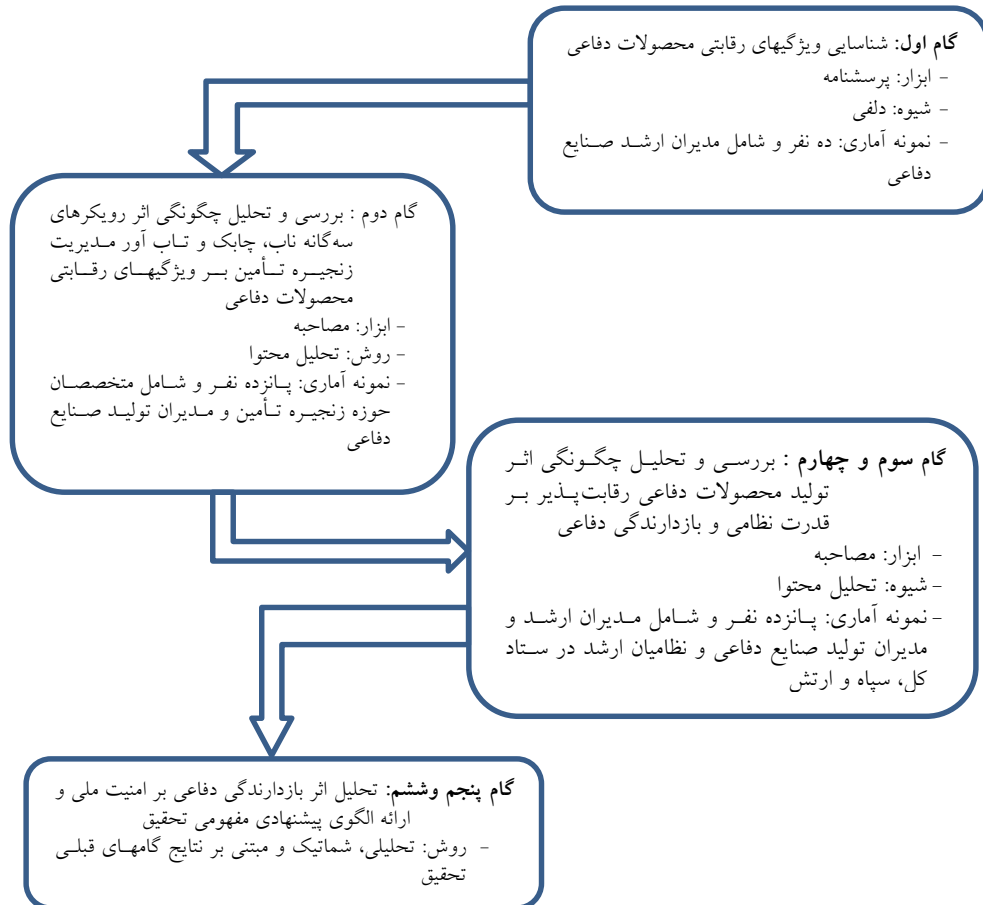
با توجه به سؤال اصلی و سؤالات فرعی، تحقیق در شش گام و مطابق با شکل (۲)، اجرا شد.

پژوهش از نوع پژوهشهای آمیخته محسوب می‌شود؛ چرا که در ابتدا با استفاده از روش کمی دلفی به شناسایی ویژگیهای رقابتی صنایع دفاعی می‌پردازد و پس از آن با استفاده از روش تحقیق کیفی تحلیل محتوا به بررسی روابط می‌پردازد.

در روش دلفی برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه و در روش تحلیل محتوا از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته عمیق، استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش در بخش اول شامل مدیران ارشد

**به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...**

صنایع دفاعی در بخش دوم مدیران تولید و متخصصان حوزه زنجیره تأمین در صنایع دفاعی و در بخش سوم شامل مدیران ارشد، مدیران تولید و نظامیان ارشد با تجربه جنگ تحمیلی می‌شود. در بخش اول پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند و حجم ده نفری از مدیران ارشد صنایع دفاعی، و در بخش دوم و سوم از روش نمونه‌گیری هدفمند گلوله برفی و حجم نمونه پانزده نفری استفاده شد. برخی از مدیران ارشد در بخش اول و سوم به صورت مشترک و برخی از مدیران تولید هم در بخش دوم و هم در بخش سوم به طور مشترک اعضای نمونه‌ها را تشکیل دادند. این موضوع به دلیل آشنایی بیشتر آنها با تحقیق در مرحله قبلی صورت پذیرفته است. قابل ذکر است که در بخش دوم و سوم پژوهش از حدود نمونه دوازده به بعد به اشباع نظری رسیدیم که در نمونه پانزدهم، مصاحبه‌ها متوقف شد.



**شکل ۲: فرایند و روش شناسی تحقیق**



## تجزیه و تحلیل نتایج

### گام اول: شناسایی ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی

در این بخش ویژگیهای رقابتی تحقیقات پیشین (جدول ۱) مبنا در نظر گرفته شده و پرسشنامه‌ای شامل هشت سؤال تدوین شد و در اختیار مدیران ارشد صنایع دفاعی قرار گرفت. با توجه به اینکه نوآوری محصول در ابعاد مختلف و شامل نوآوری در طراحی، فرایند و خود محصول می‌شود به نوعی ویژگی رقابتی تولید محصول جدید زیر مجموعه نوآوری است که در سؤالات پرسشنامه لحاظ نشد. ویژگی رقابتی کاهش فاصله زمانی سفارش تا تحویل نیز چون زیر مجموعه ویژگی رقابتی سرعت تحویل قلمداد می‌شود در پرسشنامه لحاظ نشد و لذا تعداد گویه‌های پرسشنامه هشت مورد در نظر گرفته شد. سؤال مورد نظر این بود که ویژگیهای رقابتی پرسشنامه به چه میزان به عنوان ویژگی رقابتی در صنایع دفاعی، اهمیت دارد. سؤالات پرسشنامه در قالب طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (۱، خیلی کم - ۵، خیلی زیاد) پاسخ داده، و در پرسشنامه اشاره شد که اگر ویژگی رقابتی دیگری مدنظر است، آن را اضافه کنند. جدول ۳ نتایج دو دور به کارگیری روش دلفی را به همراه ضریب هماهنگی و اتفاق نظر میان مدیران ارشد صنایع دفاعی در انتخاب ویژگیهای رقابتی نشان می‌دهد.

جدول ۳: نتایج به کارگیری شیوه دلفی در شناسایی ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی

دور دوم (W=0.76 ، K=10)		دور اول (W=0.73 ، K=10)		ویژگی رقابتی
اولویت	میانگین امتیازات	اولویت	میانگین امتیازات	
۱	۴/۹	۱	۴/۹	نوآوری فراوان
۲	۴/۸	۲	۴/۸	کیفیت خوب
۳	۴/۷	۳	۴/۶	سرعت تحویل مطلوب
۴	۴/۶	۴	۴/۴	تنوع محصول فراوان
۵	۴/۲	۵	۴	سطح خدمات خوب
۶	۴	۶	۳/۹	امکان اطمینان تحویل سریع
۷	۳/۸	۷	۳/۶	هزینه کم تولید
۹	۱/۳	۸	۱/۵	رضایت زیاد مشتری
۸	۳/۶	-	-	نگهداری مناسب محصولات

در این پژوهش به منظور تعیین میزان اتفاق نظر مدیران ارشد صنایع دفاعی در انتخاب ویژگیهای رقابتی از ضریب هماهنگی کندال استفاده شد. این ضریب نشان می‌دهد، افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، معیار مشابهی را برای قضاوت در باره اهمیت هر یک از مقوله‌ها به کار می‌گیرند و از این لحاظ اتفاق نظر دارند. برای تصمیم‌گیری در مورد توقف یا ادامه دوره‌های دلفی هم، معیار تصمیم‌گیری، اتفاق نظر قوی میان اعضا است که بر اساس مقدار ضریب هماهنگی کندال تعیین می‌شود. جدول ۴، چگونگی تفسیر اندازه‌های گوناگون این ضریب را نشان می‌دهد.

جدول ۴: چگونگی تفسیر اندازه‌های گوناگون ضریب هماهنگی کندال (Zar, 1999:245)

اندازه ضریب کندال (W)	۰/۱	۰/۲	۰/۳	۰/۴	۰/۵
تفسیر میزان اتفاق نظر	بسیار ضعیف	ضعیف	متوسط	قوی	بسیار قوی
اطمینان نسبت به ترتیب عوامل	وجود ندارد.	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد

جدول (۳) نشان می‌دهد که در دور اول، ویژگی رقابتی نوآوری فراوان در محصولات دفاعی، بیشترین اهمیت را دارد. پس از آن کیفیت محصولات قرار می‌گیرد و ویژگی رضایت مشتری از کمترین میزان اهمیت در ویژگیهای رقابتی برخوردار است. در این دور دو ویژگی ذخیره راهبردی و نگهداری مناسب محصولات نظامی، ویژگیهای رقابتی پیشنهادی توسط پاسخگویان ارائه شد. با توجه به اینکه ذخیره راهبردی محصولات دفاعی به مفهوم نگهداری موجودی اضافی، برای پاسخگویی به نیاز مشتری در موقعیت اختلال و یا تغییر حجم نیاز به آن است و ویژگی سطح خدمات، درست با همین مفهوم در نظر گرفته شده است در دور دوم دلفی موضوع با فرد پاسخگو مطرح شد و مورد تأیید آنان نیز قرار گرفت. با توجه به اهمیت نگهداری مناسب محصولات در حالت صلح، این ویژگی در دور دوم دلفی به ویژگیهای پیشین اضافه شد. نتایج دور دوم نشان می‌دهد که نوآوری، مهمترین ویژگی رقابتی محصولات دفاعی شناخته، و عامل رضایت مشتری بی‌اهمیت‌ترین ویژگی شناخته شده است. این موضوع شاید به این دلیل است که مدیران ارشد صنایع دفاعی، خود را بخش جدایی‌ناپذیری از دیگر نیروهای مسلح می‌شناسند و محصولات تولیدی خود را گرچه در اختیار آنها قرار می‌دهند، آنها را به خود متعلق می‌دانند؛ بنابراین رضایت خود را از محصولات تولیدی، که باید به دیگر ویژگیهای رقابتی مجهز باشد، رضایت مشتریانشان قلمداد می‌کنند و لذا بین دیگر ویژگیها، امتیاز کمی را کسب کرده است. با توجه به عدم پیشنهاد جدید از سوی پاسخگویان، و نتایج جدول (۳)، ضریب کندال دور دوم (W=0.76)، نشان می‌دهد که میزان اتفاق نظر زیاد است و ترتیب عوامل از اطمینان

فراوانی برخوردار است. با توجه به میزان اهمیت بسیار کم رضایت مشتری، این عامل از ویژگیهای رقابتی حذف شد؛ لذا ویژگیهای نوآوری زیاد، کیفیت خوب، سرعت تحویل مطلوب، تنوع محصول فراوان، سطح خدمات خوب، امکان اطمینان تحویل بموقع، هزینه کم تولید و نگهداری مناسب محصول به ترتیب به مهمترین ویژگیهای رقابتی صنایع دفاعی شناخته شد.

### گام دوم: تحلیل اثر رویکردهای سه‌گانه مدیریت زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی

در این بخش پاسخ به سؤالات مربوط به روابط رویکردهای سه‌گانه ناب، چابک و تاب‌آور زنجیره تأمین با ویژگیهای رقابتی برگزیده شده در بخش اول بررسی و تحلیل می‌شود؛ بنابراین جامعه آماری این قسمت شامل افرادی بود که آشنایی و تخصص خوبی نسبت به مدیریت زنجیره تأمین، رویکردهای سه‌گانه و ویژگیهای رقابتی داشتند. این بخش با استفاده از مصاحبه و از روش تحلیل محتوا انجام شد. سؤال این بود که آیا رویکردهای سه‌گانه در ویژگیهای رقابتی و تولید محصول رقابت پذیر دفاعی، نقش دارد، اگر دارد در کدام یک از آنها و چگونه به کارگیری این رویکردها می‌تواند موجب بهبود در این ویژگیها شود. داده‌ها در این قسمت از مصاحبه با ۱۵ نفر از متخصصان حوزه زنجیره تأمین و مدیران تولیدی جمع‌آوری شد و مورد تحلیل قرار گرفت که همگی در بخش دفاع به فعالیت می‌پردازند. جدول ۵، زمان مصاحبه با افراد نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۵: ویژگیهای نمونه و زمان مصاحبه (گام دوم)

شغل سازمانی در صنایع دفاعی	تعداد	مدرک تحصیلی	زمان تجمعی
عضو هیأت علمی	۳	دکتری	پنج ساعت و نیم
پژوهشگر	۲	دکتری	چهار ساعت و بیست دقیقه
مشاور صنعتی	۴	دکتری	شش ساعت و نیم
مدیر تولید	۶	کارشناسی ارشد	نه ساعت و نیم

### نقش رویکرد ناب‌سازی زنجیره تأمین در ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی

در این بخش، نظر پاسخ‌دهندگان درباره اینکه رویکرد ناب بر کدام یک از ویژگیهای رقابتی مؤثر است و هم‌چنین تحلیل آنها در چگونگی این اثر، ارائه می‌شود. با توجه به اینکه به دلیل مسائل حفاظتی

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

امکان ضبط مصاحبه نبود از مصاحبه‌ها نکته‌برداری صورت گرفت و خلاصه تحلیلها در ترکیب با تحلیل پژوهشگران در جدول (۶)، ارائه می‌شود.

جدول ۶: تحلیل اثر ناب‌سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی

تحلیل اثر ناب‌سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۹/۱۵))
<p>✓ هدف و تمرکز اصلی رویکرد ناب بر حذف اتلافها است. اتلاف هر نوع فعالیت اضافی در سازمان است که منابع مالی، انسانی، زمانی، مکانی، تجهیزاتی و ... را به خود اختصاص می‌دهد؛ اما در محصول هیچ تغییر و ارزش افزوده‌ای ایجاد نمی‌کند.</p> <p>✓ در صنایع دفاعی مجموعه‌ای از اتلافهای بزرگ و کوچک داریم. می‌توان با مواد اولیه کمتری به همین سطح از تولیدات دست یافت. طراحی محصولات، اتلاف زمانی، سرمایه‌ای و انسانی دارد. طراحی و چیدمان ماشین‌آلات، حرکت‌های غیرضروری مواد و منابع انسانی در تولید، عدم تمرکز جغرافیایی صنایع و عدم نزدیکی به تأمین‌کننده منبع اتلاف است. حمل و نقل‌های مواد و محصولات، برنامه‌ریزیهای تولید نامناسب به ایجاد گلوگاه و حجم عظیمی از محصولات در جریان تولید منجر می‌شود که اتلاف را به دنبال دارد. تولید محصولات بی کیفیت و دوباره کاری آنها اتلاف است. نبود برنامه‌های پیشگیرانه نگهداری و تعمیرات ماشین‌آلات، منبع اتلاف است. انتظار کارکنان در ایستگاه‌های کاری به دلیل عدم تناسب خطوط تولید، اتلاف است. فرایندهای کاری موازی و غیربهینه، اتلاف است. عدم رعایت اصول ارگونومی و استاندارد کاری، اتلاف است. عدم شایسته‌سالاری و به‌کارگیری افراد، متناسب با توان، انگیزه و تخصص آنها، اتلاف است. نیروی انسانی بی‌انگیزه، منبع اتلاف است. به کار نگرفتن سامانه‌های آموزشی مناسب هنگام خدمت، موجب اشتباهات کارکنان می‌شود و منبع اتلاف است. خرابی بیش از حد ماشین‌آلات به دلیل کهنگی، منبع اتلاف است. عدم همکاری تأمین‌کننده در فرستادن مواد و قطعات در زمان درست، منبع اتلاف است. کیفیت ضعیف قطعات تحویلی تأمین‌کنندگان موجب اتلاف است. نیروی انسانی زیاد، موجب اتلاف است. به‌کارگیری نیروهای تولیدی مسن که در فعالیت آنها تجربه نقش زیادی ندارد، اتلاف است. تصمیم‌گیریهای اشتباه مدیران و مسئولان، منبع اتلاف است.</p> <p>✓ برخی از این اتلافها به آسانی قابل حذف است؛ برخی نیازمند زمان و برخی نیازمند سرمایه است؛ اما بخش عمده‌ای از آنها قابل حذف است.</p> <p>✓ وجود اتلاف در زنجیره‌های تأمین به معنی وجود هزینه است و حذف این اتلافها یعنی کاهش هزینه.</p> <p>✓ پس رویکرد ناب با حذف و مدیریت اتلافها به کاهش هزینه‌های تولید محصول در کل زنجیره تأمین منجر می‌شود.</p>	<p>هزینه (۱۵)</p>

تحلیل اثر ناب‌سازی زنجیره تأمین بر ویژگی‌های رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۴/۱۵))
<p>✓ تولید محصولات معیوب اتلاف است که ریشه آن معمولاً به نیروی انسانی، ماشین‌آلات و تجهیزات، فرایند تولید و تأمین‌کننده بر می‌گردد. حذف دوباره کاری با تولید محصولات با کیفیت، نیازمند حذف اتلاف‌های چندگانه نیروی انسانی، ماشین‌آلات و تجهیزات، فرایند و تأمین‌کننده است. رویکرد ناب با حذف این اتلاف‌ها می‌تواند به تولید محصولات با کیفیت‌تر منجر شود.</p> <p>✓ مدیریت کیفیت جامع با مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل کنترل کیفیت آماری، پوکایوکه (تصحیح خطا یا اشتباه، شش سیگما، به کارگیری حلقه‌های کیفیت، دریافت انواع گواهینامه‌های کیفی و...) اقدامی در رویکرد ناب معرفی می‌شود که این موارد همگی به ارتقای سطح کیفی محصولات منجر می‌شود.</p> <p>✓ نگهداری و تعمیرات به موقع ماشین‌آلات به تولید محصول با کیفیت منجر می‌شود که نتیجه به کارگیری سامانه مدیریت نگهداری بهره‌ور جامع است که خود از اقدامات زنجیره تأمین ناب به‌شمار می‌آید.</p> <p>✓ ایجاد سامانه‌های ارزیابی و بهبود مستمر در شناسایی اتلاف‌ها و تلاش برای رفع مداوم آنها بهبود کیفیت محصولات را در پی دارد که بشدت در رویکرد ناب مورد توجه است.</p> <p>✓ برنامه‌ریزی مناسب و تناسب خطوط تولید، مانع ایجاد فشار کاری بر برخی ایستگاه‌ها می‌شود و به نوعی حجم تولید ضایعات و دوباره کاری را کاهش می‌دهد و موجب ارتقای سطح کیفی محصولات می‌شود.</p> <p>✓ استانداردسازی روش کار و فرایندهای تولید به ارتقای سطح کیفی محصولات کمک می‌کند که از اقدامات قابل توجه در رویکرد ناب است.</p> <p>✓ همکاری، اعتماد دوطرفه و ارتباط مؤثر و بلندمدت با تأمین‌کنندگان از زمینه‌های اصلی تولید با کیفیت توسط تأمین‌کنندگان است که در تولید محصول نهایی با کیفیت به شدت مؤثر است.</p> <p>✓ آموزش کارکنان، ایجاد سامانه‌های انگیزشی و مشارکت آنها در تصمیم‌گیریها، چرخش شغلی و توسعه شغلی کارکنان در ارتقای سطح کیفی محصولات مؤثر است که همه اینها در رویکرد ناب مورد توجه قرار می‌گیرد.</p> <p>✓ استفاده از فناوریها و ماشین‌آلات، ابزار و تجهیزات جدید در ارتقای سطح کیفی محصول مؤثر است.</p> <p>✓ نظم و انضباط کاری که در قالب فلسفه ۵S تعریف می‌شود در تولید محصولات با کیفیت مؤثر است که بسیار مورد توجه رویکرد ناب است.</p>	<p>کیفیت (۱۵)</p>

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

تحلیل اثر ناب‌سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۴/۱۵))
<p>✓ تمرکز جغرافیایی واحدهای تولیدی و نزدیکی با تأمین کنندگان اصلی، باعث تسریع در جابه‌جایی کالاها و محصولات در جریان ساخت می‌شود و سرعت تولید و تحویل محصول را افزایش می‌دهد.</p>	<p>کیفیت (۱۵)</p>
<p>✓ کاهش زمان راه‌اندازی ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی، سرعت تولید و تحویل محصول را زیاد می‌کند.</p> <p>✓ کاهش زمانی روند تولید محصول از طریق برنامه‌ریزی مناسب تولید و حذف گلوگاه‌های کاری به تولید سریع محصولات منجر می‌شود.</p> <p>✓ کاهش زمان تحویل محصول به استفاده کنندگان آن از طریق هماهنگی و برنامه‌ریزی مناسب حمل و نقل موجب سرعت تحویل کالا می‌شود.</p> <p>✓ برنامه‌ریزی و کنترل عملیات تولید از طریق کاهش ضایعات و تمرکز بر زمان تحویل محصول، سرعت تولید را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ استانداردسازی کار و آموزش روش صحیح کار، موجب ارتقای سرعت تولید می‌شود.</p> <p>✓ به کارگیری فناوری و تجهیزات مناسب و جدید در سامانه‌های تولید به ارتقای سرعت تولید منجر می‌شود.</p> <p>✓ به کارگیری سامانه تولید مناسب و چیدمان صحیح ماشین‌آلات و تجهیزات در سرعت تولید مؤثر است.</p> <p>✓ نظم و انضباط کاری از طریق سرعت دسترسی به تجهیزات، حضور به‌موقع کارکنان و جلوگیری از سردرگمی و حرکات مازاد و غیرضروری آنها، موجب ارتقای سرعت تولید می‌شود.</p> <p>✓ برنامه‌های بهبود ایمنی و اهمیت به ایمنی محیط کار از طریق حفظ منابع انسانی ارزشمند به تحویل مناسب محصول می‌انجامد.</p> <p>✓ نگهداری پیشگیرانه و تعمیر به موقع ماشین‌آلات به ارتقای سرعت تولید منجر می‌شود.</p> <p>✓ تولید به‌هنگام که جزء جدانشدنی زنجیره تأمین ناب است با تمرکز بر تأمین در زمان مناسب و حذف انتظارات ایستگاه‌های کاری و برنامه‌ریزی جامع تولید، ارتقای سرعت تولید را در پی دارد.</p> <p>✓ مدیریت کیفیت جامع با تولید محصولات با کیفیت و حذف یا کاهش ضایعات تولیدی، سرعت تولید محصول را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ ارتباط دو جانبه و بر اساس اعتماد متقابل با تأمین کنندگان و همکاری نزدیک و بلندمدت با آنها سرعت تحویل و کیفیت محصولات و مواد اولیه را افزایش می‌دهد و خود به خود موجب تولید محصول در زمان مناسب می‌شود.</p>	<p>سرعت تحویل (۱۵)</p>

تحلیل اثر ناب‌سازی زنجیره تأمین بر ویژگی‌های رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۹/۱۵))
<p>✓ مهندسی همزمان، که به مفهوم همزمانی طراحی با تولید با مشارکت بخش‌های تأثیرگذار تولید (مدیران تولید، متخصصان واحدها، مدیران کیفیت و...) است، موجب کاهش فاصله زمانی طراحی تا تولید می‌شود و سرعت تولید را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ بهبود فرایندها و حذف فعالیت‌های موازی، موجب سرعت تولید محصولات می‌شود.</p> <p>✓ آموزش کارکنان و توسعه مهارت آنها، موجب ارتقای سرعت تولید می‌شود.</p> <p>✓ به‌کارگیری نیروهای جوان، با انگیزه و متخصص و متعهد موجب ارتقای سرعت تولید می‌شود.</p> <p>✓ به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده از نرم‌افزارهای گوناگون در تولید و ارتباط با تأمین‌کنندگان و مشتریان صنایع دفاعی، موجب ارتقای سرعت تولید و تحویل می‌شود.</p>	
<p>✓ هر آنچه بتواند نوسانات تولید را کاهش دهد به گونه‌ای که زمان تولید دو محصول مشابه در حداقل زمان و به اندازه برابر باشد به امکان اطمینان در تحویل محصول کمک می‌کند.</p> <p>✓ نابسازی با حذف اتلاف‌هایی که در اثر بروز اختلالات ایجاد می‌شود، مانند خرابی پیش‌بینی نشده ماشین‌آلات، تولید محصولات فاقد کیفیت و غیرقابل تحویل به مشتری و عدم حضور کارکنان کلیدی به ارتقای امکان اطمینان تحویل منجر می‌شود.</p> <p>✓ به‌کارگیری مدیریت کیفیت جامع در راستای تولید محصولات با کیفیت، موجب ارتقای امکان اطمینان تحویل می‌شود.</p> <p>✓ به‌کارگیری ماشین‌آلات و تجهیزات تولیدی مناسب و حمل و نقل مناسب، ارتقای امکان اطمینان تحویل را به دنبال دارد.</p> <p>✓ به‌کارگیری فلسفه تولید به‌هنگام، امکان اطمینان محصول در زمان درست را ارتقا می‌دهد.</p> <p>✓ به‌کارگیری نگهداری جامع بهره‌ور ماشین‌آلات و تجهیزات، امکان اطمینان تحویل را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ همکاری مناسب و بلندمدت با تأمین‌کنندگان، موجب دریافت مواد درست و در زمان درست می‌شود و افزایش امکان اطمینان تحویل را در پی دارد.</p>	<p>امکان اطمینان تحویل (۱۲)</p>

### نقش رویکرد چابک‌سازی زنجیره تأمین در ویژگی‌های رقابتی محصولات دفاعی

در این بخش، نظر پاسخ‌دهندگان درباره اینکه رویکرد چابک بر کدام یک از ویژگی‌های رقابتی مؤثر است و تحلیل آنها در چگونگی این اثر ارائه می‌شود. خلاصه تحلیل‌های مصاحبه در ترکیب با تحلیل پژوهشگران در جدول (۷)، ارائه می‌شود.

جدول ۷: تحلیل اثر چابک‌سازی زنجیره تأمین، بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی

تحلیل اثر چابک سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۱۵/۴))
<p>✓ نوآوری از برجسته‌ترین ویژگیهای محصولات دفاعی است؛ چراکه رشد شدید فناوری و به کارگیری آنها در صنایع نظامی در دنیا به ایجاد محصولات جدید و پیشرفته منجر می‌شود و برای مقابله با محصولات پیشرفته دفاعی، نیازمند چابکی زنجیره تأمین هستیم که بتوانیم توانایی پاسخگویی و واکنش سریع و موفقیت‌آمیز را به تغییرات محیطی در محصولات افزایش دهیم.</p> <p>✓ به کارگیری فناوری اطلاعات و نرم افزارهای طراحی و تولید در طراحی محصول، که مبنای تبدیل فکر به محصول و خلق محصولات نوآور است به شدت کمک کننده است. استفاده این فناوریها و امکانات در زنجیره تأمین چابک بشدت مورد توجه است.</p> <p>✓ منشأ نوآوری، نظریه پردازی و خلاقیت است. کارکنان چند مهارته، آموزش دیده و متخصص در حوزه فعالیتهای خود، قدرت بسیاری در نظریه پردازی دارند و منشأ نوآوری هستند. کارکنانی با این ویژگیها در رویکرد چابک مورد توجه قرار می گیرند.</p> <p>✓ آسان سازی روابط کارکنان با مدیران، تشکیل گروه‌های هم اندیشی، مستندسازی تجربیات طرحهای قبلی، به کارگیری ساختار سازمانی مسطح و غیر سلسله مراتبی، فضای نوآوری را در زنجیره تأمین افزایش می دهد. که بسیار مورد توجه رویکرد چابکی است.</p> <p>✓ ایجاد زیرساختهای موجود برای تشویق نوآوری در سازمان، زمینه ساز بروز خلاقیت کارکنان است که مورد توجه رویکرد چابکی، و مبنای نوآوری محصول است.</p> <p>✓ تعریف دقیق نیازمندیهای مشتری، و طرح موضوع در بخشهای مختلف زنجیره تأمین، به نوآوری در محصول منجر می شود.</p> <p>✓ تأمین کننده نوآور در تولید محصولات نوآور مؤثر است. ارتباط مؤثر با تأمین کنندگان و تلاش برای ارتقای سطح نوآوری محصولات آنها در زنجیره تأمین چابک مورد تأیید است.</p> <p>✓ امکانات تولیدی و فناوریهای امروزی در چابکی زنجیره تأمین مؤثر است و برای تولید محصولات نوآور به شدت کمک کننده است.</p> <p>✓ یادگیری سازمانی به ایجاد نوآوری منجر می شود که از مسائل مورد توجه در رویکرد چابکی است.</p>	<p>نوآوری (۱۵)</p>



تحلیل اثر چابک سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۹/۱۵))
<p>✓ مبنای چابکی زنجیره تأمین، واکنش سریع به درخواست بازار است و ارتقای سرعت تحویل جزء جدایی‌ناپذیر چابکی زنجیره تأمین است.</p> <p>✓ به رغم اینکه رویکرد ناب تلاش می‌کند با حذف اتلافها و از جمله اتلافهای زمانی در زنجیره تأمین بهبود ایجاد کند، تمرکز اصلی رویکرد چابک بر سرعت تحویل است.</p> <p>✓ رویکرد چابک با به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات، زمینه‌های ایجاد هماهنگی بین تولید، تأمین و مشتری را به وجود می‌آورد و موجب ارتقای سرعت در تولید و تحویل آن می‌شود.</p> <p>✓ تمرکز زنجیره تأمین بر ایجاد شبکه‌های مجازی به منظور تبادل اطلاعات با تأمین کنندگان است که موجب سرعت تحویل کالا می‌شود.</p> <p>✓ یکپارچه‌سازی فرایندها و مشارکت بخشی در طراحی و تولید از جمله مسائل مورد تأکید رویکرد چابک است که به سرعت تولید و تحویل منجر می‌شود.</p> <p>✓ رویکرد چابک بر مسطح کردن ساختار سازمانی، و آسان‌سازی تصمیم‌گیری تأکید می‌کند که می‌تواند به تولید سریعتر محصول و تحویل آن کمک کند.</p> <p>✓ درک نیاز مشتری در سریعترین زمان، کمک می‌کند که زنجیره تأمین بتواند برای پاسخگویی سریع، آماده شود و محصول را سریعتر به مشتری برساند.</p> <p>✓ استفاده از سامانه‌های مناسب حمل و نقل و برنامه ریزی مناسب آنها به سرعت تحویل کالا پس از تولید آن کمک می‌کند که مورد تأکید زنجیره تأمین چابک است.</p> <p>✓ ایجاد ظرفیت اضافی و موجودی اطمینان که در زنجیره تأمین مورد توجه است به سرعت در تحویل محصولات منجر می‌شود.</p> <p>✓ رویکرد چابک امکان تغییر در ترکیب محصولات تولید را ایجاد می‌کند و می‌تواند برای تولید محصولات مورد نظر بسرعت ساماندهی شود.</p> <p>✓ رویکرد چابک با حداقل سازی زمان راه‌اندازی ماشین‌آلات به تولید و تحویل سریع کمک می‌کند.</p> <p>✓ افزایش مهارت کارکنان و سرعت آنها در دوره زمانی منحنی یادگیری به تولید و تحویل سریع کمک می‌کند.</p> <p>✓ انعطاف‌پذیری خطوط تولید و استفاده از فناوریهای منعطف تولیدی به رغم اینکه امکان ایجاد تنوع در محصول را در برمی‌گیرد، سرعت تولید محصول را هم افزایش می‌دهد. انعطاف‌پذیری جزء اصلی در زنجیره تأمین چابک است.</p>	<p>سرعت تحویل (۱۵)</p>

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

تحلیل اثر چابک سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی اثرپذیر (تعداد تأثیر (۹/۱۵))
<p>✓ لازمه تولید محصولات متنوع، انعطاف پذیری زنجیره تأمین است، که مبنایی برای چابکی است.</p> <p>✓ محصولات گوناگون، نیازمند طراحی گونه گون است و امکان ایجاد طراحی گونه گون در محصول مورد توجه رویکرد چابکی است.</p> <p>✓ فناوری اطلاعات و ساخت (سامانه های طراحی و تولید رایانه ای)، برای ایجاد تنوع در محصولات حیاتی است که در رویکرد چابک مورد توجه قرار می گیرد.</p> <p>✓ داشتن کارکنان ماهر، زبده و آموزش دیده از الزامات ایجاد تنوع در محصول است که رویکرد چابک به آنها توجه ویژه ای دارد.</p> <p>✓ ارتباط مناسب با تأمین کنندگان برای تولید محصولات گونه گون ضرورتی انکارناپذیر است که مورد توجه رویکرد چابک است.</p> <p>✓ ارتباط مؤثر با مشتری و تجزیه و تحلیل بازار به منظور شناخت نیازمندیهای گوناگون او، لازمه تولید محصولات گوناگون است.</p> <p>✓ حداقل سازی زمان راه اندازی، به کارگیری ماشین آلات با امکانات مختلف و ابزارهای تخصصی از ضروریات ایجاد تنوع در محصول است که مورد توجه رویکرد چابک است.</p>	تنوع محصولات (۱۵)
<p>✓ استفاده از ماشین آلات و تجهیزات نوین و منعطف، که لازمه زنجیره تأمین چابک است با کاهش حجم ضایعات و افزایش دقت در تولید محصولات به تولید محصولات با کیفیت تر منجر می شود.</p> <p>✓ تأمین کننده چابک، مواد و محصولات با کیفیت تری در اختیار سازمانها قرار می دهد و زمینه تولید محصول با کیفیت تر را فراهم می سازد.</p> <p>✓ دریافت اطلاعات از مشتری نهایی و گردش صحیح و دقیق اطلاعات در زنجیره تأمین از طریق به کارگیری فناوری اطلاعات، زمینه بهبود در سفارشی سازی محصول دقیقاً متناسب با خواست مشتری را ایجاد می کند، که خشنودی مشتری و ارتقای سطح کیفی محصول را در پی دارد.</p>	کیفیت (۱۵)
<p>✓ زنجیره تأمین چابک برای اینکه بتواند به سرعت به نیاز بازار پاسخ دهد، علاوه بر اینکه بر ایجاد ظرفیت اضافی (برای تولید در حجم بیشتر مورد نیاز مشتری) تأکید می کند بر تولید اضافی در یک حجم متعادل هم متمرکز است که هر دو اینها می تواند سطح خدمات مشتری را بهبود بخشد.</p>	بهبود سطح خدمات (۱۵)

نقش تاب‌آورسازی زنجیره تأمین در ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی در این بخش، نظر پاسخ‌دهندگان درباره اینکه رویکرد تاب‌آور بر کدام یک از ویژگیهای رقابتی مؤثر است و تحلیل آنها در چگونگی این تأثیر ارائه می‌شود. خلاصه تحلیل‌های مصاحبه در ترکیب با تحلیل پژوهشگران در جدول (۸)، ارائه می‌شود.

**جدول ۸: تحلیل تأثیر تاب‌آورسازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی**

تحلیل تأثیر تاب‌آورسازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی	ویژگی رقابتی تأثیرپذیر (تعداد تأثیر (۱۵/۴))
<p>✓ رویکرد تاب‌آوری با شناسایی اختلالات متعدد و احتمال بروز آنها در زنجیره تأمین، تلاش می‌کند کاهش احتمال بروز و اثر اختلالات و آسیبها، امکان اطمینان تولید و تحویل محصول را افزایش دهد.</p> <p>✓ تأمین قطعات و مواد اولیه از چندین تأمین‌کننده در شرایطی که یک یا چند تا از آنها به هر دلیل قادر به ارائه مواد و قطعات مورد نیاز ما نباشد، مورد تأکید رویکرد تاب‌آوری است که می‌تواند امکان اطمینان تحویل را افزایش دهد.</p> <p>✓ استفاده از کارکنان متبحر، آموزش دیده و چند مهارته در صورت بروز اختلال نبود دیگر کارکنان، می‌تواند به امکان اطمینان تحویل خوب منجر شود.</p> <p>✓ ایجاد ذخیره راهبردی برای جلوگیری از عدم پاسخگویی به مشتریان در صورت بروز اختلالات از موارد قابل توجه در رویکرد تاب‌آوری است و امکان اطمینان تحویل را ارتقا می‌دهد.</p> <p>✓ طراحی سامانه تولید محصولات گوناگون و چندگانه برای ایجاد امکان ادامه فعالیت زنجیره تأمین در صورت بروز اختلال در زنجیره تأمین یک یا چند محصول، امکان اطمینان تحویل را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ ارتباط مؤثر با تأمین‌کننده و مدیریت موجودی آن از طریق شبکه‌های فناوری اطلاعات، می‌تواند موجب شفافیت اطلاعات در زنجیره تأمین و به اقدامات لازم سازمان در صورت اعمال هرگونه تغییر در آنها منجر شود. این موضوع تحت عنوان رؤیت‌پذیری زنجیره تأمین در رویکرد تاب‌آوری مورد توجه است و امکان اطمینان تحویل را در پی دارد.</p> <p>✓ تعهد تأمین‌کنندگان به قراردادها و ارتباط بلندمدت با آنها و فعالیت همکارانه در زنجیره تأمین، که مورد توجه جدی رویکرد تاب‌آور است، به ایجاد امکان اطمینان تحویل خوب منجر می‌شود.</p> <p>✓ استفاده از ناوگان حمل و نقل اختصاصی، مدیریت آنها را به‌طور مؤثر در اختیار سازمان قرار می‌دهد و در حالت بحران، امکان تحویل محصول را افزایش می‌دهد.</p>	<p>امکان اطمینان تحویل (۱۵)</p>

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

ویژگی رقابتی تأثیرپذیر (تعداد تأثیر (۱۵/۴))	تحلیل تأثیر تاب آوری سازی زنجیره تأمین بر ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی
امکان اطمینان تحویل (۱۵)	<p>✓ اشتراک اطلاعات با تأمین کنندگان درباره شناسایی خطرهای گوناگون زنجیره تأمین به مدیریت خطرها و چاره‌جویی برای مقابله با آنها در صورت بروز از موارد قابل توجه رویکرد تاب آور است که امکان افزایش اطمینان تحویل را به دنبال دارد.</p> <p>✓ یادگیری از تجربه بروز اختلالات پیشین و آماده‌سازی زنجیره تأمین برای مقابله با آنها در صورت تکرار به ارتقای سطح امکان اطمینان تحویل کمک می‌کند.</p>
سطح خدمات (۱۲)	<p>✓ نگهداری موجودی اضافه برای ادامه حیات زنجیره تأمین در صورت بروز اختلال از موارد قابل توجه در رویکرد تاب آوری است که سطح خدمات مشتری را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ نگهداری ظرفیت اضافی تولید برای جلوگیری از ادامه حیات زنجیره تأمین در صورت بروز اختلال در خطوط تولیدی، منجر به ارتقای سطح خدمات به مشتری می‌شود.</p>
نگهداری مناسب محصول (۸)	<p>✓ با توجه به ضرورت نگهداری موجودی اضافی از محصولات نهایی برای پاسخگویی به نیاز مشتری در زمان بروز اختلال، باید محصولات به‌درستی نگهداری شود و امکان استفاده و کاربری خود را در گذر زمان از دست ندهد؛ لذا بازرسی مستمر و دوره‌ای موجودیهای اطمینان برای پاسخگویی به نیاز مشتری ضروری، و مورد توجه در رویکرد تاب آوری است.</p>

نکته قابل توجه اینکه در تحلیل اثر گذاری هر یک از رویکردهای سه گانه، تنها مواردی مطرح شد که تعداد قابل توجهی از پاسخگویان (بیشتر از نصف آنها) به وجود آن تأثیر، معتقد بودند و تحلیل مورد نظر آنها درست به نظر می‌رسید؛ به عنوان مثال تنها دو نفر از پاسخگویان تأکید کردند که رویکرد تاب آوری در سرعت تحویل محصول نیز تأثیرگذار است. گرچه رویکرد تاب آوری بر ادامه فعالیت زنجیره تأمین در حالت بحران و برگشت به وضعیت عادی در صورت بروز اختلال، تأکید می‌کند، الزاماً به تولید سریعتر محصولات منجر نمی‌شود، بلکه از ایجاد تأخیر بیش از اندازه در تولید و تحویل محصولات جلوگیری می‌کند.

### گام سوم: تحلیل اثر تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر بر ارتقای قدرت نظامی

محصولات دفاعی رقابت‌پذیر به محصولاتی اشاره می‌کند که به ویژگیهای رقابتی مشخص شده برای محصولات دفاعی (در بخش اول این تحقیق) تجهیز شده باشد. مسلم است که منظور از رقابت در محصولات دفاعی، رقابت با محصولات دفاعی دیگر کشورهای پیشرفته در عملکرد آن محصولات

است و نه رقابت با آنها برای فروش بیشتر؛ بنابراین اگر بتوان در محصولات دفاعی، ویژگیهای رقابتی را گنجانند و یا به عبارتی محصولی تولید کرد که به این ویژگیها تجهیز شده باشد، می‌توان انتظار داشت که در ایجاد قدرت نظامی مؤثر باشد. محصول دفاعی با عملکرد مناسب، حاصل تولید محصول دارای ویژگیهای رقابتی است و این محصول دفاعی رقابت‌پذیر است که می‌تواند قدرت نظامی را افزایش دهد و گر نه داشتن محصولات بی‌کیفیت، بدون تنوع با هزینه زیاد و ... به هیچ عنوان قدرت نظامی کشور را افزایش نمی‌دهد؛ بنابراین مؤلفه قدرت نظامی زمانی می‌تواند به افزایش قدرت ملی منجر شود که محصولات دفاعی از توان قوی برخوردار باشند.

#### گام چهارم: تحلیل اثر تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر بر ارتقای بازدارندگی دفاعی

در این مرحله پاسخ به سؤالات مربوط به روابط تولید محصولات رقابت‌پذیر و توان بازدارندگی دفاعی از دید منع، کاهش و حذف تهدیدات، بررسی و تحلیل می‌شود. بنابراین جامعه آماری این قسمت شامل افرادی بود که از یک سو آشنایی زیادی با محصولات دفاعی و عملکرد آنها داشتند و از سوی دیگر تا حدود زیادی به راهبردها و محصولات دفاعی کشورهای پیشرفته، آگاهی داشتند. این بخش نیز با استفاده از مصاحبه و از روش تحلیل محتوا انجام شد. سؤال این بود که آیا تولید محصولات رقابت‌پذیر صنایع دفاعی (با ویژگیهای رقابتی که در مرحله اول شناسایی شد)، به ارتقای توان بازدارندگی دفاعی منجر می‌شود؛ اگر می‌شود، چگونه و در کدام یک از سطوح بازدارندگی (کاهش، منع و یا رفع تهدید)، اثر گذار است جدول ۹، زمان مصاحبه با ۱۵ نفر در بخش سوم پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۹: ویژگیهای نمونه و زمان مصاحبه (بخش سوم)

شغل سازمانی	تعداد	محل فعالیت	زمان تجمعی
مدیر ارشد	۲	صنایع دفاعی	دو ساعت و نیم
مدیر تولید	۲	صنایع دفاعی	یک ساعت و نیم
نظامی ارشد	۳	ستاد کل نیروهای مسلح	پنج ساعت و نیم
نظامی ارشد	۴	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	شش ساعت و نیم
نظامی ارشد	۴	ارتش جمهوری اسلامی ایران	هفت ساعت و نیم

تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر ممکن است در ایجاد بازدارندگی دفاعی مؤثر باشد، که در این قسمت به بررسی و تحلیل اثر تولید محصولات رقابت‌پذیر بر بازدارندگی دفاعی پرداخته می‌شود.

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

جدول (۱۰)، نتایج مصاحبه‌ها و تحلیل آنها را درباره اثر تولید محصولات رقابت‌پذیر صنایع دفاعی در ارتقای توان بازدارندگی دفاعی در هر یک از ابعاد کاهش، منع و حذف تهدیدات نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: تحلیل اثر تولید محصولات رقابت‌پذیر دفاعی بر ارتقای بازدارندگی دفاعی

تحلیل اثر تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر بر بازدارندگی دفاعی	محصول دفاعی رقابت‌پذیر و اثر آن بر سطح بازدارندگی (تعداد اثر)
<p>✓ ترس دشمن، مبنای بازدارندگی است. اگر دشمن احساس کند که در صورت هرگونه تهدید، ضرری متوجه او خواهد شد، بسته به نوع و حجم ضرر برآوردی، ممکن است به اقدام ددست بزند و یا از هر گونه اقدام منصرف شود. آنچه باعث جلوگیری از هرگونه اقدام توسط دشمن می‌شود، داشتن محصولات نوآور دفاعی است. محصولات نوآور دفاعی با امکان قوی که در میزان پاسخگویی به تهدیدات دشمن نقش دارد، بشدت توان بازدارندگی را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ بر حسب اینکه نوآوری در کدام یک از محصولات دفاعی رخ دهد، اثر آن در سطوح مختلف بازدارندگی متفاوت است. تولید محصول راهبردی نوآور مانند انواع موشکها، جنگنده‌ها و پهبادها، سامانه‌های پدافندی و...، نه تنها در کاهش و جلوگیری از تهدید مؤثر است. بلکه به رفع تهدید هم منجر خواهد شد. تولید دیگر محصولات نوآور دفاعی غیر راهبردی مانند انواع اسلحه‌های انفرادی، بیشتر در کاهش و منع تهدید مؤثر است.</p> <p>✓ نوع تهدید را نیز باید مورد توجه قرار دارد. اگر ایجاد نوآوری در محصولی باشد که با آن تهدید متناسب است به شدت می‌تواند در هر سه سطح بازدارندگی کمک‌کننده باشد.</p> <p>✓ اگر دشمن متوجه شود که در صورت تهدید، شما توان پاسخگویی به تهدیدات را دارید، بسته به نوع محصولات دفاعی شما، تهدیدات یا کاهش، و یا رفع می‌شود. دستیابی نیروهای مسلح به محصولات نوآور، امکان تهدید در برابر تهدید را در مقابل دشمنان افزایش، و توان بازدارندگی را بشدت ارتقا می‌دهد.</p> <p>✓ نوآوری در محصولات دفاعی از جمله ویژگی‌هایی است که سطح قدرت نظامی کشور را حتی فراتر از دیگر ابرقدرتها قرار می‌دهد و به‌طور کامل تصور هر گونه تهدید را از جانب دشمنان از بین می‌برد.</p> <p>✓ نوآوری در محصولات، بدون حد و مرز است و می‌تواند به تولید محصولی منجر گردد که بسیار فراتر از محصولات دفاعی در سراسر دنیا باشد و موجب حیرت جهانیان شود. تولید چنین محصولی، رفع تهدیدات را به دنبال دارد.</p> <p>✓ سطح نوآوری در محصولات نیز موضوع مهمی است. نوآوری در برد، در قدرت تخریب در دقت و هدف‌گیری و ...، هر کدام می‌تواند به هر یک از سطوح بازدارندگی کمک کند.</p>	<p>محصول دفاعی نوآور</p> <p>- کاهش تهدید (۱۵)</p> <p>- منع تهدید (۱۵)</p> <p>- رفع تهدید (۱۵)</p>

تحلیل اثر تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر بر بازدارندگی دفاعی	محصول دفاعی رقابت‌پذیر و اثر آن بر سطح بازدارندگی (تعداد اثر)
<p>✓ یکی از مهمترین ویژگیهای محصولات دفاعی، کیفیت محصولات است. تولید و استفاده از محصول دفاعی بی کیفیت به هیچ وجه نمی‌تواند ما را در مقابل تهدیدات و حملات دشمنان به بازدارندگی برساند.</p> <p>✓ محصول دفاعی با کیفیت، محصولی است که به‌نحو احسن بتواند با هدف ساخت آن تطابق کامل داشته باشد. اگر هدف از تولید موشک، اصابت دقیق به هدف با حداقل اختلاف ممکن و قدرت تخریب به شعاع <math>a</math> کیلومتری باشد، زمانی موشک با کیفیت، تولید شده است که این هدف را تأمین کند. تولید محصول دفاعی با این تعریف از کیفیت، قطعاً مانع هرگونه تهدید خواهد بود و به بازدارندگی دفاعی در هر سه سطح آن منجر می‌شود.</p> <p>✓ برای اینکه محصولات دفاعی به ایجاد بازدارندگی منجر شود، باید سطح حداقلی از کیفیت برخوردار باشد. هرچه سطح کیفی محصولات دفاعی افزایش یابد، می‌تواند در ایجاد بازدارندگی از کاهش تهدید تا رفع کامل آن، مؤثر باشد.</p> <p>✓ اگر دشمن احساس کند که محصولات دفاعی شما بی کیفیت است و توان ضربه زدن به او را ندارد، تهدید را ممکن است به اقدام تبدیل کند. آنچه مانع تبدیل تهدید به اقدام می‌شود، داشتن محصولات دفاعی با کیفیت است که می‌تواند در هر سه سطح تهدید مؤثر باشد.</p> <p>✓ دسترسی نیروهای نظامی به تسلیحات و تجهیزات در زمان مناسب و در مکان مناسب از ضروریات است. اگر این تسلیحات در زمان مناسب در اختیار نیروها قرار نگیرد، جلوگیری از پیشروی دشمن غیر ممکن است.</p> <p>✓ محصول نوآور و با کیفیت اگر در زمان مناسب و مورد نیاز، بتواند در اختیار نیروهای نظامی قرار گیرد، می‌تواند به بازدارندگی دفاعی منجر شود.</p> <p>✓ تهدید دشمن زمان مشخصی ندارد و هر لحظه ممکن است دشمن در این اندیشه باشد که تهدید خود را به اقدام تبدیل کند، اگر بداند که تولید کنندگان دفاعی در سریعترین زمان محصولات را تولید می‌کنند و در زمان مورد نیاز در اختیار نیروهای نظامی قرار خواهند داد، امکان اقدام را کاهش می‌دهد و به نوعی به کاهش تهدید نیز منجر خواهد شد.</p> <p>✓ این ویژگی بیشتر از طریق کاهش و منع تهدید می‌تواند به بازدارندگی دفاعی منجر شود.</p> <p>✓ هر کشوری حجم قابل تخمینی از تسلیحات و تجهیزات نظامی دارد. که در حالت حمله و در اثر مصرف آنها، این حجم کاهش می‌یابد. هرچه توان جبران سازی و سرعت انتقال آنها به نیروهای نظامی بیشتر باشد، توان بازدارندگی دفاعی بیشتر خواهد بود. این توان می‌تواند حتی در رفع تهدید هم کمک کند.</p>	<p>محصول دفاعی با کیفیت خوب</p> <p>- کاهش تهدید (۱۵)</p> <p>- منع تهدید (۱۵)</p> <p>- رفع تهدید (۱۵)</p>

به کارگیری رویکردهای مدیریتی ناب، چابک و تاب آور در زنجیره تأمین صنایع دفاعی، ...

تحلیل اثر تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر بر بازدارندگی دفاعی	محصول دفاعی رقابت‌پذیر و اثر آن بر سطح بازدارندگی (تعداد اثر)
<p>✓ تهدیدات و جنگهای امروزی، تنها به جنگ زمینی صرف محدود نیست. هوا به دلیل امکان تسلطی که به دشمن دارد امروزه نسبت به جنگهای زمینی در اولویت قرار دارد. محصولات دفاعی زمانی به ایجاد بازدارندگی منجر می‌شود که در حوزه‌های مختلف هوا، دریا و زمین، تولید شود و در دسترس قرار گیرد. بنابراین تنوع محصولات دفاعی لازمه جنگهای امروزی است و دسترسی به این گونه محصولات، بازدارندگی دفاعی را در همه سطوح آن ایجاد می‌کند.</p> <p>✓ دشمن از محصولات گوناگون برای اعمال تهدید و برنده شدن در جنگ استفاده می‌کند؛ لذا داشتن محصولات گوناگون و متناسب با تهدید و حمله دشمن است که بازدارندگی دفاعی را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ هر نوع ارزشی در کشور ممکن است مورد تهدید دشمن قرار گیرد؛ بنابراین برای حفاظت از داشته‌ها و ارزشهای گوناگون کشور، محصولات دفاعی گونه‌گون نیاز است که بتواند بازدارندگی را افزایش دهد. داشتن محصولات گوناگون در هر سه سطح بازدارندگی مؤثر است.</p>	<p>محصولات دفاعی متنوع</p> <p>- کاهش تهدید (۱۵) - منع تهدید (۱۵) - رفع تهدید (۱۲)</p>
<p>✓ برای اینکه دشمن، خیال عملی کردن تهدید را نداشته باشد، نوع تسلیحات، سطح کیفی و سطح موجود آنها بسیار مؤثر است. هرچه صنایع دفاعی بتواند در صورت نیاز، سطح بالایی از خدمات را برای پراسازی دوباره انبارهای نیروهای مسلح، ارائه کند، بازدارندگی دفاعی را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ حجم تسلیحات و تجهیزات نظامی کشور در افزایش توان بازدارندگی بسیار مؤثر است. نگهداری تسلیحات متعدد نظامی معمولاً سخت است و پیچیدگیهای خاص خود را دارد؛ بنابراین تولید آنها در حجم مشخصی صورت می‌گیرد و معمولاً سطح خدمات بالای محصولات دفاعی می‌تواند در عرضه محصولات در موقع نیاز مؤثر باشد و بازدارندگی دفاعی را افزایش می‌دهد.</p>	<p>سطح خدمات بالای محصولات دفاعی</p> <p>- کاهش تهدید (۱۵) - منع تهدید (۱۵) - رفع تهدید (۱۰)</p>
<p>✓ یکی از زمینه‌های تهدید کشور، تهدیداتی است که مختص صنایعی دفاعی است. صنایع دفاعی به دلیل نقشی که در تولید محصولات نظامی ایفا می‌کند، همیشه مورد توجه دشمنان بوده است و بخشی از تهدیدات به از بین بردن سامانه‌های پشتیبان نیروهای نظامی، توجه می‌کند. هر چه صنایع دفاعی بتواند با امکان اطمینان زیاد، محصولات دفاعی را تولید کند و در زمان درست خود، آنها را در اختیار نیروهای نظامی قرار دهد به بازدارندگی دفاعی کمک می‌کند.</p>	<p>قابلیت اطمینان تحویل بالای محصولات دفاعی</p> <p>- کاهش تهدید (۱۵) - منع تهدید (۱۱) - رفع تهدید (۴)</p>



فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

تحلیل اثر تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر بر بازدارندگی دفاعی	محصول دفاعی رقابت‌پذیر و اثر آن بر سطح بازدارندگی (تعداد اثر)
<p>✓ استتار و اختفای مراکز تولید محصولات دفاعی و به‌کارگیری سامانه‌های امنیتی قوی تا حدودی این امکان را به‌وجود می‌آورد که محصولات با امکان اطمینان قوی تولید شود و در اختیار نیروهای مسلح قرار گیرد که به افزایش بازدارندگی دفاعی منجر می‌شود.</p>	
<p>✓ تولید محصولات دفاعی با هزینه کم، می‌تواند به تولید تعداد بیشتری از آنها منجر شود و توان بازدارندگی دفاعی را افزایش می‌دهد.</p> <p>✓ کاهش هزینه محصولات دفاعی در وضعیت اقتصادی موجود، ضرورتی است که می‌تواند به امنیت اقتصادی کشور، که امروزه با تحریم‌های طالمانه اقتصادی و نظامی دشمنان روبه‌روست بشدت کمک کند. بازدارندگی اقتصادی همانند بازدارندگی دفاعی از ابعاد اصلی امنیت ملی است.</p> <p>✓ تولید محصولات دفاعی با هزینه کمتر و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، غیرمستقیم در ارتقای توان بازدارندگی دفاعی و به شیوه‌های ذیل اثر می‌گذارد:</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- افزایش بودجه تحقیق و توسعه صنایع برای تولید محصولات دفاعی جدید و گوناگون</li> <li>- خرید فناوری جدید</li> <li>- بهینه‌سازی ماشین‌آلات قدی می</li> <li>- آموزش و توسعه مهارت‌های نیروی انسانی</li> <li>- تعریف طرح‌های کاربردی در راستای رفع مشکلات صنایع دفاعی</li> <li>- ارتقای سامانه‌های حفاظتی و امنیتی</li> <li>- ایجاد مراکز جدید نگهداری محصولات دفاعی</li> <li>- بهینه‌سازی فرایندها و تجهیزات تولیدی</li> <li>- سرمایه‌گذاری در ارتقای کیفی محصولات دفاعی</li> <li>- سرمایه‌گذاری در تولید محصولات نوآور</li> <li>- به‌کارگیری سامانه‌های انگیزشی حفظ و نگهداشت نیروهای انسانی کارآمد و ...</li> </ul> <p>✓ کاهش هزینه محصولات دفاعی به نوعی صرفه‌جویی در بودجه نظامی کشور است و می‌تواند با هزینه‌کرد آن در دیگر حوزه‌های نظامی، توان بازدارندگی را افزایش داد.</p>	<p>هزینه پایین تولید محصولات دفاعی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش تهدید (۱۰)</li> <li>- منع تهدید (۱۰)</li> <li>- رفع تهدید (۱۰)</li> </ul>
<p>محصولات دفاعی باید به‌گونه‌ای مناسب و در مکان‌های مناسب، انبار و نگهداری شود، تا همیشه بتواند امکان مناسب استفاده را دارا باشد. نگهداری مناسب محصولات دفاعی با ارتقای سطح توان استفاده آنها در حالت مورد نیاز، بازدارندگی دفاعی را افزایش می‌دهد.</p>	<p>نگهداری مناسب محصولات دفاعی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- کاهش تهدید (۱۵)</li> <li>- منع تهدید (۱۵)</li> <li>- رفع تهدید (۱۰)</li> </ul>

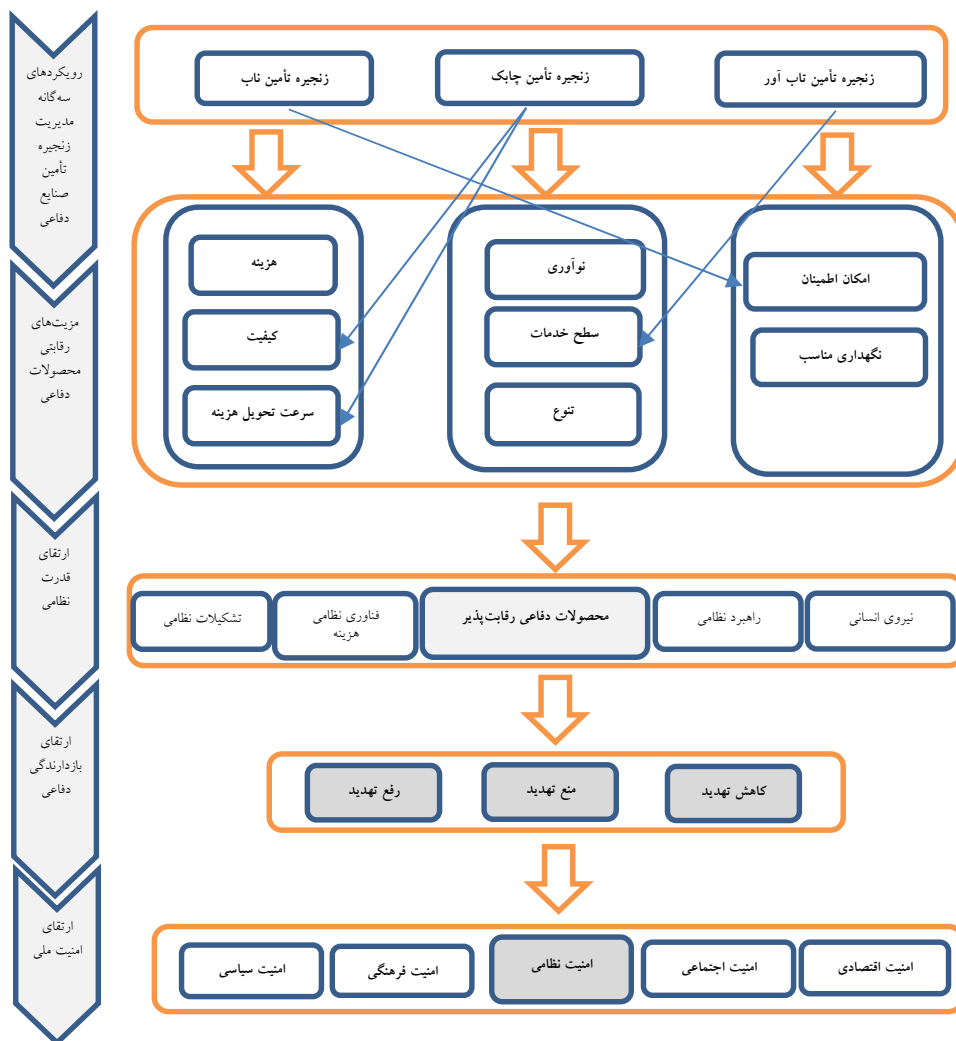
### گام پنجم: تحلیل اثر بازدارندگی دفاعی بر امنیت ملی

از یک سو امنیت ملی، توانایی کشور برای حفاظت از ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدات خارجی تعریف می شود و از سوی دیگر، بازدارندگی دفاعی به مفهوم دستیابی به سطحی از توان دفاعی است که مانع تبدیل شدن تهدید دشمنان به اقدام توسط آنها است؛ به عبارتی بازدارندگی دفاعی، پیش زمینه و لازمه امنیت ملی است و به دیگر سخن امنیت ملی نتیجه و پیامد بازدارندگی دفاعی است. بازدارندگی در مقابل هر نوع تهدیدی، امنیت متقابل در برابر آن نوع تهدید را به ارمغان می آورد؛ به عنوان مثال، توان اقتصادی قوی در مقابل تهدیدات اقتصادی کشور به ایجاد امنیت اقتصادی آن کشور منجر خواهد شد و به همین شیوه توان نظامی قوی در مقابله با تهدیدات نظامی به امنیت نظامی کشورها منجر می شود. مطابق نظر گرجوری و همکاران (۲۰۰۵)، گرچه امنیت ملی مؤلفه های چندگانه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی دارد، نقطه تمرکز بازدارندگی در حوزه قدرت نظامی است که حاصل منابع راهبردی قابل دسترس برای هر سازمان نظامی و توانایی آن سازمان در تبدیل آن منابع به قدرت قهری است و می تواند در ایجاد امنیت در دیگر مؤلفه های امنیت ملی، اثرگذار باشد. بنابراین بازدارندگی دفاعی در ایجاد امنیت ملی کشورها، نقش بسزایی را ایفا می کند.

### گام ششم: الگوی مفهومی

هم چنانکه بیان شد، کشورها همواره در معرض انواع تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، زیست محیطی و نظامی، قرار دارند و همواره تلاش می کنند با رفع و یا کاهش این تهدیدها، امنیت ملی خود را ارتقا دهند. گرچه امروزه امنیت ملی تنها با امنیت نظامی همراه نیست و دیگر مؤلفه های امنیت نیز در دستیابی به امنیت ملی قویتر می باید مورد توجه قرار گیرد، همچنان تهدید نظامی، جزء اساسی ترین و اصلی ترین تهدیدهای امنیت ملی تلقی می شود و به همین دلیل امنیت نظامی به شاخصترین بعد امنیت ملی تبدیل، و ارتقای آن به ارتقای امنیت ملی منجر می شود. بازدارندگی دفاعی تلاش می کند با ایجاد و ارتقای توان دفاعی، زمینه جلوگیری، کاهش و یا رفع تهدیدها را به وجود آورد. بنابراین بازدارندگی دفاعی در سه سطح کاهش، منع و رفع تهدیدهای نظامی، بستر مناسب امنیت نظامی و در پی آن، امنیت ملی را ایجاد می کند. تسلیحات و تجهیزات نظامی و به عبارتی محصولات دفاعی از مهمترین مؤلفه های تشکیل دهنده قدرت نظامی است و تنها زمانی می تواند به بازدارندگی دفاعی منجر شود که به توان رقابتی (به منظور عملکرد بهتر) در مقایسه با محصولات دفاعی کشورهای پیشرفته، تجهیز شده باشد. هر محصول دفاعی نوآور، با کیفیت خوب، با کمترین

هزینه، با سرعت تحویل بموقع، تنوع زیاد، امکان اطمینان قوی و نگهداری مناسب است که می‌تواند با عملکرد بهتر نسبت به محصولات دفاعی کشورهای پیشرفته، قدرت نظامی و بازدارندگی دفاعی را افزایش دهد. به کارگیری همزمان رویکردهای سه گانه مدیریت زنجیره تأمین (ناب، چابک و تاب‌آور)، بستر تولید محصولات دفاعی رقابت پذیر است. شکل (۲)، الگوی مفهومی پیشنهادی این تحقیق را نشان می‌دهد که تلاش می‌کند روابط متغیرهای تحقیق را به منظور درک بهتر آن به نمایش بگذارد.



شکل ۲: الگوی نهایی پیشنهادی پژوهش

## جمع بندی و نتیجه گیری

کشورها همواره در معرض انواع تهدیدها از سوی دشمنان هستند؛ این موضوع، امنیت ملی را به عنصر کلیدی قابل توجهی برای آنها تبدیل کرده است. تأمین امنیت ملی کشورها در مقابل تهدیدات، معمولاً به دو شکل رخ می‌دهد: یکی اینکه، کشور با توسل به راهبرد اتحاد و ائتلاف با قدرتهای بزرگ، امنیت خود را تأمین کند و راه دیگر اینکه با تکیه بر منابع ملی و خوداتکایی دفاعی به تأمین امنیت خود بپردازد. با توجه به پیام جهان‌شمول جمهوری اسلامی ایران و ایدئولوژی انقلابی آن، که مخالف وضع موجود جهان است، هیچ‌گونه اتحاد راهبردی بین ایران و قدرتهای بزرگ، امکان‌پذیر نیست؛ لذا تنها راه پیش رو برای ایجاد امنیت ملی، خود اتکایی دفاعی است. امنیت نظامی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد امنیت ملی، حاصل بازدارندگی دفاعی است؛ به عبارتی بازدارندگی دفاعی در سه سطح کاهش، منع و رفع تهدیدها، تلاش می‌کند بستر مناسب امنیت نظامی و در پی آن امنیت ملی ایجاد کند. قدرت نظامی و خود اتکایی دفاعی که تنها راه پیش‌رو برای حفظ و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌رود، جمهوری اسلامی ایران را از طریق ارتقای توان بازدارندگی به ارتقای امنیت ملی نائل می‌سازد. خود اتکایی دفاعی و دستیابی به قدرت نظامی قوی، تنها در سایه تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر، ممکن است. تولید محصولات دفاعی با عملکرد بهتر در مقابل محصولات دفاعی کشورهای پیشرفته به معنی تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر است. اگر محصولات دفاعی ما توان رقابت با محصولات دفاعی به روز و پیشرفته کشورهای ابرقدرت را نداشته باشد به هیچ‌وجه نمی‌تواند به کاهش و یا رفع تهدیدات منجر شود و در ارتقای امنیت ملی نقش لازم را ایفا کند. ایجاد محصولات رقابت‌پذیر همواره از چالشهای اساسی مدیران سازمانها و محققان حوزه مدیریت بوده است. آنان همواره تمامی تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا با معرفی و به کارگیری رویکردهای جدید بتوانند محصولات رقابتی تولید، و روانه بازار کنند؛ از جمله آخرین رویکردهای آنها، می‌توان به رویکردهای سه گانه ناب، چابک و تاب‌آور اشاره کرد که به کارگیری همزمان آنها می‌تواند به سازمانها در ایجاد محصولات رقابت‌پذیر کمک کند. با توجه به اینکه تولید محصولات دفاعی در زمره رسالت و مأموریت صنایع دفاعی ایران است، تولید محصولات رقابت‌پذیر دفاعی همواره از دغدغه‌های مسئولان و مدیران ارشد این صنایع است. نتایج مطالعات قبلی، نشان می‌دهد که تمرکز بر زنجیره‌های تأمین سازمانی به جای تمرکز صرف و تنها بر تولید به شکل بهتری می‌تواند در تولید محصولات رقابت‌پذیر مؤثر باشد. به همین دلیل، این مطالعه به منظور رفع دغدغه‌های مسئولان در تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر، تلاش کرد با معرفی رویکردهای سه گانه مدیریت زنجیره تأمین، تأثیر به کارگیری این رویکردها را در تولید محصولات دفاعی رقابت‌پذیر، بازدارندگی دفاعی و

امنیت ملی در قالب یک الگوی مفهومی به نمایش بگذارد؛ به همین منظور در گام اول با استفاده از روش دلفی و جمع‌آوری نظر مدیران ارشد صنایع دفاعی به شناسایی اولویتهای رقابتی محصولات دفاعی پرداخت. همان‌گونه که جدول (۳)، نشان می‌دهد ویژگیهای رقابتی محصولات دفاعی به ترتیب اولویت عبارت است از نوآوری زیاد، کیفیت، سرعت تحویل، تنوع، سطح خدمات، امکان اطمینان تحویل، هزینه کم و نگهداری مناسب محصول. در گام دوم با رویکرد طراحی مجدد زنجیره تأمین صنایع دفاعی و تجهیز آن به پارادایم‌های جدید مدیریت به بررسی تأثیر به کارگیری رویکردهای سه گانه مدیریت زنجیره تأمین در ایجاد ویژگیهای رقابتی پرداخته شد. این بخش با استفاده از روش تحلیل محتوا و مصاحبه با متخصصان زنجیره تأمین و مدیران تولید صنایع دفاعی به انجام رسید. هم‌چنانکه جدولهای ۶، ۷ و ۸ نشان می‌دهد، رویکرد ناب‌سازی زنجیره تأمین صنایع دفاعی در تولید محصول با هزینه کم، کیفیت خوب، سرعت تحویل بموقع و امکان اطمینان تحویل اثرگذار است. رویکرد چابک‌سازی در ویژگیهای نوآوری، سطح خدمات، تنوع، سرعت تحویل و کیفیت محصول اثرگذار، و رویکرد تاب‌آوری در امکان اطمینان تحویل محصول، سطح خدمات و نگهداری مناسب محصول مؤثر است. تحلیل چگونگی اثرگذاری این رویکردها بر هر یک از ویژگیهای رقابتی محصولات صنایع دفاعی نیز در همین جدولها ارائه شده است. گام بعدی این مطالعه به بررسی و تحلیل چگونگی تأثیر تولید محصولات رقابت‌پذیر دفاعی بر بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی می‌پردازد. این گام نیز با استفاده از روش تحلیل محتوا و از طریق مصاحبه با مدیران ارشد صنایع دفاعی، مدیران تولید و نظامیان ارشد در ستاد کل، سپاه و ارتش به انجام رسید. نتایج این بخش در جدول (۱۰) ارائه شد و هم‌چنانکه نتایج آن نشان می‌دهد، محصولات دفاعی رقابت‌پذیر در ارتقای توان بازدارندگی و در پی آن، امنیت ملی اثرگذار است. به منظور درک کلی این اثرپذیری، الگوی مفهومی پیشنهادی این مطالعه در گام نهایی تدوین (شکل ۲) شد نشان می‌دهد که طراحی دوباره زنجیره تأمین صنایع دفاعی و به کارگیری رویکردهای ناب، چابک و تاب‌آور در آن می‌تواند به قدرت نظامی و خوداتکایی دفاعی، بازدارندگی دفاعی و امنیت ملی منجر شود؛ لذا صنایع دفاعی باید تا حد ممکن تلاش خود را برای به کارگیری این رویکردهای جدید در زنجیره تأمین خود به کار گیرد. اندازه‌گیری کمی متغیرها می‌تواند روابط کمی آنها را به نمایش بگذارد؛ لذا استفاده از روشهای کمی مانند الگوسازی معادلات ساختاری برای تعیین میزان روابط متغیرهای الگوی مفهومی این پژوهش به عنوان تحقیق آینده، پیشنهاد می‌شود.

## منابع

### منابع فارسی

۱. علایی، حسین (۱۳۸۷)، نقش نیروهای نظامی در بروز، ایجاد، کنترل و رفع تهدید، سیاست دفاعی، س هفدهم. ش ۶۵.
۲. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۴)، بررسی و تحلیل عناصر قدرت نظامی، فصلنامه بررسیهای نظامی، س ششم، ش ۲۳ و ۲۴.
۳. ازغندی، علیرضا؛ روشندل، جلیل (۱۳۹۰)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: انتشارات سمت.
۴. نوروزی، محمدتقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی، امنیتی، تهران: انتشارات سنا.
۵. تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰)، امنیت ملی، دکترین، سیاستهای دفاعی و امنیتی، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
۶. نوروزشاد، نادر (۱۳۹۶)، رابطه قدرت دفاعی و بازدارندگی، تهران: سایت مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.

### منابع لاتین

1. Agarwal, A., Shankar, R., and Tiwari, M.K., (2007). "Modeling agility of supply chain". *Industrial Marketing Management*, 36 (4), 443-457.
2. Amid, A., Ghodsypour, S.H. and O'Brien, C. (2011), "A weighted max-min model for fuzzy multi-objective supplier selection in a supply chain", *International Journal of Production Economics*, Vol. 131 No. 1, pp. 139-145.
3. Beamon, B. (1999), " Measuring supply chain performance " , *International Journal of Operations & Production Management* , Vol. 19 No. 3, pp. 7-12
4. Beamon, B. (1999), " Measuring supply chain performance " , *International Journal of Operations & Production Management* , Vol. 19 No. 3, pp. 7-12
5. Behrouzi, F., Wong, K.Y. and Kuah, C.T. (2010), "A fuzzy-based model to measure supplier performance with lean attributes", *Fourth Asia International Conference on Mathematical/ Analytical Modelling and Computer Simulation*, pp. 372-377.
6. Biazzo, S. and Pannizzolo, R. (2000), "The assessment of work organisation in lean production: the relevance of the worker's perspective", *Integrated Manufacturing Systems*, Vol. 11 No. 1, pp. 6-15.
7. Blanchard, D., (2010). "Supply Chain Management Best Practices", 2nd Edition. John Wiley & Sons, UK ISBN: 978-0-470-53188-4

8. Boyer K.K., & Lewis, M.W. (2002). Competitive priorities: Investigating the need for trade-offs in operations strategy. *Production and Operations Management*, 11: 9-20.
9. Carvalho, H., Barroso, A. P., Machado, V. H., Azevedo, S., and Cruz-Machado, V. (2012), Supply chain redesign for resilience using simulation, *Computer and Industrial Engineering*, 62, pp. 329-341.
10. Chen, C.T., Lin, C.T. and Huang, S.F. (2006), "A fuzzy approach for supplier evaluation and selection in supply chain management", *International Journal of Production Economics*, Vol. 102 No. 2, pp. 289-301.
11. Choi, S.B., Min, H., Joo, H.Y. and Choi, H.B. (2016), "Assessing the impact of green supply chain practices on firm performance in the Korean manufacturing industry", *International Journal of Logistics Research and Applications: A Leading Journal of Supply Chain Management*, Vol. 20 No. 2, pp. 129-145.
12. Chopra, S. and Meindl, P. (2004), "Supply Chain Management: Strategy, Planning, and Operation", Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ
13. Christopher, M., & Towill, R. (2000). Supply chain migration from lean and functional to agile and customized. *Supply Chain Management: An International Journal*, 5(4), 213.
14. Craig W. M. (2008), "The instruments of national power : achieving the strategic advantage in a changing world", Calhoun: The NPS Institutional Archive DSpace Repository.
15. Fan, Y., & Prahinski, C. (2007) Supplier Evaluations: The Role of Communication Quality. *The Journal of Supply Chain Management*, 16-28
16. Florent, T.M. and Zhen, H. (2010), "Study on the supplier evaluation index system of lean supply chain", 2010 International Conference on e-Education, e-Business, e-Management and e-Learning, Sanya.
17. Gunasekaran, A. (1998). Concurrent Engineering: A Competitive Strategy for Process Industries. *The Journal of the Operational Research Society*, 49(7), 758-65.
18. Hamel, Gary and Liisa Välikangas (2003), "The Quest for Resilience," *Harvard Business Review*, Vol. 81, No. 9, pp. 52-63.
19. Heidarzade, A., Mahdavi, I., & Mahdavi-Amiri, N. (2015). "Supplier Selection Using a Clustering Method Based on a New Distance for Interval Type-2 Fuzzy Sets: A Case Study". *Applied Soft Computing*, doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.asoc.2015.09.029>
20. Hugos, M. (2006). "Essential of supply chain management". John Wiley & Sons, Inc..

21. Igarashi, M., de Boer, L. and Fet, A.M. (2013), "What is required for greener supplier selection? A literature review and conceptual model development", *Journal of Purchasing and Supply Management*, Vol. 19 No. 4, pp. 247-263
22. Jain, V., Wadhwa, S., Deshmukh, S.G., 2010. "Select supplier-related issues in modeling a dynamic supply chain: potential, challenges and direction for future research". *International Journal of Production Research* 47 (11), 303-339
23. Jasti, N. and Kodali. R. (2015), "A critical review of lean supply chain management frameworks: proposed framework", *Production Planning & Control*, Vol. 26 No. 13, pp. 105-128.
24. Kamalahmadi, M., & Parast, M. M. (2016). "A review of the literature on the principles of enterprise and supply chain resilience: Major findings and directions for future research". *International Journal of Production Economics*, 171, 116–133.
25. Lehtinen, U. and Torkko, M. (2005), "The lean concept in the food industry: a case study of contract a manufacturer", *Journal of Food Distribution Research*, Vol. 36 No. 3, pp. 57-67
26. Lin, C., Chiu, H., & Cho, P. (2006). Agility index in the supply chain. *International Journal of Production Economics*, 100 (2), 285-299.
27. Mathaisel, D. (2005), "A lean architecture for transforming the aerospace maintenance, repair and overhaul (MRO) enterprise", *International Journal of Productivity and Performance Management*, Vol. 54 Issue: 8, pp.623-644
28. Najmi, A. and Makui, A. (2010), "Providing hierarchical approach for measuring supply chain performance using AHP and DEMATEL methodologies", *International Journal of Industrial Engineering Computations*, Vol. 1 No. 2, pp. 199-212.
29. Naylor, B., Naim, M., Berry, D. (1999). "Leagility: integrating the lean and gile manufacturing paradigms in the total supply chain". *Int J Prod Econ* 62(1–2):107–118
30. Neely, A., Gregory, M. and Platts, K. (2005), "Performance measurement system design: a literature review and research agenda", *International Journal of Operations & Production Management*, Vol. 25 No. 12, pp. 122-163.
31. Panneman, T, (2017), *Lean Transformations: when and how to climb the four steps of Lean maturity*, Maarssen (NL): panview
32. Persson, F. and Olhager, J. (2002), "Performance simulation of supply chain design", *International Journal of Production Economics*, Vol. 77 No. 3, pp. 231-245.
33. Ponis, S. T., & Koronis, E. (2012). Supply chain resilience: definition of concept and its formative elements. *Journal of Applied Business research*, 28(5), 921.
34. Ponomarov, S. and Holcomb, M. (2009), "Understanding the concept of supply chain resilience", *The International Journal of Logistics Management*, Vol. 20 No. 1, pp. 124-43.



35. Reichhart, A. and Holweg, M. (2007), "Lean distribution: concepts, contributions, conflicts", *International Journal of Production Research*, Vol. 45 No. 16, pp. 361-384
36. Ribeiro, J. P., Povoia, A. B., "Supply Chain Resilience: Definitions and Quantitative Modelling Approaches: a literature review", *Computers & Industrial Engineering* (2017), doi: <https://doi.org/10.1016/j.cie.2017.11.006>
37. Ritzman, L.P., Krejowski, L.J. and Klassen, R.D. (2004), *Foundations of Operations Management*, Prentice-Hall, Upper Saddle River, NJ.
38. Sheffi, Y., & Rice, J. B. (2005). A supply chain view of the resilient enterprise. *Sloan Management Review*, 47(1), 41–48
39. Shepherd, C. and Gunter, H. (2006), "Measuring supply chain performance: current research and future directions", *International Journal of Productivity and Performance Management*, Vol.55, No. (3/4), pp. 242–258.
40. Soni, U., Jain, V., & Kumar, S. (2014). Measuring supply chain resilience using a deterministic modeling approach. *Computers & Industrial Engineering*, 74, 11–25.
41. Stoltz, P.G. (2004), "Building Resilience for Uncertain Times," *Leader to Leader*, No. 31, pp. 16-20.
42. Uz-Zaman, K. A., Nazmul, A.M.M., (2014) "Lean supply chain performance easurement", *International Journal of Productivity and Performance Management*, Vol. 63 Issue: 5, pp.588-612
43. Vitasek, K., Manrodt, K. and Abbott, J. (2005). "What makes a lean supply chain." *Supply Chain Management Review*, Vol. 9 No. 7, pp. 39-45.
44. Wang, S.Y., Chang, S.L. and Wang, R.C. (2009), "Assessment of supplier performance based on product-development strategy by applying multi-granularity linguistic term sets", *Omega*, Vol. 37 No. 1, pp. 215-226
45. We, H.M., Wu, S.(2009). "Lean supply chain and its effect on product cost and quality: a case study on Ford Motor Company". *Supply Chain Management: An International Journal*, Volume 14 • Number 5, 335 – 341
46. Worley, J.M., & Doolen, T.L. (2006). The role of communication and management support in a lean manufacturing implementation. *Management Decision*, 44(2), 228–245.
47. Yongan Zhang, Ying Wang, L. W. a,(2012) " Research on Demand-driven League Supply Chain Operation Model: A Simulation Based on AnyLogic in System Engineering"., *Systems Engineering Procedia*, Volume 3, Pages 249-258
48. Zar, J. H. (1999). *Bio statistical analysis*.4th Ed. Upper saddle river, New Jersey: prentice hall
49. Zarei, M., Fakhrzad, M.B. and Paghaleh, M.J. (2011), "Food supply chain leanness using a developed QFD model", *Journal of Food Engineering*, Vol. 102, pp. 25-33.

## رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه

اسماعیل خان احمدی<sup>۱</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

### چکیده

این نوشتار با هدف تعیین رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه تحت تأثیر اهداف متعالی مکتب حیات‌بخش اسلام، جایگاه نظام سیاسی اسلام در معادلات ژئواستراتژی و ساختار ژئوپلیتیکی جدید جهان، فرصتها و تهدیدات در محیط خارجی، ضعفها و قوتها در محیط داخلی و پیچیدگی رفتار بازیگران رقیب در صحنه‌های مختلف تدوین شده است. این نوشتار از حیث هدف، تحقیقی کاربردی، و از حیث سطح تحلیل، برخوردار از ماهیتی توصیفی - استنتاجی و از حیث رویکرد و طبقه‌بندی روش به روش کتابخانه‌ای متکی است. در راستای جمع‌آوری اطلاعات سؤالات: الف) راهبردهای نظام استکباری مؤثر در رسالت نیروهای مسلح از دید نهج‌البلاغه کدام است؟ ب) راهبردهای نظام اسلامی مؤثر در رسالت نیروهای مسلح از دید نهج‌البلاغه کدام است؟ ج) نظر به راهبردهای متصور، نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه چه رسالت‌هایی را عهده‌دار هستند؟ طرح شد. با نهادینه شدن رسالتها در نظام اسلامی طیف کاملی از گزینه‌های دفاع همه‌جانبه لایه‌بندی شده تحت عنوان پنج ظرفیت برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد که در مبحث نتیجه‌گیری تدوین شده است.

**کلید واژه‌ها:** رسالت، نیروهای مسلح، نظام سیاسی اسلام، نهج‌البلاغه

## مقدمه

نیروهای مسلح، جایگاه بسیار بلند و مقامی بس ارزشمند را در نظام اسلامی دارا هستند. جمهوری اسلامی ایران و هیچ نظامی در هیچ زمانی از وجود آنها بی‌نیاز نخواهد بود. هیچ فرمانروایی عادل و کارداران، بدون آنها در وظایف و دستیابی به اهداف خود موفق نیست. از دید رهبران الهی تا ابرقدرتهای استکباری و دشمنان اسلام در جهان وجود دارند؛ تا فتنه‌انگیزان، ظالمان و دشمنان اسلام در جهان وجود دارند؛ تا شهوترانی شعار حاکمان کشورهای جهان است؛ تا رشد فرهنگی و فکری و اخلاقی انسانها به کمال نرسیده است و تا اولیای شیطان، مسرفان، یاغیان، طاغیان و طاغوتیان وجود دارند برای مقابله با آنان و حفظ موقعیت و قدرت نظام اسلامی، وجود نیروهای مسلح با انسجام و آمادگی و تقویت کامل، نهایت ضرورت را دارد. این ابر راهبرد را قرآن کریم به کارگزاران نظام اسلامی چنین ابلاغ می‌فرماید: «...وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ: و آماده کنید برای مشرکان هر چه توانید از نیرو و اسبان بر آخور بسته شده...» (انفال: ۶۰) تا با محقق شدن تَرَهُبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ و شکل‌گیری امنیت پایدار رشد و تعالی همه جانبه جامعه فراهم شود. حضرت علی (علیه‌السلام) این راهبرد را به کارگزاران نظام اسلامی چنین ابلاغ می‌فرماید: «... فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أُهْبَتَهَا وَأَعِدُّوا لَهَا عُدَّتَهَا فَقَدْ سَبَّ لَطَائِمًا وَعَلَا سَنَاهَا وَاسْتَشْعَرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَى إِلَى النَّصْرِ: برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد فراهم سازید که آتش جنگ افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است...» (دستی، ۱۳۸۲، خطبه ۲۶: قطعه ۵). حضرت امام (ره) این رسالت همه جانبه زمانشمول و جهانشمول نیروهای مسلح را چنین ترسیم می‌فرماید: «... جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود. این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۸۶). فرماندهی معظم کل قوا این راهبرد را برای نیروهای مسلح چنین ترسیم می‌فرماید: «... نیروهای مسلح ما خود را آماده و مجهز می‌کنند تا دفاع کنند؛ نه تنها دفاع از سرزمین - که خود افتخار بزرگی است - بلکه دفاع از آرمانهای انسانی؛ دفاع از شرف و کرامت انسانیت...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۹/۰۳). در مناسبتی دیگر این راهبرد چنین ترسیم شده است: «... امروز نیروهای مسلح سرافراز و سربلندند؛ چرا که در خدمت سیاستهای اسلامی هستند...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۵/۰۶)، در اصل ۱۴۳ قانون اساسی این راهبرد چنین ترسیم شده است: «... بنابراین آمادگی مقابله در برابر هر گونه تجاوز نظامی علیه استقلال و تمامیت ارضی نظام جمهوری اسلامی و منافع کشور وظیفه ارتش و تمام قوای مسلح است؛» لذا نیروهای مسلح چون دو بازو و دوبرال تلقی

## رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نهج البلاغه

می‌شوند که مظهر حرکت، قدرت و شوکت دولت و ملتند. هنگام دفاع و مقابله با متجاوزان، جان برکف و هنگام تهاجم سریع و پشیمان‌ناز هستند. قرآن کریم این عملکرد نیروهای مسلح را چنین ترسیم می‌کند: «... أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ: آهن را در آن نیروی نبرد و کارزار سخت و سودهایی برای مردم است» (حدید/ ۲۵).

### بیان مسئله

نظام سیاسی اسلام در راستای تحقق هدف ایجابی «...اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ: خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند و بیرون می‌آورد ایشان را از تاریکی‌های (کفر) به سوی روشنایی (ایمان)» (بقره/ ۲۵۷) و این راهبرد در نهج البلاغه چنین ترسیم شده است: «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا ائْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ وَ لَكِنَّ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهِرِ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكِ، فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكِ وَ تَقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ خُدُودِكِ: بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد نه برای هم‌چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز، چیزی افزون به چنگ آوریم؛ بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم و بلاد تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستم دیده‌ات در امان ماند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد...» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۴۳۲) و از سویی در راستای مقابله با هدف سلبی «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ: و آنان که کفر ورزیدند دوستانشان گردنکشانند. طاغوت بیرون می‌آورند کافران را از روشنایی به سوی تاریکیها...» (بقره/ ۲۵۷) و این راهبرد نظام سلطه در منشور حکومت اسلامی چنین ترسیم شده است: «... أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدَ ذَمَّرَ حَزْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ لِيُعَوِّدَ الْجَوْرَ لِي أَوْطَانِهِ وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نِصَابِهِ: آگاه باشید که شیطان حزب خود را برانگیخته و سپاه خویش بسیج کرده است تا بار دیگر، ستم در جای خود مستقر گردد و باطل به جایگاه خود باز گردد» (خان‌احمدی، ۱۶۱: ۱۳۹۰) و نظر به راهبرد کلان نظام سیاسی اسلام، که در قرآن کریم چنین ترسیم شده است «... وَ كُنْ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: خداوند هرگز راهی برای کافران بر مؤمنان قرار نداده است» (نساء/ ۱۴۱) اقدام به تدوین رسالت و سازماندهی نیروهای مسلح می‌کند. بنابراین و با توجه به اهداف ایجابی با محوریت نیروهای مسلح که چنین ترسیم شده است: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَ دَرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَ جُنَّةُ الْوَيْقِيَّةِ» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷: بخش یک) و اهداف سلبی با محوریت نیروهای مسلح که چنین ترسیم شده است: «فَمَنْ تَرَكَ رَعْبَهُ عَنْهُ أَلَسَهُ اللَّهُ تَوْبًا

الدُّلُّ وَسَمَلَةُ الْبَلَاءِ وَدَيْتٌ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءِ وَضَرْبٌ عَلَى قَلْبِهِ بِالْأَسْهَابِ وَأَدِيلَ الْحَقِّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ وَسِيمَ الْخَسْفِ وَمُتَبِعَ النَّصْفِ...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷: بخش ۱) موضوع این نوشتار «رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج البلاغه» است.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

- توسعه فرصت‌های خارجی و قوت‌های داخلی
- برطرف کردن ضعف‌های داخلی و دفع تهدیدات خارجی
- حفظ، توسعه و تقویت استقلال نظام سیاسی اسلام
- ارائه الگوی جامع به بشریت در راستای خنثی سازی توطئه‌های استکبار
- هویت بخشی و تمایز نظام سیاسی اسلام از دیگر نظامها
- سد نفوذ بیگانگان در ساختار نظام سیاسی اسلام
- بازدارندگی (تُرْهِيُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ)
- كَثْرَةُ عَدُوِّنَا وَقِلَّةُ عَدَدِنَا (قمی، ۱۳۸۲: ۳۳۰)

### پیشینه تحقیق

در مطالعاتی مشخص شد تاکنون موضوعی با عنوان رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج البلاغه به عنوان فعالیت پژوهشی انجام نشده؛ لذا این موضوع نو و بدیع است.

### سؤالات تحقیق

رسالت نیروهای مسلح در اندیشه دفاعی حضرت علی (ع) با دیگر نظامهای سیاسی تفاوت ماهوی دارد. از این دیدگاه رسالت نیروهای مسلح، جامع و فراگیر، و تحت تأثیر راهبردهای اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی، ... دو جبهه حق و باطل است. سؤالات تحقیق به این شرح طرح شد:

- راهبردهای نظام استکباری مؤثر در شکل‌گیری رسالت نیروهای مسلح از دیدگاه نهج البلاغه کدام است؟
- راهبردهای نظام اسلامی مؤثر در شکل‌گیری رسالت نیروهای مسلح از دیدگاه نهج البلاغه کدام است؟
- نظر به راهبردهای دو جبهه حق و باطل، نیروهای مسلح در نظام اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه چه رسالتی را عهده‌دار هستند؟

### روش تحقیق

این پژوهش از حیث هدف، تحقیقی کاربردی و از حیث سطح تحلیل، تحقیقی توصیفی – استنباطی و از حیث طبقه‌بندی و روش متکی به روش کتابخانه‌ای با استفاده از ابزار فیش‌برداری و مراجعه به تار نماهای اینترنتی است.

تحقیقات علمی بر اساس دو مبنا یعنی هدف و نیز ماهیت و روش تقسیم‌بندی می‌شود که بر اساس هدف تحقیقات علمی را می‌توان به دو گروه بنیادی و کاربردی تقسیم کرد (حافظ‌نیا، ۸۵: ۱۳۸۹). این پژوهش از لحاظ طرح تحقیق آینده‌نگر است. از آنجا که هدف پژوهشگر پاسخ به سؤال اصلی تحقیق است، این تحقیق در زمره تحقیقات نتیجه‌گرا دسته‌بندی می‌شود. این پژوهش از لحاظ هدف نظر به اینکه با بهره‌گیری از کتاب شریف نهج‌البلاغه، رسالت نیروهای مسلح را در نظام سیاسی اسلام تبیین می‌کند و از سویی نظر به اینکه نتایج پژوهش به توسعه قلمرو ادبیات موضوع منجر می‌شود در زمره تحقیقات توسعه‌ای – کاربردی به‌شمار می‌رود.

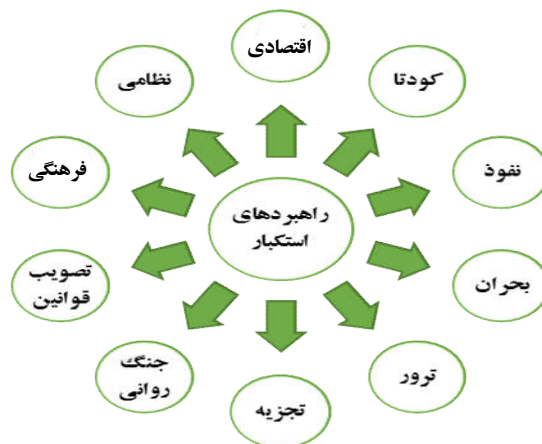
### ادبیات تحقیق

نظام سیاسی: فیرحی معتقد است نظام سیاسی، «مجموعه‌ای به هم پیوسته از فعالیتهای سیاسی تلقی می‌شود که شمار بزرگی از کارگزاران و با هدف خاص آن را تعهد کرده و انجام داده‌اند. این سامانه از عناصر همبسته تشکیل شده است که هر کدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی را تشکیل می‌دهد و نهادها و گروه‌های معینی را شامل می‌شود (خان‌احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵). یکی دیگر از صاحب‌نظران این حوزه معتقد است نظام سیاسی، «کیفیت تنظیم، سازماندهی و اداره امور ارتباطی فرهنگی و اقتصادی هر اجتماع انسانی برای دستیابی به رشد مطلوب است» (نصرتی، ۴۰: ۱۳۷۸).

نهج‌البلاغه: نهج‌البلاغه مرجع و منبع علمی بی‌مانندی است که بیش از صدها اثر شگرف از آثار اندیشه‌های والا و سترگ حضرت علی (علیه‌السلام) اعم از خطبه، نامه، موعظه، کلمات قصار در ابعاد اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، روحی – روانی، مدیریتی ... با رویکرد دفاع همه‌جانبه به همراه دستورالعمل‌های هر بُعد را در کنار هم گرد آورده است که هر کدام از ابعاد در شکل‌گیری رسالت نیروهای مسلح برای تحقق راهبردهای نظام اسلامی و دفع راهبردهای نظام سلطه، نقش حیاتی دارد.

سؤال یکم: راهبردهای نظام استکبار مؤثر در شکل‌گیری رسالت نیروهای مسلح از دید نهج‌البلاغه کدام است؟ فراز و فرود حکومتها گویای این است که محور اساسی تبیین و ترسیم‌کننده رسالت نیروهای مسلح ابر راهبرد نظام سیاسی جبهه مقابل است. ابر راهبرد نظام سلطه از آغاز آفرینش انسان

يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ بُوْدَه اسْت. حضرت علی (علیه السلام) در سال ۳۶ هجری در سرزمین ذی قار در خطبه‌ای در نگاهی کلی، ابر راهبرد استکبار با رویکرد راهبرد نظامی به منظور تحقق اهداف آن جبهه را برای بیداری مسلمان و هشدار به کارگزاران نظام اسلامی چنین تبیین می‌فرمایند: «... أَلَا وَ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ ذَمَّرَ حَرْبَهُ وَ اسْتَجَلَبَ جَلْبَهُ، لِيَعُودَ الْجَوْرُ إِلَى أَوْطَانِهِ وَ يَرْجِعَ الْبَاطِلُ إِلَى نِصَابِهِ: آگاه باشید که شیطان حزب خود را برانگیخته و سپاه خویش را بسیج کرده است تا بار دیگر، ستم در جای خود مستقر گردد و باطل به جایگاه خود بازگردد...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۲: بخش یکم). قرآن کریم راهبرد نظامی استکبار برای محقق شدن ابر راهبرد آن جبهه را چنین ترسیم نموده است: «... وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ: و مشرکان پیوسته کارزار می‌کنند با شما تا اینکه برگردانند شمارا از آیین خودتان که اسلام است...» (سوره بقره/ ۲۱۷). این راهبرد در آیاتی دیگر از مصحف شریف قرآن کریم چنین ترسیم شده است: «... وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ: و آن کسانی که کافر شده‌اند پیکار می‌کنند در راه شیطان...» (نساء/ ۷۶). حضرت در همان سال در نامه‌ای به معاویه، راهبردهای جبهه استکبار را با رویکرد نظامی که زمینه‌ساز ابر راهبرد آن جبهه است اینگونه ترسیم می‌فرماید: «... فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا وَاجْتِيَا حَاصِلِنَا وَهَمُّوا بِنَا الْهُمُومَ وَفَعَلُوا بِنَا الْأَفَاعِيلَ وَ مَنَعُونَا الْعَذْبَ وَ أَحْلَسُونَا الْخَوْفَ وَ اضْطَرُّونَا إِلَى جَبَلٍ وَعَرٍ وَ أَوْ قَدُّوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ: قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند و خواستند که ریشه ما برکنند؛ پس دربار ما بارها نشستند و رأی زدند و بسا کارها کردند. از زندگی شیرین معمان نمودند و با وحشت دست به گریبانمان ساختند. ما را وادار کردند که بر کوهی صعب زیستن گیریم؛ سپس برای ما آتش جنگ افروختند...» (دشتی، ۱۳۸۳: نامه ۹). از این راهبرد این واقعیت قابل استنباط است که نظام سلطه در راستای محقق شدن ابر راهبرد يُخْرِجُوهُمْ مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ راهبردهای دهگانه زیر را طراحی و اجراء می‌کند:



الگوی مفهومی (۱): راهبردهای استکبار

الف) جنگ احی و اجراء می نظامی روانی: از راهبردهای استکبار علیه نظام سیاسی اسلام از صدر اسلام تاکنون طرحریزی و اجرای جنگ روانی است. این راهبرد را حضرت پس از حکمیت در بخشی از خطبه ۱۲۱ چنین تبیین می‌فرماید: «... إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ: شیطان راه خود را برایتان هموار نموده، می‌خواهد گره رشته ایمانتان بگسلد و به جای اتحاد کارتان را به تفرقه کشد و فتنه و فساد برانگیزاند...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۲۱: بخش ۸). در بخشی از خطبه ۱۵۱ این راهبرد چنین ترسیم شده است: «... تَرُدُّ بِمَرِّ الْقَضَاءِ وَ تَحْلُبُ عَيْطَ الدَّمَاءِ وَ تَتْلِمُ مَنَارَ الدِّينِ وَ تَنْفُضُ عُقْدَ الْيَقِينِ: خون تازه مردم را بریزد. در منار دین رخنه پدید کند و در یقین استوار مردم شکست اندازد...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۵۱: بخش ۱۲). این راهبرد همانند گذشته از زمان پیروزی انقلاب تاکنون توسط استکبار به صورت گسترده طرحریزی و اجرا شده است. پرلموتر یکی از صاحب‌نظران این حوزه درباره این راهبرد استکبار علیه جمهوری اسلامی ایران چنین می‌گوید: «... تنها جنگ روانی است که سقوط یکی از آخرین رژیمهای ایدئولوژی و بشدت متعصب (رژیم ایران) در جهان امروز را تضمین خواهد کرد» (واشنگتن تایمز، ۱۵ ژانویه ۱۹۹۶). استکبار در طرحریزی این راهبرد از شیوه‌هایی چون تهدید، تردید، القای مستقیم، برجسب زدن، بزرگمایی، بمباران اطلاعاتی، تبلیغ، تخدیر، تلطیف و تنویر، تصدیق، ترس و ارباب، تشجیع، تطمیع، تحریک، تحریف، تهمت، پیشگویی، فریب، شایعه، دروغ بزرگ، و مبالغه استفاده می‌کند. دو شیوه از روشها این راهبرد را قرآن کریم چنین معرفی می‌کند:

روش تهدید: در قرآن کریم چنین ترسیم شده است: «... قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ: ای نوح اگر به تبلیغ خود پایان ندهی بی‌تردید سنگسار خواهی شد...» (شعراء/ ۱۱۶).

شیوه تردید: در مصحف شریف قرآن کریم اجرای این شیوه علیه حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) چنین تبیین شده است: «... قَالُوا أَجِئْنَا بِهَ الْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِينَ: براستی برای ما از حق می‌گویی یا ما را به بازی گرفته‌ای...» (انبیاء/ ۵۵).

ب) فرهنگی<sup>۱</sup> (تهاجم، قتل عام، شیخون و ناتوی فرهنگی): از دیگر راهبردهای بسیار کارآمد استکبار علیه جبهه حق، طرحریزی و اجرایی تهاجم، شیخون، قتل عام و ناتوی فرهنگی است. حضرت علی (علیه‌السلام) درباره این راهبرد استکبار خطاب به مسلمانان چنین می‌فرماید: «... إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ فَاصْدِقُوا عَنْ نَزَاغَاتِهِ وَ نَفَاتِهِ وَ أَقْبَلُوا النَّصِيحَةَ مِمَّنْ أَهْدَاها إِلَيْكُمْ وَ اعْقِلُوا عَلَي أَنْفُسِكُمْ: شیطان راه خود را برایتان هموار نموده، می‌خواهد گره رشته ایمانتان بگسلد و به جای اتحاد کارتان را به تفرقه کشد و فتنه و



فساد برانگیزاند. از افسونهای وسوسه‌هایش اعراض کنید» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۲۱: بخش ۸). بخشی از روشهای تهاجم فرهنگی به این شرح است:

گسترش فساد در زمین: حضرت علی (علیه‌السلام) در بخشی از خطبه ۹۸ این راهبرد استکبار را چنین ترسیم می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَا يَزَالُونَ حَتَّى لَا يَدْعُوا لِلَّهِ مُحَرَّمًا إِلَّا اسْتَحْلَوْهُ وَلَا عَقْدًا إِلَّا حَلُّوهُ وَ حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ مَدْرٍ وَلَا وَبْرٍ إِلَّا دَخَلَهُ ظُلْمُهُمْ وَ نَزَلَ بِهِ عَيْتُهُمْ وَ نَبَا بِهِ سُوءٌ رَعِيهِمْ: به خدا سوگند، بنی‌امیه، همچنان بمانند تا هر چه را که خدا حرام کرده است، حلال شمارند و هر پیمانی را بگسلند و هیچ خانه و خیمه‌ای نماند، جز اینکه، ظلمشان در آن داخل گردد و تبهکاریشان در آن فرود آید. رفتار زشتشان مردم را از مساکنشان گریزان سازد...» (دستی ۱۳۸۳، خطبه ۹۸: بخش ۵).

احیای ارزشهای جاهلیت: این راهبرد استکبار در خطبه قاصعه چنین ترسیم شده است: «... اءِلا وَ اِنْكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ اءِيدِيكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمْتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ اعْلَمُوا ... اَنْكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الْهَجْرَةِ اَغْرَابًا، وَ بَعْدَ الْمَوْلَاةِ اَحْزَابًا، مَا تَتَعَلَّقُونَ مِنْ اِلَّا سِلَامٍ اِلَّا بِاسْمِهِ وَ لَا تَعْرِفُونَ مِنْ اِلَّا يَمَانَ اِلَّا رَسْمَهُ. تَقُولُونَ النَّارَ وَ لَا اَلْعَارَ، كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ. تَقُولُونَ... كَأَنَّكُمْ تُرِيدُونَ اَنْ تُكْفِنُوا اِلَّا سِلَامَ عَلِيٍّ وَ جَهِيهِ اَنْتَهَاكَ لِحَرِيمِهِ وَ نَقَضَا لِمِيثَاقِهِ، الَّذِي وَضَعَهُ اللَّهُ لَكُمْ حَرَمًا فِي رِضِيهِ، وَمُنَا بَيْنَ خَلْقِهِ: آگاه باشید شما هم اکنون دست از رشته اطاعت خدا کشیدید و با زنده کردن ارزشهای جاهلیت، دژ محکم الهی را درهم شکستید... بدانید که پس از هجرت دوباره چونان اعراب بادیه‌نشین شده‌اید و پس از وحدت دوباره به احزاب گوناگون تبدیل گشته‌اید. از اسلام تنها نام آن و از ایمان جز نشانی نمی‌شناسید! ... اسلام را واژگون و پرده حرمتش را پاره و پیمانی را که خدا برای حرمت مسلمین در زمین و عامل امنیت و آرامش مردم قرار داده شکستید...» (دستی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۹۲: بخش ۱۰۲-۱۰۸).

استعمار استثمار: این راهبرد استکبار برای مردم مصر چنین ترسیم شده است: «... لَكِنِّي اَسَى اءَنْ يَلِيَ اَمْرَ هَذِهِ اَلْاُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَ فُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ ذُوْلًا وَ عِبَادَةَ خَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ حَرْبًا وَ اَلْفَاسِقِينَ حَرْبًا: ولی اندوه من از این است که مستی بیخردان و تبهکاران این امت حکومت را به دست گیرند و مال خدا را میان خود دست به دست گردانند و بندگان خدا را به بردگی کشند و با نیکان در پیکار شوند و فاسقان را یاران خود سازند...» (دستی، ۱۳۸۳، نامه ۳۷: بخش ۱).

بدعت در دین: حضرت علی (علیه‌السلام) در سال ۳۶ هجری در آغاز جنگ صفین این راهبرد استکبار را در نامه خطاب به معاویه چنین ترسیم می‌فرماید: «... فَسُبْحَانَ اللَّهِ! مَا اَشَدُّ لُرُومَكَ لِلْاَهْوَاءِ الْمُبْتَدَعَةِ وَ الْحَيْرَةِ الْمُتَّبَعَةِ مَعَ تَضْيِيعِ الْحَقَائِقِ وَ اَطْرَاحِ الْوَتَائِقِ، اَلَّتِي هِيَ لِلَّهِ طَلِبَةٌ وَ عَلَيَّ عِبَادَةٌ حُجَّةٌ: سبحان الله! چه بسیار است پیروی تو از هواهای بدعت‌آمیز و چه سخت است گرفتار آمدنت به چنگ

## رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نهج البلاغه

حیرت و سرگردانی. حقایق را ضایع می‌گذاری و پیمانها را به دور می‌افکنی. حقایق و پیمانهایی که خواسته خداوند و حجت است بر بندگان او...» (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۳۷: بخش ۱).

ج) نفوذ: از دیگر راهبردهای استکبار علیه نظام اسلامی، بسیج همگانی به منظور نفوذ افراد سرسپرده در نظام اسلامی در راستای انحراف و اختلال در فرایند حرکت حکومت اسلامی به سمت اهداف متعالی است. در بخش افراد سرسپرده به افرادی چون خالدابن ولید و ابوموسی اشعری می‌توان اشاره کرد. کارتر رئیس جمهور وقت امریکا این راهبرد را چنین ترسیم می‌کند: «بازرگان و اعضای کابینه‌اش که اکثر تحصیل کرده غرب بودند با ما همکاری داشتند...» (Hart, 1995: 23). دربارهٔ بنی‌صدر چنین آمده است: «او (بنی‌صدر) پیش از انقلاب با حقوق ماهیانه هزار دلار و با کد رمز «اس.دی. لور»، با سازمان سیا همکاری می‌کرد (اسناد لانه جاسوسی، ج ۳۸: ۲۰۴).

د) کودتا: این راهبرد همانند دیگر راهبردهای صدر اسلام و تاکنون همواره توسط استکبار طرحریزی و اجرا شد. قرآن کریم این راهبرد را به پیامبر اکرم (صلوات‌اله علیه و آله) چنین خطاب می‌کند: «... اِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ اَوْ يَقْتُلُوكَ اَوْ يَخْرُجُوكَ وَيَمْكُرُونَ» (به یاد آر) زمانی را که کفار قریش (به منظور بی‌نتیجه کردن دعوت تو) حيله می‌کردند با تو تا حیس کنندت یا بکشند تو را یا بیرونت کنند (از مکه) و ایشان حيله می‌کنند...» (انفال / ۳۰). در صدر اسلام به کودتاهایی همچون سقیفه، حکمیت و صلح امام حسن (علیه‌السلام) می‌توان اشاره کرد. این راهبرد دشمن در عصر حاضر در اسناد چنین تدوین شده است: «... هدف از تهاجم طبع تنها آزادی گروگانها نبود بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران، هدف اصلی این عملیات بوده است (کیه‌زا، ۱۳۶۲: ۱۳۶). دربارهٔ اجرای این راهبرد علیه جمهوری اسلامی ایران خبرگزاری تاس چنین گزارش می‌کند: «... امریکا با همکاری مصر و اسرائیل طرح کودتا در ایران را مورد بررسی قرارداد» (خبرگزاری ج.ا.ا. ایران، نشریه گزارش ویژه، مورخ ۱۳۵۹/۳/۴: ۲۰).

ه) بحران و آشوبهای داخلی: از دیگر راهبردهای استکبار علیه نظام اسلامی ایجاد بحرانهای داخلی است. در صدر اسلام می‌توان به اقدامات یهودیان در مدینه، شورشهای مردم کوفه در زمان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و اقدامات مردم علیه امام حسن (علیه‌السلام)، ... اشاره کرد. حضرت علی (علیه‌السلام) دربارهٔ این راهبرد می‌فرماید: «... فَتَنٌ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ لَا تَقُومُ لَهَا قَائِمَةٌ وَلَا تُرَدُّ لَهَا رَابِعَةٌ، تَأْتِيكُمْ مَرْمُومَةٌ مَرْحُومَةٌ يَخْفِزُهَا قَائِدُهَا: فتنه‌هایی است چون ظلمت شب، کس را یارای آن نیست که در برابرشان برپای خیزد. هیچ یک از درفش‌هایش واپس نخواهد نشست. فتنه‌ها همانند اشتری مهار کرده

1. Coupdetat
2. Internal Crisis

و پالان بر پشت نهاده که آن که مهارش را می‌کشد به شتابش وا دارد و آن که بر آن سوار شده تا حد توان می‌دواندش به سوی شما می‌آیند. آن فتنه‌جویان قومی هستند که سختدلی و آزارشان بیش و رخت و جامه‌شان اندک است...» (دشتی، ۱۳۸۳: خطبه ۱۰۱: بخش دوم). حضرت خطاب به والی مکه قثم بن عباس این راهبرد استکبار (معاویه) را چنین هشدار می‌دهند: «... أَمَا بَعْدُ فَإِنَّ عَيْنِي بِالْمَغْرِبِ كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وَجَّهٌ إِلَيَّ الْمَوْسِمِ أَنَسٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، الْعُمِّيِّ الْقَلْبِ، الصَّمِّ الْأَسْمَاعِ، الْكُفَّهِ الْأَبْصَارِ، الَّذِينَ يَلْتَمِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَيُطِيعُونَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَيَحْتَلِبُونَ الدُّنْيَا دَرَاهِمًا بِالْأُكْبَادِ وَ يَشْتَرُونَ عَاجِلَهَا بِأَجْلِ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ: اما بعد، جاسوس من که در مغرب است به من نوشته و خبر داده است که جمعی از مردم شام را برای روزهای حج به مکه فرستاده‌اند. مردمی کوردل، گران گوش و کور دیده که حق را از راه باطل می‌جویند و با فرمانبرداری از مخلوق، نافرمانی خالق می‌کنند و دین خویش می‌دهند و متاع ناچیز دنیا می‌ستانند و به بهای جهان نیکان و پرهیزگاران، دنیای دون را می‌خرند» (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۳۳: بخش ۱). سولیوان سفیر امریکا در ایران در سال ۱۳۵۸ چنین می‌گوید: «هر گروه میانه‌رو متمایل به غربی که به مبارزه علیه ملاحا برخیزد در مورد او به‌عنوان یک گروه مترقی با علاقه تمام تبلیغ خواهیم کرد» (غضنفری، ۱۳۸۱: ۱۴۲). استکبار این راهبرد را در سالهای ۱۳۶۰، ۱۳۷۸، ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرا کرده است.

(و) ترور: از دیگر راهبردهای استکبار علیه نظام اسلامی طرحریزی و اجرای ترور است. این راهبرد را حضرت علی (علیه‌السلام) چنین ترسیم می‌فرمایند: «... فَأَرَادَ قَوْمُنَا قَتْلَ نَبِيِّنَا: قوم ما (قریش) آهنگ کشتن پیامبر ما کردند...» (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۹: بخش اول). این راهبرد استکبار با دو رویکرد زیر طراحی و اجرا می‌شود:

ترور فیزیکی: این رویکرد در آیاتی از سوره قصص چنین ترسیم شده است: «... وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ: و آمد مردی از دورترین نقطه شهر در حالی که شتاب می‌کرد (تا به موسی رسید) گفت ای موسی البته بزرگان قوم فرعون مشورت می‌کنند درباره تو تا بکشندت پس بیرون شو که من از نیک خواهانم...» (قصص / ۲۰). رویکرد این راهبرد به پیامبر اکرم (صلوات‌اله علیه و آله) چنین خطاب شده است: «... إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ: و (به یاد آر) زمانی را که کفار قریش (به منظور بی‌نتیجه کردن دعوت تو) حيله می‌کردند با تو تا حبس کنندت یا بکشند...» (انفال: ۳۰). حوادثی همچون ليله‌المیت، ترور حضرت علی (علیه‌السلام) و ترور امام مجتبی (علیه‌السلام)، نمونه‌هایی از رویکرد این راهبرد است. در دوران انقلاب به حجم ترورهایی که توسط دست‌نشانده‌های استکبار از ماه‌های اول انقلاب تاکنون

## رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نهج البلاغه

تاکنون صورت گرفته است می‌توان اشاره کرد. در روزنامه ملی گزاته این راهبرد چنین تبیین شده است: «... منافقین از طریق نمایندگیهای خود در عراق و ترکیه و توسط سازمان سیا تحت آموزشهای تروریستی قرار گرفته‌اند و برای عملیات به ایران اعزام می‌شوند...» (روزنامه جمهوری اسلامی: ۱۳۷۲/۱/۲۶).

ترویر شخصیتی<sup>۱</sup>: قرآن کریم این رویکرد را چنین تبیین می‌فرماید: «... فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ: پس آن هنگام که آمد به سویشان حق (معجزات) از جانب ما گفتند البته این سحری هویدا است...». در دوران شکل‌گیری نهضت اسلامی از سال ۱۳۴۱ تاکنون همواره استکبار جهانی با بهره‌گیری از امپراتور خبری خود، رهبران عالیرتبه نظام را به حرکت در مسیر اردوگاه شرق متهم می‌نمودند. در دوران دفاع مقدس مسئولان و رهبران نظام را به پیروی از بلوک شرق، دفاع از اسرائیل و بعضاً به سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر متهم می‌کردند تا مردم را نسبت به آنان دلسرد کنند.

ز) راهبرد تجزیه از طریق جنگ داخلی<sup>۲</sup>: این راهبرد از حرکت‌های دیرینه استکبار علیه نظام سیاسی اسلام است که چنین ترسیم شده است: «... وَ أَحْسَبُونَا الْخَوْفَ: و با وحشت دست به گریبانمان ساختند...» (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۹: بخش اول). قرآن کریم این راهبرد را چنین تبیین می‌کند: «... لَقَدْ ابْتِغَوْا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ: به خدا سوگند که منافقان می‌خواستند فتنه را پیش از این (غزوه احد) و بگردانید برای تو کارها (توبه / ۸). در صدر اسلام می‌توان به غرور بنی‌قینقاع اشاره کرد و در دوران حکومت حضرت علی (علیه‌السلام) می‌توان به سه جنگ جمل، صفین و نهروان، و در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی می‌توان به تجهیز و تحریک قومهای مختلف کشور - خلق عرب، کومله و دمکرات، خلق بلوچ، ... - توسط استکبار علیه جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. یکی از افسران سیا در ۱۳۵۸/۳/۲۹ درباره این راهبرد می‌گوید: «... تمام بذره‌های جنگ داخلی در ایران کاشته شده است. ما تسلیحات زیادی در ایران داریم. گروه‌های زیادی در ایران آماده جنگ هستند. ما در آستانه موفقیت و پیروزی هستیم» (روزنامه کیهان ۱۳۵۹/۱۰/۲۰). جکسون از سناتورهای امریکایی در این باره می‌گوید: «... انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است...» (Bill, 1988: 258). در یک سند سری سیا این راهبرد چنین ترسیم شده است: «... اگر کردها، آذربایجانی‌ها، اعراب و دیگر گروه‌های قومی تلاش خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک

1. Terror  
2. Internal War

ح) مصوبات بین‌المللی: از دیگر راهبردهای استکبار علیه نظام اسلامی از صدر اسلام تاکنون تصویب قوانین بین‌المللی است. این راهبرد در نامه ۹ چنین ترسیم شده است: «... وَفَعَلُوا بِنَا الْأَفَاعِيلَ: پس درباره ما بارها نشستند و رأی زدند و بسا کارها کردند...» (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۹: بخش اول). نماد این راهبرد در صدر اسلام توسط ابوسفیان با تصویب قانونی در مکه به منظور تحریم هرگونه دادوستد و مبادله با شعب ابی‌طالب و مکاتبات ابوسفیان با حبشه به منظور اخراج فرستادگان پیامبر اکرم (صلوات‌الله علیه و آله) را شامل می‌شود. در عصر حاضر از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی جبهه استکبار با نفوذی و استیلائی که بر سازمان ملل داشت، همواره از این حربه علیه جمهوری اسلامی ایران استفاده کرد؛ از جمله اقدامات این راهبرد لایحه بهمن ۱۳۷۴ از سوی «داماتو» سناتور صهیونیستی آمریکا به مجلس سنا است که چنین آمده است: «آن چنانکه در سال ۱۳۷۰ توسط نماینده سازمان ملل در مورد حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل گزارش شده است، دولت ایران اهمیت اصول بین‌المللی را نادیده می‌گیرد...» (رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۹۲: ۷۲). با توجه به مصوبات مکرر سازمان‌های بین‌المللی درباره نقض حقوق بشر در ایران، کلیتون رئیس جمهور پیشین آمریکا چنین می‌گوید: «در صورتی که خواسته‌ها و استانداردهای معنوی جامعه جهانی نقض شود، آمریکا به دفاع از آنها بر خواهد خواست» (رویدادها و تحلیل‌ها، شماره ۹۳: ۲۴).

ط) محاصره اقتصادی<sup>۱</sup>: از دیگر راهبردهای استکبار برای شکست نظام اسلامی راهبرد اقتصادی است که در نامه ۹ چنین ترسیم شده است: «... مَنَعُونَا الْعَذْبَ: از زندگی شیرین منع مان کردند» (شیروانی، ۱۳۹۱: نامه ۹). این راهبرد با شیوه‌های متفاوتی علیه نظام اسلامی طرح‌ریزی و اجرا می‌شود؛ از جمله:

احتکار: نظر به نقش تخریبی این روش، حضرت به مالک اشتر چنین هشدار می‌دهند: «... وَتَفَقَّدُوا أُمُورَهُمْ بِخَضْرَتِكُمْ وَفِي حَوَاشِي بِلَادِكُمْ وَاعْلَمُوا مَعْدَلَكُمْ أَنْ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَشُحًا قَبِيحًا وَاحْتِكَارَ الْمَنَافِعِ وَتَحَكُّمًا فِي الْبِيَاعَاتِ وَذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَعَيْبٌ عَلَى الْوَلَاءَةِ. فَامْنَعُوا مِنَ الْإِحْتِكَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلوات‌الله علیه و آله) مَنَعَ مِنْهُ وَلَيْكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمْحًا مَوَازِينِ عَدْلٍ وَأَسْعَارًا لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنْ وَأَعْوَانِكُمْ مِنْ أَحْرَاسِكُمْ وَشُرَطِكُمْ حَتَّى يُكَلِّمَكُمُ مَتَكَلِّمُهُمْ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ، فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلوات‌الله علیه و آله) يَقُولُ فِي غَيْرِ مَوْطِنٍ: لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنْ الْقَوِيِّ غَيْرَ مُتَعَتِّعٍ: در کارشان نظر کن؛ خواه در شهر تو باشند یا شهرهای دیگر. با این همه بدان که بسیاری از ایشان را روشی ناشایسته است و حریصند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بها می‌گذارند؛ با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس از

ایشان را روشی ناشایسته است و حریصند و بخیل. احتکار می‌کنند و به میل خود برای کالای خود بها می‌گذارند؛ با این کار به مردم زیان می‌رسانند و برای والیان هم مایه ننگ و عیب هستند. پس از احتکار منع کن که رسول‌الله (صلوات‌الله علیه و آله) آن را منع کرده است و باید خرید و فروش به آسانی صورت گیرد و بر موازین عدل به گونه‌ای که در بهانه فروشنده زیان بیند و نه بر خریدار اجحاف شود. پس از اینکه احتکار را ممنوع داشتی، اگر کسی باز هم دست به احتکار کالا زد، کیفرش ده و عقوبتش کن تا سبب عبرت دیگران گردد ولی کار به اسراف نکشد» (همان، نامه ۵۳: بخش ۹۹).

ی) **تهاجم نظامی:** از دیگر راهبردهای استکبار علیه نظام اسلامی از صدر اسلام تاکنون تهاجم نظامی است. این راهبرد را حضرت علی (علیه‌السلام) چنین ترسیم می‌کند: «... وَأَوْقَدُوا لَنَا نَارَ الْحَرْبِ: سپس برای ما آتش جنگ افروختند...» (دستی، ۱۳۸۳، نامه ۹: بخش اول). این راهبرد به کارگزاران نظام اسلامی چنین ابلاغ شده است: «... فَخُذُوا لِلْحَرْبِ أَهْبَتَهَا وَأَعِدُّوا لَهَا عُدَّتَهَا فَقَدْ سَبَّ لَطَاهَا وَعَلَا سَنَاهَا وَاسْتَشَعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ إِذْ دَعَى إِلَى النَّصْرِ: برای جنگ آماده شوید و ساز و برگ نبرد مهیا دارید که آتش جنگ افروخته شده و شعله آن بالا گرفته است...» (دستی، ۱۳۸۲، خطبه ۲۶: بخش ۵). حضرت امام (ره) این راهبرد را برای کارگزاران نظام چنین ترسیم می‌فرمایند: «... جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست. جنگ ما جنگ فقر و غنا بود. جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود. این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۸۶).

سؤال دوم: راهبردهای نظام اسلامی مؤثر در رسالت نیروهای مسلح از دید نهج البلاغه کدام است؟ فراز و فرود حکومتها گویای این است که از دیگر محورهای اساسی تبیین و ترسیم‌کننده رسالت نیروهای مسلح ابر راهبرد نظام سیاسی است. ابر راهبرد جبهه حق از آغاز آفرینش انسان يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بوده است. محقق شدن این ابر راهبرد با راهبردهای زیر فراهم می‌شود:

الف) **نجات انسان از ظلمت:** از راهبردهای نظام اسلامی، که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است، نجات انسان از ظلمت و گمراهی است. این راهبرد هنگام شروع جنگ صفین چنین ترسیم شده است: «... فَوَاللَّهِ مَا دَفَعْتُ الْحَرْبَ يَوْمًا إِلَّا وَ أَنَا أَطْمَعُ أَنْ تَلْحَقَ بِي طَائِفَةٌ فَتَهْتَدِيَ بِي وَ تَعْشَوُا إِلَيَّ صَوْتِي وَ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقْتُلَهَا عَلَى ضَلَالِهَا وَ إِنْ كَانَتْ نَبْوَةً بَأْتَامِهَا: به خدا سوگند، هیچ گاه جنگ را حتی یک روز به تأخیر نینداختم مگر به آن امید که گروهی از مخالفان به من پیوندند و به وسیله من هدایت شوند و با چشمان کم‌سوی خود پرتوی از راه مرا بنگرند و به راه آیند. چنین حالی را بیشتر دوست دارم از کشتن ایشان در عین ضلالت؛ هر چند، خود گناه خود به گردن گیرند...» (دستی، ۱۳۶۵: خطبه ۵۴). پیامبر اکرم (صلوات‌الله علیه و آله) این راهبرد نظام اسلامی را چنین تبیین می‌فرماید: «... خداوند ما را آفریده و مبعوث ساخته است تا کسانی از بندگانش را که در زیر سلطه ظالمان هستند،

خارج سازیم و آنها را به عبادت و پرستش او رهنمون شویم...» (کمال ابن اثیر، ۱۴۰۸: ۴۶۲). در جای دیگر این راهبرد چنین ترسیم شده است: «... مَنْ أَصْبَحَ وَ لَمْ يَهْتِمْ بِهٖ أُمُورَ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: کسی که بشنود انسانی که ندا می‌دهد ای مسلمانان به فریادم برسید اگر اجابتش نکند، مسلمان نیست...» (دانشگاه دفاع ملی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) این راهبرد را در بعثت پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه و آله) چنین ترسیم می‌کند: «... بَابِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ ظَلَمَهَا وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ عُمَمَهَا وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهُدَايَةِ، فَأَقْدَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمَائِيَّةِ وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ: خدای بزرگ به وسیله پدرم محمد (صلوات‌الله‌علیه و آله) تاریکیهای آن را روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید و بینایشان کرده و ایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شد، و به راه راست دعوت نمود...» (تهرانی، ۱۳۹۱: ۶۱-۶۳).

ب) احیای نشانه‌های دین خداوند: از راهبردهای نظام اسلامی، که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است، احیای نشانه‌های دین خداوند است. این راهبرد هنگام شروع جنگ صفین چنین ترسیم شده است: «... اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَ لَا ائْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخُطَامِ وَ لَكِنْ لِنُرْدَ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ: بار خدایا، تو می‌دانی که آن کارها که از ما سر زد (جنگ)، نه برای هم چشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیای ناچیز چیزی افزون به چنگ آوریم، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین تو را که دگرگون شده بود بازگردانیم...» (دشتی، ۱۳۸۳ خطبه ۱۳۱: بخش ۳) این راهبرد را حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) در خطبه فدکیه چنین تبیین می‌فرماید: «... دَاعِيَا إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَجْفُؤُ الْأَصْنَامَ وَ يَنْكُثُ الْأَهَامَ، حَتَّىٰ أَنْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وُلُّوا الدُّبُرَ. حَتَّىٰ تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنْ صُبْحِهِ وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ: و با حکمت و پند و اندرز نیکو به سوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته و سر کینه‌توزان را می‌شکند تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند تا آن‌گاه که صبح روشن از پرده شب برآمد و حق نقاب از چهره برکشید، زمامدار دین به سخن در آمد...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۳). این راهبرد را پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه و آله) چنین تبیین می‌فرماید: «... مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونُ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: کسی که در راه اعتلای کلمه‌الله و حاکمیت آیین حق قیام می‌کند در راه خدا جهاد کرده است...» (بخاری، بی تا: ۵۶).

ج) اصلاح شهرها: حضرت علی (علیه‌السلام) در بخشی از خطبه ۱۳۱ این راهبرد را چنین تبیین می‌کند: «... وَ نَظَّهَرِ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكُ: و بلاد تو را اصلاح کنیم...» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۳۱: بخش ۳).

د) امان ستمدیدگان: این راهبرد نظام اسلامی، که تبیین کننده رسالت نیروهای مسلح است در بخشی دیگر از خطبه ۱۳۱ چنین تبیین شده است: «... فَيَأْمَنُ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَتُقَامُ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكُمْ: تا بندگان ستمدیده‌ات در امان مانند و آن حدود که مقرر داشته‌ای، جاری گردد (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۱۳۱: بخش ۳). معمار کبیر انقلاب اسلامی این راهبرد را در چشم‌انداز دفاعی نظام اسلامی چنین ترسیم می‌فرماید: «... ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم جمهوری اسلامی برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است...» (محمدی، ۱۳۸۷: ۷۶).

ه) دفع فساد از زمین: این راهبرد به عنوان رسالت نیروهای مسلح به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف چنین ابلاغ شده است: «... اجْهَدُ فِي أَنْ تُطَهِّرَ الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَالْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ، حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ الْأَخْصِيدِ: و می‌کوشم تا زمین را از این شخص تبه‌کار کج‌اندیش پاکیزه سازم؛ چنانکه گندم را پاک کنند و دانه‌های کلوخ را از آن بیرون اندازند...» (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۴۵: بخش ۱۹).

و) مقابله با عصیان‌گران: از دیگر راهبرهای نظام اسلامی، که تبیین کننده رسالت نیروهای مسلح است، مقابله با طغیان و طغیان در برابر اوامر خداوند متعال است. این راهبرد در خطبه قاصعه چنین تبیین شده است: «... الا وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِقِتَالِ أَهْلِ الْبَغْيِ وَالنَّكَثِ وَالْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ فَأَمَّا النَّائِكُونَ فَقَدْ قَاتَلْتُ وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ فَقَدْ جَاهَدْتُ وَأَمَّا الْمَارِقَةُ فَقَدْ دَوَّخْتُ: آگاه باشید! خداوند مرا به جنگ با سرکشان، تجاوزکاران، پیمان‌شکنان و فسادکنندگان در زمین فرمان داد. با ناکثان پیمان‌شکن جنگیدم و با قاسطین تجاوز کار جهاد کردم و مارقین خارج شده از دین را خوار و زبون ساختم...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۹۲: بخش ۱۱۱). این راهبرد در قرآن کریم چنین ترسیم شده است: «... وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ: با آنها بجنگید تا فتنه و شرکی باقی نماند و آیین همه آیین خداوند باشد...» (بقره/۱۹۳). در خطبه فدک این راهبرد چنین ترسیم شده است: «... الْمُشْرِكِينَ، ضَارِبًا تَبَجَّهْمُ، اخِذًا بِأَكْطَابِهِمْ: کمرشان را شکست؛ حلو قمشان را فشرد و با حکمت و پند و اندرز نیکو به سوی پروردگارش دعوت نمود، بتها را نابود ساخته و سر کینه‌توزان را می‌شکند؛ تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند...» (مجلسی کوپائی، ۱۳۸۸: ۲۳).

ز) استقرار حکومت حق در سراسر زمین: این راهبرد نظام اسلامی، که تبیین کننده رسالت نیروهای مسلح است در بخشی از خطبه ۱۹۲ چنین تبیین شده است: «... وَلَئِنْ أَذَنَ اللَّهُ فِي الْكُرَّةِ عَلَيْهِمْ



ح) اجابت فرمان الهی: این راهبرد نظام اسلامی، که برخوردار از رویکرد نظامی است در سال ۳۷ هجری هنگام شروع جنگ صفین چنین ترسیم شده است: «... وَقَدْ قَلَّبْتُ هَذَا الْأَمْرَ بَطْنُهُ وَظَهَرَهُ حَتَّى مَعْنَى النَّوْمِ فَمَا وَجَدْتَنِي يَسْعَى إِلَّا قِتَالَهُمْ أَوْ الْجُحُودُ بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (\*) فَكَانَتْ مُعَالَجَةُ الْقِتَالِ أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مُعَالَجَةِ الْعِقَابِ وَمَوَاتِ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَوَاتِ الْآخِرَةِ: زیر و روی کار را بر رسیدم (به گونه‌ای که خواب از چشمم برید) دیدم یا باید با این قوم بجنگم یا آنچه را محمد (صلوات الله علیه و آله) آورده انکار کنم؛ پس، جنگ با آنان را از عذاب خدا آسانتر یافتم که رنجهای این جهانی، تحمل‌پذیرتر از عذابهای آن جهانی است...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۵۴: بخش ۲-۳).

ط) انهدام افکار شیطانی: این راهبرد نظام اسلامی با رویکرد نظامی که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است در جمع لشکریان نبرد صفین، چنین ترسیم شده است: «... وَ عَلَيكُمْ بِهَذَا السَّوَادِ الْأَعْظَمِ وَالرَّوَاقِ الْمُطَنَّبِ فَاضْرِبُوا تَبَعَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ كَامِنٌ فِي كِسْرِهِ وَقَدْ قَدَّمَ لِلْوَيْبَةِ يَدًا وَآخَرَ لِلنُّكُوصِ رَجُلًا فَصَمْدًا صَمْدًا حَتَّى يُنْجَلِيَ لَكُمْ عَمُودَ الْحَقِّ: به آن سپاهی انبوه، یعنی سپاه شامیان بتازید و بر آن سرپرده‌ای که طنابهایش به اطراف کشیده شده، حمله برید و شمشیرهای خود بر یال و کتفشان فرود آرید که شیطان در درون آن لانه کرده است. دستی پیش داشته که بجهد و بتازد و پایی واپس نهاده که به‌هنگام بگریزد. آهنگ او و یارانش کنید تا پرتو حقیقت بر شما تجلی کند...» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۶۶: بخش ۴-۵).

ی) مبارزه با مدعیان دروغین: این راهبرد نظام اسلامی، که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح و چشم‌انداز مکتب حیات‌بخش اسلام در فرایند تحقق مقام قرب الهی انسان است در خطبه‌ای در جمع مردم مدینه چنین ترسیم شده است: «... أَلَا وَإِنِّي أَقَاتِلُ رَجُلَيْنِ: رَجُلًا ادَّعَى مَا لَيْسَ لَهُ وَآخَرَ مَنَعَ الَّذِي عَلَيْهِ: آگاه باشید که من با دو کس پیکار کنم: یکی کسی که چیزی را ادعا کند که حق او نباشد و دیگری کسی که از ادای حقی که به گردن اوست سر برتابد...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۷۳: بخش ۳).

ک) احقاق حق: این راهبرد نظام اسلامی، که برخوردار از رویکرد نظامی، و تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است، خطاب به محمدابن ابی‌بکر چنین ابلاغ شده است: «... مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ وَ الْجِهَادِ عَلَى حَقِّكُمْ؟ الْمَوْتَ أَوْ الدَّلَّ لَكُمْ: منتظر چه چیزی هستید؟ چرا برای گرفتن حق خود جهاد نمی‌کنید؟ آیا در انتظار مرگ یا ذلت هستید...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۱۸۰: بخش ۳).

ل) گشودن مسیر الهی بر روی مردم: از دیگر راهبردهای نظام اسلامی، که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است، گشودن مسیر الهی به روی انسان است که در منشور حکومت اسلامی چنین

## رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نهج البلاغه

ل) گشودن مسیر الهی بر روی مردم: از دیگر راهبردهای نظام اسلامی، که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است، گشودن مسیر الهی به روی انسان است که در منشور حکومت اسلامی چنین ترسیم شده است: «... لُجِهَادُ الْجِهَادِ عِبَادَ اللَّهِ، الْإِلا وَإِنِّي مُعَسِّكِرٌ فِي يَوْمِي هَذَا، فَمَنْ أَرَادَ الرُّوْحَ إِلَى اللَّهِ فَلْيَخْرُجْ؛ جهاد؛ جهاد ای بندگان خدا. بدانید که من امروز لشکر می‌آرایم. هر که خواهد که با این سپاه به سوی خدا، در حرکت آید به لشکرگاه روی نهد (فیض‌الاسلام، ۱۳۶۵، خطبه ۱۸۲: بخش ۳).

م) توسعه میدان نبرد: از راهبردهای نظام اسلامی که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است توسعه میدان نبرد است که در منشور حکومت اسلامی چنین ترسیم شده است: «... فَوَاللَّهِ مَا عَزَى قَوْمٌ قَطُّ فِي عُقْرِ دَارِهِمْ إِلَّا ذُلُّوا؛ به خدا سوگند هر ملتی که درون خانه خود مورد هجوم قرار گرفت، ذلیل خواهد شد» (شیروانی، ۱۳۹۱، خطبه ۲۷: بخش ۴). این راهبرد، در بیانات فرماندهی معظم کل قوا چنین ترسیم شده است: «... در خلیج فارس جنگ کردن داخل خانه است در حالی که در دریای عمان جنگ کردن در عرصه وسیع بیرون خانه است. بنابراین کار خیلی مهم است...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۱۲/۱۹).

ص) مقابله با خواری مسلمین: این راهبرد، که تبیین‌کننده رسالت نیروهای مسلح است در هنگامی که سپاه معاویه آب را بر روی سپاه اسلام بست، چنین ترسیم شده است: «قَدِ اسْتَطَعْمُوكُمْ الْقِتَالَ فَأَقْرُوا عَلَى مَذَلَّةٍ وَتَأْخِيرٍ مَحَلَّةٍ، أَوْ رَوْوُوا السُّيُوفَ مِنَ الدِّمَاءِ تَرَوْوًا مِنَ الْمَاءِ: سپاه معاویه با بستن آب بر شما، شما را به پیکار دعوت کرده است. اکنون بر سر دو راهی هستید یا به ذلت و خواری بر جای خود بنشینید و یا شمشیرها را از خون سیراب سازید تا از آب سیراب شوید...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۵۱، بخش یکم).

سؤال سوم: نظر به راهبردهای نظام سلطه و نظام اسلامی، نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دید نهج البلاغه چه رسالتی را عهده‌دار هستند؟ نظر به راهبردهای دو نظام حق و باطل، که در سؤالات قبل به آن اشاره شد، جهانشمول و زمانشمول بودن اسلام و احکام حیاتبخش آن و نگاه ژرف و عمیقی که حضرت علی (علیه‌السلام) به تحولات عالم داشتند در ابلاغ منشور حکومت اسلامی به مالک اشتر، رسالت نیروهای مسلح را چنین ترسیم می‌فرمایند: «... فَأَلْجُنُودٌ بِإِذْنِ اللَّهِ: الف) امنیت اجتماعی: حُصُونُ الرَّعِيَّةِ: دژهای استوار رعیت‌اند. ب) امنیت سیاسی: وَ زَيْنُ الْوَلَدَةِ: زینت والیان. ج) امنیت اعتقادی: وَ عِزُّ الدِّينِ: دین خدا به آنها عزت یابد.

د) امنیت اقتصادی: وَ سَبِيلُ الْأَمْنِ: راه‌ها به آنها امن گردد.

ه) امنیت فرهنگی: وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ: و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد» (خان‌احمدی، ۱۳۹۱: ۱۸۱). نظر به این منشور فرماندهی معظم کل قوا چنین می‌فرماید: «... اهمیتی که برای این مجموعه قائلیم، اولاً از این جهت است که مجموعه نیروهای مسلح، برترین عامل در حفظ امنیت کشورند. نیروهای مسلح به گفته امیر مؤمنان دژ ملت، بازوی ملت، حصن و حصار مستحکم مردم سرزمینهای خود هستند و امنیت را اینها تأمین می‌کنند...» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۴).



#### الگوی مفهومی (۲): رسالت نیروهای مسلح از دید نهج‌البلغه

الف) امنیت اجتماعی: این امنیت ناظر بر آرامش و آسایش و رفاه مادی و معنوی جامعه همراه با عدالت اجتماعی، نبود تبعیض و فقر، برقراری نظم اجتماعی و پایداری دولت و حکومت و آحاد ملت به قانون و حقوق قانونی، روابط حسنه بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی، تبعیض مالکیت و دارایی آحاد مردم از دستبرد، حفظ جان، مال و ناموس مردم از تعرض، نبود ناهنجاری اجتماعی و فساد، استقرار نظام بهینه تأمین اجتماعی و رسیدگی به امور نیازمندان و نظایر آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳۱). نظر به شاخصهای امنیت اجتماعی، حضرت در بخشی از منشور حکومت اسلامی رسالت نیروهای مسلح در بُعد اجتماعی را چنین ترسیم می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ ... حُصُونُ الرَّعِيَّةِ: دژهای استوار رعیت‌اند (دشتی، ۱۳۸۳، نامه ۵۳ بخش ۴۴). نظر به نقشی که این سطح امنیت در ثبات اجتماعی ایفا می‌کند، حضرت پس از حمله سپاه شام به بلاد تحت حاکمیت نظام اسلامی می‌فرماید: «... وَ لَقَدْ بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى الْمُعَاهَدَةَ فَيَنْتَرِعُ حِجْلَهَا وَقَلْبَهَا وَقَلْبَئِذَاهَا وَرِعَانَهَا مَا

## رسالت نیروهای مسلح در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نهج البلاغه

تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْإِسْتِرْجَاعِ وَالْإِسْتِرْحَامِ ... فَلَوْ أَنَّ أَمْرًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مُلُومًا: به من خبر رسیده است که یکی از آنان به خانه زن مسلمان و غیرمسلمانی که در پناه اسلام جان و مالش محفوظ بوده وارد شده خلخال و دستبند، گردن‌بند و گوشواره‌های آنها را از نشان بیرون آورده است... در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند... اگر به خاطر این حادثه مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد...» (دشتی، ۱۳۸۳، خطبه ۲۷).

ب) امنیت سیاسی<sup>۱</sup>: یعنی ثبات سیاسی و حفظ حکومت، موجودیت کشور و ملت، وحدت، انسجام و آشتی ملی و تعامل سازنده بین گروه‌ها و نخبگان (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳۰). نظر به شاخصهای امنیت سیاسی در بخشی از منشور حکومت اسلامی رسالت نیروهای مسلح در بُعد امنیت سیاسی چنین ترسیم شده است: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَزَيْنُ الْوُلَاةِ: زینت والیان (دشتی، ۱۳۸۲: ۲۴).

ج) امنیت اعتقادی: مصون ماندن باورها، ارزشهای اعتقادی، احکام نظام اسلامی و مسلمانان از هرگونه تهدید (خان‌احمدی). نظر به نقش و جایگاه این سطح امنیت در سعادت و تعالی انسان حضرت در منشور حکومت اسلامی خطاب به مالک‌اشتر رسالت نیروهای مسلح را چنین ابلاغ می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... عِزُّ الدِّينِ: نیروهای مسلح... دین خدا به آنها عزت یابد» (رهبر، ۱۳۶۸: ۵۳). این سطح از امنیت را قرآن کریم چنین تبیین می‌کند: «...وَكَلَّمَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَيَبَعُ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يُدْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا: و اگر خدا دفاع نکند و به وسیله جنگ و مبارزه، بعضی را به وسیله دیگری دفع نکند دیرها، صومعه‌ها، معبد‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود ویران می‌گردید» (حج: ۴۰).

د) امنیت اقتصادی<sup>۲</sup>: امنیت اقتصادی ناظر بر روند طبیعی و رو به رشد فرایندهای اقتصادی و نهادهای تولید، توزیع و مصرف، حیات فعال و بدون دغدغه بنگاه‌های اقتصادی، مالی، بانکی، و بیمه‌ای در بخشهای عمومی، دولتی و خصوصی، تعامل سازنده با سامانه اقتصادی بین‌المللی و روند فراینده مبادلات و داد و ستد در بازار تجارت بین‌المللی و... است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳۱). نظر به نقشی که این سطح امنیت در رشد، توسعه و استقلال اقتصادی نظام اسلامی دارد، حضرت در منشور حکومت اسلامی خطاب به مالک‌اشتر این رسالت نیروهای مسلح را چنین ابلاغ می‌فرماید: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَ سُبُلُ الْأَمْنِ: راه‌ها به آنها امن گردد» (شیروانی، ۱۳۹۶: نامه ۵۳: بخش ۴۴).

1. Political Security  
2. Economy Security

ه) امنیت فرهنگی<sup>۱۰</sup>: رشد اخلاق دینی، ارتقای فرهنگ عمومی و اسلامی، پویایی و گسترش ارزشهای انقلاب و دفاع مقدس، فراهم بودن بسترهای مناسب تولید علم و تقویت جنبش نرم‌افزاری، استحکام پایه‌های معرفت دینی و ایمن‌سازی اخلاقی و روحی نسل جدید در برابر تهاجمات و شیخون فرهنگی دشمنان است (خان‌احمدی). نظر به نقشی که این سطح امنیت در سعادت دنیوی و اخروی و حفظ هویت مسلمانان دارد، این رسالت نیروهای مسلح در منشور حکومت اسلامی چنین ترسیم شده است: «فَالْجُنُودُ بِإِذْنِ اللَّهِ... وَ لَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ: و کار رعیت جز به آنها استقامت نپذیرد» (خان‌احمدی، ۱۳۹۱: ۱۸۱). نظر به چنین جایگاهی حضرت رویکرد فرهنگی جهاد مؤثر در سعادت انسان را در راهبرد دفاعی نظام اسلامی را چنین تبیین می‌فرمایند: «... أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ وَجَنَّةُ الْوَيْقَةِ: اما بعد جهاد دری است از درهای بهشت. خداوند آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداوند است...» (شیروانی، ۱۳۹۱ خطبه ۵۱: بخش یکم).

### نتیجه‌گیری

نظر به رسالت‌های پنجگانه نیروی مسلح در نظام اسلامی که تحت تأثیر دو ابر راهبرد و راهبردهای عملیاتی دو جبهه حق و باطل، و تبیین‌کننده امنیت پایدار با رویکرد اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی است و نظر به این بخش از بیانات فرماندهی کل قوا که چنین آمده است: «... نیروهای مسلح ما خود را آماده و مجهز می‌کنند تا دفاع کنند؛ نه تنها دفاع از سرزمین — که خود افتخار بزرگی است — بلکه دفاع از آرمانهای انسانی؛ دفاع از شرف و کرامت انسانیت...» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۹/۰۳) و این تدبیر معظم‌له که چنین آمده است: «... امروز نیروهای مسلح سرافراز و سربلندند؛ چرا که در خدمت سیاستهای اسلامی هستند...» (امام‌خامنه‌ای: ۱۳۷۲/۰۵/۰۶)، محقق بر این باور است با نهادینه‌شدن این رسالت، طیف کاملی از گزینه‌های<sup>۱۱</sup> دفاع لایه‌بندی شده<sup>۱۲</sup> تحت عنوان پنج ظرفیت در حوزه امنیت پایدار به این شرح برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد:

- 1 . Culture - Social Security
- 2 . Full Range Of pitons.
- 3 . Layered Integrity.



«الگوی مفهومی نتایج»

الف) ظرفیت‌سازی<sup>۱۳</sup> با مقابله با تهدیدات سخت<sup>۱۴</sup>: نظر به راهبرد نظامی استکبار و هدف متعالی دفع فساد از زمین، مقابله با عصیان‌گران، انهدام افکار شیطانی در مکتب حیاتبخش اسلام و رسالت *حُصُونُ الرَّعِيَّةِ* نیروهای مسلح در نظام اسلامی، بهترین ظرفیت مقابله با تهدیدات سخت در دفاع همه‌جانبه‌جانبه برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

ب) ظرفیت‌سازی مقابله با تهدیدات نیمه سخت: نظر به راهبرد اقتصادی استکبار علیه نظام اسلامی، و هدف متعالی اصلاح بلاد، امان ستم‌دیدگان، ... در مکتب حیاتبخش اسلام و رسالت *وَسَبِّلُ الْأَمْنِ* نیروهای مسلح در نظام اسلامی، بهترین ظرفیت مقابله با تهدیدات نیمه‌سخت در دفاع همه‌جانبه‌جانبه برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

ج) ظرفیت‌سازی مقابله با تهدیدات نرم<sup>۱۵</sup>: نظر به راهبرد جنگ روانی استکبار علیه نظام اسلامی و هدف متعالی نجات انسان از ظلمت در مکتب حیاتبخش اسلام و رسالت *عِزُّ الدِّينِ* نیروهای مسلح در نظام اسلامی، بهترین ظرفیت مقابله با تهدیدات جنگ نرم در دفاع همه‌جانبه‌جانبه برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

1 . Capabilities Building  
2 . Hard Threats  
3 . Soft Threats

ه) عمق بخشی داخلی: نظر به راهبرد فرهنگی و تصویب قوانین بین‌المللی استکبار علیه نظام اسلامی و اهداف متعالی، احیای نشانهای دین خداوند، احقاق حق و استقرار حکومت حق در سراسر زمین و رسالت لَيْسَ تَقُومُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ نیروهای مسلح در نظام اسلامی، بهترین ظرفیت عمق‌بخشی داخلی در دفاع همه‌جانبه برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

و) عمق بخشی خارجی: نظر به راهبردهای ترور، تجزیه کشور از طریق جنگ داخلی، نفوذ و کودتای استکبار علیه نظام اسلامی، و اهداف متعالی، اجابت فرمان الهی، مبارزه با مدعیان دروغین، گشودن مسیر الهی بر روی مردم، مکتب حیات‌بخش اسلام و رسالت وَ زَيْنُ الْاَوْلَادِ نیروهای مسلح در نظام اسلامی، بهترین ظرفیت عمق‌بخشی خارجی در دفاع همه‌جانبه برای نظام اسلامی شکل می‌گیرد.

## منابع

### منابع فارسی

۱. الهی قمشاهی، محمدمهدی (۱۳۷۶). ترجمه قرآن کریم. قم: انتشارات لقاء.
۲. امام خمینی، روح‌اله (۱۳۶۹). صحیفه‌نور، ج ۲۱، ۱۸. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. ابن اثیر، علی بن ابی‌الکرم (۱۴۰۸). الکامل فی التاریخ، بیروت: دارالاحیاء العربی.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۹۴-۲۵۶ق). الصحیح بخاری، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۵. امام خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://www.leader.ir>
۶. تهرانی، مجتبی (۱۳۹۱). خطبه فدکیه، تهران: مؤسسه فرهنگی پژوهشی مصابیح‌الهدی.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ هفدهم. تهران: انتشارات سمت.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. خان‌احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱). بررسی ابعاد جنگ اطلاعات در عصر اطلاعات. فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، ش ۶۷.
۱۱. (۱۳۹۱)، امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از دید نهج‌البلاغه، فصلنامه آفاق امنیت. ش ۱۵. تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۱۲. (۱۳۹۲)، نقش بصیرت در ارتقاء توان رزم نیروهای مسلح. فصلنامه راهبرد دفاعی، ش ۴۴. تهران: مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
۱۳. (۱۳۹۵)، نقش عراق در تهاجم احتمالی امریکا به ج.ا.ا و راهبرد دفاعی در قبال آن، رساله دکتری. تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع.
۱۴. دانشگاه دفاع ملی (۱۳۸۷)، نظریه امنیتی جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع.
۱۵. دشتی، محمد (۱۳۸۲). ترجمه نهج‌البلاغه. قم: معاصر.



۱۶. دشتی، محمد (۱۳۸۲)، امام علی (علیه السلام) و امور نظامی و دفاعی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).
۱۷. رهبر، محمدتقی (۱۳۶۸). سیاست و مدیریت از دیدگاه امام علی (ع). تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۸. سرمد، زهره؛ همکاران (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
۱۹. شیروانی، علی (۱۳۹۱)، ترجمه نهج البلاغه، قم: دفتر نشر معارف.
۲۰. غضنفری، کامران (۱۳۸۱)، امریکا و براندازی جمهوری اسلامی، تهران: انتشارات مقداد.
۲۱. فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۶۵). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات فقیه.
۲۲. قمی، عباس (۱۳۸۴)، مفاتیح الجنان. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۲۳. کیه‌زا، جولیتو (۱۳۶۲)، هدف تهران، ترجمه هادی سهرابی. تهران: نشر نو.
۲۴. محمدی، یدالله (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و نقش تاریخ‌ساز امام خمینی (ره) در تولید قدرت. عملیات روانی، ش بیست.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: انتشارات دارالحیاء.
۲۶. مجلسی کوپایی، غلامحسین (۱۳۸۸)، فدک از غصب تا تخریب. چ دوم. قم: انتشارات دلیل ما.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹)، خطبه حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، قم: انتشارات امام علی (ع).
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امیرالمؤمنین شرح جدیدی بر نهج البلاغه، ج نهم. قم: انتشارات علی ابن ابی طالب.
۲۹. نصرتی، علی اصغر (۱۳۸۷)، نظام سیاسی اسلام، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران.

#### منابع لاتین

1. Hart, J0-Anne "aspiral of Hostility; u.s-Iran relation sins revolution". Middle East Insight. Vo1.xI ,No.5.July-August 1995.
2. Bill james, "The eagle and the lion. the tragedy of American Iranian relation". New York :Vail Ballou Press 1988.

#### نشریات و خبرگزاریها

- خبرگزاری جمهوری اسلامی. نشریه گزارش ویژه. مورخ ۱۳۵۹/۳/۴.
- واشنگتن تایمز. ۱۵ ژانویه ۱۹۹۶.
- روزنامه کیهان ۱۳۵۹/۱۰/۲۰.

## طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم‌محور

حمید آروند<sup>۱</sup>

میکائیل زارعی<sup>۲</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷

### چکیده

این پژوهش با هدف طراحی و تبیین الگوی انگیزش کارکنان متناسب با ماهیت یگانهای واکنش سریع، که تیم‌محور هستند انجام شده است. طرح پژوهش، کیفی، و راهبرد یا رویکرد پژوهش بر روش نظریه داده بنیاد مبتنی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش مصاحبه عمیق و بررسی متون و اسناد کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای مصاحبه از بین جامعه آماری، که شامل فرماندهان ارشد، نخبگان و مسئولان نظامی و نخبگان علمی بودند با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۲ نفر به‌عنوان مشارکت‌کننده در پژوهش انتخاب شدند. برای ثبت داده‌ها از یادداشت‌برداری به شیوه‌ای نیمه‌ساختار یافته استفاده شده است، تحلیل داده‌ها همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام گرفته و برای تحلیل کیفی و عمیق داده‌ها از مراحل غیرنظام‌مند داده بنیاد شامل شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری انتخابی و شناسه‌گذاری نظری استفاده شده است. نتایج حاکی از مقوله اصلی "تربیت رزمندگان پرشور و فعال" شامل دو گام اساسی معماری ذهن و روح و ایجاد محیط انگیزش ذاتی است و چهار مقوله مرتبط نیز، علی (مأموریت) و مداخله‌گر (عوامل فردی و درک تهدیدات محیطی) و بستر حاکم (پشتوانه فرهنگی) است. در نهایت نیز پیشنهاد شد نتایج و یافته‌های تحقیق در تحقیق کمی با رویکرد آزمایشی به‌عنوان طرح پژوهش سازمانی مورد سنجش قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** نظریه داده بنیاد، انگیزش، بازیکاری، تیم‌محور، واکنش سریع

## مقدمه

زندگی، اقیانوس موجی است که موجودات زنده و در رأس آنها انسان با امواج آن دست و پنجه نرم می‌کنند؛ این امواج را رام می‌کنند؛ به ساحل نجات می‌رسند و یا در اعماق آن فرو می‌روند، رویارویی انسان با زندگی و چگونگی تلاش او را رفتار می‌گوییم که وقتی در چارچوب سازمان خاصی محدود می‌شود، رفتار سازمانی نامیده می‌شود. واحد رفتار ما؛ چه در سازمان و چه در جامعه «فعالیت» است و هم چنانکه هر پدیده‌ای را علتی است، فعالیت و در سطح وسیعتر «رفتار»<sup>۱</sup> نیز علتی دارد.

هر کسی برای انجام دادن یا انجام ندادن کاری به انگیزه نیاز دارد. این انگیزه گاه در خودآگاه فرد، و گاه در ناخودآگاه او ریشه دارد. بخشی از تلاشهای علوم انسانی در جهت شناخت این انگیزه‌ها در حوزه‌های فردی و اجتماعی و ایجاد تغییراتی برای بهبود کیفیت زندگی بشر بر این اساس بوده است.

نظریه‌های انگیزشی کلاسیک، انگیزه کار را به تأمین نیازهای مالی فرو کاست و این خود به یکی از عوامل افزایش افسردگی در جوامع بدل شد. نیاز به درگیر کردن دیگر انگیزه‌های انسانی در کار به ظهور و بروز مکاتب مختلف مدیریت انجامید. از زمانی که نظریه پردازان کلاسیک به انسان به‌عنوان موجودی اقتصادی نگرستند، نظریات متعددی در دیدگاه‌های مختلف ارائه، و به آزمون گذاشته شد. هر چند موفقیت‌های بسیاری در این زمینه به دست آمد، اما هیچ کدام از این نظریات جهانشمول نبود و در تمام محیط‌ها، فرهنگها و موقعیتها کاربردی نبود. بویژه در عصر پست مدرن<sup>۲</sup> که سازمانها به علت ویژگیهای محیطی بشدت تحت تأثیر مسائل محیطی دستخوش تغییر شدند و به سمت سازمانهای منعطف، چابک و پویا، با ساختارهای سازمانی مسطح‌تر و تیم‌محور با رسمیت کمتر برای سازگاری با عدم اطمینان و پیچیدگی محیطی حرکت کردند.

در علوم رفتاری، فرهنگ عامل زمینه‌ای و تأثیرگذار بر تعاملات انسانی بویژه انگیزش کارکنان است به گونه‌ای که تفاوت فرهنگی کشورها و سازمانها، کاربردی شدن و جهانشمول بودن نظریات را زیر سؤال می‌برد. نظریات گرچه دستاوردهای مهمی را در پی داشت، بیشتر آنها به‌وسیله امریکایی‌ها و درباره جامعه امریکا ارائه شده است. در این نظریه‌ها بر فرهنگ امریکایی از جمله فردگرایی، سلسله

---

1. Behavior  
2. Post modern

## طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم‌محور

مراتب، منطق‌گرایی و مردسالاری تأکید زیادی شده است و برای فرهنگهای دیگر کاربرد این نظریه‌ها باید تعدیل شود (رابینز، ۱۳۷۸).

بنابراین نظریات انگیزشی عموماً متناسب فرهنگ غربی - امریکایی است ضمن اینکه هر سازمانی ساختار، مأموریت و فعالیتهای خاص خود را دارد و در وضعیت خاص خود به فعالیت می‌پردازد. این امر باعث می‌شود در حوزه نظریات فرایندی و کاربردی انگیزش نتوان برای تمامی سازمانها نظریه واحدی را تجویز کرد و نیازمند رویکرد عملگرایی است.

بنابر آنچه بیان شد، سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه به دلیل فعالیتهای و مأموریت خود سازمانی متمایز از دیگر سازمانها است، زیر سیستم‌هایی دارد که عملکرد هر یک از آنها با دیگری متفاوت است و ما شاهد گوناگونی وسیعی در حوزه نوع و ماهیت ساختاری، فناوری و فرهنگی هستیم. در این تحقیق سعی می‌شود با نگاه جزئی‌تر و عملیاتی‌تر برای کارکرد، ساختار، مأموریت، فناوری و فرهنگ خاص یگانهای تیم‌محور، نظریه انگیزش کاربردی شود؛ پس مسئله این مقاله: «طراحی و ارائه الگوی انگیزش کاربردی یگانهای تیم‌محور نزاجا متناسب با ساختار، جو سازمانی، مأموریت و فعالیتهای یگان و ایجاد انگیزش ذاتی در کارکنان» است.

### مبانی نظری و پیشینه تحقیق

این مطالعه در مورد تبیین الگوی انگیزشی کارکنان با هدف دستیابی به نیروی نظامی پویا و انقلابی است. در دوره دیدگاه روابط انسانی نئوکلاسیک‌ها به این نتیجه رسیدند که پول تنها عامل انگیزش<sup>۱</sup> افراد نیست و افراد بجز عوامل اقتصادی با عوامل دیگری نیز برانگیخته می‌شوند. افراد به‌عنوان موجودات اجتماعی در پاسخ به محیط کار برانگیخته می‌شوند. می‌توان با افزایش انگیزه آنان عملکردشان را ارتقا داد. آنان وارد این بحث شدند که چگونه می‌توان انگیزش را در افراد ایجاد کرد. مطالعات نئوکلاسیک‌ها در مورد انگیزش بیشتر حول قضیه نیاز<sup>۲</sup> بوده است بدین گونه که نیازهای افراد محرک رفتار آنان است و انگیزش ناشی از وجود کمبود در یک یا مجموعه‌ای از نیازهای انسان است؛ از جمله نظریه‌های نیاز عبارت است از: سلسله مراتب مازلو (۱۹۴۰)، فهرست نیازهای ماری (۱۹۳۸)، نظریه نیازهای زیستی، وابستگی و رشد<sup>۳</sup> آلدرفر (۱۹۷۲) و ...

1. Motivation
2. Need
3. Existence , relatedness and growth

در تمام این نظریه‌ها به عوامل محتوایی انگیزش و چستی آنها تمرکز شده، و از فرایند و چگونگی ایجاد آنها صحبت چندانی نشده بود. نظریه‌های نیاز علتهای برانگیخته شدن رفتار را توصیف می‌کردند؛ اما از پاسخ به پیچیدگی رفتار انسانی و چگونگی انگیزش غافل مانده بود تا اینکه نظریه‌های فرایندی انگیزش با نظریه برابری آدامز (۱۹۶۳)، چگونگی شکل‌گیری انگیزش را تشریح کرد؛ اما باید به این نکته توجه کرد که رفتار عادلانه مدیر الزاما احساس عدالت و برابری را در کارکنان ایجاد نمی‌کند؛ چرا که این ادراک کارکنان است که احساسشان را رقم می‌زند. آیا آنها هم همان طور که مدیر تصور می‌کند، می‌پندارند؟

به همین دلیل نظریه انتظار<sup>۱</sup> تالمن و کرت لوین که ویکتور وروم (۱۹۶۴) برای اولین بار از آن برای ایجاد انگیزش استفاده کرد برای توضیح فرایند انگیزش مطرح، و بعدها الگوی تکامل یافته‌تر آن، که توسط پورتر (۱۹۶۸) ارائه شد، بیان می‌کند که انگیزش شخص به میزان علاقه او به منظور دستیابی به نتیجه‌ای خاص و احتمالی بستگی دارد که برای تحقق آن قائل است؛ اما در عین حال علاقه شخص تابع زمان و مکان است. ممکن است ظرفیت افراد در برابر پیامدهای مختلف متفاوت باشد و حتی در موقعیت‌های مختلف می‌تواند پیامدها و ظرفیتهای متفاوت داشته باشد؛ مثلا اگر در سازمانی کارکنان با چالش وضع کاری تنش‌آور روبه‌رو باشند، راهکار کاهش تنشهای روانی، ظرفیت انگیزشی بیشتری نسبت به عوامل مادی می‌تواند داشته باشد. این نظریه به‌رغم اینکه سعی می‌کند به پیچیدگی رفتار انسانی پاسخ دهد باز با نقدی روبه‌روست و آن اینکه رفتارها و تصمیم‌ها و انتخابهای کارکنان هم‌چنانکه محدودیتهای شناختی مارچ و سایمون می‌گویند همیشه عقلایی و منطقی نیست!

### نظریه تقویت<sup>۲</sup>، یادگیری و انگیزش

یادگیری به تغییر نسبتا دائمی رفتار گفته می‌شود. در نظریه تقویت، پاداش به رفتاری گفته می‌شود که بتواند تکرار رفتار مطلوب را در آینده نیز اطمینان بخشد و موجب یادگیری رفتار مورد نظر در فرد شود. پاداشها به همین منظور باید با نیازهای فرد و به‌طور مستقیم با رفتار دلخواه فرد مربوط متناسب باشند. مدیر باید بسته به موقعیت حاکم بر محیط سازمانی (ساختار، وظیفه، گروه‌ها و فناوری و ...) آن را به کار بگیرد. نکته اساسی در به کار بردن برنامه تقویت این است که بین نتایج و رفتار رابطه برقرار شود. مدیر باید برای هر یک از تقویت‌ها برنامه‌ای تدوین، و آن را بر حسب نیاز سازمانش اجرا کند (گریفین، ۱۳۹۰).

1. Expectancy  
2. Reinforcement theory

پژوهشهای سنتی، که به دو گروه نظریات محتوایی و فرایندی تقسیم می‌شود به عوامل ایجاد انگیزش و چگونگی ایجاد آن می‌پرداخت؛ اما به قول رابینز نباید فراموش کرد که همه این نظریه‌ها در محدوده‌های فرهنگی قرار دارد و جهانشمول نیست. گرچه دستاوردهای مهمی را در پی داشت، اما بیشتر نظریه‌ها به وسیله امریکایی‌ها و درباره آنها ارائه شده است. در این نظریه‌ها بر فرهنگ امریکایی از جمله فردگرایی، سلسله مراتب، منطق‌گرایی و مردسالاری تأکید زیادی شده است که برای فرهنگهای دیگر کاربرد این نظریه‌ها باید تعدیل شود.

### نظریه مدیریت مبتنی بر هدف<sup>۱</sup> پیتر دراکر

این نظریه، که توسط دراکر (پدر مدیریت نوین) در سال ۱۹۵۴ ارائه شد، می‌توان گفت که تحولی عظیم را در مدیریت سازمان به وجود آورده است و بی‌شک از پیشروان دیدگاه حاکم بر نظریات سازمان و مدیریت است. در مدیریت مبتنی بر هدف، به مشارکت کارکنان در تعیین هدف تأکید می‌شود و این هدفها باید قابل لمس، قابل تأیید و قابل سنجش باشد. ارزش مدیریت مبتنی بر هدف در این است که از طریق آن می‌توان اهداف کوچک سازمانی را به صورت اهداف خاص در آورد. در این حالت باید سازمان را به صورت واحدهای کوچکتر درآورد و به همین منظور نیز گروه‌های خودگردان مناسبتر هستند. وجود سلسله مراتب اهداف باعث می‌شود که بین اهداف هر سطح از سازمان با اهداف سطح دیگر ارتباط برقرار شود. از نظر فرد کارگر یا کارمند هدفهای شخصی یا فردی قابل اجرا است. اگر همه افراد بتوانند به اهداف خود دست یابند، هدف واحد و هدف کل سازمان برآورده خواهد شد.

این نظریه در چهار رکن برقرار است: تعیین هدف مشخص، تصمیم‌گیری مشارکتی، تعیین زمان مشخص، بازخور کردن نتیجه عملکرد. افراد و کارکنان در مدیریت بر مبنای هدف در تعیین اهداف مشارکت می‌کنند؛ رئیس و مقام ارشد و زیردستان به صورت مشترک هدفها را تعیین می‌کنند. گرچه مدیریت مبتنی بر هدف شهرت بسزایی به دست آورده است باز باید توجه کرد که در همه جا و همه زمانها نمی‌تواند کاربرد داشته باشد.

در دو دهه آخر قرن بیستم پژوهشها در مورد انگیزش بر نظریه تقویت رفتار متمرکز شده است. نکته مهم در نتایج این پژوهشها این بود که باید نوع تقویت متناسب با اوضاع باشد؛ به عبارتی نیازها و علائق و وضع روحی - روانی فرد در مورد انتخاب نوع رفتار با او حائز ارزش بود. باید قبل از اقدام،

علت رفتار فرد شناسایی شود؛ بعد در مورد نوع تقویت تصمیم گرفته شود و نیز باید توجه کرد که نیازهای افراد متفاوت است.

### مشارکت کارکنان

این مفهوم با مدیریت مبتنی بر هدف دراکر در مدیریت رواج یافت و یکی از سبک‌های مدیریتی را شکل داد. مقصود از مشارکت کارکنان روشها و فعالیتهایی است که در زمینه جلب مشارکت کارکنان انجام می‌شود؛ از جمله این فعالیتهای تصمیم‌گیری مشارکتی یا مدیریت مشارکتی است. در واقع هدف، تشویق و ترغیب کارکنان به دادن تعهد و مشارکت بیشتر در موفقیت سازمان است. کارکنان از آزادی عمل بیشتری برخوردار، و خود کنترل، و در سرنوشت خود سهم هستند و مشارکت می‌کنند. سازمان به این طریق موجبات انگیزش هرچه بیشتر آنان را فراهم می‌کند و تعهد کارکنان بیشتر می‌شود؛ بهره‌وری افزایش می‌یابد و رضایت کارکنان بیشتر می‌شود.

برنامه‌های بسیاری برای جلب مشارکت کارکنان به اجرا درآمده است؛ از جمله سهم کردن کارکنان در شرکت، دایره کیفیت (گرچه بعدها در ۱۹۹۰ جای خود را به گروه‌های کاری داد) و ... . برنامه‌های مشارکت کارکنان بر پایه نظریه‌های انگیزشی پیشین قرار دارد: نظریه Y با برنامه مشارکت کارکنان سازگار است و یا با توجه به نظریه بهداشت - انگیزش برنامه مشارکت می‌تواند موجب انگیزش باطنی کارکنان شود. یکی دیگر از برنامه‌های انگیزشی که در دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شد، برنامه‌های دستمزد و حقوق متغیر است؛ برنامه‌هایی با هدف انگیزش، مشارکت دادن کارکنان در سود، پاداش و جایزه و ... .

آنچه این برنامه‌ها را با برنامه‌های حقوق و پاداش، که به صورت سنتی به اجرا درمی‌آمد، متفاوت کرد، این است که شخص نه تنها حقوق خود را بر اساس سابقه کار یا میزان تلاش دریافت می‌کرد بلکه مقداری از دریافتی‌های او بر اساس عملکرد او و شرکت پرداخت می‌شد. این قبیل برنامه عبارت بود از پرداخت مبتنی بر قطعه‌کاری، دادن جایزه، مشارکت دادن سود و طرح دادن پاداش به گروه (رایینز، ۱۳۷۸).

### تأکید بر گروه‌ها در انگیزش چرا؟

گروه‌ها برای سازمانها وسوسه‌انگیزند؛ زیرا اگر بخوبی طراحی و مدیریت شوند، مزیت آشکاری دارند؛ مزیتی که دیگران در رقابت براحتی نمی‌توانند بر آن چیره آیند. تقریباً تمام دستاوردهای بزرگ، حاصل کار گروه‌های کوچک از افرادی است که برای دستیابی به اهداف جاه‌طلبانه همکاری

## طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم محور

می‌کنند. گروه‌ها هستند که تفاوت و تمایز را ایجاد می‌کنند نه افراد. انسان در تلاش برای دستیابی به هدف بزرگتر یا حتی دلیرانه‌تر عمیقاً به پیوند با دیگران، آن هم غالباً در قالب تلاشی مخاطره‌آمیز نیاز دارد. گروه‌ها این فرصت را فراهم می‌کنند (Bruce shaw, 2017).

یانگر (۲۰۱۶) در کتاب خود «گروه‌های بزرگ» بیان می‌کند گروه‌های برتر به سمت ایجاد فرهنگ برتر بودن سوق داده می‌شوند. سازمانهای بزرگ اگر نتوانند فرهنگ «اول گروه» را ایجاد کنند در صدر صحنه رقابت باقی نمی‌مانند. تلاش برای دستیابی به این فرهنگ را می‌توان به چهارستون اصلی تقسیم کرد که هر گروه واقعاً برتر را از گروهی جدا می‌کنند که فقط عملکرد خوب دارد.

هدفگیری گروه با هدف بزرگتر ارتباط دارد. اعضا می‌دانند در خدمت چه کسانی هستند و چرا این موضوع اهمیت دارد و به آن ایمان دارند.

مدیریت اثربخش: گروه می‌تواند خلاقانه فکر کند و به شکل پویایی عملکرد داشته باشد تا تازه‌نفس، اثربخش و مطرح باقی بماند.

فعال‌سازی کارایی: هر عضو گروه مجموعه منحصر به فردی از استعدادها، تجربه‌ها، دورنماها، اخلاق کاری، ویژگیهای شخصیتی و مهارتها را به همراه می‌آورد که با دیگر اعضا جوش می‌خورد و آنها را تکمیل می‌کند.

مسیر دو طرفه: حس قدرتمندی از درک، امتنان، مسئولیت مشترک و اعتماد وجود دارد که گروه را برای همکاری با هم متحد می‌کند و به آن انگیزه می‌دهد (yonger, 2016).

### روش پژوهش

شیوه تحقیق، کیفی است. در روش کیفی با رویکرد استقرایی با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه نظریه ساخته می‌شود. راهبرد خاص پژوهش نظریه داده بنیاد<sup>۱</sup> غیرنظام‌مند است. کارکرد اصلی این روش این است که نظریه‌های پنهان شده در داده‌های مربوط به موضوع تحقیقاتی را با استخراج و ساختار دادن به اجزای نظریه و برقراری ارتباط بین مفاهیم کشف می‌کند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته به صورت ژرف‌نگر، چهره به چهره و باز - پاسخ استفاده، و سعی شد تا حد امکان معنای پدیده از دید مشارکت کنندگان درک، و از سوگیریهای شخصی پرهیز شود. پژوهش در مورد سازمانی انجام می‌گیرد که پژوهشگر خود در آن اشتغال دارد و به این دلیل پژوهشگر تجربه مستقیمی با مشارکت کنندگان در پژوهش دارد. مشارکت کنندگان ۱۲ نفر

---

1. Grounded Theory (GT)



از نخبگان نظامی هستند که در یگانهای واکنش سریع سابقه خدمت داشته، و از طریق نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای سواد علمی - نظامی و تجربه کاری انتخاب شده‌اند. ملاحظات اخلاقی نیز در پژوهش به منظور احترام به مشارکت کنندگان مورد نظر قرار گرفته است. در این زمینه نامه‌ای با امضای پژوهشگر مبنی بر تعهد اخلاقی در نگهداری مفاد مصاحبه و ویژگی مشارکت کنندگان و انتشار نکردن آن فرستاده شده است.

برای ثبت داده‌ها از یادداشت‌برداری به شیوه‌ای نیمه‌ساختاریافته استفاده می‌شود که در آن یادداشتهای شخصی (افکار شخصی پژوهشگر شامل تفکرات، اندیشه‌ها و تأثیرات ذهنی) و یادداشتهای توصیفی (آنچه دیده، و شنیده می‌شود) به صورت جدا از هم ثبت، و برای ثبت داده‌های مصاحبه از نوار صوتی و ثبت نوارها روی کاغذ استفاده می‌شود.

برای تحلیل داده‌های کیفی تحلیل‌های مختلف، درک عمیق و عمیقتر داده‌ها (مانند باز کردن لایه‌های مختلف پیاز) حائز اهمیت است. تحلیل کیفی داده‌ها همزمان با گردآوری داده‌ها، تفسیر و نوشتن گزارشها انجام می‌شود و تفکر مداوم درباره داده‌ها، پرسیدن سؤالاتی تحلیلی و نوشتن یادداشت در سرتاسر مطالعه است.

داده‌هایی که با نظریه داده بنیاد برای تشریح فرایندها جمع‌آوری می‌شود، شامل انواع بسیاری از داده‌های کیفی است. نمونه‌برداری نظری، فرایند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله تحلیلگر، همزمان داده‌هایش را جمع‌آوری، شناسه‌گذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که به منظور بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری، و در کجا آنها را پیدا کند.

نظریه داده بنیاد در تحلیل و تفسیر داده‌ها، مراحل نظام‌مندی دارد. این مراحل شامل تولید مقوله‌های اطلاعاتی (رمزگذاری باز)، انتخاب یکی از مقوله‌ها و قرار دادن آن در درون الگوی نظری (رمزگذاری محوری) و سپس تحلیل داستان از روابط بین این مقوله‌هاست (رمزگذاری گزینشی).

### روایی و پایایی تحقیق

برای تعیین پایایی (کسب نتایج همسان در مطالعه) در پژوهش کیفی می‌توان از دو نفر کمکی برای بررسی همه‌جانبه رمزگذاری استفاده کرد و آنچه توافق بین رمزگذاران است.

روایی در پژوهش کیفی به این معناست که یافته‌های گزارش از زاویه دید پژوهشگر، شرکت کنندگان و خوانندگان صحیح است و راهبردهای متفاوتی را برای بررسی صحت یافته‌ها

## طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم‌محور

می‌توان به کار برد. در این پژوهش از دو راهبرد تفسیری گفتگو با همکاران و از یک ممیز بیرونی استفاده شده است که در هر دو صحت فرایند پژوهش و نتایج آن مورد تأیید قرار گرفته است (کرس ول، ۱۳۹۱).

### یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس دستورالعمل‌های گلنزر انجام گرفت. این شیوه شامل دو مرحله اصلی شناسه‌گذاری باز و شناسه‌گذاری محوری است و در نهایت نیز نظریه و الگوی مفهومی تحقیق ارائه شده است.

#### ۱. شناسه‌گذاری باز

شناسه‌گذاری از اولین مرحله در تجزیه و تحلیل داده‌هاست. در طول مرحله شناسه‌گذاری باز، داده‌های مصاحبه‌ها بدقت بررسی شد، مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی مربوط به آنها مشخص، و خرده مقوله‌ها (زیرمقوله‌ها) تعیین شد. طی این فرایند شناسه‌گذاری ۹۵ شناسه اولیه و ۴۲ مفهوم و ۶ مقوله مرتبط و دو مقوله اصلی استخراج شد.

#### مقوله اول: معماری ذهن و روح (مقوله اصلی)<sup>۱</sup>

رهبری، توانایی اعمال نفوذ بر گروه و سوق دادن آن به هدفهای مورد نظر است. مدیران باید رهبر باشند تا عامل تغییر در سازمان باشند (رابینز، ۱۳۹۱). بولمن (۲۰۱۷) در کتاب «رهبران برتر چگونه فکر می‌کنند» بیان می‌کند که ویژگیهای متمایز رهبران از قبیل تجربه یا هوش نیست که باعث موفقیت رهبران شود بلکه این تفکر آنهاست که عامل برتری آنهاست (Bolman & Deal, 2017). مدیران در نقش رهبری سازمانی، معماران ذهن و روح مجموعه تحت امر خود هستند که باید با توجه به موقعیت‌های متفاوت بتوانند از همه سبکهای رهبری و رویکردهای مطرح بهره ببرند؛ به عبارتی استعاره پست مدرن پرده نقاشی در اینجا صدق می‌کند که مدیر باید بتواند از همه رنگها و قلمها برای کشیدن نقاشی سازمان بهره برد.

با توجه به ماهیت و مأموریت سازمانی، الزام واکنش سریع و اثربخش، تیم‌محوری و مهارت‌محوری در یگانهای نیروی مخصوص به‌منظور معماری ذهن و روح کارکنان برای پرورش هشت مفهوم کلیدی از دل مصاحبه با خبرگان به شرح ذیل شناسایی و استخراج شد:

---

### 1. Leadership

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	توسعه روابط میان فردی و سرمایه اجتماعی	معماری ذهن و روح
۲	رهبری ارزش‌مدار و ارزش آفرین	
۳	یادگیری تعاملی در قالب مربی‌گرایی	
۴	فرمانده الهام‌بخش	
۵	توانمندسازی، جلب حمایت و مشارکت کارکنان	
۶	تبیین نقشه راه شامل اهداف - روش برای کارکنان	
۷	رهبری تضایف‌گرایانه <sup>۲</sup>	
۸	هوش فرهنگی زیاد	

### مقوله دوم: پشتوانه فرهنگی (مقوله مرتبط و بستر حاکم)<sup>۳</sup>

شاین فرهنگ را اینگونه تعریف می‌کند: فرهنگ الگویی از مفروضات بنیادی است که اعضای گروه برای حل مسائل مربوط به تطابق با محیط خارجی و تکامل داخلی آن را یاد می‌گیرند و چنان خوب عمل می‌کنند که معتبر شناخته شود؛ سپس به صورت روش صحیح درک، اندیشه و احساس در رابطه با حل مسائل به اعضای جدید آموخته می‌شود.

فرهنگ تعیین می‌کند که چه چیزی را و چگونه ببینیم. فرهنگ سازمان تأثیر قابل توجهی بر موفقیت آن دارد. یک دلیل خوب برای این باور وجود دارد مبنی بر اینکه موفقیت در حضور «فرهنگ سازمانی تطبیقی پیشگویانه» با سهم «جهتگیری خارجی» ترفیع می‌یابد بویژه اگر در عین حال سبک حمایتی و مشارکتی غالب باشد (ریزیان، ۲۰۱۶).

با توجه به اینکه فرماندهان در سازمانهای نظامی در مدت کوتاهی تغییر می‌یابند، فرهنگ سازمانی نیز با چالش جدی نوعی از خودبیگانگی روبه‌رو است. باید تا حد ممکن از تغییرات سریع خودداری کرد. در این پژوهش در زمینه مقوله پشتوانه فرهنگی مفاهیم ذیل اقتباس شده است:

۱. سبک رهبری که در آن هر چهار سبک رهبری کاریزمایی، فرمان و کنترل، کارشناسی و رابطه‌مدار در یک حالت تعادل با هم به کار گرفته می‌شود.

## 2. Organizational Culture

## طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم محور

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	ارزش آفرینی برای کارکنان	پشتوانه فرهنگی
۲	تأکید بر صداقت و اعتماد (هم به خود و هم به دیگران)	
۳	ورزش و ایمان دو ارزش محوری	
۴	فرهنگ شهادت و ایثار	
۵	ارزش های منعطف (ترغیب به نوآوری و خطرپذیری) و غیرمنعطف (باور قلبی به اهداف و ارزشهای سازمان) به طور همزمان	
۶	تأکید بر ارزشهای خود کنترلی (انجام دادن درست کار) و خود مختاری	
۷	فرهنگ خطرپذیری و کشمکش دوست (آسایش را در عدم آسایش بیابید)	
۸	تداوم برنامه توسعه فرهنگی	

### مقوله سوم: ساختار<sup>۴</sup> سازمان (مقوله مرتبط و علی)

ساختار به روابط میان اجزای «کل ساماندهی شده» اشاره دارد. در نظریه سازمان دو نوع ساختار به کار گرفته می شود که در اینجا منظور ساختار اجتماعی است که به روابط میان عناصر اجتماعی نظیر، افراد، پستها و واحدهای سازمانی اشاره می کند که به آنها متعلق هستند. ساختار سازمانی نیروهای مخصوص و واکنش سریع، نوعاً برگرفته از ساختار ماتریسی است. این نوع ساختارها بر اساس منطق کار ویژه‌ای در ساختار چند بخشی است. در سازمان ماتریسی کارکنان متخصص کار ویژه‌ای در یک یا چند گروه پروژه‌ای مشغول به کار می شوند. روابط سلسله مراتبی در گروه‌ها کاهش می یابد و رئیس مرئوسی جای خود را به سرپرست و اعضا می دهد. روابط غیررسمی بر روابط رسمی غالب است به طوری که کار در گروه‌ها روابط صمیمی و نزدیک میان اعضا را می طلبد. کارکنان باید نسبت به گروه خود از حمیت قسمتی زیاد و نسبت به دیگر گروه‌ها از حس رقابتی فراوان برخوردار باشند. با عنایت بر لزوم تناسب میان ساختار و فناوری در طراحی هر سازمان، فناوری بازیکاری با ویژگیهای این نوع ساختار کاملاً متناسب است و می تواند در بهبود عملکرد گروه‌ها اثربخش باشد. کارکنان استقلال عمل بیشتری دارند و از هزینه‌های نظارت و کنترل کاسته می شود (اسکات، ۲۰۰۳؛ جو هج، ۱۹۹۷).

بنابراین برای مقوله ساختار با توجه به رابطه آن با ماهیت و مأموریت سازمان و فناوری، پنج مفهوم عمده به این شرح استخراج شد:

### 1. Structure

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

مقوله	مفاهیم	ردیف
ساختار	تیم‌محور	۱
	کاهش روابط رسمی و توجه به روابط غیررسمی	۲
	تخصص محوری	۳
	کاهش روابط سلسله مراتبی فرمان‌دهی و تأکید بر ارتباطات باز مرشد – مریدی	۴
	کاهش تمرکز و افزایش واگذاری اختیار (گروه‌های خودگردان)	۵

مقوله چهارم: مأموریت<sup>۵</sup> سازمانی (مقوله مرتبط و علی)

مأموریت یگانهای نظامی همچون هوانیروز به گونه‌ای است که کار جمعی با هماهنگی بسیار زیاد از پیش تعریف شده بین افراد را می‌طلبد تا در سریعترین زمان ممکن بتوان به اهداف دست یافت. بنابراین پنج مفهوم اصلی مقوله مأموریت سازمانی به این شرح است:

مقوله	مفاهیم	ردیف
مأموریت	واکنش سریع	۱
	خطرپذیری بسیار	۲
	اثربخشی مأموریت در گرو اثربخشی تک تک اعضا	۳
	هماهنگی از پیش برنامه‌ریزی شده	۴
	اطلاعات محور	۵

مقوله پنجم: درک تهدیدات محیطی (مقوله مرتبط و مداخله‌گر)

محیط سازمان به محیط عمومی (اوضاع سیاسی، جغرافیایی و ...) و شبکه بین سازمانی (دشمن و دیگر نیروهای نظامی) اطلاق می‌شود (جو هچ، ۱۹۹۷) که در آن سازمان با دیگر اجزای محیط مشغول به فعالیت هست و هم سازمان بر آنها و هم آنها بر سازمان تأثیرگذار هستند. در محیط جنگهای کنونی، موفقیت نیروهای نظامی در گرو چابکی، سرعت عمل و انعطاف‌پذیری و انطباق‌پذیری زیاد است. تفاوت جنگهای کنونی با کلاسیک گذشته در نوع تهدید، ماهیت جنگ و روش عمل آن است. دشمن منظم با تجهیزات سنگین و آتش سنگین جای خود را به دشمنی چابک با قدرت غافلگیری

1. Mission

## طراحی و تبیین الگوی انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم محور

فراوان داده است. دشمن از ایدئولوژی و دین یا گرایشهای قومی گرایانه سوء استفاده، و در میان مردم منطقه نفوذ، و پایگاه اجتماعی و نظامی ایجاد می کند و بدون اینکه دیده شود یا آشکارا عمل کند، حمله های غافلگیرانه در دل منطقه ترتیب می دهد بسرعت تغییر مکان می دهد؛ در میان جمعیت پنهان می شود. دشمن به ایدئولوژی و باورها متکی است در عین حال با خیال و وهم تکفیری، وحشت، ترور و کشتار روش عمل آنهاست. از وضعیت منطقه سوء استفاده می کند و هر جا بخواهد نیرو جذب، و یا رخنه می کند و عملیات انجام می دهد. همه جاهست و هیچ جا نمی ماند. نیروی نظامی ضربتی، منعطف و پویا می تواند در برابر این گونه تهدید مؤثر باشد نه نیروی کلاسیک کند و غیر چابک. نباید اجازه عمل به دشمن داد باید از دشمن سریعتر و چابکتر بود.

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	نوع تهدید: گروه های تروریستی همچون داعش و پژاک و ...	درک تهدیدات محیطی
۲	پیچیدگی و ماهیت جنگها	
۳	فعالتهای خطرناک، سخت و تنشزا	
۴	اوضاع سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی بشدت تحریک کننده	
۵	ترکیب قومی، دینی آسیب پذیر	

### مقوله ششم: فناوری<sup>۶</sup> (مقوله مرتبط و علی)

فناوری یکی از ارکان اصلی سازمان است که در دیدگاه مدرنیست، به اشیا یا مصنوعات بشر ساز فیزیکی از جمله محصولات، ابزارها و تجهیزات مورد استفاده در تولید آنها گفته می شود؛ اما در دیدگاهی پویا نسبت به آن، فرایند تبدیل داده ها به ستاده گفته می شود. با مطالعه مهم و دودارد این فکر شکل گرفت که فناوری تعیین کننده بهترین نوع ساختار سازمانی است. این فکر به عنوان ویژگی تعیین کنندگی فناوری شناخته می شود. با مطالعات آستون این خاصیت مشروط شد به اندازه سازمان و اینکه در سازمانهای کوچک فناوری تعیین کننده ساختار اجتماعی است نه در سازمانهای بزرگ؛ با این حال رابطه معنی داری بین فناوری و ساختار اجتماعی و بین آن دو با مأموریت سازمان برقرار است.

## 1. Technology

مقوله	مفاهیم	ردیف
شناخت فناوری	وظایف کمتر تکراری	۱
	انسان محور بودن کار	۲
	وابستگی وظیفه ای زیاد (ارتباطات محور)	۳
	جنگ شهری و ناهمتراز	۴

مقوله هفتم: عوامل فردی (مقوله مرتبط و مداخله‌گر)

این مقوله، که بیشتر تعدیل کننده و مداخله‌گر دیگر مقوله‌هاست مفاهیم اصلی ذیل را دارد:

مقوله	مفاهیم	ردیف
عوامل فردی	شخصیت فردی	۱
	نیازهای فردی	۲

مقوله هشتم (مقوله اصلی): ایجاد انگیزش ذاتی

همان طور که در ادبیات تحقیق هم بیان شد، دغدغه امروز رفتار سازمانی، نه ایجاد انگیزه در کارکنان بلکه ایجاد محیط انگیزشی هست که بتواند به‌طور ذاتی برای کارکنان انگیزه‌بخش باشد. این امر در یگانهای نظامی و بویژه یگانهای نیروی مخصوص نیز بیشتر احساس می‌شود. تجربه مشارکت کنندگان در تحقیق گویای این است که به کارگرفتن اهرمهای مادی یا معنوی هر چند در مواردی مؤثر بوده است، اعتبار و پایایی همیشگی را ندارد در حالی که با ایجاد محیط انگیزشی می‌توان فرد را فرای مسائل و مشکلات مادی نسبت به کاری که انجام می‌دهد به‌طور نسبی علاقه‌مند کرد؛ هر چند رضایت کامل مادی نیز از سازمان نداشته باشد. مفاهیم استخراج شده به‌منظور ایجاد محیط انگیزش ذاتی به این شرح است:

مقوله	مفاهیم	ردیف
محیط انگیزش ذاتی	هیجان	۱
	رقابت	۲
	نشاط محیط کاری	۳
	لذت کاری	۴
	عزت (درونی و بیرونی)	۵

شناسه گذاری باز ادامه یافت تا دو مقوله اصلی به عنوان دغدغه اصلی و دلنگرانی شرکت کنندگان تحقیق شناسایی شد. چند معیار برای انتخاب یک مقوله به عنوان مقوله اصلی وجود دارد که مهمترین آنها عبارت است از: مرکزی بودن، مرتبط بودن با دیگر مقوله‌ها، اتفاق افتادن مکرر در داده‌ها و صرف زمان بیشتر برای اشباع شدن (گلیزر، ۱۹۸۷). پس از دوره یادداشتها مشخص شد که "تربیت رزمندگان پرشور و فعال" به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و شامل دو رکن اساسی ایجاد انگیزش ذاتی و معماری ذهن و روح به عنوان دو مقوله اصلی است.

## ۲. شناسه گذاری انتخابی

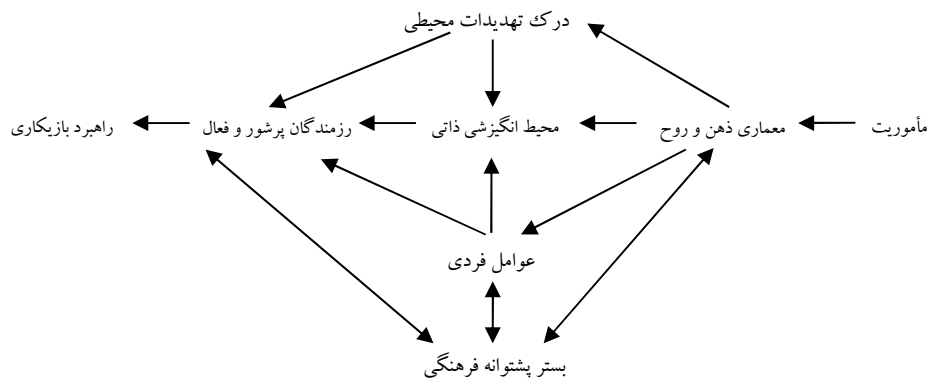
سرانجام یکی از شناسه‌های باز به عنوان مقوله اصلی انتخاب می‌شود و دیگر شناسه‌های بنیادی ممکن است ویژگی آن مقوله اصلی، و یا با آن مرتبط باشد. در این مرحله، شناسه گذاری صرفاً برای مقوله اصلی و مقوله‌های مرتبط صورت می‌گیرد و دیگر داده‌های نامرتبط در نظر گرفته نمی‌شود. نمونه‌گیریهای بعدی با هدف توسعه نظریه صورت می‌گیرد:

شناسه گذاری انتخابی تا زمانی ادامه می‌یابد که مقوله اصلی و مقوله‌های مرتبط اشباع شود. اشباع زمانی اتفاق می‌افتد که ویژگیهای بیشتر و جدیدتری از داده‌ها به دست نیاید و وقایع کمتر نشانگرهای جدیدی برای ویژگیهای موجود ارائه کند. با توجه به اینکه ساختار و فناوری در دل مأموریت نهفته است، می‌توان آن دو را حذف کرد. مقوله‌های اشباع شده پژوهش پس از حذف مقوله‌های فناوری و ساختار عبارت است از: تربیت رزمندگان پرشور و فعال با استفاده از معماری ذهن و روح و ایجاد انگیزش ذاتی و (مقوله محوری)، عوامل فردی و درک تهدیدات محیطی (عوامل مداخله‌گر)، پشتوانه فرهنگی (پیش شرط و بستر حاکم) و مأموریت (علت و ضرورت اتخاذ رویکرد ایجاد محیط انگیزش ذاتی)

## ۳. شناسه گذاری نظری

شناسه‌های نظری، چگونگی ارتباط مقوله‌ها را با یکدیگر مفهوم سازی می‌کند. شناسه گذاری نظری معمولاً در زمان مرتب سازی و یکپارچه کردن یادداشتها اتفاق می‌افتد. شناسه گذاری باز و انتخابی به دسته بندی، طبقه بندی و در واقع تکه تکه کردن داده‌ها می‌پردازد؛ اما در این مرحله و از طریق شناسه‌های نظری، مفاهیم را به یکدیگر ارتباط می‌دهد. الگوی نهایی تحقیق به منظور "انگیزش مناسب یگانهای نظامی تیم محور" با تبیین روابط میان مفاهیم به این صورت به دست آمد:





شکل شماره ۱: الگوی ترسیمی انگیزش مناسب یگانهای تیم محور

بر اساس مفاهیم مقوله اصلی به منظور ایجاد محیط انگیزش ذاتی، بازیکاری (راهبرد) می‌تواند ابزار مؤثری به منظور تأمین نشاط کاری، افزایش رقابت، هیجان کاری، لذت کاری و تقویت عزت کاری و درونی باشد بویژه اینکه سازمانهای نظامی متناسب مأموریت خطرپذیر، ساختار منعطف و گروه محور و کار گروهی مبتنی بر مشارکت فعال اعضا (به عنوان مقوله های علی) است؛ به عبارتی به دلایل پیشگفته نیاز است محیط کار انگیزشی ایجاد کرد تا کارکنان فعالانه و با تعهد جمعی نسبت به وظایف خود مسئول، و به مسائل سازمانی حساس، و همواره در حال یادگیری باشند. از جمله فعالیتهای بسیار تأثیرپذیر در این حوزه را می‌توان تمرینات رزمی بویژه تیراندازی نام برد. بازیکاری متناسب با مأموریت یگانهای تیم محور و واکنش سریع، محیطی را ایجاد خواهد کرد که انگیزش ذاتی را برای کارکنان در فعالیتهای گروهی همچون آموزش فراهم خواهد ساخت؛ در فضای سرگرم کننده و نشاط آوری حس رقابت کارکنان را خواهد برانگیخت و کارکنان با شور و علاقه درونی در فعالیتهای سازمانی مشارکت خواهند کرد.

### بازیکاری رویکرد جدید انگیزش

بازیکاری رویکردی جدید در عصر حاضر است که با استفاده از اندیشه بازی سازی، عناصر و ساختارهای بازی، محیط انگیزشی را در بسترکاری ایجاد می‌کند. این رویکرد با هدف بهره گیری از انگیزه ها و محرکهای انسانی (فعالتهای بازی) نظیر شادی، رقابت، منزلت اجتماعی و ... محیط و فعالیتهای کاری را برای کارکنان چالش برانگیز، برانگیزاننده و رضایت بخش می‌سازد.

این مفهوم در سال ۲۰۰۲ مطرح شد و در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. اساس بازیکاری بهره‌گیری از محرکهای انسانی نظیر رقابت، سرگرمی، شادی، شأن و منزلت اجتماعی، نועدوستی و ... با استفاده از ساختارهای رایج در بازیهاست (فریمانی، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه ارتباطات در محیط کار در حال تبدیل شدن به همکاری گروهی است، بازیکاری راه جدیدی را برای تشویق کار گروهی در سازمانها گشوده است. بازیکاری جوهره ویژگیهای بازی مانند سرگرمی، بازی، شفافیت، رقابت، طراحی و البته شور و شوق را استخراج، و آنها را در فرایندهای دنیای واقعی، از شروع به کار نیروی جدید تا یادگیری و پیشرفت شغلی، اعمال می‌کند (Meister & Mulcahy, 2017). تعاریف متعددی از بازیکاری ارائه شده است. در تعریف مورد قبول، بازیکاری استفاده از اندیشه بازی سازی<sup>۷</sup> و استفاده از ساختارها و شیوه‌ها و عناصر بازی بویژه بازیهای رایانه‌ای، در بسترهای دیگر (بجز بستر بازی) برای ایجاد شادی و افزایش اشتیاق کارکنان، حل مسائل، بهبود فرایندها و یادگیری است. ساختارهای بازی، که در تعریف به آنها اشاره شده، قواعدی است که روند بازی را مفرح، چالش برانگیز، راضی کننده و انگیزاننده می‌سازد. این احساسات در اثر نیازهای انسانی و روشهای انگیزشی ایجاد می‌شود که به آنها فعالیتهای بازی گفته می‌شود. برخی از ساختارهای بازی عبارت است از: امتیاز، نشانهای افتخار، مرحله بندی، جدول رده بندی و برخی فعالیتهای بازی که دلیل انگیزش کاربران با ساختارهای بازی به شمار می‌آید شامل: رقابت، پاداش، شأن اجتماعی، کسب مقام و نیاز به موفقیت در انسانها است (فریمانی، ۱۳۹۲).

### بحث و نتیجه گیری

مجال است کسی که عملگراست و به فکر ارتقا و بهبود یگان و سازمان است از دانش بی بهره باشد. امکان ندارد کاری انجام دهیم بدون اینکه دانش کار را کسب کرده باشیم. تحقیق و پژوهش، دانش کار را به ما می‌دهد، در این پژوهش در رویکردی استقرایی سعی شد دانش لازم برای بهبود و ارتقای انگیزش فردی و سازمانی به دست آید. با بررسیها نظریه‌ای استخراج شد که می‌تواند در یگانها به طور عملی مورد آزمون و به صورت نظریه تأیید شده مورد استفاده دیگران قرار گیرد. سالهاست که درگیر عملکرد سنتی غیرعلمی بودیم که محصول دانش نامنسجم و پراکنده برخاسته از تجربیات فردی بود. علم روشی نظام مند برای دستیابی به دانش منسجم، قابل آزمون و تأیید را در اختیار ما قرار می‌دهد. هر چند علم چه بر اساس پارادایم اثباتگرایی و چه بر اساس پارادایم تفسیری خود بر تجربه

مبتنی است و به همین سبب در این تحقیق تجربیات فردی و سازمانی در کنار دانش نظری به کار گرفته شده است تا بتوان نظریه‌ای کاربردی و عملی استخراج کرد.

در این تحقیق به دنبال راهکار عملی و اثربخشی بودیم که با ارائه گزاره‌ها و نظریات علمی متناقض و پیچیده‌ای متفاوت باشد که درگیر تعیین اولویت نیازها و فرایندهای انگیزشی است. بازیکاری رویکردی جدید در مدیریت است که قبلاً در درون دیگر حوزه‌های جامعه نتیجه‌بخشی خود را ثابت کرده است و به جای گزاره‌پردازی صرف درباره‌ی اینکه برطرف کردن کدام نیاز می‌تواند انگیزه‌بخش باشد با حرکتی رو به جلو به دنبال ایجاد محیط انگیزه‌بخش است که ورود در آن محیط، انسان را از چارچوب و محیط خسته‌کننده سازمانی خارج می‌کند و طبعاً فرد را از قضاوت و ارزیابیهای ابزاری خود در زمینه «آنچه سازمان به من داده است و آنچه من به سازمان خواهم داد» جدا می‌کند.

این پژوهش کیفی با هدف ارائه الگوی نظری انگیزش مناسب یگانهای تیم‌محور انجام شده است. تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها به شناسایی هشت مقوله شامل دو مقوله اصلی و چهار مقوله مرتبط منجر شد. در الگو، مأموریت سازمانی ایجاب می‌کند که در گام نخست کارکنان متناسب با آن تربیت و پرورش یابند؛ ذهن و روحشان متناسب با مأموریت‌های مخاطره‌آمیز شکل بگیرد و آمادگی لازم را برای اجرای مأموریت به دست آورند؛ چرا که اعمال هر اهرم انگیزشی بدون ایجاد ظرفیت مورد نظر در نظامیان نتیجه‌بخش نخواهد بود و کاری عبث و بیهوده است. در گام دوم پس از احراز آمادگی لازم، ایجاد محیط انگیزش ذاتی برای کارکنان است تا فعالیت در محیط کار به خودی خود باعث انگیزش آنان شود؛ به عبارتی بهتر هدف این است که کار را، چه آموزش باشد و چه تمرین ورزشی یا تیراندازی، نه با چاشنی رفع نیاز بلکه به دلیل اینکه خود فعالیت دوست‌داشتنی و مسرت‌بخش است با علاقه تمام انجام دهند؛ ضمن اینکه عوامل فردی همچون مشکلات و یا نیازهای مهم فردی و درک تهدیدات محیطی (به‌عنوان مثال: من برای حفظ جانم به آمادگی جسمانی نیاز دارم! یا در صلح عرق می‌ریزم تا در جنگ خون ندهم!)، عوامل مداخله‌گر به شمار می‌رود و پشتوانه فرهنگی، پیش‌زمینه و بستر تحقق موفقیت‌آمیز تمامی فعالیت‌های سازمانی در تحقیق به‌عنوان مقوله بستر حاکم معرفی شده است.

### محدودیت‌های تحقیق

۱. محدودیت زمانی
۲. محدودیت دسترسی به منابع کتابخانه‌ای خارجی
۳. محدودیت ارتباط با سازمانها و شرکتهای بویژه سازمانهای خارجی برای مصاحبه و استخراج منابع نظری

### پیشنهاد برای پژوهشهای بعدی

در راستای تحقیق نیاز است بر اساس رویکرد عملگرایی، تحقیق کمی را، که کامل کننده تحقیق کیفی است به منظور تأیید نظریه ساخته شده مورد آزمون قرار دهیم. بر همین اساس راهبرد آزمایشی برای تحقیق آینده پیشنهاد می‌شود.

## منابع

۱. رابینز، استفن پی (۱۳۹۱)، رفتار سازمانی، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. ویراست دوم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
  ۲. گریفین، مورهد (۱۳۹۰)، رفتار سازمانی، ترجمه سیدمهدی الوانی و غلامرضا معمارزاده. ویراست جدید. تهران: انتشارات مروارید.
  ۳. فریمانی، مهدی (۱۳۹۲)، بازیکاری؛ نگاهی به شکل‌گیری مفهومی نو در عرصه فضای مجازی و کاربردهای آن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
  ۴. کرسول، جان‌دلیو (۱۳۹۱)، طرح پژوهش ترکیبی، کمی و کیفی، ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای‌طوس. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد علامه (۲۰۰۹).
  ۵. ریزیان، گری (۱۳۹۶)، فرهنگ سازمانی عصب محور، ترجمه حسن درویش و همکاران. تهران: سخنوران (۲۰۱۶).
  ۶. جوهرچ، ماری (۱۳۸۹)، نظریه سازمان: مدرن، نمادین - تفسیری و پست مدرن، ترجمه حسن دانایی‌فرد. تهران: کتاب مهربان (۱۹۹۷).
  ۷. اسکات، ریچارد (۱۳۹۳)، سازمانها: سامانه‌های عقلایی، طبیعی و باز، ترجمه حسن میرزایی. تهران: سمت (۲۰۰۳).
  ۸. سرلک، محمدعلی (۱۳۹۰)، چهره‌های نوظهور سازمان در قرن بیست‌ویکم: سازمان مربی‌گرا، تهران: نشر مرجع دانش.
  ۹. سرلک، محمدعلی (۱۳۹۱)، چهره‌های نوظهور سازمان در قرن بیست‌ویکم: سازمان تیم‌محور، تهران: نشر مرجع دانش.
1. Meister, Jeanne C. and Mulcahy, Kevin J. (2017). The Future Workplace Experience. Soundview Executive Book Summaries . Vol. 39, No. 2 (3 parts) .
  2. Available from [www.summary.com](http://www.summary.com)
  3. Bolman , Lee G. and Deal , Terrence E. (2017). How Great Leaders Think. Soundview Executive Book Summaries . Vol. 39, No. 2 (3 parts).
  4. Available from [www.summary.com](http://www.summary.com)
  5. Bruce shaw , Robert(2017).extreme teams. Soundview Executive Book Summaries . Vol. 39, No. 6 (3 parts).
  6. Available from [www.summary.com](http://www.summary.com)
  7. yonger , don(2016) . great teams . Soundview Executive Book Summaries . Vol. 38, No. 12 (3 parts).
  8. Available from [www.summary.com](http://www.summary.com)
  9. friedman,ron (2014). The Best Place to Work: The Art and Science of Creating an Extraordinary Workplace . Penguin Publishing Group(USA).

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

حسن رحیمی (روشن)<sup>۱</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

### چکیده

جنگ با انسان به وجود آمده و با حیات انسانی عجین شده است. در طول تاریخ مکاتب فراوانی به وجود آمده که سعی در زدودن جنگ و یا تحدید آن داشته‌اند؛ برخی مکاتب نیز از ستایشگران جنگ بوده‌اند. هدف این پژوهش بررسی و تبیین غایت جنگ در مکاتب بشری و ادیان دیگر با غایت و هدف نهایی جنگ (دفاع) در اسلام است. از این رو پرسش این مقاله این است که: هدف اسلام با اهداف مکاتب و ادیان دیگر از جنگ چه تفاوت‌هایی دارد؟ این پژوهش بر این باور است که تفاوت دیدگاه اسلام با دیگر مکاتب و ادیان بیشتر در هدف و غایت جنگ است. با توجه به ماهیت موضوع و رهیافت پاسخ به پرسش مقاله و سنجش فرضیه از روش توصیفی — تحلیلی استفاده، و نیز روش مقایسه‌ای برای تجزیه تحلیل داده‌ها و مقایسه بین مکاتب مورد نظر استفاده شده است. ابزار پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای و جستجو در متون اینترنتی است. یافته پژوهش این است که اسلام و دیگر ادیان و مکاتب در اهداف نهایی جنگ با هم اتفاق نظر ندارند و این تفاوت در هدف، شیوه‌ها و عملکردهای متفاوتی را در جنگ و صحنه عمل به دنبال دارد.

**کلید واژه‌ها:** جنگ، اسلام، ضرورت جنگ، اصالت جنگ، مسیحیت، لیبرالیسم

\* ذکر این نکته لازم است که آنچه در اسلام وجود دارد (دفاع) است و اگر از جنگ در اسلام سخن می‌رود با مسامحه در لفظ است؛ زیرا آنچه به عنوان جنگ در عرف ادبیات سیاسی جهان وجود دارد. هدف آن توسعه‌طلبی است و اصولاً در اسلام جایگاهی ندارد.

## مقدمه

از زمانی که انسان به عرصه وجود پا نهاده، جنگ و نزاع به‌عنوان همزاد و همراه انسان همواره وجود داشته است. بعضی‌ها سابقه جنگ و نزاع بین انسانها را تا منازعه هابیل و قابیل، فرزندان آدم (علیه‌السلام) به عقب می‌برند. به‌رغم تلاشهای فراوانی که در طول تاریخ صورت گرفته، رسیدن به صلح مطلق تاکنون سرابی بیش نبوده است؛ حتی فلاسفه بزرگی چون افلاطون (۴۷۲ - ۳۴۷ ق.م) و ارسطو (۳۴۸ - ۳۲۲ ق.م) قانونی بودن جنگ را به صورت دفاعی به رسمیت شناخته و آن را ضروری دانسته‌اند. افلاطون باور دارد که سیاستمدار خوب کسی است که هنگام وضع قانون برای جنگ، هدفش برقراری صلح و آرامش باشد (افلاطون، ۱۳۶۷: ۲۰۳۳). ارسطو، جنگ را معلول طبع انسان می‌داند (ارسطو، ۱۳۶۴: ۵). او بر این باور است که سبب جنگ، حس زیاده‌خواهی است که هر زمان بروز کند؛ هم برای جامعه و هم برای افراد، بزرگترین رنج است. او در جای دیگر جنگ را فن به‌دست آوردن مال می‌داند (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۷). او به روشنی مشخص می‌کند که صلح غایت جنگ است (ارسطو، ۱۳۶۴: ۳۱۵). با بررسی نظریات فلاسفه، جامعه‌شناسان و اندیشمندی که در این مسیر گام برداشته‌اند، می‌توان دو نحله فکری «ایدئالیسم» و «رئالیسم» را مشاهده کرد که هر یک با روش خاص خود تلاش کرده‌اند با ارائه راهکار و نشان دادن مسیر صلح به جهانی عاری از خشونت کمک کنند. ایدئالیست‌ها (آرمانگرایان) معتقدند نوع بشر، آرمانخواه و کمال‌جو است و توان دستیابی به کمال و استعداد بهبود و پیشرفت را دارد و در سطح بین‌المللی می‌توان با ایجاد نهادهای جدید، مانند جامعه ملل و سازمان ملل، محیط سیاسی را دگرگون ساخت (آقایبی، ۱۳۸۹: ۴۲)، اما در مقابل رئالیسم، مترادف با واقعگرایی، موازنه قوا را راه‌حل نهایی برای کسب صلح و جلوگیری از جنگ می‌داند. واقعگرایان معتقدند هر ملتی به دنبال قدرت، و یا طرفدار وضع موجود، و یا طرفدار تغییر آن است. کشش و کوشش در این زمینه به حالتی می‌انجامد که موازنه قوا نام دارد. در این حالت است که جنگ موقتاً پایان می‌پذیرد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۶۶). اندیشمندان دیگری مانند «جرج کنان»، «آرنولدولفرز»، «ادوارد هالت» و «هنری کیسینجر» جزو معتقدان به این نظریه هستند. اینان اتفاق نظر دارند که باید انسان و روابط اجتماعی را آن‌گونه که هست در نظر گرفت نه آن‌گونه که باید باشد (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۶۴). منتسکیو<sup>۱</sup> فیلسوف فرانسوی می‌گوید: همان‌طور که فرد در صورت مورد حمله قرار گرفتن حق دفاع

## 1. Montesquieu

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

دارد، ملتها هم حق دارند برای حفظ خودشان جنگ کنند؛ زیرا حفظ هر ملت و دولتی، مثل حفظ هر ملت و دولت دیگری است که به او حمله کرده است (منتسکیو، ۱۳۴۳: ۲۶۹). از این رو بر اساس این باور، ترس از حمله و تجاوز دیگران انسانها را وامی‌دارد به چاره‌جویی بپردازند تا کسب امنیت کنند و سعی کنند آنچه را به دست آورده‌اند حفظ کنند و تنها راه تأمین امنیت کسب قدرت و افزایش آن و نمایش هر چه بیشتر قدرت است (آقایی، ۱۳۸۹: ۳۵). پس هنگامی می‌توان به صلح جهانی اندیشید که همه، توان دفاع از خود را دارا باشند. در این وضعیت است که کسی حریم دیگری را مورد تجاوز قرار نخواهد داد؛ زیرا از ضربه متقابل او بیم خواهد داشت.

### بیان مسئله

با توجه به این مباحث، مکاتب فلسفی غرب دو دیدگاه بسیار خوش‌بینانه و بسیار بدبینانه نسبت به جنگ دارند. اسلام نه خوش‌بینی مفرط ایدئالیست‌ها را دارد نه بدبینی رئالیست‌ها را. اسلام جنگ را محکوم می‌کند و بزرگترین عامل جنگ، یعنی زیاده‌خواهی انسانها را نکوهش می‌کند. در این مقاله سعی می‌شود دیدگاه اسلام در مورد جنگ مورد بازخوانی قرار گیرد و نیز با دیدگاه ادیان و مکاتب دیگر مقایسه شود. به نظر می‌رسد تفاوت دیدگاه اسلام با دیگر مکاتب و ادیان بیشتر در هدف از جنگ است. از این رو برای سنجش این فرضیه، تلاش می‌شود جایگاه جنگ در اسلام با ادیان و مکاتب دیگر به روش مقایسه‌ای ارزیابی شود. علت اینکه هم ادیان و هم مکاتب را در یک طرف و اسلام را در مقابل برای مقایسه قرار دادیم، این است که اسلام به‌عنوان دینی جامع در رابطه با جنگ و دفاع دارای احکام و نظریاتی است که از ظهور اسلام تاکنون به آنها استناد شده و اکنون نیز معیار باورمندان واقعی اسلام است. در مقابل، اگر فقط ادیان بررسی می‌شد، این اشکال وارد بود که این بحث ما به زمان حال معطوف نیست؛ زیرا مکاتب غربی عصر جدید بر محور سکولاریسم و بدون توجه به دین به برنامه‌ریزی برای اداره جامعه اقدام می‌کنند و در آن جوامع، دین به گذشته تعلق دارد؛ اما در جهان اسلام - به‌رغم گسترش سکولاریسم - دین به گونه‌های مختلف حضور دارد. بنابراین بناچار در مقابل اسلام - که برای مسلمانان در گذشته و حال ملاک عمل بوده است - هم ادیان معروف مانند یهودیت و مسیحیت را برگزیدیم که ناظر به گذشته جوامع غربی است و هم مکاتب بشری را مورد توجه قرار دادیم که عملاً امروزه به جای دین در جامعه غربی حضور دارند. از این رو ابتدا بحثی کلی در مورد چیستی جنگ، و سپس علل کلی روی دادن جنگ، و سپس نظر اسلام در مورد جنگ با



استفاده از منابع در دسترس مطرح می‌شود. سرانجام نظر ادیان و مکاتب غربی در این زمینه بررسی، و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود.

## اهداف پژوهش

### الف) هدف اصلی

شباهت فراوانی در سطح محافل عمومی و حتی دانشگاهی و بویژه بین نسل جوان در مورد ارتباط اسلام و جنگ وجود دارد که در صورت عدم مواجهه علمی، معقولانه و مستند با آن می‌تواند در اعوجاج فکری جامعه مؤثر باشد؛ لذا هدف کلی پژوهش، بررسی مستند ماهیت جنگ در اسلام و قیاس آن با دیگر مکاتب در راستای نشان دادن غایت هدف جنگ در اسلام در مقایسه با مکاتب دیگر با هدف تبیین و توضیح واقعیت جنگ در اسلام است. گفته‌ها و نوشته‌های مفسران و مستشرقان حاکی از نوعی برداشت از اسلام است که دین اسلام را به‌عنوان دین جنگ معرفی کرده‌اند در مقابل مدعی صلح‌طلبی و انساندوستی فرهنگ غربی بوده‌اند در حالی که جنگ در اسلام حسب ضرورت دفاع است و اصالت با جنگ نیست.

### ب) هدف فرعی

هدف فرعی این پژوهش بررسی اهداف جنگ در ادیان مسیحیت، یهود و مکاتب غربی است.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

در دنیای امروز تحت تأثیر رسانه‌های پرشمار مخالف اسلام از یک سو و عملکرد گروه‌های تکفیری با نام اسلام از سوی دیگر سبب شده است که دین اسلام، دین جنگ و همه مسلمانان، ملتی جنگ‌طلب و ماجراجو و تروریست لقب داده شوند. از این رو ضرورت پرداختن دقیق و موشکافانه با روشهای دانشگاهی و نشان دادن تفاوت در اهداف و روشها در اسلام و مکاتب غربی مدعی حقوق انسانی می‌تواند قدمی در خنثی‌سازی این جنگ روانی علیه اسلام و ملل مسلمان باشد.

## پرسش‌های پژوهش

هدف اسلام با اهداف مکاتب و ادیان دیگر از جنگ چه تفاوتی دارد؟

هدف ادیان مسیحیت (امروزی) و مکاتب غربی از جنگ چیست؟

## روش پژوهش

این پژوهش را می‌توان در قالب پژوهشهای توسعه‌ای دسته‌بندی کرد که با روش توصیفی - تحلیلی انجام، و برای تجزیه تحلیل داده‌ها از روش مقایسه‌ای برای قیاس نظریات مکاتب مورد نظر استفاده شده است. ابزار پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای و جستجو در متون اینترنتی است.

## پیشینه پژوهش

آثار متعددی درباره جنگ و اهداف آن به نگارش درآمده است؛ از جمله علی باقری کبورق (۱۳۷۰) کلیات و مبانی استراتژیک جنگ را در عرصه بین‌الملل مورد بررسی قرار داده است. محمدعلی برزونی (۱۳۸۴) در مقاله اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح؟ به اثبات صلحگرایی اسلام پرداخته است. در همین زمینه محمدمهدی کریمی‌نیا (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان دیدگاه اسلام درباره همزیستی مسالمت‌آمیز بر اهمیت صلح در اسلام تأکید کرده است. غلامحسین یادگاری (۱۳۸۴) در مقاله مفاهیم جنگ و صلح در ادیان ابراهیمی به تفاوتها و تشابهات مفهوم جنگ و صلح در ادیان ابراهیمی پرداخته است. محمدحسن خانی و علی بغیری (۱۳۹۰) تحلیل رابطه میان جنگ و امنیت را مورد بررسی قرار داده‌اند. معصومه سادات میرمحمدی (۱۳۹۰) مشروعیت جنگهای صلیبی را از دیدگاه روحانیان مسیحی و مقایسه آن با ماهیت جهاد مسلمانان در برابر صلیبی‌ها بررسی کرده است. ابوالفضل عزتی (۱۳۷۱) مقایسه بین مفهوم شهادت در مسیحیت و اسلام را به انجام رسانیده و محمد ابراهیمی و رکیانی (۱۳۸۹) مبانی فلسفی - کلامی جنگ و جهاد از منظر ادیان را مورد بحث قرار داده است؛ بنابراین در مطالعه آثار، پژوهشی که به‌طور جامع، اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب را مقایسه کرده باشد، مشاهده نشد یا دست‌کم نگارنده نتوانست به دست بیاورد؛ لذا این مقاله در نوع خود نگاه جامعی به موضوع مورد نظر دارد.

## ادبیات نظری و مفهوم شناسی پژوهش

### ۱. جنگ چیست؟

آیا هر برخوردی جنگ است؟ به عبارت بهتر، چه برخوردی را می‌توان جنگ نامید؟ طبیعی است که جنگ به مفهومی که در مطالعات علمی به کار برده می‌شود، تعریف خاص خود را دارد که با تعاریف و برداشتهای معمولی از این واژه متفاوت است. جنگ از جنبه‌های تاریخی، سیاسی، حقوقی، نظامی، اقتصادی، فلسفی و اخلاقی قابل مطالعه است. بنابراین می‌توان آن را «واقعه‌ای بین‌المللی» یا

«نبرد مسلحانه بین دولتها» دانست (روسو، ۱۳۶۹: ۹) پیتر می‌یر<sup>۱</sup> جامعه‌شناس آلمانی، جنگ را نوعی نزاع می‌داند که بین دو گروه سازمان یافته در جریان باشد (می‌یر، ۱۳۷۴: ۳۱)؛ یعنی وقوع جنگ مستلزم شکل‌گیری زمینه‌های آن و بویژه وابسته به دولت و سازمانهای شبه‌دولتی است (می‌یر ۱۳۷۴: ۳۱). با این تعریف، برخوردهای فردی و قبیله‌ای از دایره تعریف جنگ خارج می‌شود و در حوزه تعریفی قرار می‌گیرد که «نزاع» خوانده می‌شود و وقوع آن مستلزم وجود حداقل دو نفر است؛ اما در جنگ به تعریف «پیتر می‌یر» وجود دولت و حکومت، که هدایت جنگ حداقل در یک طرف آن را به عهده بگیرد ضروری است (باقری کبوری، ۱۳۷۷: ۱۵). بنابراین جنگ، نوعی برخورد میان دولتها است که در آن زور به شکل‌های گوناگون در وسیعترین حد، مورد استفاده واقع می‌شود (مصفا و دیگران، ۱۳۶۵: ۱ و ۲). البته گاهی نیز ممکن است دو طرف جنگ دو گروه سازمان یافته چریکی باشند. از لحاظ حقوقی، جنگ به‌عنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه اقدامات قهرآمیز و مسلحانه‌ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها رخ می‌دهد و موجب اجرای قواعد خاصی در کل مناسبات آنها با هم و با کشور ثالث می‌شود (ضیائی بیگدلی، ۱۳۶۸: ۴۵). این تعاریف، که در مورد جنگ مطرح شد، جنبه جامعه‌شناختی دارد و از نظر علمای اسلام مفروض است؛ یعنی اینکه جنگ هنگامی رخ می‌دهد که دو طرف در مقابل هم تراحم منافع دارند. حال این دو طرف می‌توانند دو نفر یا دو گروه سازمان یافته و یا دو دولت باشند؛ لذا اندیشمندان اسلامی آن را مفروض دانسته و به تعریف آن نپرداخته‌اند. البته این تراحم منافع به معنی مصطلح آن در نظامهای مادی نیست بلکه تراحم اعتقادات و باورهای معنوی را نیز شامل می‌شود. در متون وحیانی و روایی بشدت به الزامات جنگ و دفاع و رعایت اخلاقیات تأکید شده است و خود این روش بر اهداف جنگ نیز تأثیر می‌گذارد؛ به‌عنوان مثال آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لِلَّهِ وَعَدُّوْكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»: در برابر آنها آنچه توانستید از نیروی انسانی، (سلاحهای روز و هزینه نبرد) و اسبان بسته و آماده شده (وسایل نقلیه مناسب) آماده سازید که بدین وسیله دشمن خدا و دشمن خود و دشمنان دیگری را غیر آنها که شما آنها را نمی‌شناسید، خداوند آنها را می‌شناسد، بترسانید و هر چیزی که در راه خدا انفاق کنید (در روز جزا) به‌طور کامل به شما داده خواهد شد و بر شما هرگز ستم نمی‌رود (از حقتان کاسته نمی‌شود)

1. Peter Meyer

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

(انفال/ ۱۶). منطلق این آیه، قدرت‌یابی مسلمانان است که باید برای آن مجهز شوند. بدیهی است تعاریف امروزی جنگ در این آیه شریفه مستتر است. روح این آیه توصیه به قدرت‌یابی مسلمانان است که به دلیل تفاوت‌های اعتقادی و تراحم منافع مادی آن، مورد هجوم دشمن واقع می‌شوند. از سویی در سنت نبوی دستور رسیده است که خود و فرزندان تا حد مهارت کامل، فنون اسب‌سواری و تیراندازی را یاد بگیرد. اسب‌دوانی و تیراندازی جزء فنون نظامی آن عصر بوده است. آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان در هر عصر و زمانی باید تا آخرین حد امکان از لحاظ قوای نظامی و دفاعی در برابر دشمن نیرومند باشند؛ به عبارت دیگر شکل اجرایی آن است که تغییر می‌یابد؛ اما لزوم نیرومندی در مقابل دشمن، قانون ثابتی است که از نیاز ثابت و دائمی سرچشمه گرفته است (مطهری ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۱۱۹).

### ۲. دلایل جامعه‌شناختی جنگ

در پاسخ به این پرسش، که اصولاً چرا جنگ به وقوع می‌پیوندد؟ اتفاق نظر وجود ندارد؛ اما به نظر می‌رسد قبل از هر عاملی، جنگ و منازعه به روابط انسانها و نوع نگرش انسان به جهان هستی مربوط می‌شود. تعداد زیادی از فلاسفه غرب، علل جنگ را در ذات انسانها جستجو می‌کنند و بر این باورند که دیگر عوامل اقتصادی جغرافیایی و اختلافات تاریخی، همه در این عامل ریشه دارد؛ به‌عنوان مثال توماس هابز نسبت به سرشت و ماهیت آدمی بدبین است و از این‌رو می‌گوید: «انسان گرگ انسان است». هم‌چنین ماکیاولی دارنده قدرت را محق تسلط بر دیگران می‌داند. او به حاکمان توصیه می‌کند که باید از زور به شدیدترین نحو استفاده کنند (جونز، ۱۳۵۸، ج ۲: ۲۹ و ۳۰). در مقدمه این نوشتار، جنگ از نگاه رئالیسم و ایدئالیسم توضیح داده شد. ذکر این نکته لازم است که آن دو مکتب به شکل‌گیری دو نگرش در سطح کلان درباره علل رخ دادن جنگ منجر می‌شود: دیدگاه نخست بر اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ در جوامع انسانی و به رسمیت شناختن آن به‌عنوان اصلی اساسی در روابط بین‌الملل مبتنی است؛ دیدگاهی که مورد تأکید واقع‌گرایان است و دوم دیدگاهی برخاسته از مکتب رئالیسم است که بر صلح‌طلبی انسان تأکید می‌کند و بر این باور است که صلح جهانی هدفی دست‌یافتنی است. نگرشی که جنگ را اجتناب‌ناپذیر می‌داند سعی می‌کند علل جنگ را به صورت عینی دسته‌بندی کند.

جفری بلنی<sup>۲</sup> در کتاب علل جنگ، موارد ملموسی را در هفت بند مطرح می‌کند که رهبران هر کشور در جنگ یا عدم جنگ در نظر می‌گیرند:

- وجود قدرت نظامی و توانایی به کارگیری مؤثر آن در صحنه جنگ
- تشخیص اینکه اگر جنگ واقع شود، واکنش ملتها و دولتهای خارجی چگونه خواهد بود.
- آگاهی به این مسئله که آیا وحدت داخلی و یا عدم هماهنگی در داخل سرزمین خودی و یا سرزمین دشمن وجود دارد یا نه
- آگاهی یا عدم آگاهی از واقعیت جنگ و رنجهای آن و یا بی‌اعتنایی نسبت به آن
- ایدئولوژی و ملیت‌خواهی؛ این اصل و آگاهی نسبت به آن برای مهاجم و مدافع برای پیروزی در جنگ، اهمیت اساسی دارد.
- ویژگیهای شخصیتی و تجربیات کسانی که در جنگ شرکت می‌کنند (روحیه).
- وضع اقتصادی و توان آن برای تحمل هزینه‌های جنگ (Blainey, 1973: 246).

جفری بلنی، معتقد است جنگهای بین‌المللی زمانی محتمل است که بهبود اوضاع اقتصادی مورد انتظار باشد و یا رونق اقتصادی حاصل شود (Blainey, 1973: 9)؛ بنابراین همه جنگها از لحاظ نظری یک هدف سیاسی را دنبال می‌کنند که ممکن است در نتیجه‌گیری نهایی با آنچه در ابتدای جنگ مطرح بوده است متفاوت باشد (باقری کبورق، ۱۳۷۷: ۸۶). از جمله عللی که ممکن است در آغاز جنگها دخیل باشد و روند آغاز آن را تسریع بخشد، می‌توان به مواردی چون عدم موازنه قوا به معنی برهم خوردن موازنه به نفع یک طرف، تحول قدرت اقتصادی بر اثر ایجاد بسیج ملی و ایدئولوژیکی با نظر منفی نسبت به وضع موجود، وسعت مرزهای مشترک، تفکر پایان بخشیدن به اختلافات از طریق قوه قهریه اشاره کرد (جونز، ۲۴۱-۲۸۷، ۱۳۷۳). موارد دیگری نیز در علل جنگها دخیل است؛ از جمله ملی‌گرایی، اختلافات فرهنگی، تجزیه‌طلبی داروینیسیم اجتماعی، مسابقه تسلیحاتی و کوشش برای انسجام داخلی از طریق به راه انداختن مناقشه خارجی؛ بنابراین، جنگ پدیده‌ای اجتماعی است که غیرقابل محو است و ماهیت آن به روابط بین انسانها مربوط می‌شود و امکان وقوع آن در هر زمان و در هر نوع مناسبات تولیدی و اجتماعی وجود دارد. در بروز جنگ، عوامل پیشرفت و توسعه تمدن نقش بازدارنده ندارد و این عوامل نمی‌تواند مانع جنگ باشد. جنگ در جامعه عقب مانده و پیشرفته وجود داشته و دارد. امروز نیز جهان شاهد جنگ در کشورهای فقیر و غنی، کشورهای غنی با هم و

1. Geoffrey Blainey

کشورهای فقیر با هم و یا فقیر با غنی است. تنها تفاوت را می‌توان در وسعت ویرانی جنگهای امروزی دانست؛ به عبارت دیگر پیشرفت علم و فناوری تنها بر وسعت فاجعه جنگها افزوده است؛ بدون اینکه بتواند جنگ را از بین ببرد.

### ادیان و جنگ

پس از توضیح کلی علل وقوع جنگ از بعد جامعه‌شناختی، اکنون در این بخش به این مبحث پرداخته می‌شود که مکاتب از جمله اسلام چه نظری درباره جنگ دارند. ابتدا و به اختصار نظر اسلام در مورد جنگ، و سپس نظر ادیان و مکاتب دیگر در مورد جنگ، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. اسلام و جنگ

مکاتب مختلف با توجه به دیدگاهی که در مورد انسان دارند، دیدگاه آنان درباره جنگ نیز متفاوت است. از آنجا که اسلام دینی اجتماعی، و غایت آن، تشکیل جامعه و اصلاح جهان است، نمی‌تواند قانون جهاد نداشته باشد (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳). در اسلام، انسان اساس روابط است و مرزهای جغرافیایی، رنگ و نژاد و عوامل عرضی دیگر، اعتباری ندارد. بنابراین، جنگ در اسلام، اصل نیست؛ اما در مقاطعی گذرا، اجتناب‌ناپذیر است. در قرآن کریم آیات فراوانی درباره جهاد در راه خدا آمده است؛ اما جنگ در اسلام دفاعی است و حرکتی تجاوزکارانه نیست و موازین آن به گونه‌ای است که آن را به شرایط ویژه‌ای مشروط می‌کند که ثابت می‌شود؛ بینش اسلامی، جنگ را اساس روابط بین‌الملل نمی‌داند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۰). جنگهایی که در نژادپرستی و تعصبات خشک جاهلانه ریشه دارد از نظر اسلام مردود است. جنگ برای اهداف اسلام و به رهبری پیشوای اسلامی - که مشروعیت اسلامی و مقبولیت مردمی داشته باشد - هرگز در راه امیال جاه‌طلبانه و قدرت فردی و کشورگشایی نخواهد بود. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: خدایا تو می‌دانی که جنگ ما برای سلطه‌جویی و دنیاطلبی نبود، بلکه می‌خواستیم تا شعائر از میان رفته دین تو را بازگردانیم و اصلاح امور را در دیار و بلاد آشکار سازیم تا بندگان مظلومت امنیت یابند و احکام و حدود تعطیل شده‌ات تجدید شده و برپا گردد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۹). علی (علیه‌السلام) جنگ را تا آنجا لازم می‌دانست که حق مظلوم گرفته شود و متجاوز سر جای خود بنشیند و شعائر اسلام آشکار شود؛ بدون اینکه به بی‌گناهی آسیبی برسد یا حتی دشمن متجاوز، کیفری غیرانسانی و غیرعادلانه ببیند. امام علی (علیه‌السلام) پیش از اینکه جنگ صفین برپا شود، لشکریانش را اینگونه سفارش می‌کند: چون به اذن خدا دشمن شکست خورد، پشت‌کننده را نکشید، مکشوف‌العوره را نزنید، زخم‌خورده را نکشید و زنان را با

آزار خود تحریک نکنید. اگر چه آبروی شما را بریزند و امیران شما را دشنام دهند (نهج البلاغه، نامه ۱۴). پیروان واقعی اسلام و معصومین (ع) همین روش را در اقدامات خود به کار برده‌اند. نمونه آن در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. توصیه امام (ره) در مباحث دفاعی این بود که اصلاً تعرضی به مردم مظلوم عراق نشود. با نگاه به دیدگاه امام خمینی (س) و نظام اسلامی می‌بینیم که تعرض به حریم مردم کشور درگیر با ما هم مجاز نبود.

از آنجا که هدف اسلام از جنگ با مکاتب دیگر متفاوت است، تحت تأثیر آن جنگ در اسلام شکل‌های مختلفی یافته است. جنگ در اسلام بیشتر با واژه جهاد شناخته می‌شود. واژه‌های قتال و حرب نیز مترادف جهاد به کار برده می‌شود. واژه «جهاد» از ریشه «جَهَدَ یا جُهَدَ» به معنای مشقت و زحمت و هم‌چنین به معنای توان و طاقت است و «جهاد» و «مجاهده» یعنی به کار بستن توان در دفع دشمن. البته این کوشش به صورتهای مختلف انجام می‌گیرد؛ زیرا حمله و هجوم دشمن به شیوه‌های مختلف است و اما لفظ «قتال» فقط به معنای مقابله نظامی و درگیری با دشمن است. جهاد علاوه بر معنای لغوی، اصطلاحی شایع در فرهنگ اسلامی است و در تعریف آن چنین گفته‌اند: «الْجِهَادُ شَرْعاً بَدْلُ النَّفْسِ وَ الْأَمَالِ وَالْوُسْعِ فِي اغْلَاءِ كَلِمَةِ الْأِسْلَامِ وَ اِقَامَةِ شَعَائِرِ الْأَيْمَانِ» (نجفی، ۱۴۱۳، ج ۲۱: ۳). در اندیشه‌های اسلامی از دو نوع جهاد ابتدایی و دفاعی سخن گفته شده است. جهاد یا جنگ ابتدایی حالتی است که مسلمانان نه برای دفع هجوم ظاهری دشمن، بلکه برای از بین بردن حاکمیت جهل، شرک و خرافه و گستردن دامنه توحید متوسل به شمشیر شوند. در قرآن مجید آیاتی هست که بر جهاد ابتدایی صراحت دارد؛ از آن جمله می‌توان به این آیه اشاره کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً» (توبه/۱۲۳): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! (و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند!) آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) احساس کنند. به نظر می‌رسد روح جهاد ابتدایی همان جهاد دفاعی است و در این مبارزه جهادگران به مقابله با کسانی اقدام می‌کنند که با همه توان خویش برای خاموش کردن دعوت پیامبران و سرکوب دعوت کنندگان مبارزه می‌کنند و با تهدید، ارباب، شبهه‌پراکنی و تبلیغات انحرافی مانع ایمان آوردن محرومان و مظلومان می‌شوند. علامه طباطبایی (ره) در تبیین جهاد ابتدایی می‌نویسد: فطرت حکم می‌کند به اینکه مبنای قوانین فردی و اجتماعی باید توحید باشد و دفاع از توحید و نشر و حفظ آن حق مشروع انسانی است و باید این حق را به هر وسیله ممکن به دست آورد. جهاد ابتدایی نه‌تنها برای تحمیل عقیده نیست بلکه موافق آزادی عقیده و برای مهیاسازی آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۱۶). جهادی که اسلام، مسلمین را به سوی آن خوانده است، جهاد به ملاک زورمداری نیست

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

و نخواسته با زور و اکراه، دین را گسترش دهد، بلکه به ملاک حق‌مداری و برای زنده کردن حق و دفاع از توحید است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۲ / ۳۴۳). جهاد برای تحمیل و اجبار دیگران بر اسلام به‌عنوان عقیده صورت نمی‌گیرد، بلکه برای از بین بردن موانع از طریق دعوت اسلامی و ابلاغ رسالت الهی به گوشه‌های مردم است (سبحانی، ۱۴۱۹ ق: ۳۸). شهید مطهری می‌گوید اسلام هم دین جنگ است و هم صلح؛ هم قانون جنگ دارد هم قانون صلح، هریک در جای خود و در شرایط ویژه خود موضوعیت می‌یابد (مطهری ۱۳۶۷: ۷۷ و ۷۸)؛ بنابراین در هر دو صوت جهاد ابتدایی و دفاعی یک اصل مهم وجود دارد و آن جهاد برای رضای خدا است نه برای امیال و آرزوهای شخصی و تسلط انسانی بر انسانهای دیگر. جهاد دفاعی، دفاع مسلمانان از جان، مال، ناموس، سرزمین و کیان اسلامی در برابر هجوم دشمنان است. مسلمانان چه به صورت فردی و چه گروهی - همانند دیگران حق دارند که از کیان اسلام، حکومت اسلامی و موجودیت خویش در هر شرایطی دفاع کنند (جنگ و جهاد در قرآن، ۱۳۶: ۱۰). تعیین زمان و مکان در جهاد دفاعی به عملکرد دشمن بستگی دارد. از سوی دیگر، اذن امام معصوم (علیه‌السلام) نیز در جهاد دفاعی شرط نیست. با این دیدگاه، اسلام در اولین قدم، بزرگترین علق و اسباب جنگ را از میان برمی‌دارد و هر جنگی را که بر مبنای اهداف مشخص و ثابت ابلاغ شده توسط شرع مقدس، پایه‌ریزی نشده باشد باطل می‌داند (باقری کبورق، ۱۳۷۳: ۳۶). اسلام اگر گاهی جنگ را توصیه می‌کند برای گسترش رفاه و آزادی و برابری بشر است و برقراری صلح و ثبات همراه با آزادی و برابری انسانها از اهداف جنگ در اسلام است و علت قتال در اسلام جنگ‌افروزی دشمنان است نه کفر آنها (برزنونی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). قرآن کریم در آیات مختلف، مسلمین را از تجاوز و تعدی، نهی می‌کند و از جهادگران می‌خواهد که از ستمگری بپرهیزند. آیاتی که به قتال فی سبیل‌الله دعوت می‌کند، بلافاصله پس از دعوت به قتال، قید در راه خدا را نیز آورده است. در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌خوانیم: و قاتلوا فی سبیل‌الله الذین یقاتلونکم ولا تعدوا الله لا یحب المعتدین: در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد، تجاوز نکنید که خداوند تعدی کنندگان را دوست ندارد. این آیه دفاعی بودن جنگ در اسلام را سفارش می‌کند و مؤمنان را از تجاوز باز می‌دارد.

به‌طور کلی از آیات قرآن ویژگیها و ماهیت جنگ در اسلام به شرح ذیل استخراج می‌شود:

۱. جنگ در اسلام برای طغیان و خودکامگی نیست. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل‌الله \* والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان \* ان کید الشیطان کان ضعیفاً (نساء/ ۷۶): آنان که ایمان آورده‌اند در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند؛ پس شما با یاران شیطان بجنگید که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان (در



برابر اراده خدا و پایداری شما) سست و بی‌پایه است. به همین لحاظ، روزی که سران «قریش» از ابوطالب خواستند تا از پیامبر (صلوات‌الله علیه و آله) بخواهد که دست از مخالفت با آنها بردارد، رسول خدا (صلوات‌الله علیه و آله) فرمود: «من از ایشان چیزی نمی‌خواهم جز اینکه یک کلمه بگویند و بدان وسیله بر تمام عرب سیادت یابند و عجم را نیز زیر فرمان خویش آورند و آن کلمه، این است که بگویند: «لااله الاالله» و پس از آن از بت پرستی دست بردارند» (جلیلی، ۱۳۷۴: ۴۴).

۲. جنگ، در اسلام دفاعی است و مؤمنان اجازه تجاوز و تعدی برای مطامع شخصی ندارند. در آیه ۱۹۰ سوره بقره می‌خوانیم «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا الله لا یحب المعتدین» «در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگیدند نبرد کنید؛ ولی ستمکار نباشید که خداوند ستمکاران را دوست ندارد.» این آیه دفاعی بودن جنگ در اسلام را سفارش می‌کند و مؤمنان را از تجاوز باز می‌دارد.

۳. اذیت و آزار دیگران و کشتن و غارت اموال دیگران به بهانه جهاد ممنوع است: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ أَلَّ اللَّهُ عَلَيْكُمُ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/۹۴): ای اهل ایمان! هنگامی که در راه خدا (برای نبرد با دشمن) سفر می‌کنید در مسیر سفر نسبت به شناخت مؤمن از کافر تحقیق و تفحص کامل کنید و به کسی که نزد شما اظهار اسلام می‌کند، نگوید مؤمن نیستی که برای به دست آوردن کالای بی‌ارزش و ناپایدار زندگی دنیا او را به قتل برسانید. اگر خواهان غنیمت هستید. برای شما نزد خدا غنائم فراوانی است. شما هم پیش از این ایمانتان ایمانی ظاهری بود؛ خدا بر شما منت نهاد تا به ایمان استوار و محکم رسیدید. باید تحقیق کامل کنید تا به دست شما کاری خلاف اوامر خدا انجام نگیرد؛ یقیناً خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

۴. جهاد در چهارچوب مقررات خاصی است که خداوند اعلام کرده است: الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (بقره/۱۹۴): ماه حرام در برابر ماه حرام است. اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کیان خود در همان ماه با او بجنگید. همه حرمتها دارای قصاص است: پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پروا پیشگان است.

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

۵. در بحبوحه جنگ به تقوا و عدالت و فضیلت سفارش شده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مانده/۸): ای اهل ایمان، همواره در همه کارها قیام کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید و نباید دشمنی با گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نورزید. عدالت کنید که عدالت‌ورزی به پرهیزکاری نزدیکتر است و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء/ ۷۶) آنان که ایمان آورده‌اند در راه خدا می‌جنگند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند؛ پس شما با یاران شیطان بجنگید که یقیناً نیرنگ و توطئه شیطان در برابر اراده خدا و پایداری شماست و بی‌پایه است.

سیره عملی حضرت رسول نیز نشانگر تبلور آیات الهی در غزوات ایشان است. از این‌رو در جنگهای حضرت رسول (صلوات‌اله علیه و آله) نیز، که به‌عنوان اجراکننده اصول اسلام، ارزشها و فضایل انسانی، انگیزه آن را شکل می‌داد، حق‌خواهی و خوش‌خویی و اخلاق بزرگ‌منشانه پیامبر اکرم (صلوات‌اله علیه و آله) در همه مراحل و جنبه‌ها بر آن سایه افکنده بود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۲: ۱۵). توحید به‌عنوان اصل مهم سرلوحه اقدامات پیامبر اعظم بود؛ به همین دلیل، ایشان در بیشتر نامه‌هایی که به سران مسیحی می‌نوشتند به آیه شصت و چهار از سوره «آل عمران» اشاره می‌کردند که می‌فرماید: قل یا اهل الكتاب تعالوا إلى كلمة سواء بيننا وبينكم إلا نعبد إلا الله ولا نشرك به شيئاً؛ بنابراین در اسلام همیشه دو جبهه در برابر هم قرار داشته‌اند: «جبهه مدافع حق و عدالت» و «جبهه ملازم ستم و بیداد». در این میان، خداوند، سرپرست اهل ایمان و طاغوتها، سرپرست اهل کفرند: «الله ولی الذين آمنوا یخرجهم من الظلمات إلى النور والذين كفروا أولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور إلى الظلمات أولئك أصحاب النار هم فیها خالدون» (بقره/۲۵۷)؛ با این اوصاف، یک جبهه، جبهه یاوران حق و دیگری، جبهه یاوران باطل است. در صدر اسلام نیز هنگامی که دوران دعوت با زبان طی شد و پس از تحمل بسیار و آن‌گاه که مشرکان مکه، آزار و ستم را از حد گذراندند و مسلمانان را بیش از اندازه تحت فشار قرار دادند، اجازه قتال (در سوره حج) صادر شد؛ بنابراین، نبرد با مستکبران به منظور بسط و گسترش دعوت الهی و فراگیری دین خدا روی زمین از اهداف الهی جهاد است؛ به عبارت بهتر جنگ در اسلام اصالت ندارد بلکه گاهی ضرورت می‌یابد.

از این رو اسلام رسیدن به مقصود از هر راهی را جایز نمی‌داند و ارزشهای انسانی - یعنی چیزی که همه انسانها بدون در نظر گرفتن عقیده و مذهب به آن معتقدند - را زیر پا نمی‌گذارد؛ ارزشهایی چون صداقت، عدالت و حمایت از محرومان در خلال جنگها سفارش شده است. در جنگهای بشری، هدف، رسیدن به لذایذ بیشتر و منابع مادی بیشتر است و در این مسیر، ارزشهای اخلاقی، موهوم تلقی می‌شود؛ مگر اینکه بتواند وسیله‌ای برای کسب هدف قرار بگیرد. اسلام برای منافع مادی و آنی در اصول خود هیچ سازشی ندارد.

جنگ در اسلام بر دو پایه جهاد و شهادت استوار است که از لحاظ ماهوی با جنگهای متعارف متفاوت است و معنی فقهی آن بذل و بخشش و کوشش فرد در راه خدا است؛ یعنی تبلیغ ایمان و نشر فکر خداپرستی و اعتلای کلمه حق در جهان (خدّوری، ۱۳۳۵: ۸۵). مفهوم دیگری که در جهاد اسلامی از اصول اساسی است، شهادت است. شهادت بنا به تعریف علامه طباطبایی در المیزان، پایان دادن به حیات برای دفاع از ارزشها و حیات انسانی جامعه و افراد آن و تعیین ملاک و میزان الگو برای زندگی در این جهان است. علامه طباطبایی، شهادت و حتی مرگ به صورت معمول را نابودی نمی‌داند و می‌نویسد: مرگ به معنای عدم حیات نیست، بلکه به معنای انتقال است؛ امری وجودی که مانند حیات، خلقت‌پذیر است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۸۵). بنابراین جنگ اسلامی با تکیه بر فرهنگ شهادت‌طلبی به هنگام ضرورت و آخرین راه ممکن و در وضعیت خاصی که بیان شد، صورت می‌گیرد و هدفش برپایی عدالت، برابری و حق است و مطامع دنیوی و قدرت‌طلبی فردی و حاکم‌شدن یک فرد یا حزب در آن مطرح نیست. البته در طول تاریخ، برخی دنیاپرستان به نام اسلام به کشورگشاییهای دست زده‌اند که مورد تأیید اسلام ناب نیست.

## ۲. مسیحیت و جنگ

در کلام مسیحیت اولیه، جنگ تقبیح شده است. سراسر کتاب انجیل از رفتار محبت‌آمیز، حتی نسبت به دشمنان، موج می‌زند و از نظر حضرت مسیح (علیه‌السلام) آن چنانکه در متون موجود به ایشان نسبت داده شده است، احسان باید شامل دشمنان نیز بشود: «عیسی گفت: شنیده‌اید که به اولین گفته‌اند: همسایه خود را محبت‌نما و با دشمن خود عداوت مکن؛ اما من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبت‌نمایید و برای لعن‌کنندگان خود برکت بطلبید و به آنان که از شما نفرت کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعای خیر کنید تا پدر خود را که در آسمان است، پسران شوید؛ زیرا که آفتاب، خود را بر بدان و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌بارد ... پس

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

کامل باشید چنانکه پدر شما، که در آسمان است، کامل است (انجیل متی باب ۵ جمله ۴۴). هم‌چنین در بخش دیگری از انجیل می‌خوانیم: «شنیده‌اید که گفته شده چشمی به چشمی و دندانی به دندانی؛ لیکن من به شما می‌گویم با شریر مقاومت نکنید، بلکه هر که به رخساره تو تپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان و اگر کسی خواهد با تو دعوا کند و قبای تو را بگیرد، عبای خود را نیز بدو واگذار و هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او برو» (انجیل متی باب ۵ جمله ۳۸)؛ اما پس از عمومیت یافتن مسیحیت و رسمی شدن آن توسط امپراتوری روم، اندیشمندان مسیحی از جمله «سنت آگوستین»<sup>۳</sup> (۴۳۰-۳۴۵ م) مجبور شدند در عقیده اولیه مسیحیت بازنگری کنند؛ زیرا اکنون دیگر، آموزه‌های اولیه مسیح با خواست امپراتوری‌های به ظاهر مسیحی، تناقض داشت. آگوستین برای برپایی صلح و ایجاد عدالت در جامعه شروع جنگ عادلانه را ضروری دانست. این روند در اندیشمندان قرون وسطی مسیحی تا توماس آکویناس<sup>۴</sup> (۱۲۲۵-۱۲۷۴ م) وجود داشت. آگوستین معتقد بود که در دنیا، عدالت وجود ندارد و قوانین بشری خارج از حیطه عدالت است. منظور از عدالت، تسلیم شدن انسانها به نظم است و به همین دلیل، عدالت بشر، نسبی خواهد بود. او جنگهایی را مشروع می‌داند که یا جنبه تدافعی دارند یا اگر تعرضی هستند برای جبران خسارت مادی یا معنوی باشند. سنت آگوستین برای تیرئه مسیحیت از تهمت علل انحطاط روم می‌گوید: دین مسیح با دلاوری و جنگجویی به شرط اینکه بر ضد ستم باشد مخالف نیست و آن را واجب می‌داند (عنایت، ۱۳۷۷: ۱۳۵). بنابراین پس از رسمیت یافتن دین مسیح در امپراتوری روم، آموزه‌های مسیح (علیه‌السلام) به فراموشی سپرده شد و با نفوذ کلیسا بر دربارهای پادشاهان جنگهای ویرانگر آنها در پوشش عدالتخواهی و طرفداری از دین مسیح، توجیه شد. آکویناس نیز جنگ را به گونه‌ای توجیه می‌کند. او برخلاف عقیده مسیحیت، مبادرت به جنگ را همیشه گناه نمی‌داند و سعی می‌کند شرایطی برای آن مطرح سازد؛ مانند معقول بودن و مبارزه به افساد و عادلانه‌تر بودن و رهبری عادل داشتن را به عنوان شرط جنگ مطرح می‌کند (فاستر، ۱۳۷۶: ج ۱: ۴۲۲-۴۵۹). جنگهای صلیبی نیز با همین عقیده به راه افتاد. از دیدگاه رهبران کلیسای مسیحی در قرون وسطی جنگهای صلیبی، جنگهای مشروع بود که بر مبنای اینکه فتودالهای اروپایی به رهبری کلیسای مسیحی به منظور باز پس گرفتن بیت المقدس از مسلمانان آغاز کردند (ضیائی‌بیگدلی، ۱۳۶۳: ۴۱)؛ اما اگر در دوران حاکمیت کلیسا جنگهای اروپایی سرپوش

1. Saint Augustine
2. Thomas Aquinas

مذهبی داشت در نظریات جدید غرب، جنگ، مبارزه‌ای مسلحانه است بین کشورها که به قصد قبولاندن نظری سیاسی یا به منظور اعمال هدفهای خود و با به کار بردن وسایلی انجام می‌شود که در اختیار دارند. این نظریه بر نظریه جنگ ملی و ناشی از حاکمیت ملی مبتنی است به این معنی که اگر در گذشته نیم‌نگاهی به اخلاق در جنگها وجود داشت در دموکراسیهای سکولار آن نیز وجود ندارد.

### ۳. یهودیت و جنگ

یهودیت نیز نظریاتی در مورد جنگ دارد. یهود امروزی در قالب نهضت جهانی صهیونیزم برخلاف آموزه‌های حضرت موسی (ع) عمل می‌کند. فرمانهای حضرت موسی (ع) که نشئت گرفته از ده فرمان خداوند بود، انسانها را به نیک سرشتی و آزاداندیشی توصیه می‌کند و از دزدی و شهادت دروغ، طمع و قتل و آدمکشی بر حذر می‌دارد؛ اما در تورات امروزی چنین می‌خوانیم: هنگامی که به شهری نزدیک می‌شوید تا با آن بجنگید، نخست به مردم آنجا فرصت دهید خود را تسلیم کنند. اگر آنها دروازه‌های شهر را به روی شما باز کردند، وارد شهر بشوید و مردم آنجا را اسیر کرده، به خدمت خود بگیرید؛ ولی اگر تسلیم نشدند، شهر را محاصره کنید. هنگامی که خداوند، خدایتان آن شهر را به شما داد، همه مردان آنها از بین ببرید؛ ولی زنها و بچه‌ها، گاوها و گوسفندها و هرچه را که در شهر باشد، می‌توانید برای خود نگهدارید. تمام غنائمی را که از دشمن به دست می‌آورید، مال شماست و خداوند آنها را به شما داده است. این دستورها فقط شامل شهرهای دوردست است و نه شهرهایی که در خود سرزمین موعود هستند. در شهرهای داخل مرزهای سرزمین موعود، هیچ‌کس را نباید زنده بگذارید؛ هر موجود زنده‌ای را از بین ببرید؛ این حکم است که خداوند، خدایتان داده است (تورات، سفر تثیبه). از این رو امروزه یهودیان با در دست داشتن بیشتر مناطق و مراکز اقتصادی جهان و بنگاه‌های خبری، که نتیجه آنها وجود رژیم صهیونیستی است. از هیچ جنایتی علیه بشریت فروگذار نمی‌کنند. آنها بر اساس شریعت خود در طول تاریخ به جنگ و خونریزی فراوان پرداخته، و در این راه به اطفال و زنان رحم نکرده‌اند و خود را ملت برگزیده خدا می‌دانند (کریمی‌نیا ۱۳۸۳: ۸۲).

### ۴. جنگ در مکاتب سکولار

#### نظام لیبرالیسم و جنگ

لیبرالیسم اقتصادی با کاپیتالیسم<sup>۵</sup> پیوند نزدیکی دارد که در زبان فارسی به سرمایه‌داری ترجمه شده است. کاپیتالیسم برگرفته از ریشه لاتینی Capitalum به معنای سرمایه است و کاپیتالیسم به معنای

1. Capitalism

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

سرمایه‌داری به کار می‌رود. سرمایه‌داری نظام اقتصادی پس از انقلاب صنعتی در اروپای غربی است. افرادی مانند جرمی بنتام، هابز (۱۶۷۹ - ۱۵۸۸)، لاک (۱۷۰۶ - ۱۶۳۲)، مندویل (۱۷۳۳ - ۱۶۷۰)، هارتلی (۱۷۰۵ - ۱۷۵۷)، تاکر (۱۷۰۶ - ۱۷۷۴) و پیلی (۱۷۴۳ - ۱۸۰۵) و هم‌چنین آدام اسمیت (۱۷۲۳ - ۱۷۹۰) در صف فایده‌گرایان قرار دارند (میرمعزی، ۱۳۷۸: ۶۸) و در واقع از نظریه‌پردازان مکتب سرمایه‌داری هستند. لیبرالیسم دارای مبانی فکری مخصوص به خود است که در عرصه اقتصادی بر مالکیت خصوصی استوار است. در واقع، کاپیتالیسم در اومانیسم و انسانگرایی ریشه دارد و بر پایه انسانمداری و خردگرایی غربی، علاوه بر اصالت دادن به فعالیت آزاد اقتصادی در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی نیز بر اصالت انسان باور دارد. این سامانه، که به اقتصاد بازار آزاد نیز معروف است از طریق رقابت اقتصادی برای کسب سود بیشتر فعالیت می‌کند (اندر وینسنت، ۱۳۷۸: ۱۲۲-۱۱۹). سرمایه‌داری با لیبرالیسم و فردگرایی رابطه تنگاتنگی دارد. بر اساس باور لیبرالیسم - که آن نیز وجهی از اومانیسم است - رسیدن به حداکثر سود برای فرد مهمترین هدف است. بر همین مبنای فکری، اروپاییان پس از انقلاب صنعتی به تصرف سرزمین‌های جدید اقدام کردند و مستعمرات را به‌وجود آوردند. از این‌رو، یکی از محورهای اقتصاد سرمایه‌داری ایجاد مستعمرات قدیم و جدید است که منبع مواد اولیه، بازار مصرف و کارگران ارزان به شمار می‌رود (تفضلی، ۲۷۳۱: ۲۵ و ۲۶). بدیهی است که بر اساس همین مبنای فکری، رقابت بی‌حد و حصر آغاز می‌شود که با توجه به اصل محدودیت منابع آن که قویتر است، منابع بیشتری کسب می‌کند؛ بنابراین جنگ برای دسترسی به منابع بیشتر، بدیهی است؛ پس سرمایه‌داری صرفاً بر اساس منافع خود، کشور را به حیطة حاکمیت فائده اقتصادی در می‌آورد و بر آن حکم می‌راند. تشدید رقابت در محیط جهانی وجهه همت کاپیتالیسم است. چون هدف غایی نظام سرمایه‌داری با تمام ابعادش، اقتصادی است، طبیعی است که در منظومه زیر نظامهای نظام سرمایه‌داری (نظام سیاسی، حقوقی، فرهنگی، اقتصادی و ...)، نظام اقتصادی در رأس قرار گیرد و دیگر زیر نظامها در قاعده هرم واقع شوند و در خدمت نظام اقتصادی باشند. حاکمیت و سیطره نظام اقتصادی بر دیگر نظامها به این معنی است که دیگر نظامهای سیاسی، حقوقی و فرهنگی باید به گونه‌ای سامان یابند که زمینه‌ساز کارکرد بهینه نظام اقتصادی در راستای هدف غایی آن باشند (میرمعزی، ۱۳۷۸: ۷۳). جرمی بنتام، که نظریات اخلاقی او مبنای اخلاقی مکتب لیبرال - سرمایه‌داری را شکل داده، مشابه اسمیت معتقد است که ما فقط یک وظیفه داریم و آن جستجوی بالاترین لذت ممکن است و مسئله رفتار انسان، فقط مسئله تعیین این است که چه چیزهایی بیشترین لذت را به انسان می‌بخشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

این روند تحریف و تبلیغ مغرضانه و همراه با آن، تطمیع شرکت کنندگان در جنگهای مستعمراتی برای غارت مستعمرات در دوره‌ای که ادامه یافت (و ادامه دارد) با پیدایش شیوه تولید سرمایه‌داری و با توسعه امپریالیسم سرمایه‌داری آغاز شد با این تفاوت که در این دوره فرضیه‌های نژادی جای استدلالات دینی، دانشگاه‌ها جای کلیساها و بخشی از نویسندگان در دوره روشنفکری جای رهبران دینی و مذهبی و سرمایه‌داران جای فئودالها را گرفتند. منطق و تاریخ برای فریب ساکنان جوامع اروپایی نشان می‌دهد که استعمار سرمایه‌داری آگاهانه طبقات و اقشار ارتجاعی و استثمارگر در جوامع مستعمراتی را نه تنها از نظر اقتصادی بلکه فرهنگی به خدمت گرفته است. این دو در برابر زحمتکشان تهیدست مستعمرات، جبهه واحدی را می‌سازند (رواسانی، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

تا زمان ماکیاولی<sup>۶</sup> نیم‌نگاهی حداقل توجیه‌گر به مفاهیم اخلاقی وجود داشت؛ اما او با مشاهده شکست‌های ایتالیا در صدد چاره‌جویی برآمد و سرانجام به این نتیجه رسید که یک اشکال اساسی در مورد هدایت جنگ در دستگاه رهبری کشورش وجود دارد. او این اشکال اساسی را رعایت اخلاقیات در سیاست دانست. ماکیاولی معتقد است که جنگ از طبیعت انسان برخاسته و جزئی از زندگی اوست و جنگ این قدر طبیعی و ضروری است که همانند زندگی است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۴). از نظر ماکیاولی هر جنگ لازم، جنگ مشروعی است. مصلحت شه‌ریار و مصلحت کشورش یکی است (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۴) و تنها وظیفه شاه، رعایت منافع ملت و سلطه سلطنتی است و جنگی که برای این هدف صورت می‌گیرد مشروع است. ماکیاولی معتقد است در راه رسیدن به مقصود، دروغ‌گویی، خیانت، آدم‌کشی، ویرانی شهرها، اسارت مردان و زنان، همه مشروع است. او می‌گوید ستمی که در حق کسی روا می‌داریم، باید چنان بزرگ باشد که از انتقام او نهراسیم (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۶۸) و نتیجه عقاید او این است که هر کس قدرت بیشتری داشته باشد، می‌تواند دیگران را تحت سلطه بگیرد.

هگل<sup>۷</sup> فیلسوف آلمانی نیز از ستایشگران جنگ است. او جامعه را به دو نیروی مدنی و سیاسی تقسیم می‌کند و تعارض بین این دو را موجب جنگ می‌داند. هگل، هیچ نیرویی فراملیتی را که بر دولتهای ملی برتری داشته باشد بر نمی‌تابد. در این صورت آخرین چاره حل اختلاف به کارگیری زور است. سخن او این است که جنگ، چیزی نیست که کاملاً بد باشد یا لازم باشد خواهان امحای آن باشیم (طاهری، ۱۳۷۵: ۲۸۱). توماس هابز<sup>۸</sup> فیلسوف انگلیسی نیز جنگ را اساس رابطه انسانها می‌داند و

1. Machiavelli  
2. Heguel  
3. Thomas Habbds

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

انگیزه جنگ را عشق و ترس عنوان می‌کند که به قرارداد اجتماعی و تشکیل دولت منجر می‌شود؛ اما عشق به زندگی و ترس از حمله دشمن از سطح فردی به سطح ملی منتقل می‌شود؛ این بار دولتها حریف همدیگرند و کشمکش فردی به کشمکش دولتها تبدیل می‌شود و در این صحنه برای دستیابی به هدف هیچ چیز غیرمشروع نیست (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۶۱). اندیشه افرادی که در سطور قبل اشاره شد، مبنای شکل‌گیری نظام مسلط غربی در حال حاضر است. نظام لیبرال دموکراسی که برخی از اندیشمندان غربی آن را توسعه یافته‌ترین نظامی می‌دانند که بشر توانسته است به دست بیاورد (ر.ک. به. فوکویاما ۱۳۹۳) بر مبنای نظریات فلاسفه سده‌های اخیر بنا شده است. نکته مشترکی که بین همه اندیشه‌های غربی، چه مارکسیستی و یا غیرمارکسیستی وجود دارد، این است که همه آنها جنگ را برای مطامع انسانی، سود بیشتر، قدرت و شهرت طلبی می‌دانند؛ اما هر یک با راه و روش خاص خود. اندیشمندان مارکسیست بر نزع طبقاتی تأکید، و همه چیز را در اقتصاد خلاصه می‌کنند و رسیدن به صلح دائمی را در براندازی نابرابریهای اقتصادی می‌دانند. اصولاً نظام سرمایه‌داری در ذات خود بر جنگ استوار است. اندیشه ماکیاوولی هم اکنون نیز سرمشق همه قدرتهای جهانی است و نمونه‌های عملی آن در جای‌جای جهان دیده می‌شود. این مسئله نقطه اشتراک مکاتب غیرالهی و نقطه افتراق آنها با تفکر اسلام درباره جنگ است. به‌طور خلاصه جنگ در نظام لیبرالی در خدمت خواهشهای نفسانی است. جنگ برای سود بیشتر از بعد مادی و برای تسلط بیشتر از بعد سیاسی است و نتیجه آن، این است که انسان منهای خدا در روی زمین برای ارضای خواسته‌های خود جنگ راه می‌اندازد. عمده جنگهای بشر در طول تاریخ هدفی جز این نداشته است.

### مارکسیسم و جنگ

مارکسیسم یکی از مکاتب غربی است. نمی‌توان در مورد جنگ سخن گفت اما به مارکسیسم اشاره نکرد. مارکسیسم مدعی جهان‌بینی مستقل است. نظر سردمداران این مکتب از خود کارل مارکس<sup>۱</sup> گرفته تا لنین<sup>۲</sup> و دیگر اندیشمندانی چون تروتسکی<sup>۳</sup> با دیگر متفکران غربی، متفاوت است. آنها همه نظریات پیش از خود را در زمینه‌های مختلف از جمله جنگ رد می‌کنند. بینش مارکسیسم، نظریه‌های رایج در سطح بین‌المللی از جمله نظریه دولت ملی را رد می‌کند. این مکتب تقسیم‌بندی دیگری مطرح

1. Karl marx
2. Lenin
3. Teroteski



می‌کند که نه بر اساس دولتهای مستقل ملی بلکه بر اساس طبقات اجتماعی است. جهان در این دیدگاه به دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار تقسیم می‌شود که رودرروی هم و در مبارزه‌ای دائمی به سر می‌برند. بنابراین طبیعی است که مارکسیسم برای توجیه جنگ نظریات مخصوص به خود را دارد و با ارائه تحلیل اقتصادی دلیل همه جنگها را تعارضات طبقاتی بویژه وجود طبقه زیاده طلب سرمایه‌داری می‌داند و بر این باور است که تا زمانی که طبقات، منسوخ نشوند و سوسیالیسم، ایجاد نشود، جنگ متوقف نخواهد شد (ازغندی و روشندل، ۱۳۷۸: ۶۱). البته مارکسیسم توضیح نمی‌دهد که چرا همه جنگها در همه زمانها و مکانها فقط یک دلیل دارد و آن نیز تعارض طبقاتی است. لنین، ادامه‌دهنده راه مارکس البته آن‌گونه که خود تفسیر می‌کرد - معتقد است، بدون برانداختن قدرت سرمایه‌داری و بدون انتقال دولتها به طبقه محروم «پرولتاریا» نمی‌توان به صلح دائمی دست یافت.

نکته مشترکی که بین همه اندیشه‌های غربی، چه مارکسیستی و یا غیرمارکسیستی، وجود دارد این است که همه آنها جنگ را برای مطامع انسانی، سود بیشتر قدرت و شهرت‌طلبی می‌خواهند؛ اما هر یک با راه و روش خاص خود. اندیشمندان مارکسیست بر نزاع طبقاتی تأکید، و همه چیز را در اقتصاد خلاصه می‌کنند و رسیدن به صلح دائمی را در براندازی نابرابریهای اقتصادی می‌دانند. دیگر فلاسفه غرب، اکثراً ذات انسان را شریر و جنگ‌طلب می‌دانسته‌اند که برای تداوم حیات خود در نزاع دائمی به سر می‌برد و برای رسیدن به خواسته خود، حق دارد هر راهی را برگزیند. اندیشه ماکیاوولی هم اکنون نیز سرمشق همه قدرتهای جهانی است و نمونه‌های عملی آن در جای جای جهان دیده می‌شود. این مسئله نقطه اشتراک مکاتب غیرالهی و نقطه افتراق آنها با تفکر اسلام درباره جنگ است.

## رابطه جنگ و سیاست

نمی‌توان از نظر مکاتب درباره جنگ سخن گفت اما به رابطه سیاست و جنگ بی‌توجه بود؛ زیرا سیاست موتور محرک جنگ است. سیاست را برنامه عمل، تدبیر، اداره کردن و حکمراندن تعریف می‌کنند؛ بنابراین اگر سیاست برنامه عمل است، پس با جنگ ارتباط مستقیمی دارد؛ زیرا سیاست ادامه جنگ و جنگ نیز ادامه سیاست است (باقری کیبورق، ۱۳۷۷: ۲۰). سیاست<sup>۱۲</sup> در زبان انگلیسی به معنی برنامه عمل گروه‌ها و احزاب است که با دولت همکاری می‌کنند یا دارای تعارضند. poiltics به معنی صحنه‌ای است که گروه‌ها و احزاب در آن وارد می‌شوند. دهخدا آن را مصلحت اندیشی دانسته است

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

(دهخدا، ۱۳۷۷: ۵). امام خمینی در این باره می‌فرماید: سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه برود؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد (امام خمینی، ۱۳۷۴۸، ج ۱۳: ۴۳۲). مورس دو ورژه<sup>۱۳</sup> هسته اصلی قلمرو سیاست را قدرت می‌داند که نوعی همگونی ایجاد می‌کند و باعث وحدت می‌شود (دو ورژه، ۱۳۶۹: ۱۷ و ۱۸). بنابراین آنچه از این تعاریف و تعاریف دیگر به ذهن متبادر می‌شود، این است که سیاست به‌طور کلی روش اداره کشور است و به‌عنوان قوه عاقله تصمیم‌گیری در هر کشور همه موارد و شاخه‌های مختلف سامانه حاکمیت را زیر نظر دارد و هدایت می‌کند؛ به این ترتیب، برنامه عملی مکاتب فکری، چه اسلام و چه مکاتب غیرالهی همان سیاست است و جنگ نیز با سیاست رابطه تنگاتنگی دارد. عده‌ای معتقدند جنگ ادامه سیاست است؛ به عبارتی، جنگ، سیاستی است همراه با خشونت و سیاست، جنگی است بدون خونریزی (باقری کبورق، ۱۳۷۷: ۲۰). گاهی هدف سیاست و جنگ یکی است. اگر کشوری قصد داشته باشد که قلمرو دولتی دیگر را تصرف کند، جنگ و سیاست آن دولت در یک راستا قرار می‌گیرد. در جنگ، هنگامی که اهداف سیاسی طرفین معلوم شد، عملیات نظامی در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد و حکومت عملیات را رهبری می‌کند (باقری کبورق، ۱۳۷۷: ۸۶). در این حالت، جنگ ابزار سیاست است و به گفته کلاوزویتس<sup>۱۴</sup> در ادامه سیاست قرار می‌گیرد. کلاوزویتس با تأکید می‌گفت که جنگ به علت وضع سیاسی رخ می‌دهد؛ بنابراین جنگ، عمل سیاسی است (مایکل هاوارد، ۱۳۹۳: ۹۱). جنگ می‌خواهد موانع سر راه سیاست را حذف کند و تا زمانی که این موانع وجود دارد، سیاست از جنگ بهره می‌برد و در صورت رفع موانع، دیگر ادامه آن لزومی نخواهد داشت (مایکل هاوارد، ۱۳۹۳: ۹۱) و سیاست یعنی همان جنگ بدون خشونت جایگزین می‌شود. وقتی سیاست را به مفهوم عام آن راه قدرت فائقه کشور می‌دانیم، تنها دولت است که قدرت بسیج نیرو و هماهنگ ساختن منابع اقتصادی و فرهنگی و نظامی را دارد. ایجاد وحدت ملی یکی از شرایط اساسی پیروزی در جنگ است که توسط دولت به‌عنوان مظهر سیاست انجام می‌گیرد. جنگ بر مرگ و زندگی جوامع تأثیر عظیمی دارد. برای اینکه هر جامعه‌ای تمدن و حیات خود را حفظ کند، باید علم جنگ را بشناسد و به کار برود. بدون شناخت جنگ و تهیه قدرت نظامی قوی، نمی‌توان موجودیت دولت را حفظ کرد، بنابراین از این زاویه نیز سیاست و جنگ در ارتباط نزدیکی با هم هستند؛ به تعبیر

1 . Morris Dvvrzh

2 . Clausewitz

دیگر اگر در جنگ و یا از طریق دیگر دولت به معنی عام آن از میان برداشته شود از آن پس سیاست آن دولت نیز وجود نخواهد داشت؛ پس حفظ سیاست با حفظ دولت<sup>۱۵</sup> مترادف است و این عمل ممکن است گاهی با جنگ انجام پذیرد. هنگامی که کشوری مورد تهاجم قرار می‌گیرد، دولت باید همه مردم را برای دفاع آماده کند و بالعکس کشور مهاجم هم باید به مردمش و سربازانش توضیح دهد که چرا باید بجنگند و چرا باید با یک دولت خاص جنگید؛ این مسئله نیز خود امری سیاسی، و از اینجاست که به موازات سیاستهای دیگر حاکمیت، همانند سیاست اقتصادی، سیاست فرهنگی، سیاستی به نام سیاست دفاعی مطرح می‌شود. «سیاست دفاعی» قلمرو سیاستهای دولتی است و این سیاست - سیاست دفاعی - نیز یکی از اجزای تشکیل‌دهنده سیاست کلی دولت است (ر.ک. به. حسینی، ۱۳۷۰). سیاست دفاعی معنی کلی تری از مسائل نظامی دارد و همه خط‌مشی‌های دولت را شامل می‌شود که دربرگیرنده مسائل دفاعی کشور است؛ مانند سیاستهای اقتصادی و فرهنگی که برای رفع تهدیدهای امنیتی است. جنگ در این صحنه‌ها هر یک سلاح خاص خود را می‌طلبد. جنگ اقتصادی، تبلیغات روانی، رقابتهای علمی و فناوری، همانند دوران جنگ سرد هر کدام به تنهایی یا با هم برای رویارویی با دشمن به کار گرفته می‌شود؛ اما گاهی نیز ممکن است منظور از سیاست دفاعی به کارگیری و تقویت و گسترش بخش نظامی کشور باشد. جنگها از چند حالت خارج نیست. در جنگ منطقه‌ای دو کشور درگیر، هر یک سیاستهای خاص خود را نسبت به جنگ خواهند داشت و ممکن است نیروهای فرا منطقه‌ای دارای اهدافی در منطقه باشند و در راستای هدف خود به آغاز جنگ، پایان جنگ و یا ادامه آن تمایل داشته باشند. در این حالتها و هم‌چنین در جنگ احتمالی بین کشورهای قدرتمند، این قاعده کلی رابطه جنگ و سیاست حاکم خواهد بود و در هر یک از این حالات، سیاست دفاعی مطرح است؛ زیرا سیاست دفاعی الزاماً دفاع در برابر مهاجم نیست بلکه گاهی سیاست دفاعی هر کشور مهاجم را ایجاب می‌کند و حمله نظامی ممکن است برای پیشگیری از تهاجم متقابل باشد. با این تعریف، سیاست دفاعی، شامل همه فعالیتهای دولت و برنامه‌های آن برای تأمین امنیت ملی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی نظامی و فرهنگی است. پس سیاست همان‌گونه که با همه اجزای جامعه رابطه نزدیکی دارد با جنگ نیز به‌عنوان پدیده اجتماعی گریزناپذیر، رابطه تنگاتنگی دارد و این به دلیل سرنوشت مشترک هر دو در سطح جامعه و سطح بین‌المللی است که گاهی ابزار

---

۱. در اینجا سیاست به مفهوم دولت به معنی عام آنکه دارای چهار رکن اصلی حکومت جمعیت، سرزمین و حاکمیت است، مترادف گرفته شده است.

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

سیاست و گاهی ابزار ادامه سیاست و هنگامی هدف سیاست قرار می‌گیرد و گاهی رابطه دو جانبه دارد یعنی گاهی سیاست به جای جنگ می‌نشیند؛ بنابراین تفاوت نگاه اسلام و مکاتب دیگر به جنگ در سیاست دفاعی دولت اسلامی نیز و نوع نگاه آن به جنگ و دفاع تأثیر می‌گذارد؛ گرچه در همه اموری که به نوع بشر مربوط می‌شود خواه‌ناخواه اشتراکاتی وجود دارد؛ از این رو بین اسلام و دیگر مکاتب نیز در این زمینه اشتراکاتی وجود دارد؛ مثل داشتن سیاست دفاعی، لزوم تجهیز و آمادگی نیروها برای دفاع، لزوم توجه به دستاوردهای تجربی بشری دربارهٔ چگونگی دفاع و ...؛ اما آنچه تفاوت مهمی را بین این دو جبهه رقم می‌زند وجود اخلاق در جنگ است.

### نتیجه‌گیری

جنگ با انسان به وجود آمده است و تا امروز که انسان در اوج پیشرفت و ترقی نسبت به گذشته خود قرارداد، ادامه یافته است و از این پس نیز وجود خواهد داشت. تنها تفاوت در نوع نگرش به آن و اهداف آن است. از این رو در پاسخ به این پرسش که اصولاً جنگ چیست؟ باید گفت که جنگ، برخوردی خصمانه و همراه با خشونت بین دو یا چند گروه سازمان یافته غیردولتی و یا برخورد بین دو یا چند دولت است که در آن زور به شکلهای گوناگون در وسیعترین حد، مورد استفاده واقع می‌شود. از لحاظ حقوقی، جنگ به‌عنوان ابزار سیاست ملی، مجموعه اقدامات قهرآمیز و مسلحانه‌ای است که در چهارچوب مناسبات کشورها شکل می‌گیرد؛ به دیگر سخن، جنگ هنگامی رخ می‌دهد که دو طرف در مقابل هم تراحم منافع دارند. حال این دو طرف می‌توانند دو نفر یا دو گروه سازمان یافته و یا دو دولت باشند. نزاع بین انسانها در زندگی ابتدایی برای به دست آوردن شکار بهتر، مکان زندگی بهتر و... وجود داشته است و پس از تشکیل اجتماعات مدنی و تشکیل حکومتها و امپراتوریه‌ها، جنگ از لحاظ روشها و ابزارها و شیوه به کارگیری آنها تکامل یافته؛ اما چیزی که ثابت باقی مانده وجود جنگ در همه زمانها است. البته دین مبین اسلام ذات انسانها را پاک می‌داند و معتقد است با پرورش روح ملکوتی انسانها می‌توان از آنها افرادی ساخت که غرایز را کنترل، و از آن در جای خود و به گونه‌ای صحیح استفاده کنند.

به‌طور کلی، تکامل و پیشرفت علوم مختلف و به‌وجود آمدن اندیشمندان بزرگ، نتوانسته است از جنگ جلوگیری کند. با اینکه تلاشهایی نیز در این زمینه صورت گرفته، نتیجه‌ای به دست نیامده است و از آن پس بسیاری در اندیشه محدود کردن جنگ بوده‌اند. مسیحیت اولیه از جمله مکاتبی است که جنگ را بشدت نفی می‌کرد و بر صلح و صفای انسانها و نوعدوستی آنها تأکید می‌کرد؛ اما پس از

گسترش مسیحیت و درباری شدن آن، خود اندیشمندان مسیحی ردّ مطلق جنگ را کنار نهادند و به توجیه جنگ از دیدگاه خود پرداختند. با کوتاه شدن دست کلیسا از قدرت، این توجیحات دینی جنگها نیز کنار نهاده شد و مشروعیت هر جنگی که برای رسیدن به هدف باشد و یا با هر وسیله ممکن به پیش رانده شود به رسمیت شناخته شد.

پرسش اصلی این مقاله این بود که تفاوت هدف اسلام با اهداف مکاتب و ادیان دیگر از جنگ چیست. در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که تفکر اسلامی به‌طور ماهوی با اندیشه مکاتب و ادیان دیگر در این زمینه اختلاف نظر دارد. اسلام جنگ را برخلاف مکاتب دیگر دارای اصالت نمی‌داند و آنجا که جنگ (دفاع) را ضرورتاً توصیه می‌کند نه برای خواستهای انسانی و فردی بلکه برای آزادی و سعادت انسانها است. در چگونگی ورود به جنگ، اسلام، تجاوز و تعدّی را جایز نمی‌داند. جنگ در اسلام حتی برای تحمیل عقیده توحیدی نیست؛ بلکه برداشتن موانع از سر راه مردم برای آزادانه اندیشیدن و گزینش عقاید خود است. در پاسخ به این سؤال که: "هدف مکاتب غربی از جنگ چیست؟" به این نتیجه رسیدیم که در اندیشه‌های غیر معنوی، جنگها برای به دست آوردن منابع بیشتر، سود بیشتر، سرزمین‌های وسیعتر، به دست آوردن سلطه بر دیگران و تأمین خواسته‌ها و امیال انسانی، حکومت افراد و احزاب است و این همان نکته اصلی تفاوت این مکاتب با نظر اسلام در مورد جنگ است. تفاوت اهداف اسلام با دیگر مکاتب در غایت جنگ به تفاوت رفتار هنگام جنگ و چگونه جنگیدن نیز منجر می‌شود؛ بنابراین می‌توان فشرده مقاله را در چند جمله کاربردی به شرح ذیل خلاصه کرد:

۱. جنگ با انسان به وجود آمده و همراه با تکامل جوامع، متحول شده است و همواره وجود خواهد داشت.

۲. سیر تحول از اجتماع ابتدایی، به جوامع متمدن، نتوانسته است مانع جنگ شود؛ بلکه شکل ظاهری و ابزارهای جنگ را تغییر داده که در نتیجه به ابعاد خسارات و ویرانی جنگ افزوده است.

۳. عمده ادیانی که از مبانی اولیه خود و آموزه‌های پیامبران الهی فاصله گرفته‌اند و مکاتب بشری، جنگ را برای هدفها و امیال و غرایزی به کار گرفته‌اند و می‌گیرند که در وجود انسان وجود دارد.

از بین مکاتب، مکتب اسلام نظر خاصی در مورد جنگ دارد و به آن انگیزه الهی می‌بخشد و جنگ را برای احقاق حق و عدالت و از بین بردن نابرابریهای ناشی از زیاده‌خواهیهای قدرت‌طلبان به کار می‌گیرد و تجویز می‌کند.

### پیشنهادها

با توجه به تلاش دستگاه‌های تبلیغی غرب در مسیر اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی و معرفی اسلام به عنوان دینی خشونت‌گرا و جنگ‌طلب از یک سو و عملکرد گروه‌های تکفیری منحرف در نشان دادن چهره‌ای خشن از اسلام، پیشنهاد مقاله این است که صاحب‌نظران و مراکز علمی و پژوهشی داخلی مانند دبیرخانه دائمی استادان مسلمان دانشگاه‌های جهان و ... ضمن برقراری ارتباط علمی با مراکز پژوهشی و دانشگاه‌های معتبر جهان، طرح‌های پژوهشی مشترکی را در این راستا تعریف کنند و به ثمر برسانند تا با نشان دادن علمی چهره واقعی اسلام به آنان، نسبت به تغییر دیدگاه آنان در مورد اسلام و تشخیص اسلام اصیل از نسخه‌های بدلی، قدمی بزرگ در برابر هجمه سنگین و تبلیغی علیه اسلام برداشته شود. امروزه همه دولت‌های بزرگ جهان، دارای اقلیتی بزرگ از مسلمانان هستند که تحت تأثیر این تبلیغات اسلام‌هراسی نگاه منفی به آنان وجود دارد. از سویی دیگر، نفی وجود آنها ممکن نیست؛ بنابراین ارتباط علمی بیشتر، علاوه بر تغییر دیدگاه غیر مسلمانان به اسلام، سبب آرامش فکری و فیزیکی بیشتری برای اقلیتهای مسلمان ساکن این کشورها خواهد بود.

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.
۲. امام خمینی، روح‌الہ (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۱۳ در تارنمای <http://www.imam-khomeini.ir/fa>
۳. ارسطو (۱۳۶۴)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، چ چهارم، تهران: چاپخانه سپهر.
۴. ازغندی، علیرضا؛ روشندل، جلیل (۱۳۷۸)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: سمت.
۵. افلاطون (۱۳۶۷)، دوره آثار افلاطون (قوانین)، ترجمه محمدحسین لطفی، ج چهارم، چ دوم، تهران: خوارزمی.
۶. آقایی، داوود (۱۳۸۹)، سازمانهای بین‌المللی، چ هشتم، تهران: سرای عدالت.
۷. آملی‌جوادی، عبدالله (۱۳۸۱)، انسان و آزادی، رواق اندیشه، قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی، ش ۷.
۸. اندر وینسنت (۱۳۷۸)، ایدئولوژیهای سیاسی مدرن، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.
۹. باقری‌کبوری، علی (۱۳۷۷)، کلیات و مبانی استراتژیک جنگ، تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
۱۰. برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اسلام اصالت جنگ یا صلح؟ مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۳۳.
۱۱. تورات، سفر تثبیه. نسخه الکترونیکی در تارنمای [www.iranjewish.com](http://www.iranjewish.com)
۱۲. جلیلی، سعید (۱۳۷۴)، سیاست خارجی پیامبر (ص)، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. جونز والتر (۱۳۷۳)، منطق روابط بین‌الملل، ترجمه داود حیدری، تهران: وزارت خارجه.
۱۴. جونز و.ت (۱۳۸۵)، خداوندان اندیشه سیاسی، ج دوم، ترجمه علی رامین، تهران: امیرکبیر.
۱۵. حقیقت، صادق؛ باقری، سعید (۱۳۹۲)، نظریه جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت اگوستین. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س چهارم، ش ۲.
۱۶. حسینی جیردهی، حسین (۱۳۷۰)، سیاست دفاعی چارچوبی برای تحلیل، مجله سیاست دفاعی، (۱)۲. در تارنمای <http://journals.ihu.ac.ir/>
۱۷. خدوری، محمد (۱۳۳۵)، جنگ و صلح در اسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی. تهران: اقبال.
۱۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۲)، سیره نبوی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
۱۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، چ دوم، ج ۹، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. دوورژه، موریس (۱۳۶۹)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

## بررسی اجمالی اهداف و ماهیت جنگ در اسلام و دیگر ادیان و مکاتب

۲۱. رواسانی، شاپور (۱۳۷۸)، نظری درباره امپریالیسم و لزوم توسعه نظریه‌های کلاسیک امپریالیسم سرمایه‌داری، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۳۹ و ۱۴۰.
۲۲. روسو، شارل (۱۳۶۹)، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه علی هنجنی، ج اول، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی.
۲۳. سبحانی، جعفر (۱۴۱۹ ق)، العقیده‌الاسلامیه علی ضوء مدرسه اهل‌البیت، قم: مؤسسه الامام الصادق.
۲۴. ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۸)، حقوق جنگ، ج سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۵. ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۳)، حقوق بین‌الملل عمومی، ج دوم، تهران: مؤلف.
۲۶. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: قومس.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۹. عنایت، حمید (۱۳۷۷)، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، چ چهارم، تهران: انتشارات زمستان.
۳۰. فاستر، مایکل (۱۳۷۶)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: امیرکبیر.
۳۱. فرزانه، امیرحسن (۱۳۷۵)، کاپیتالیسم و بی‌قراری جهان، مجله گزارش، ش ۷۰.
۳۲. تفضلی، فریدون (۱۳۷۲)، تاریخ عقاید اقتصادی از افلاطون تا دوره معاصر، تهران: نشر نی.
۳۳. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۳). پایان تاریخ و انسان واپسین. ترجمه عباس عربی و زهره عربی. تهران: انتشارات سخن کده.
۳۴. کریمی‌نیا، محمد مهدی (۱۳۸۳)، ماهیت دینی و اعتقادی صهیونیسم. کتاب نقد. ش ۳۳.
۳۵. مایکل هاوارد (۱۳۹۳)، کلازویتس. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: نشر ماهی.
۳۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مجموعه آثار. ج ۱۹. در تار نمای <http://www.motahari.ir>
۳۷. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۸)، آدام اسمیت و ثروت ملل. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، جهاد. چ هفتم. تهران: صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، سیری در سیره ائمه اطهار. تهران: صدرا.
۴۰. منتسکیو (۱۳۴۳)، روح القوانین، ترجمه علی‌اکبر مهتدی. چ پنجم. تهران: امیرکبیر.
۴۱. می‌یر، پیتر (۱۳۷۴)، جامعه‌شناسی جنگ و ارتش، ترجمه علیرضا ازغندی و محمدصادق مهدوی. چ سوم. تهران: قومس.



۴۲. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸)، نقدی بر اهداف نظام سرمایه‌داری از دیدگاه اسلام، مجله کتاب نقد، ش ۱۱.

۴۳. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۳)، نظریه‌های کلان در روابط بین‌الملل، تهران: قومس.

۴۴. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۳)، جواهرالکلام، فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، بیروت: دارالحیاء التراث العربی. در تارنمای <http://www.ghbook.ir>

45. Geoffre Blainey (1973). **the causes of war** Neyork B: freepress.

## مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه امام خمینی (ره)

علیرضا علیخانزاده<sup>۱</sup>

رضا نجاری<sup>۲</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۰۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۲۴

### چکیده

حکومت اسلامی مفهومی است که از ابتدای ظهور اسلام در میان مسلمانان مطرح بوده، که به مجرد هجرت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از مکه به مدینه، سازواره‌ها و ساختارهای آن به واسطه ایشان و مبتنی بر تعالیم الهی مندرج در پیام وحی تکوین یافت تا به واسطه قدرت سیاسی، روح اسلام در کالبد جامعه دمیده شود. لذا بعد از انقلاب اسلامی نیز یکی از مباحثی که مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران انقلاب اسلامی قرار گرفته است، بحث رهبری امام خمینی (ره)، و الگوی حکومت‌داری ایشان است. بسیاری از پژوهشگران به دلیل وجود مشکلات مبنایی و معرفتی نسبت به مبانی این حرکت و فهم ناقص از آن، با ادعای مبهم بودن و آرمانی بودن طرح حکومت اسلامی که به عنوان غایت انقلاب اسلامی مطرح می‌شود، آن را یک حرکت تقلیدی یا پوپولیستی نامیده‌اند. در فهم هر یک از الگوهای اداره جامعه و حکومت‌داری، تکیه‌گاه‌های اصلی آن نظریه، بیان‌کننده مبانی آن نظریه است. از این رو سعی شده در این مقاله مؤلفه‌های اصلی مدنظر امام خمینی (ره) در باب حکومت‌داری تبیین شود، که این مؤلفه‌ها می‌تواند پژوهشگران را برای رسیدن به الگوی حکومت‌داری از نگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، کمک نماید.

**کلید واژه‌ها:** حکمرانی، اندیشه امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، اصول حاکم بر حکومت، دولت

## مقدمه

از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی "kuberna" به معنی هدایت کردن یا اداره کردن برمی‌گردد و توسط افلاطون در زمینه چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. این اصطلاح یونانی ریشه لغت "gubinare" در لاتین قرون وسطی بود که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانونگذاری یا راندن دلالت می‌کند. این اصطلاح در فرهنگ آکسفورد مترادف با واژه حکومت استفاده شده است. بانک جهانی، حکمرانی را روشی تعریف می‌کند که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود (یعقوبی، ۱۳۸۹). واژه حکمرانی در فرهنگ لغت امریکایی هریتج<sup>۱</sup>، "فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکم راندن دولت" معنا شده و در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی "فعالیت یا روش حکم راندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیتهای زیر دستان و نظامی از قوانین و مقررات" تعریف شده است. کمیسیون حکمرانی جهانی در سال ۱۹۹۴ حکمرانی را به این صورت تعریف می‌کند: مجموعه بسیار وسیعی از روشها که اشخاص و مؤسسات هم در بخش خصوصی و هم در بخش عمومی با آنها به کارهای مشترک خود می‌پردازند (میدری، ۱۳۸۳). مفهوم حکمرانی و عناصر تشکیل دهنده آن را شاید بتوان از مهمترین موضوعات حوزه نظریه‌پردازی حقوقی و اندیشه‌ورزی سیاسی دانست. عمل حکمرانی به‌عنوان پدیداری عام، هر آنجایی هست که مردم بخواهند در کنار یکدیگر زندگی کنند؛ به این ترتیب تکوین مناسباتی از حکمرانی (هر چند به صورت ابتدایی و اولیه) وجه جدانشدنی یا همیشه حاضر حیات جمعی است. صرف نظر از نوع ترکیبات مستقر حکمرانی، اصل وجود آن، محکوم به حکم آهنین ضرورت است (طاهری، ۱۳۸۹، به نقل از لاگین، ۱۳۸۸).

شهید صدر در تعریف حکومت از واژه‌های متعددی، مانند السیاده، السلطه، ولایت، حکم، خلافت و استخلاف استفاده کرده، و در مفهومی عام، تمام حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان را مدنظر قرار داده است و به صورت مطلق و حقیقی از آن خدا می‌داند. به‌طور کلی ایشان حکومت را مجموعه‌ای از سازمانهای اجتماعی می‌داند که به منظور تأمین روابط صحیح اجتماعی و فقط نظم در جامعه و تأمین مصالح عمومی به وجود می‌آید. از نظر وی، آنچه حکومتها را از دیگر گروه‌ها و مجتمعهای انسانی مشخص و متفاوت می‌سازد، حاکمیت است. او اقتدار برتر را معادل حاکمیت گرفته و این مفهوم را هم در مورد خدا و هم در مورد انسان به کار برده است. از نظر شهید صدر، حاکمیت

1. American Heritage dictionary

قبل از هر چیز "حق طبیعی" است که از علاقه ذاتی مالک به مملوک ناشی می‌شود که این همان حاکمیت حقیقی خداوند است و حاکمیت انسان، همان حقی است که افراد انسانی بر مبنای آن می‌توانند سرنوشت جمعی خود را به‌طور مساوی اداره کنند. این حق، ناشی از حق حاکمیت الهی است که تحت عنوان "استخلاف و استثمam" به انسان واگذار شده، و اعتباری نسبی و محدود است. عناصر عمومی نظام مردم‌سالاری شهید صدر عبارت است از: امت، مرجعیت، وطن اسلامی و خلافت انسان؛ اما عناصر اساسی و رکن نظام مردم‌سالاری صدر دو عنصر امت و مرجعیت است (موسوی و دورودی، ۱۳۹۱). وی بر اساس این ارکان، نظام مردم‌سالاری دینی را با دو ویژگی تعریف می‌کند: "اجرای عملی مفهوم سیاست و مصالح و شئون امت و تطبیق احکام سیاسی اسلام بر آن و ویژگی دوم، سیاست و حکومت و شکل آن در اسلام هماهنگی و همخوانی داشته باشد (پورفرد، ۱۳۸۴). امام خمینی (ره) برای اولین بار در سال ۱۳۲۳ ه. ش، در کتاب کشف‌الاسرار سخن از ولایت فقها و تشکیل حکومت اسلامی به میان آورد و مشروعیت حکومت سلطنتی را به چالش کشید. گرچه در این کتاب مشروعیت نهاد سلطنت را به‌طور مطلق و صریح نفی نکرد بر این نکته تصریح کرد که مشروعیت حکومت شاه مشروط به نصب از سوی مجمعی از مجتهدان واجد شرایط است (علیزاده و خاتمی، ۱۳۹۴). شهید صدر بر اساس مبانی خود به ترتیب به سه نظریه مهم در دوره غیبت پرداخته است: یک: نظریه حکومت شورایی که در "الاساس الاسلامیه" و در سالهای قبل از انقلاب اسلامی ایران مطرح کرده است. دو: نظریه ولایت فقیه (صالح و رشید) که در مباحث فقهی "الفتاوی الواضحه" عنوان کرده است. سه: نظریه حکومت ترکیبی (شورای امت به همراه نظارت و گواهی مرجع) که در مجموعه "الاسلام یقود الحیاه" مطرح کرده و نام آن را جمهوری اسلامی گذاشته است (پورفرد، ۱۳۸۴). امام خمینی (ره)، حکومت را از زاویه قانون الهی و اجرای احکام الهی و زمامدار را در چهارچوب قانون و هماهنگی عمل و اندیشه او در این زمینه می‌داند. البته قانونی که امام خمینی از آن حمایت می‌کند، قانون الهی است و در برخی عبارات ایشان واژه ولایت معادل حکومت و اداره کشور در نظر گرفته شده و به پیروی از شیوه حکمرانی پیامبر و امام علی (علیه‌السلام) بیشتر نظر داشته است؛ در بحث از حکومت می‌فرماید: "حکومت یعنی اداره کشور و اجرای شرع مقدس ... ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره بر خلاف تصویری که خیل افراد دارند امتیاز نیست، بلکه وظیفه خطیر است. ولایت فقیه از امور اعتباری عقلایی است و واقعیتی جز جعل ندارد" (امام خمینی، ۱۳۸۱). پس نظریه ولایت در اندیشه امام خمینی و الگوی جمهوری اسلامی از یک سو تبلور حاکمیت الهی و از سوی دیگر، بیان‌کننده حکومت مردمی در این نظریه است (موسوی و دورودی، ۱۳۹۱). در مجموع

تمام این تعاریف در کلمه قانون خلاصه می‌شود: "حکومت دینی یعنی حکومت قانون الهی" (امام خمینی، ۱۳۸۱).

امام خمینی (ره) از جمله مدافعان شعار "سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ماست" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳) است که اسلام را تنها به احوال عبادی و شخصی مربوط نمی‌داند، بلکه به عقیده وی احکام سیاسی اسلام به مراتب بیشتر از احکام عبادی آن است. ایشان رسوخ اندیشه جدایی دین از سیاست در حوزه‌های علمیه و فضای حاکم در اوایل شروع نهضت خود را نه در متن و نص قواعد اسلامی بلکه حاصل خدعه و نیرنگ طرحهای استعماری می‌داند که به وسیله آن سیاست را از عالم دین جدا کردند تا بتوانند اهداف استعماری خود را دنبال کنند. وی در بیانی قاطع و محکم دربارهٔ ارتباط تنگاتنگ میان اسلام و سیاست بیان می‌کند: "والله اسلام تمامش سیاست است. اسلام را بد معرفی کردند. سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد" (قاضی زاده، ۱۳۷۷)؛ از همین رو او صرف وجود مجموعه قوانین را برای اصلاح جامعه کافی نمی‌داند و معتقد است برای اینکه جامعه به وسیله قانون برخاسته از احکام الهی هدایت شود به قوه مجریه نیاز است و تلاشهای پیامبر در جهت تشکیل دولت اسلامی و اجرای قوانین الهی از مبینات ضرورت تشکیل حکومت اسلام است (بوذری نژاد و دیگران، ۱۳۹۴). امام در این زمینه می‌افزایند: "بدون تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره، که همه جریانات و فعالیت‌های افراد (را) از طریق اجرای احکام، تحت نظام عادلانه درآورد، هرج و مرج به وجود می‌آید؛ پس برای اینکه جامعه دچار هرج و مرج و عنان گسیخته و فساد نگردد، چاره‌ای جز تشکیل حکومت توسط فقیه عادل و جامع‌الشرایط وجود ندارد" (بالوی و بیات، ۱۳۹۳). امام خمینی (ره)، هشت دلیل برای تشکیل حکومت اسلامی بیان می‌کنند:

۱. سنت و سیره رسول خدا (صلوات‌اله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم‌السلام)،

۲. لزوم استمرار اجرای احکام و قوانین اسلامی،

۳. ماهیت و کیفیت قوانین و احکام اسلام،

۴. لزوم انقلاب و خروج از حاکمیت طاغوت و شرک،

۵. روایات فراوان امر به معروف و نهی از منکر،

۶. لزوم حفظ اسلام توسط فقیهان در عصر غیبت،

۷. لزوم نفی ظلم و دفاع از مظلوم و محروم،

۸. لزوم وحدت اسلامی (شاگردی زواردهی و مختاری، ۱۳۹۴).

## روش پژوهش

تحلیل محتوا<sup>۱</sup> از روشهای عمده مشاهده اسنادی است که با آن می‌توان متون، اسناد، و مدارک و در واقع هر نوع سندی را ثبت کرد و مطالب ضبط شده‌ای را خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال، مورد ارزیابی و تحلیلی منظمتر، دقیقتر و از همه مهمتر با درجات بالاتری از پایایی قرار داد. تحلیل محتوای کیفی یکی از روشهای پژوهش است که برای تحلیل داده‌های متنی، کاربرد فراوان دارد. تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگران این اجازه را می‌دهد تا اصالت و واقعیت داده را به گونه‌ای ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند (قائدی و گلشنی، ۱۳۹۵). مرور ساختارمند<sup>۲</sup> در واقع مطالعه مشاهده‌ای درباره مطالعات انجام شده است و شامل بخشهای تعیین دقیق مشکل مورد تحقیق، جمع‌آوری و تجزیه داده‌ها و تفسیر نتایج است (ملبوس‌باف و عزیزی، ۱۳۸۹). چنانچه نویسنده یا نویسندگان برای یافتن پاسخ سؤال مورد نظر، صرفاً بر اساس ذهنیت قبلی خود از موضوع مورد بحث به جستجوی مقالات و مطالعات مرتبط پردازند، این جستجو را تا رسیدن به مقالات مورد نظر و انتخاب مطالعات مناسب ادامه دهند؛ سپس با جمع‌بندی نتایج و تلفیق آن با تجربیات خویش، نتیجه‌گیری نهایی را در قالب مقاله ارائه کنند، به آن مرور ساختارمند یا روایتی می‌گویند. در مقابل، مرور ساختارمند یا جامع، اجرای همین مراحل اما بر اساس برنامه‌ای کاملاً دقیق و از قبل تنظیم شده است. در این مقاله سعی شده است محتوای مرتبط با موضوع اصلی مقاله به صورت کیفی مورد تحلیل، و نیز پژوهشهای قبلی در این زمینه، مورد بررسی قرار گیرد. از این رو سعی شده است تمام مکتوبات و تحقیقات در این زمینه جمع‌آوری شود و مورد تحلیل قرار بگیرد.

## مؤلفه‌های حکمرانی

مؤلفه‌های هر الگوی حکمرانی تبیین‌کننده خود و نشان‌دهنده وجه تمایز آن الگو با دیگر الگوهاست. از این رو در ادامه به تشریح مؤلفه‌های حکمرانی از دید بنیانگذار انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

## قانون الهی و قانون‌گرایی

برداشت امام خمینی(ره) از حکومت، گاهی به مثابه تعهد و التزام به قواعد و قانون است که هم فقیه و هم شهروندان موظف به اجرای آن هستند که این نزدیک به مفهوم اجتماع مدنی است و گاهی به

1. Content analysis
2. Systematic Review

معنای تعهد و التزام به قواعد و قانون شریعت است که به مفهوم اجتماع متعهد نزدیک است. حال طبق تعریف اجتماع سیاسی و اجتماع متعهد برای تبیین نظر امام باید تعریف جدیدی پیدا کرد تا بین این دو را جمع بست؛ اما جمع بین این دو مفهوم مشکلات خاصی را در پی خواهد داشت. امام خمینی بین حق شهروندی و حق فقیه به عنوان شخصیت حقوقی جمع می‌بندد و هر دو را تابع قانون می‌داند و تأکید امام بر شریعت و قانون نیز با حق شهروندی مغایرتی ندارد؛ زیرا حق طبیعی را برای اشخاص، طبیعی می‌شمارد و حکومت اسلامی را ضامن بهره‌مندی شهروندان از حقوق طبیعی‌شان می‌شناسد. در واقع ایشان حق طبیعی و فطری را جدای از حق شرعی و الهی نمی‌بیند و معتقد است: "دولت در خدمت حکومت اسلامی در خدمت مردم است و باید خدمتگزار ملت باشد" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۶). حضرت امام همواره بر این مسئله تأکید کردند که اولاً، باید در حکومت قانون حاکم باشد و همه چیز بر اساس قانون اجرا شود؛ یعنی بین حاکم و مردم در اجرای قانون هیچ فرقی نباشد و قانون بدون هیچ کم و کاستی و مصلحت‌اندیشی‌های ظاهری در مورد همه اعمال شود. ثانیاً، این قانون حاکم باید قانون اسلام باشد و حداقل با اسلام منافاتی نداشته باشد. البته چنین قانونی حتی بین مردم و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از لحاظ اجرای حکم الهی هیچ فرقی قائل نیست (ابوطالبی، ۱۳۸۷). ایشان در این باره می‌فرمایند: "حکومت اسلام حکومت قانون است ... حاکم در حقیقت قانون است. همه در امان قانونند. در پناه قانون اسلامند ... هیچ حاکمی حق ندارد بر خلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد. اسلام دین قانون است. پیامبر هم خلاف قانون نمی‌توانست عمل بکند، ... غیر از قانون الهی کسی حکومت ندارد. برای هیچ کس حکومت نیست؛ نه فقیه و نه غیر فقیه. همه تحت قانون عمل می‌کنند و مجری قانون هستند" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۸). ایشان مانند بسیاری از فیلسوفان معتقد بود که یک کتاب قانون برای همه افراد بشر در همه زمانها و مکانها می‌تواند مناسب باشد؛ اگر چه به مقتضیات مکان و زمان نیز توجه خاصی داشت. از نظر امام قانون باید منطبق با شریعت و طبق موازین عدالت باشد و در این صورت است که اگر همه به قانون عمل کنند، اختلاف پیش نمی‌آید. امام خمینی (ره) معتقد است تا زمانی که قانون مقبولیت دارد باید پیروی شود و التزام به قانون با اینکه فرد یا گروهی با آن مخالف باشند از بین نمی‌رود. در اندیشه امام، وظیفه هر شخصی را قانون اساسی مشخص کرده است و باید بر اساس قانون عمل کنند (موسوی و دورودی، ۱۳۹۱). از جمله اعتراضات ایشان به حکومت پادشاهی و غیراسلامی پهلوی، عدم حاکمیت و اجرای صحیح قانون و عدم تطبیق قانون موجود با موازین اسلامی بود (ابوطالبی، ۱۳۸۷)؛ لذا می‌فرمایند: "این مواد قانون اساسی و متمم آن که مربوط به سلطنت و ولایتعهدی و امثال آن است کجا از اسلام است؟ اینها همه ضد اسلام است

... قوانین قضایی و سیاسی اسلام را تمام از اجرا خارج کرده‌اند و به جای آن مطالب اروپایی نشانده‌اند تا اسلام را کوچک کنند" (امام خمینی، ۱۳۸۱).

در اندیشه توحیدی امام خمینی (ره)، "شریعت مقدس" به مثابه مبادی قوانین جامعه است به طوری که از دید وی حتی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) نیز اجازه تخطی و پیروی نکردن از قوانین الهی را در راستای حکومت اسلامی نداشته‌اند. از دیدگاه ایشان تنها ذات باری تعالی است که به تمام امور آگاهی دارد و بر همه حقایق عالم آگاه و قادر بر همه چیز است. بر این اساس هیچ انسانی حق ندارد دیگران را به اسارت خود در بیاورد و بنابر درک و شناخت ناقص خود بر آنها حکمرانی کند. از همین رو هم چنانکه خداوند با شناخت کامل، قوانین هستی و خلقت را مقرر فرموده، تنها راه سعادت و پیشرفت جوامع انسانی نیز در گرو پیروی کردن از دستور خداوند (که به وسیله پیامبران به بشر ابلاغ شده است) است (بوذری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴). امام خمینی (ره) در باب اختلاف "حکومت اسلامی" با دیگر حکومت‌های "استبدادی" و "جمهوری" معتقد است که در حکومت اسلامی بر خلاف حکومت‌های استبدادی، حاکم و رئیس دولت به دلخواه اجازه دخل و تصرف در امور حکومتی را ندارند و تنها موظف به اجرای دستور الهی است هم‌چنین اختلافی که با حکومت‌های تحت لوای جمهوری دارد در این است که در "دموکراسی" کنونی، نمایندگان اکثریت مردم به "قانونگذاری" می‌پردازند و سپس آن قوانین را بر مردم تحمیل می‌کنند. در صورتی که در حکومت اسلامی قدرت قانونگذاری و اختیار تشریح تنها به خداوند متعال سپرده شده است و قوانین حکومت اسلامی تنها از مجرای شریعت مقدس الهی عبور خواهد کرد. در مواردی نیز که اختیارات محدودی به پیامبر اسلام داده شده، همگی از جانب خداوند و در راستای قوانین الهی بوده است. از دید او تنها قوانینی که بر پایه شریعت اسلامی وضع شده برای همه افراد لازم الاجرا و متبع است و تبعیت از رسول اکرم و ائمه معصومین نیز که در آیه ۵۹ سوره نساء آمده است، همگی از جانب خداوند و تابع اراده الهی بوده است (امام خمینی، ۱۳۸۱)؛ به همین سبب ایشان قانونگرایی را راه رسیدن به هدف جامعه، یعنی برقراری عدالت می‌دانند که در صورت تحقق، باعث تربیت انسان کامل و فاضل می‌شود (صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸). ایشان می‌فرمایند: "اسلام به قانون نظر آلی دارد؛ یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند؛ وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه به منظور پرورش انسان مذهب است" (امام خمینی، ۱۳۸۱). حضرت امام، یکی از دلایل عمده ایجاد اختلاف در کشور را قانون‌شکنی می‌داند و معتقد بودند که اگر همه اشخاص، گروه‌ها و نهادهای سراسر کشو به قانون، خاضع شوند، هیچ اختلافی ایجاد نخواهد شد؛ بلکه



اختلافات از راه قانون‌شکنی پیش می‌آید و معتقد بودند که باید در کشور، قانون حکومت کند؛ چون انسان هم برای برقراری قانون آمده است (صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸).

در ارتباط با قانونگرایی در حکومت اسلامی از دیدگاه حضرت امام، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حکومت اسلامی با اجرای قوانین الهی - اسلامی، می‌تواند حکومتی کارآمد باشد. این حکومت، هم خود عامل به قوانین الهی است و هم زمینه اجرای آنها را در جامعه فراهم می‌سازد والا وجود قوانین خوب و مترقی به‌تنهایی فایده ندارد. قانونگذاری به‌تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی‌کند (صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸).

از همین بیان می‌توان دریافت کرد که تفاوت اصلی حکومت اسلامی با دیگر حکومتها این است که قانون حاکم در آن، قانون الهی و نه رأی و میل فرد و یا آرای گروهی از مردم است. از این‌رو است که امام راحل، حکومت اسلامی را به حکومت قانون الهی توصیف می‌کند. در چنین تصویری از حکومت اسلامی، مجالی برای قانونگذاری بشری وجود ندارد و حکومت اسلامی در اصل پدیده‌ای است در جهت اجرای احکام و قوانین الهی و حکومت، فلسفه عملی فقه است (یزدانی‌مقدم، ۱۳۸۷).

اهمیت قانون و قانونمداری در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) را باید در راستای جهان‌بینی و الگوی مطلوب زندگی و اهداف آن، در دیدگاه ایشان مدنظر قرار داد؛ زیرا حضرت امام خمینی (ره) منشأ اصلی صدور قوانین و دستورها را، که لازمه سعادت بشر است، ذات باری تعالی می‌داند که شرع مقدس اسلام آن را به صورت مکتب دینی الهی و سیاسی ساماندهی کرده است. امام ضمن تأکید بر قانون به‌عنوان شالوده اجرای امور و فرایند صدور احکام در حالیکه قانون خود در توازی با شرع اسلام است، معتقد بودند که در حکومت اسلام، اسلام و قانون اسلام، حکومت می‌کند! و افراد برای خودشان و به فکر [سلیقه و نظر شخصی] حکومت نکنند و نیز بیان می‌کردند که در اسلام، حکومت، حکومت قانون است؛ حتی رسول‌الله (ص) و حکومت امیرالمؤمنین (ع) حکومت قانون است (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵).

## آزادی

یکی از اهداف مهم و مبانی حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام، که معمولاً در تمام نظامهای سیاسی و حرکتهای جنبش‌های انقلابی بر آن بسیار تأکید می‌شود، بحث آزادی است. این هدف در شعارهای مردم در زمان نهضت اسلامی در دوران حکومت پهلوی کاملاً مشهود است به‌گونه‌ای که شعار اصلی و همیشگی راهپیماییها، که بیانگر هدف و خواسته اصلی مردم بود، شعار "استقلال،

آزادی، جمهوری اسلامی" بود که بر آزادی به‌عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب تأکید می‌کرد و این آزادی را در چهارچوب اسلام و شرع مقدس می‌خواستند. امام خمینی ره هدف را برقراری جمهوری اسلامی می‌دانستند و برنامه جامعه را تحصیل آزادی و استقلال قلمداد می‌کردند. ایشان تصریح کردند که: "ما اسلام را می‌خواهیم که اسلام، آزادی به ما بدهد نه آزادی منهای اسلام" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱). امام در مورد آزادی معتقد بودند که آزادی معنایش این نیست که بنشینیم بر خلاف اسلام صحبت کنیم؛ آزادی در حدود قانون است. دین کشور اسلام است. آزادی در حدود این است که به اسلام ضرر نخورد. قانون اساسی دین را اسلام می‌داند (ابوطالبی، ۱۳۸۷). زمانی که آزادی حق اولیه انسان است، لزوم تأمین آن آشکار می‌شود. هم‌چنین بنا بر نظر امام وجود آزادی شرط تمدن هر مملکتی است (جمشیدی و صفری، ۱۳۹۴). حضرت امام خمینی با تأکید بر این موضوع، بیان می‌کنند: "اول مرتبه تمدن آزادی ملت است. مملکتی که آزادی ندارد، تمدن ندارد ... مملکت متمدن آن است که آزاد باشد؛ مطبوعاتش آزاد باشد. مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأیشان ..." (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵).

یکی از مشکلات اصلی حکومت نامشروع و شاهنشاهی پهلوی، که امام ره بر آن تأکید می‌کردند، مشکل نبود آزادی بود. ایشان با اشاره به فضای حاکم در آن دوران فرمودند: "زندگانی که در آن آزادی نباشد زندگانی نیست. این چه وضعی است که در ایران است؟ این چه آزادی است که اعطا فرموده‌اند آزادی را؟ مگر آزادی اعطا شدنی است؟! ... آزادی اعطایی این است که می‌بینیم! آزادی اعطایی که آزادی حقیقتاً نیست، این است که می‌بینید!" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳). حضرت امام (ره) هنگامی که در پاریس بودند در مصاحبه‌های مطبوعاتی در پاسخ به سؤالات خبرنگاران درباره آزادی در حکومت مورد نظر ایشان به انواع آزادی مثل آزادی عقیده و ابراز عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی زنان، آزادی اقلیتهای مذهبی و آزادی اصناف و احزاب اشاره، و تأکید می‌کنند در حکومت اسلامی تمام این آزادیها با رعایت قیود خاص خود وجود دارد. ایشان مهمترین قیود آزادی را قانون اسلام و رعایت مصالح عمومی ملت و عدم وابستگی به بیگانگان ذکر می‌کنند (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

امام خمینی(ره) با صراحت اعلام می‌کنند که آزادی بدون اسلام را نمی‌خواهند و آزادی در چهارچوب اسلام، مطلوب ایشان است: "ما آزادی که اسلام در آن نباشد، نمی‌خواهیم. ما استقلالی که اسلام در آن نباشد، نمی‌خواهیم. ما اسلام می‌خواهیم. آزادی که در پناه اسلام است؛ استقلالی که در پناه اسلام است ما می‌خواهیم. آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟ وقتی اسلام نباشد، وقتی پیغمبر اسلام مطرح نباشد، وقتی قرآن اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد، ممالک دیگر هم

آزادی دارند، ما آن را نمی‌خواهیم." (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۶). امام خمینی (ره) در بحث از آزادی، حتی برای گروه‌های مخالف مکاتب غیر اسلامی احترام قائل می‌شوند. ایشان در مورد مکاتب مخالف گفته‌اند: "مارکسیست‌ها در بیان مطلب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم که اسلام در بردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی در همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کردند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و بدان لطمه وارد نیاورده‌ایم. هر کس آزاد است اظهار عقیده کند، ولی برای توطئه کردن آزاد نیست" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳ به نقل از شکوری و صالحی، ۱۳۸۲).

آزادی یکی از شعارهای اساسی انقلاب اسلامی است. حضرت امام نیز در بیانات مختلف از آن دفاع، و به‌عنوان "حق اولیه" یاد می‌کنند. امام مصدر آزادی را ذات باری تعالی می‌دانند و در پاسخ به خبرنگار تایمز می‌گویند: "ریشه و اصل همه عقاید، که مهمترین و با ارزشترین اعتقادات ماست، اصل توحید است. این اصل به ما می‌آموزد از هیچ انسانی نباید اطاعت کرد؛ مگر اینکه اطاعت او، اطاعت [از] خدا باشد. بر این اساس، هیچ انسانی حق ندارد، انسانهای دیگر را مجبور به تسلیم در برابر خود نماید. ما از آن اصل آزادی بشر می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسان یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند؛ برای او قانون وضع کند و رفتار و روابط او را به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است یا آن را بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵). امام در طول مبارزات خود، چه در داخل کشور و چه در دوران تبعید، همواره از آزادی به‌عنوان علت مبارزات ملت ایران یاد کرده است و نیز پیروی از ارزش غربی و جدید، بلکه به‌عنوان عنصر و ارزش فطری و بنیانی انسانی که همواره از دیدگاه الهی و وحیانی به آن نگریسته و تعلق خاطر زیادی به آن نشان داده است. امام همواره چنانکه از شعار مردمی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی بر می‌خیزد، آزادی را در کنار استقلال و با دیدگاه خاص ایشان که برخاسته از وضعیت اعتقادی جامعه اسلامی است، مورد توجه قرار می‌دهند و می‌فرمایند: "اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۶ به نقل از عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵). جوامعی که توانسته‌اند بر حاکمان خود کامه پیروز شوند و حکومت‌های فردی و استبدادی را براندازند، آزادیهای فردی و اجتماعی زیادی داشته‌اند. امام خمینی (ره) با صحنه گذاشتن بر حق آزادیهای افراد، بیان نظرها و دیدگاه‌های انتقادی را در برابر حاکمان جامعه، حق افراد ملت می‌داند (عبدلی، ۱۳۹۲) و در این باب می‌فرمایند: "هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمانان را استیضاح کند و از او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده‌ای بدهد و

در غیر این صورت، اگر به خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵).

### نقش محوری ولی فقیه

امام خمینی (ره) نظریه ولایت فقیه را در آثار و رسائل متعدد خویش، بررسی و تجزیه و تحلیل کرده‌اند و بر این باورند که این الگو، مناسبترین روش در مسیر تبیین الگوی حکمرانی و ماهیت دولت در بلاد اسلامی قلمداد می‌شود. ایشان ضمن تأکید بر وجوب تشکیل حکومت بر فقهای شیعی، اشعار کرده‌اند: "کلیه امور مربوط به حکومت و سیاست، که برای پیامبر و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) مقرر شده در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نیز نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد. همان گونه که پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) عمل می‌کردند، فقها نیز به همان ترتیب عمل می‌کنند و هر زمان که مصالح مسلمانان اقتضا کند در حدود اختیارات خود احکامی صادر می‌کنند که همگان باید از ایشان پیروی کنند. اما اگر ولایتی از جهتی دیگر غیر از زمامداری و حکومت، برای ائمه (علیهم‌السلام) باشد در این صورت فقها از چنین ولایتی بر خوردار نخواهند بود" (امام خمینی، ۱۳۶۹).

امام (ره) ضمن تبیین دلایل عقلی و نقلی ولایت مطلق فقیه در عصر غیبت امام‌زمان (عج) بیان می‌کنند: "اگر فرد لایقی که دارای دو خصلت علم به قانون و عدالت باشد به پاخاسته و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند. این توهم، که اختیارات حکومتی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، بیشتر از حضرت امیر (علیه‌السلام) بود یا اختیارات حکومتی حضرت امیر (علیه‌السلام) بیش از فقیه است، باطل و غلط است. البته فضائل حضرت امیر (علیه‌السلام) از همه بیشتر است؛ لکن زیادی فضائل معنوی، اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات ولایتی که حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و دیگر ائمه (صلوات‌الله‌علیهم) در تدارک و بسیج سپاه، تعیین ولات و استناداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مسائل مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فقیه قرار داده است" (امام خمینی، ۱۳۷۳). ایشان معتقدند حکومت بر مردم در آن اموری که بدان احتیاج دارند (مانند امور سیاسی و قضایی) مخصوص ولی فقیه است و وظیفه فقها منحصر به امر قضا نمی‌شود (بالوی و بیات، ۱۳۹۳). امام مانند بسیاری از فقهای شیعه، اولوالامر را "ولایت مجتهد" یا "ولایت فقیه" می‌داند و برای اثبات آن، دلایل عقلی و نقلی کافی ارائه می‌کند. البته منظور امام از ولایت (حکومت) فقیه، امر اجرایی نیست بلکه از نوع هدایت و نظارت بر حرکت کل نظام است (علیزاده و خاتمی، ۱۳۹۴). امام در کشف‌الاسرار بیان

می‌کند: "... اینکه می‌گویند حکومت باید در دست فقیه باشد نه آن است که فقیه باید شاه و وزیر و سرلشکر و سپاهی و سپور باشد، بلکه فقیه باید نظارت در قوه تقنینیه و در قوه مجریه مملکت اسلامی داشته باشد" (امام خمینی، ۱۳۷۸). باری در مجموع باید اذعان کرد که بر اساس انگاره‌های امام، ولایت مطلق فقیه، همان ولایت پیامبر و ائمه معصومین است و چنین ولایتی، اهم از احکام اولیه و مقدم بر جمیع احکام فرعی همچون نماز، حج و ... خواهد بود. مطابق این نظریه، هر دستوری که ولی مطلق فقیه بر اساس مصلحت نظام صادر کند به‌عنوان یک حکم شرعی، لازم‌الاتباع است و در صورت تراحم بر همه احکام شرع مقدم خواهد بود (بالوی و بیات، ۱۳۹۳).

### جمهوریت

با توجه به مبانی فکری و اندیشه امام خمینی، ایشان نقش مستقلی برای حوزه حقوق اساسی مردم قائل است. از نظر امام خمینی قدرت مردم، عمومی و تعیین‌کننده است و این حق تعیین، مسئله‌ای عقلی است: "باید اختیار دست مردم باشد؛ این یک مسئله عقلی است. هر عاقلی این مطلب را قبول دارد که مقدرات هر کسی باید دست خودش باشد" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۴). هم‌چنین تأکید ایشان بر تشکیل شوراهای نشان‌دهنده قدرت عمومی مردم از طریق تشکیل شوراهای اهمیت آن است. امام در اوج مشروعیت دینی و سیاسی، در صدد القای نظر خود به مردم نبود: "تعیین نظام سیاسی با آرای خود مردم خواهد بود. ما جمهوری اسلامی را به آرای عمومی می‌گذاریم" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵). یکی دیگر از مفاهیمی که امام بر آن اصرار داشت، نظارت مردم و به تعبیری نقش امر به معروف و نهی از منکر در نظام سیاسی است (موسوی و دورودی، ۱۳۹۱). امام خمینی ره در زمینه مفهوم جمهوری اسلامی بیان کرده‌اند که جمهوری به معنای اتکا به آرای اکثریت و اسلامی به مفهوم ابتدای بر قانون اسلام است. ایشان معتقدند که جمهوری اسلامی، صد در صد به آرای ملت متکی است؛ به این معنا که هر فرد ایرانی احساس می‌کند که با رأی خویش سرنوشت خود و کشور را می‌سازد و چون اکثریت قاطع ملت ایران مسلمان هستند، بدیهی است که موازین و قواعد اسلام در همه زمینه‌ها رعایت می‌شود. حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خمینی (ره) تأکید کرده‌اند که حکومت جمهوری اسلامی هم یک جمهوری است مثل دیگر جمهوری‌ها، لکن قانونش قانون اسلام است (بالوی و بیات، ۱۳۹۳).

امروزه مشارکت و همیاری در زمینه‌های گوناگون اجتماعی از ملاکهای توسعه و پیشرفت نظام به شمار می‌آید. هر اندازه مردم در تصمیم‌سازیها و به عهده گرفتن مسئولیتها سهم بیشتری داشته باشند، احساس تعلق بیشتری به حکومت دارند و چون حکومت در پی حل مسائل و مشکلات همین مردم

است، آنها خود به مشکلات خویش بیشتر آگاه هستند و می‌توانند راهکارهای بهتری ارائه کنند. حضرت امام (رحمه‌الله‌علیه) نیز همواره بر مشارکت و همکاری مردم با حکومت تأکید کردند و معتقد بودند که آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همپایی آنها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه است (ابوطالبی، ۱۳۸۷). ایشان متقابلاً از مردم هم می‌خواستند که در سیاست مشارکت کنند؛ قدر زحمات مسئولان را بدانند و با حضور خود در صحنه‌های مختلف، بقای نظام را تضمین کنند (رضوانی، ۱۳۸۱). در این راستا می‌فرمایند: "من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند. دولت نمی‌تواند همه کارها را انجام بدهد؛ شماها باید پشتیبانی کنید" (امام‌خمینی، ۱۳۹۰، ج ۶).

جایگاه ویژه مردم و حضور آنها در تعیین سرنوشت سیاسی خویش در اندیشه امام (ره) از اهمیت زیادی برخوردار، و در موارد متعدد به آن اشاره شده است. ایشان در کنار تأکید بر بعد اسلامیت همواره از مشارکت و رأی مردم دفاع کرده‌اند (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵). ایشان بیان می‌کنند: "حکومت جمهوری مورد نظر ما از روش پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) و امام‌علی (علیه‌السلام) الهام خواهد گرفت و به آرای ملت متکی است" و در ادامه می‌فرمایند: "ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رای داده، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم بر ملتمان چیزی را تحمیل کنیم. اساس این مسئله این است که مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است". «در ایران، ملت حکومت می‌کند، اینجا آرای ملت حکومت می‌کند و این ارگانها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (امام‌خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۱).

امام معتقد است حق تعیین سرنوشت انسان غیرقابل سلب و انکار از انسان است. به گفته امام: "از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل نوع حکومت خود را در دست داشته باشد" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۴). اعتراف ایشان به حق ملت از ویژگیهای او در اندیشه سیاسی شیعه است که بر حقوق مردم تأکید می‌کند. امام‌خمینی درباره حقوق متقابل مردم و دولت می‌گوید: "هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده دهد و در غیر این صورت اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد خود به خود از مقام زمامداری معزول است و ضوابط دیگری وجود دارد که این شکل را حل کند" (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵). از نظر امام نقش مردم و حقوق مردم در نظام سیاسی مورد نظر ایشان تعیین‌کننده است. امام مشروعیت دینی را از مشروعیت سیاسی جدا نمی‌بیند و اگر بحث نصب فقها را مطرح می‌کند در جایی دیگر به نقش اساسی مردم در نظام سیاسی اشاره می‌کند

بدون اینکه دچار تناقض شود. ایشان مشروعیت الهی و مشروعیت مردمی را مکمل همدیگر می‌داند. امام خمینی (ره) نظام سیاسی اسلام را نظام قانونی می‌داند و اینکه شخص در نظام دینی حکومت کند مردود است. برای همین نظام ولایت فقیه را برای از استبداد و مطلق‌بودن می‌داند و قائل به شرایط و قوانین الهی برای حکومت اسلامی است. ایشان در جای دیگر به نقش جدی مردم در مشروعیت حکومت اشاره کرده است. اساساً امام به حکومت بر مبنای جمهوری (که همانا از نقش مردم در نظام حکایت می‌کند) و صفت اسلامی (که هویت نظام را تبیین می‌کند) توجه ویژه‌ای داشت؛ به عبارتی، مشروعیت حکومت اسلامی مبتنی بر اسلام و جمهور است (موسوی و دورودی، ۱۳۹۱).

### تربیت و تأمین سعادت بشر به‌عنوان هدف حکومت

این جزء سیاست (سیاست حیوانی) یک جزء ناقصی است از سیاستی که در اسلام برای انبیا و اولیا ثابت است. آنها می‌خواهند ملت را هدایت کنند؛ راه ببرند در همه مسائلی که برای انسان متصور است؛ برای جامعه متصور است ... سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان است ... آنها را از آن راه می‌برد که صلاح مردم است که همان صراط مستقیم است. امام در مورد هدف حکومت اسلامی می‌فرماید: «هدف حکومت اسلامی تأمین سعادت بشر است. سیاست معنایش اداره کشور است. سیاست؛ یعنی جلوگیری از مفاسدی که هست» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱). «سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت است» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳ به نقل از صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸).

یکی از اموری که حضرت امام رحمت‌الله‌علیه از جمله وظایف و اهداف حکومت اسلامی می‌دانند، تعلیم و تربیت و تزکیه جامعه و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی معنوی افراد جامعه است. ایشان در کتاب ولایت فقیه درباره‌ی این موضوع می‌نویسند: «ما موظفیم آثار شرک را از جامعه مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم و باز به این دلیل، موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی را برای تربیت افراد مؤمن و با فضیلت فراهم سازیم.»

یکی از اعتراضاتی که امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) نسبت به حکومت پهلوی به‌عنوان حکومت نامطلوب دارند، نبود تعلیم و تربیت اسلامی و نبود زمینه رسیدن به تزکیه و صلاح است (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

امام در کتاب ولایت فقیه درباره حکومت در اسلام می‌فرمایند: «از نظر اسلام، حکومت باید به تربیت انسان کامل بپردازد».

بنابراین، کارآمدی حکومت از نظر ایشان، تربیت انسانها برای رسیدن به کمال است و راه دیگری جز این کارآمدی اسلام نیست. «انسان کامل و فاضل، انسانی که قانون متحرک و مجسم است و مجری داوطلب و خودکار قانون است، معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همه شرایط به خدمت تربیت انسان مهذب و با فضیلت درآید» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵ به نقل از صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸). امام (ره) در نگاهی جامع، حکومت اسلامی را مانند حکومت‌های رایج تک‌بعدی نمی‌داند و اذعان می‌کند که حکومت اسلامی هم دنیا و هم آخرت را مورد توجه قرار داده است؛ لذا استقرار حکومت اسلامی بر اساس قرآن و سنت تنها راه تحقق تربیت و هدایت انسانها است (جعفری و صفری، ۱۳۹۴).

ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می‌ورزد تا همه شرایط را به خدمت تربیت انسان مهذب و با فضیلت درآورد. قرآن مجید و سنت شامل همه دستورها و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد» (امام خمینی، ۱۳۷۳).

## عدالت

یکی از عناصر محوری و اهداف مهم حکومت اسلامی از نظر حضرت امام (رحمه‌الله‌علیه) تحقق عدالت و اجرای عدل اسلامی و عدالت اجتماعی در جامعه است. ایشان با اشاره به حکومت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و جمهوری اسلامی به‌عنوان مصادیق حکومت اسلامی می‌فرمایند: «پیغمبر اسلام تشکیل حکومت داد مثل دیگر حکومت‌های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. حکومت اسلامی، جمهوری اسلامی، عدل اسلامی را مستقر کنید. ما که می‌گوییم حکومت اسلامی، می‌گوییم حکومت عدالت، ما می‌گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال مسلمین خیانت نکند؛ دستش را دراز نکند؛ بیت‌المال مسلمین را بر ندارد ما این مطلب را می‌گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری که گفته شود، برای هر کس که گفته بشود از ما می‌پذیرد» (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

برقراری عدالت اجتماعی و برپایی قسط، که والاترین و ارجمندترین هدف رسالت انبیاء الهی است، از مهمترین وظایف نظام حکومتی در اسلام است و در تصمیم‌سازیه‌ها و سیاست‌گذاریه‌ها باید به آن توجه کرد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ما پیامبرانمان را با دلایل روشن فرستادیم و بر آنها



کتاب و ترازو و [معیار سنجش] نازل کردیم تا مردم به عدالت و قسط عمل کنند» (حدید/ ۲۵) (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵). امام خمینی (ره) همواره بر عدالت اجتماعی، که ضامن سعادت و رستگاری مادی و معنوی جوامع و حکومت‌های اسلامی است تأکید دارد. از دید ایشان، برنامه نظام اسلامی باید رفع تبعیض‌ها و امتیازهایی باشد که در جوامع غیرتوحیدی در دیگر ارکان نظام نفوذ و رسوخ کرده است. از دیدگاه وی در حکومت اسلامی، آنچه عدالت جامع و شاملی محقق می‌شود که همه افراد و طبایف و طبقات در برابر قانون خدا "علی السواء" هستند و کسی اجازه تعدی به زیر دست خود را نداشته و همه آحاد جامعه باید با نفی دو گانه "مستضعف - مستکبر" و به صورت "برادروار" در کنار هم بزیند (بوذری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴).

امام خمینی (ره) نیز در راستای همین حرکت قرآنی، هدف نهایی اسلام را برقراری عدالت و تشکیل حکومت در جهت این مقصود معرفی می‌کنند:

«اسلام حکومت است با تمام شئون آن، احکام شرعی قوانین اسلام است و قوانین شأنی از شئون حکومت است. همه احکام برای اجرای حکومت و بسط عدالت مطلوب بالعرض و امور عالی است.» «ما می‌گوییم حکومت اسلامی، حکومت عدالت، یک حاکمی باید باشد که به بیت‌المال خیانت نکند و آن را بردارد. ما این مطلب را می‌گوییم. این مطلبی مطبوع است که در هر جامعه بشری که گفته شود، از ما می‌پذیرند.»

بدین ترتیب با اشاره صریح و روشن امام خمینی (ره) به مقوله حکومت اسلامی و عدالت، و هم عرض و مترادف دانستن با اسلام، مهمترین اصل و شالوده برنامه‌های زندگی فردی و اجتماعی باید بر آن اساس و موازی با آن تنظیم شود (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵).

### استقلال و خود کفایی

از نظر امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) یکی از مهمترین اهداف میانی حکومت اسلامی، رسیدن به استقلال و خود کفایی در ابعاد مختلف است. حضرت امام رحمه‌الله‌علیه مهمترین مشکل حکومت پهلوی را وابستگی به کشورهای بیگانه بویژه امریکا می‌دانستند و برآستی معتقد بودند که بسیاری از اقدامات شاه در ایران، تحت فشار و بر اساس خواست امریکا صورت می‌گیرد. از این‌رو، بسیاری از این اقدامات را به دلیل امریکایی بودن آن مورد انتقاد قرار می‌دادند؛ چرا که می‌دانستند امریکا و دیگر کشورهای بیگانه فقط منافع و مصالح خود را مدنظر قرار می‌دهند و هیچ گاه به منفعت کشورهای تحت سلطه خود مثل ایران فکر نمی‌کنند. ایشان یکی از مهمترین برنامه‌های خود را رسیدن به استقلال

می‌دانستند و بیان می‌کردند که هدف ما برقراری جمهوری اسلامی است و برنامه ما تحصیل آزادی و استقلال است. حضرت امام در نوشته‌ها و سخنرانیهای خود تأکید فراوانی بر دو امر «استقلال» و «خودکفایی» دارند و خودکفایی را مقدمه استقلال می‌دانند. ایشان معتقدند که وابستگی اقتصادی موجب وابستگی سیاسی و نظامی می‌شود؛ از این رو، باید به خودکفایی و استقلال اقتصادی رسید تا در دیگر موارد نیز از وابستگی‌های رهایی پیدا کرد. البته تأکید می‌کنند که در صورت کسب استقلال فکری، هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضربه بزند (ابوطالبی، ۱۳۸۷). در مورد رسیدن به خودکفایی می‌فرمایند: «وصیت من به همه این است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال با همه ابعادش به پیش [روید] و بی‌تردید دست خدا با شما است. از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به‌طور قاطع احتراز نمایید. شما بدانید که با اسلام می‌توانید مستقل باشید و یا اسلام می‌توانید آزاد باشید. قرآن شما را آزاد قرار داده است و قرآن استقلال شما را بیمه کرده است (امام خمینی، ۱۳۶۸).

### نظارت و پاسخگویی

یکی از اصولی که باید بر رفتار حاکمان در حکومت اسلامی حاکم باشد، اصل نظارت و کنترل است. بویژه نظارت و کنترل عمومی که از ناحیه مردم در قالب امر به معروف و نهی از منکر اعمال می‌شود، عامل بسیار قوی و مهمی برای کنترل تمام افراد حاکمیت و حرکت به سوی کارآمدی است. امام اعتقاد داشتند هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر دیگران، زمامدار مسلمین را استیضاح، و از او انتقاد کند و او باید جواب قانع‌کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر به خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است و تصریح می‌کردند که همه ملت موظفند که نظارت کنند؛ حتی خود ایشان را هم نظارت کنند و این را مسئله مهمی می‌دانستند (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

در دیدگاه امام خمینی (ره) به‌عنوان ادامه این سنت، حکم اینکه برخاسته از آموزه‌های الهی است، «پاسخگویی» در کنار دیگر مؤلفه‌های دموکراتیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امام همواره از مردم می‌خواستند حاکمان و مدیران سیاسی جامعه را استیضاح کنند و از ایشان در مورد کارهایشان توضیح بخواهند. امام در ارتباط با اهمیت حضور مردم و مشارکت آنها و لزوم ارائه گزارش عملکرد دولت به مردم تأکید می‌ورزند (عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵) و می‌فرمایند: «چنانچه بارها تذکر داده‌ام، دولت، بدون شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۹).

## رعایت مصلحت عمومی

حضرت امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه) بسیار تأکید کردند در مسائل حکومتی باید منافع عامه مردم لحاظ شود. تأکید ایشان بر این مسئله تا حدی است که معتقدند حکومت می‌تواند از امور عبادی مادامی که جریان آن مخالف مصالح اسلام باشد جلوگیری کند و یا قراردادهایی را که با دیگران دارد در صورتی که مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، می‌تواند به‌طور یکجانبه لغو کند. امام تأکید می‌کردند کسی که بر جامعه بشری حکومت دارد، همیشه باید جهات عمومی و منافع عامه را در نظر بگیرد و از جهات خصوصی و عواطف شخصی چشم‌پوشد؛ لذا اسلام بسیاری از افراد را در مقابل مصالح جامعه فانی کرده است؛ بسیاری از اشخاص را در مقابل مصالح بشر از بین برده است. امام معتقد بودند که حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته است، در مواقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یکجانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است از آن مادامی که چنین است جلوگیری کند و نیز حکومت می‌تواند از حج که از فرایض مهم الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست موقتاً جلوگیری کند. ایشان تصریح می‌کردند که اگر موفق بشویم که احکام اسلام را اجرا بکنیم آن طور که هست برای همه سعادت ایجاد می‌شود. اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات حقوق همه می‌کند (ابوطالبی، ۱۳۸۷).

جایگاه مصلحت در موضوعات است و رأی والی اسلام همانا باید ناظر به مصلحت مردم و اجتماع باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹). متعلق صلاح و مصلحت نیز یا مسلمانانند و یا اهل حوزه حکومتی والی؛ برای نمونه، مردم ایران گذشته از مواردی که به احکام مربوط می‌شود با یک نگاه اجمالی می‌توان همه این عنوانها را به دو عنوان کلی‌تر، که جامع دیگر عناوین است، برگرداند و این دو عنوان کلی‌تر و جامع همانا عدالت و مصلحت است. بنابراین، اهداف حکومت اسلامی، تحقق عدالت و مصلحت مردم است و مقدار تحقق این دو می‌تواند معیاری برای ارزیابی حکومت اسلامی باشد. ولایت مطلق فقیه، بلکه به‌طور کلی، ولایت سیاسی که به معنای حکومت فقیه است به دو امر مقید است: یکی، اختیارات یک حکومت عرفی و عقلایی و دیگری، احراز و تأمین مصلحت عامه. اگرچه با نظری دقیق می‌توان دریافت که هر دو به یک امر برمی‌گردد و در بیان امام راحل نیز دو حقیقت متفاوت نیستند، بلکه دو جنبه از یک حقیقتند؛ زیرا اختیارات حکومت برای احراز مصلحت عامه است و احراز مصلحت عامه با حکومت و اختیارات آن تأمین می‌شود (یزدانی‌مقدم، ۱۳۸۷). ولی فقیه در احکام صادره، مصلحت

اسلام و جامعه اسلامی را قطعا در نظر می‌گیرد؛ لذا در فقه شیعه هر جا سخن از ولایت برای فقیه مطرح است، قید مصلحت نیز با آن همراه است؛ گویی اعمال ولایت فقیه مشروط به رعایت مصلحت است (محموظی، ۱۳۷۸).

همان‌گونه که در بیانات امام راحل در البیع وجود دارد، دو گونه مصلحت را می‌توان از هم تشخیص داد: یکی مصلحت در تشخیص موضوعات و دیگری، مصلحت عامه. مصلحت عامه در خود حکومت تجلی می‌یابد و مصلحت در تشخیص موضوعات از کارکردها و وظایف حکومت است. با توجه به اینکه امام راحل حکومت را دائرمدار مصلحت عامه می‌داند، آیا می‌توان به این نتیجه رسید که چون حکومت امری عرفی و عقلایی است، مصلحت عامه نیز چنین است و در این صورت، آیا این دو مفهوم به روی تحلیلها و تئوریه‌ها گشوده‌اند. امام راحل در پاسخ به این اشکال، که فقیهان عادل از اداره امور سیاسی و حکومتی ناتوانند، می‌گویند این اشکال قابل اعتنا نیست؛ زیرا در هر دولتی، تدبیر و اداره کشور با همکاری عده زیادی از متخصصان و کارشناسان صورت می‌گیرد و پادشاهان و رؤسای جمهور از گذشته دور تاکنون، غالبا آگاه به همه فنون سیاست و ارتش نبوده‌اند و کارها به دست کارشناسان و متخصصان هر فن انجام می‌گرفته است. بر این اساس می‌توان گفت تشخیص مصلحت از سوی کارشناسان صورت خواهد گرفت؛ پس این کارشناسان باید متدین باشند تا جهات دینی نیز رعایت شود (یزدانی مقدم، ۱۳۸۷).

### خدمتگزاری

یکی از اصول مهم در نظام سیاسی مطلوب حضرت امام ره، اعتقاد به خدمتگزاری مسئولان نسبت به مردم است. روشن است که در حکومتی که مسئولان خود را خدمتگزار مردم بدانند، قطعا در جهت منافع و مصالح آنها قدم بر خواهند داشت و این خود ضریب کارآمدی حکومت را بشدت افزایش می‌بخشد. حضرت امام ره در موارد بسیاری بر این اصل تأکید کردند: «ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند.»

در وصیتنامه ایشان نیز نسبت به ضرورت خدمت به ملت بویژه مستضعفان تأکید فراوان دارند و از آنها به‌عنوان نور چشمان و ولی نعمتان مسئولان یاد می‌کنند. ایشان همواره خود را خدمتگزار ملت می‌دانست و تأکید می‌کرد که مردم نیز چنین دیدی نسبت به ایشان داشته باشند و حتی به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می‌کردند که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان

خصوصا مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند ... فروگذار نکنید. ایشان تصریح داشتند که اگر به من بگویند خدمتگزار بهتر از این است که بگویند رهبر؛ رهبری مطرح نیست، خدمتگزاری مطرح است. امام معتقد بودند که اسلام ما را موظف کرده است که خدمت کنیم. دولت در حکومت اسلامی در خدمت ملت است و باید خدمتگزار ملت باشد (ابوطالبی، ۱۳۸۷). امام خمینی (ره) دولت اسلامی را دولت خدمت معرفی می‌کند که کارآمدی آن در خدمت کردن به مردم ظهور پیدا می‌کند. در چنین حکومتی رهبری سیاسی مردم، تنها وسیله‌ای برای خدمتگزاری به مردم است، نه ابزاری برای فخرفروشی و کسب امتیازات مادی. رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ، چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای نخواستہ به غرور و بزرگانندی وادارد (صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸).

از دید امام خمینی (ره)، حکومت اسلامی، حکومت خدمت به مردم است و پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله) خدمتگزار مردم بود و مسئولان نظام اسلامی نیز باید خدمتگزار مردم باشند. در واقع، «خدمت‌بندگان خدا، خدمت به خداست» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۵) و این خدمت از حقوق مردم و جزء عبادتها محسوب می‌شود. شرط عدم جدایی ملت از مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، خدمتگزار بودن آنهاست. بنابراین، مردم باید هم لفظا و هم عملا احساس کنند که مسئولان خدمتگزارشان هستند؛ چرا که خدمت و محبت به مردم، محبت متقابل می‌آورد و خداوند نیز از آنان راضی خواهد بود. نحوه این خدمتگزاری باید به‌عنوان یک وظیفه و بدون منت گذاشتن یا تحقیر کسی و یا بزرگ تصور کردن خود باشد و به مستضعفان توجه بیشتری شود (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۵).

امام در جمع اعضای هیأت دولت در ۲۳ آبان ۱۳۶۰ در این باره می‌فرماید: «انبیا خودشان را خدمتگزار می‌دانستند، نه اینکه یک نبی ای خیال بکند حکومت دارد به مردم. حکومت در کار نبوده. اولیای بزرگ همین احساس را داشتند که اینها آمدند برای اینکه مردم را هدایت کنند؛ ارشاد کنند؛ خدمت کنند به آنها. شما هم احساس قلبیتان این مطلب باشد که واقعا ما آمدیم که به این مردم خدمت کنیم و این خدمت به مردم، خدمت به خودمان است» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۵). ایشان هم‌چنین در جمع نیروهای نظامی و انتظامی در تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۵۹ در این باره و خطاب به آنها و همه کارگزاران مردم فرمودند: «وظیفه همه ما و همه شما و همه کسانی که دست اندر کاران امور مردم هستند؛ از دولت و از همه، این وضع را پیدا بکنند که خودشان را خدمتگزار بدانند» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۳). «دولت فقط وظیفه دارد آرمانها و خواسته‌های ملت را جامه عمل بپوشاند» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱۰ به نقل از صدرا و کرم‌زادی، ۱۳۸۸).

## وحدت

امام خمینی (ره) در باب سیاست خارجی با طرد قومیت‌گرایی، قبیله‌گرایی و ناسیونالیسم تأکید بسیاری بر وحدت بین مسلمین برای مقابله با استعمارگران و حکام مستبد دارد. به زعم ایشان استعمارگران و حاکمان تجزیه‌طلب، که دست‌نشانده کشورهای استکباری هستند به منظور تضعیف قدرت جهان اسلام و جلوگیری از روی کار آمدن افراد صالح، دست به تجزیه و گماشتن افراد ناپاک در کشورهای اسلامی زده‌اند. از دید وی، تنها راه مقابله با مستکبران بر حسب دستور الهی مبنی بر اینکه مسلمانان چنان «ید واحده» هستند، اتحاد و برادری همه مسلمانان و مبارزه آنان با جبهه باطل است (بوذری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴).

امام خمینی (ره) به عنوان سیاستمداری که سیاست و نظام تفکرش بر اساس جهان‌بینی توحیدی و الهی است و حرکتش در راستای حرکت انبیا است؛ چنانکه خود بارها تأکید می‌کردند به دنبال برقراری جامعه‌ای است که بر محور عدل و قسط اداره و تدبیر شود. این عدل و قسط محقق نمی‌شود مگر با شرکت آحاد جامعه اسلامی و تأکید بر ضرورت مشارکت همه اقشار، گروه‌ها و اقلیت‌ها در تصمیم‌گیری‌ها که رفاه و سعادت همه را تأمین می‌کند فارغ از اینکه بر اختلافات و مسائل انگشت گذاشته شود و مصداق آیه شریف «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا». همه باید بر ریسمان محکم الهی (که همانا فارغ از رنگ، نژاد و گروه به معنی واقعی دغدغه آن روح انسانی مردم است) تمسک جویند. امام خمینی (ره) همواره به وحدت و وفاق تمام قشرهای اجتماع علاقه‌مند بودند و همیشه به «وحدت کلمه» سفارش می‌کردند. «برادرها به اسلام روی بیاورند. همه به اسلام توجه کنید. از تفرقه دست بردارید. به وحدت کلمه توجه کنید. این رمز پیروزی شماست» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۹). در حقیقت آرمان الهی امام خمینی (ره) همان طور که فرمودند: «هر اجتماعی مطلوب نیست، واعتصموا بحبل الله مطلوب است. همان است که افراد به اسم ربک (اسم رب همان ریسمانی است که به آن باید اعتصام کنند) به وحدت دعوت کنید» (امام خمینی، ۱۳۹۰، ج ۳ به نقل از عیوضی و مرزبان، ۱۳۹۵).

امام خمینی (ره) در باب حفظ و ضرورت ارتباط حکومت اسلامی با دیگر دولت‌های مسلمان اینگونه می‌نگارد: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما که برنامه اسلام است وحدت کلمه مسلمین است ... برادری با جمیع فرق مسلمین است در تمام نقاط عالم، هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی در سراسر جهان، مقابل صهیونیست، مقابل اسرائیل، مقابل دول استعمارطلب». از همین روی در پیامی به زائران بیت‌الله‌الحرام دست دوستی و برادری به

سوی مسلمانان متعهد اهل سنت دراز می‌کند و از آنان تقاضا دارد که با ایجاد وحدت و اتحاد بین مسلمانان و تشکیل جبهه واحد و متحد یک میلیارد نفری (در آن زمان) و طرد روشنفکران غرب‌زده و شرق‌زده بر فرهنگ اسلامی تکیه، و نقشه‌های شوم مستکبران را خنثی کنند (بوذری‌نژاد و دیگران ۱۳۹۴).

### نتیجه‌گیری

مفهوم حکمرانی و عناصر تشکیل‌دهنده آن را در حوزه نظریه‌پردازی حقوقی و اندیشه‌ورزی سیاسی، شاید بتوان از مهمترین موضوعات دانست. بنابراین برای تشریح و تبیین حکمرانی از دید امام خمینی (ره)، لازم است مؤلفه‌های حکمرانی از دید ایشان بیان شود. تبیین این مؤلفه‌ها نباید به گونه‌ای باشد که تنها اندیشه امام (ره) را در این زمینه تشریح می‌کند، بلکه تمایز اندیشه ایشان با دیگران نیز مشخص گردد. قانونگرایی با تأکید بر محوریت قانون الهی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های حکمرانی به گونه‌ای است که تا بالاترین سطح از حکومت نیز در آن چارچوب قرار می‌گیرد و باید پاسخگو باشند که این قانونها در احکام الهی ریشه دارد. امام (ره)، آزادی را یکی از اهداف مهم و مبانی حکومت اسلامی و نظام سیاسی اسلام برمی‌شمرند و آن را یکی از شعارهای اصلی انقلاب می‌دانند. امام مصدر آزادی را ذات باری تعالی و آن را از حقوق اصلی ملت می‌دانند. البته امام (ره) با صراحت به حدود آزادی در چارچوب اسلام اشاره می‌کنند و اعتقاد دارند که اسلام دین آزادی و استقلال است. اسلام دینی است که همه کس به حقوق خودش می‌رسد و مراعات همه حقوق را می‌کند. امام ره نقش ولی فقیه در جامعه را محوری می‌دانند و معتقدند که حکومت بر مردم در آن اموری که بدان احتیاج دارند؛ مخصوص ولی فقیه است و وظیفه فقها منحصر به امر قضا نمی‌شود و می‌فرمایند: "ایشان که می‌گویند حکومت باید در دست فقیه باشد نه آن است که فقیه باید شاه و وزیر و سرلشگر و سپاهی و سپور باشد، بلکه فقیه باید نظارت در قوه تقنینیه و در قوه مجریه مملکت اسلامی داشته باشد" (امام خمینی، ۱۳۷۸). امام (ره) نقش مستقلی برای حوزه حقوق اساسی مردم قائل هستند؛ لذا جمهوریت از ارکان حکومت است و ایشان معتقدند که جمهوری اسلامی، صد در صد به آرای ملت متکی است به این معنا که هر فرد ایرانی احساس می‌کند که با رأی خویش سر نوشت خود و کشور را می‌سازد. یکی از اموری که حضرت امام (رحمت‌الله‌علیه) از جمله وظایف و اهداف حکومت اسلامی می‌دانند، تعلیم و تربیت و تزکیه جامعه و فراهم کردن زمینه رشد و تعالی معنوی افراد جامعه است و اعتقاد داشتند که هدف حکومت اسلامی تأمین سعادت بشر است. از این‌رو تربیت و

### مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه امام خمینی(ره)

تأمین سعادت بشر به‌عنوان هدف حکومت در اندیشه ایشان مطرح می‌شود. عدالت نیز یکی از عناصر محوری و اهداف مهم حکومت اسلامی از نظر حضرت امام (رحمه‌الله‌علیه) است. ایشان همواره بر عدالت اجتماعی، که ضامن سعادت و رستگاری مادی و معنوی جوامع و حکومت‌های اسلامی است، تأکید دارند. حضرت امام در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود تأکید فراوانی بر دو امر «استقلال» و «خودکفایی» دارند و خودکفایی را مقدمه استقلال می‌دانند. ایشان معتقدند که وابستگی اقتصادی موجب وابستگی سیاسی و نظامی می‌شود؛ از این رو باید به خودکفایی و استقلال اقتصادی رسید تا در دیگر موارد نیز از وابستگی‌های پدیدار شود. امام(ره) یکی از اصولی را که باید بر رفتار حاکمان در حکومت اسلامی حاکم باشد، اصل نظارت و کنترل می‌دانند. بویژه نظارت و کنترل عمومی که از ناحیه مردم در قالب امر به معروف و نهی از منکر اعمال می‌شود، عامل بسیار قوی و مهمی برای کنترل تمام افراد حاکمیت و حرکت به سوی کارآمدی است. بنابراین مسئولان موظف به پاسخگویی در برابر مردم هستند. امام(ره) رأی والی اسلام را ناظر به مصلحت مردم و اجتماع می‌دانند. ولی فقیه لازم است در احکام صادره، مصلحت اسلام و جامعه اسلامی را قطعاً در نظر گیرد. امام خمینی (ره) دولت اسلامی را دولت خدمت معرفی می‌کند که کارآمدی آن در خدمت کردن به مردم ظهور پیدا می‌کند. ایشان وحدت و انسجام داخلی و بین‌المللی جامعه اسلامی را یکی دیگر از مؤلفه‌های حکمرانی قلمداد می‌کنند. بنابراین مؤلفه‌های حکمرانی از نظر امام خمینی(ره)، قانون الهی و قانونگرایی، آزادی، نقش محوری ولی فقیه، جمهوریت، تربیت و تأمین سعادت بشر به‌عنوان هدف حکومت، عدالت، استقلال و خودکفایی، نظارت و پاسخگویی، رعایت مصلحت عمومی، خدمتگزاری و وحدت است.



## منابع

۱. ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۷). اهداف و اصول حاکم بر حکومت اسلامی از دیدگاه حاج آقا نورالله اصفهانی و امام خمینی قدس سره. معرفت. س هفدهم. ش ۱۲۴.
۲. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸). وصیت‌نامه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). کشف‌الاسرار. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹). شئون و اختیارات ولی فقیه. تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). تحریر الوسیله، ۲ جلدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). صحیفه امام، ۲۲ جلدی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۹. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳). حکومت اسلامی یا ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. بالوی، مهدی؛ بیات، مهناز (۱۳۹۳). اندیشه حکمرانی و مبنای مشروعیت سیاسی دولت از منظر آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره). پژوهش‌های فقهی. دوره ۱۰. ش ۳.
۱۱. بوذری‌نژاد، یحیی؛ زرع‌پیما، شاهین؛ طاهری، حسین (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی ویژگی‌های حکومت اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و سیدقطب. نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان. س پنج. ش یک.
۱۲. پورفرد، مسعود (۱۳۸۴). مردم‌سالاری دینی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۳. جاویدی، رقیه؛ بهروزی‌لک، غلام‌رضا (۱۳۹۵). شاخصهای نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای. سیاست متعالیه. ش ۱.
۱۴. جمشیدی، محمدحسین؛ صفری، مریم (۱۳۹۴). رسالت و کارکرد اعتلابخشی حکومت از دیدگاه امام خمینی (ره). رهیافت انقلاب اسلامی. ش ۳۲.

## مؤلفه‌های حکمرانی در اندیشه امام خمینی (ره)

۱۵. رضوانی، محسن (۱۳۸۱). کارآمدی دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). *مجله علوم سیاسی*. س پنجم. ش ۱۹.
۱۶. شاکری زواردهی، روح‌الله؛ مختاری، زینب (۱۳۹۴). تحلیل و بررسی نظریه وجوب تحصیل حکومت در دوران غیبت در اندیشه امام خمینی (ره) *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*. س چهارم. ش ۱۵.
۱۷. شکوری، ابوالفضل؛ صالحی، جواد (۱۳۸۲). جایگاه گفتمان جمهوریت در اندیشه سیاسی امام خمینی و تأویلهای مترتب آن. *علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*. ش ۴۶ و ۴۷.
۱۸. صدرا، علیرضا؛ کرم‌زادی، مسلم (۱۳۸۸). بررسی کارآمدی حکومت از دیدگاه امام خمینی. *قدس سره. حکومت اسلامی*. ش ۵۳.
۱۹. طاهری عطار، غزاله (۱۳۸۹). *الگوی ملت‌سازی در پرتوی حکمرانی خوب*. پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
۲۰. عبدلی، خدابخش (۱۳۹۲). رابطه آزادی و انتقاد سیاسی در حکومت اسلامی با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری. *فرهنگ پژوهش*. ش ۱.
۲۱. علی‌زاده، محمدحسین؛ خاتمی، مسعود (۱۳۹۴). بررسی دیدگاه‌های امام خمینی (ره) در دو کتاب *کشف‌الاسرار و تحریر الوسیله* با تکیه بر نظریه ولایت فقیه و تئوری حکومت اسلامی. *رهیافت تاریخی*. ش ۱۱.
۲۲. عیوضی، محمدرحیم؛ مرزبان، نازنین (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های حکمرانی خوب از دیدگاه امام خمینی (ره). *مطالعات سیاسی جهان اسلام*. ش ۱.
۲۳. قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۷). *اندیشه‌های فقهی - سیاسی امام خمینی*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۲۴. قاندي، محمدرضا؛ گلشنی، علیرضا (۱۳۹۵). روش تحلیل محتوا از کمی تا کیفی‌گرایی. *روشها و الگوهای روانشناختی*. س هفتم. ش ۲۳.
۲۵. محفوظی، محمدصادق (۱۳۷۸). حکومت در اندیشه امام خمینی (ره). *کیهان فرهنگی*. ش ۱.
۲۶. ملبوس‌باف، رامین؛ عزیزی، فریدون (۱۳۸۹). مرور سیستماتیک (Systematic Review). چیست و چگونه نگاشته می‌شود؟. *پژوهش در پزشکی*. دوره ۳۴. ش ۳.
۲۷. موسوی، سیدصدرالدین؛ دوردی، مسعود (۱۳۹۱). نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی و شهیدصدر (مقایسه مبانی نظری و مؤلفه‌های ذهنی و عینی مردم سالاری). *رهیافت انقلاب اسلامی*. ش ۲۰: ۲۱-۳۸.

**فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷**

---

۲۸. میدری، احمد (۱۳۸۳). تغییر در سیاست‌های بانک جهانی و پیدایش نظریه حکمرانی خوب. فصلنامه مفید. ش ۴۲.
۲۹. یزدانی مقدم، احمد رضا (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای حکومت و مصلحت در اندیشه امام خمینی و علامه طباطبایی. مطالعات انقلاب اسلامی. ش ۱.
۳۰. یعقوبی، نورمحمد (۱۳۸۹). مدیریت دولتی سیر اندیشه‌های نوین. تهران: انتشارات سمت.

## الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم (پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری مدظله‌العالی)

حمیدرضا قائدعلی<sup>۱</sup>

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۰۸

### چکیده

پس از ناکامی استکبار جهانی در عرصه جنگ سخت در تقابل با انقلاب اسلامی، دشمن جنگ نرم را برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته، اما طی مدت سه دهه تهاجم نرم علیه انقلاب اسلامی ناکام مانده و رویکرد جهادی در دفع تهدیدات نرم دشمنان کارآمدی خود را اثبات نموده است. هدف تحقیق، استخراج الگوواره‌ای در مقابله با جنگ نرم مبتنی بر مفهوم جهاد است؛ برای این منظور با بررسی و فیشبرداری از ۱۰۸ مورد از سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و به کارگیری روش تجزیه و تحلیل تم، ۴۴ مفهوم پایه شناسایی شد که بر اساس آن ۳۱ مقوله فرعی استخراج گردید؛ سپس در دسته‌بندی کلی‌تری، مقولات فرعی با توجه به اشتراکاتی که داشت، هشت عنوان اصلی "جبهه‌بندی"، "تهدیدات نرم"، "اهداف دشمن"، "راهبرد دشمن"، "رویارویی با تهدید"، "اهداف جهاد"، "راهبرد مبارزه"، "نتایج جهاد (اقتدار ملی)" را ایجاد کردند. با توجه به روابط مقولات اصلی، الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم دشمن ترسیم شد که این الگوواره نشان می‌دهد استفاده از رویکرد جهادی در رویارویی با تهدیدات نرم به اقتدار ملی منجر خواهد شد.

**کلید واژه‌ها:** جنگ نرم، انقلاب اسلامی، مدیریت جهادی، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

## مقدمه

قران کریم هزار و چهارصد سال قبل به جنگ نرم اشاره می‌کند که ناشی از تضاد اسلام و کفر است؛ به‌عنوان نمونه می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره، ۱۲۰): «یهودان و ترسایان از تو خشنود نمی‌شوند تا به آیینشان گردن نهی؛ بگو هدایت، هدایتی است که از جانب خدا باشد. اگر از آن پس که خدا تو را آگاه کرده است از خواسته آنها پیروی کنی، هیچ یاور و مددکاری از جانب او نخواهی داشت».

از همین دیدگاه جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی به دو نوع جهان بینی مادی و الهی باز می‌گردد (بصیری، ۱۳۹۰). زیرا با ظهور انقلاب اسلامی ایران در عصر کنونی، معادلات جدیدی رقم خورد؛ معادلاتی که هر روز ابعاد و پیچیدگیهای خاصی را بروز می‌دهد. طبعاً نیروهای معارض با چنین دیدگاهی با همه شیوه‌های ممکن سعی در نابودی و محو چنین دیدگاهی نسبت به جهان و انسان دارند و در این راه از هیچ برنامه‌ای غافل نخواهند بود (ترابزاده و دیگران، ۱۳۹۰).

در طول چهل سال گذشته غرب به رهبری امریکا عملاً جنگ نرم مدرن را علیه جمهوری اسلامی ایران شروع کرده ولی در دهه اخیر پس از ناکامیها در جنگ سخت علیه ایران به کارگیری این جنگ را به اوج خود رسانده است (بصیری، ۱۳۹۰) و در حوزه‌ها و فضاها گوناگون علمی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شاهد این تقابل بوده و هستیم (ترابزاده و دیگران، ۱۳۹۰).

در این راستا تحقیق با بهره‌گیری از سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل با هدف ارائه الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم است:

– از دید انقلاب اسلامی تهدیدات نرم و ابزار تهدید دشمن چیست؟

– انقلاب اسلامی چگونه و با چه اهدافی با جنگ نرم مقابله کرده است؟

استفاده از سخنان معظم‌له به‌عنوان ولی فقیه و رهبری انقلاب اسلامی ایران امکان استخراج این الگوواره را ممکن می‌سازد. فهم نظام فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نیازمند دستیابی به نظام مفاهیم سخنان ایشان و استنباط از آن است (ترابزاده جهرمی و دیگران، ۱۳۹۰) که در این پژوهش تدوین این نظام مفاهیم با استفاده از یک الگوواره در حوزه جنگ نرم ارائه شده است. از سویی دیگر ارائه الگوواره از نظام مفاهیم، زمینه برقراری ارتباط بهتر پژوهشگران و برنامه‌ریزان کشور را با بیانات ولی فقیه محقق، و با نظامی منسجم این ارتباط را به نتایج مورد انتظار رهنمون می‌سازد.

## جنگ نرم

جنگ به معنی عام نفی صلح است. جنگ دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دارد. جنگ سخت افزارانه یعنی هجوم، اشغال یا ضربه زدن به منابع مادی قدرت ملت (مثل سرزمین، جمعیت، منابع طبیعی، صنایع، فناوری و نیروهای مسلح) و جنگ نرم بعد دیگر جنگ است؛ یعنی هجوم، ضربه زدن و نابود کردن منابع معنوی قدرت ملت (مانند فرهنگ، علم، ایدئولوژی، دین و اعتقادات، روحیه ملی و اعتماد به نفس و ...) (ماه پیشانیان، ۱۳۸۱: ۵۷-۷۴). جوزف نای جنگ را در سه دسته معرفی می‌کند:

– جنگ سخت (اشغال سرزمین و ایجاد حکومت)

– جنگ نیمه‌سخت (ایجاد دولت دست‌نشانده و تصرف بازار اقتصادی)

– جنگ نرم (تسخیر قلوب و اذهان) (نای، ۱۳۸۴: ۲۴)

در واقع هدف جنگ سخت تسخیر سرزمین (استعمار قدیم) و نیمه‌سخت تسخیر بازار (استعمار نو) است در حالی که در جنگ نرم هدف تسخیر اذهان و قلوب (استعمار فرانو) است (بصیری، ۱۳۹۰). جنگ نرم، ابزارهایی است که بدون استفاده از خشونت و سلاح گرم و سرد موجب تأثیرگذاری و تغییرات می‌شود (مبینی و مبینی، ۱۳۹۰). جنگ نرم، مجموعه تدابیر و اقدامات از پیش اندیشیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهاست که بر نظریات، نگرشها، انگیزشها و ارزشهای مخاطبان حکومتها، دولتها، گروه‌ها و مردم کشورهای خارجی تأثیر می‌گذارد و در بلندمدت، موجب تغییر منش، رفتار و کنش فردی و اجتماعی آنان می‌شود (الیاسی، ۱۳۸۷: ۱۲). در تعریفی دیگر می‌توان گفت جنگ نرم مخاصمه شدیدی است که بین کشورها پدیدار می‌شود و رزمایش سیاسی، مشاجره‌های سیاسی، جنگ روانی، مخاصمه‌های ایدئولوژیک، جنگ اقتصادی و رقابت برای کسب قدرت از مختصات آن است (نائینی، ۱۳۸۹: ۵).

گرچه قدمت جنگ نرم، مانند جنگ سخت به تولد تاریخ بشری باز می‌گردد (بصیری، ۱۳۹۰). اما اولین بار این اصطلاح را «جین شارپ» به کار برده است (مبینی و مبینی، ۱۳۹۰). به‌طور کلی جنگ نرم در شش طبقه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و علمی قابل بررسی است (حسینی، جاهد، ۱۳۹۲).

تهدید نرم مؤثرترین، کارآمدترین، کم‌هزینه‌ترین و در عین حال خطرناکترین و پیچیده‌ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی هر کشور است. تهدید نرم در پایان روحیه ملی و مقاومت را نابود می‌کند (نائینی، ۱۳۸۷: ۳۰۲).

تهدید یعنی لطمه زدن یا کاهش ضریب امنیت (مادی یا معنوی) هر کشور. تهدید سخت‌افزارانه امنیت علیه منابع ملموس قدرت (مادی) کشور مانند مردم، سرزمین، منابع و نیروهای مسلح بروز می‌کند در حالی که وقتی بحث از تهدید نرم علیه امنیت کشور می‌شود یعنی تهدید علیه منابع غیرملموس قدرت (معنوی) کشور مانند سامانه سیاسی، فرهنگ، ایدئولوژی، اعتقادات و دین شکل گرفته است. تهدید حالت بین صلح و جنگ است. مرحله قبل جنگ، که بعضاً آن را بحران نیز می‌نامند. تهدید نرم در واقع حرکتی است که اگر عملی شود موجب دگرگونی هویت، فرهنگ و الگوی رفتاری مورد قبول نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم حرکت اولیه است که اگر کامل شود، باعث سلطه کامل بر ابعاد سه گانه (غیرمادی) حکومت، اقتصاد و فرهنگ می‌شود و استحاله و دگرگونی زیرساخت‌های فکری، باورها، الگوی رفتاری در حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در نهایت به بار می‌آورد (بصری، ۱۳۹۰).

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، غرب بویژه امریکا، وجود چنین نظامی با ویژگیهای الهام بخش آن را که بر مبانی اسلام مبتنی بود با دستاوردهای مادی و غیرمادی خود در تناقض آشکار می‌دید که بر اندیشه‌های سکولار مبتنی است، به همین دلیل از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی با شیوه‌ها و ترفندهای گوناگون به دنبال براندازی و یا استحاله این نهال مقدس و نوپا از هیچ کوششی فروگذار نکرد (سلگی، ۱۳۹۱). این جنگ در تضاد و تقابل مبانی و اصول و عقاید دو حوزه فرهنگی — تمدنی اسلام و غرب ریشه دارد. در نگرش متفاوت و بعضاً متعارض در نگاه به انسان، جهان و خدا، که حدود چندین قرن به گونه‌های مختلف دنبال شده، امروزه با ابزارهای مدرن به شکل جنگ نرم درآمده است. علت اصلی سرعت گرفتن این جنگ در بیداری اسلامی و دستاوردهای داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان به‌عنوان الگوی توسعه الهی انسانی غیرمنطبق با الگوهای توسعه شرقی و غربی ماده‌گرا در سه دهه گذشته بوده است (بصری، ۱۳۹۰).

### پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در موضوع جنگ نرم انجام شده است که برای نمونه می‌توان به این موارد اشاره کرد:

— آسیب‌های روانی جنگ نرم و تعیین برخی از منابع مقابله با آن (سواری، ۱۳۹۶)

— تأثیر جنگ نرم بر آسیب‌پذیری و تهدید امنیت اقتصادی ایران (سردارنیا، ۱۳۹۵)

- گونه شناسی جنگ نرم در قرآن کریم (افتخاری، رضانعلی، ۱۳۹۳)
- جنگ نرم و امنیت اجتماعی (قربانزاده سوار و دیگران، ۱۳۹۱)
- تبیین رسالت دانشگاه و دانشگاهیان در مقابله با جنگ نرم (حسینی، جاهد، ۱۳۹۲)
- تاریخ و چگونگی پیدایش جنگ نرم در ایران در مؤلفه‌های سیاسی نهضت مشروطه (مبینی و مبینی، ۱۳۹۰)
- جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روشها، ابزارها و راهکارها) (بصیری، ۱۳۹۰)
- سلطه رسانه‌ای و جنگ نرم (حسینی، علوی وفا، ۱۳۹۱)
- در این میان تحقیقات سلگی (۱۳۹۱) و جلال‌پور و همکارانش (۱۳۹۵) بیشترین ارتباط را با این تحقیق دارد که خلاصه‌ای از نتایج آنها ارائه می‌گردد:
- سلگی در تحقیقی با عنوان کالبدشکافی جنگ نرم بر اساس الگوی کارکردی قدرت نرم با مطالعه اسنادی، میدانی و هم‌چنین تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای و به‌بوته نقد گذاردن یافته‌ها نزد تعدادی از صاحب‌نظران در قالب «الگوی کارکردی قدرت نرم»، فرایند شکل‌گیری جنگ نرم را با نگاهی متفاوت از قبل، ارائه، و مفاهیم جدیدی نظیر «قدرت نرم مشروع و نامشروع» و «بازدارندگی نرم» را به ادبیات نظری جنگ نرم اضافه نموده است.
- جلال‌پور و همکارانش در تحقیقی با عنوان واکاوی سازوکارها و اهداف جنگ نرم، نشان می‌دهند که رسانه‌های نوین دارای ویژگی‌هایی برتر نسبت به دیگر ابزارها در جنگ نرم هستند؛ از این رو از سوی دولت‌های مختلف بستر مناسبی برای تغییر نگرش و فروپاشی از درون گروه‌ها و کشورهای مخالف قرار گرفته‌اند. در این میان رسانه‌های نوین را ابزار جنگ نرم انتخاب کرده‌اند تا به اهداف خود از قبیل مرجع‌سازی، جایگزینی فرهنگ دنیایی به جای فرهنگ‌های ملی، رواج مادی‌گرایی، بازتعریف روابط اجتماعی و خواسته‌های شهروندان، تردیدافکنی در کارایی نظام‌های سیاسی و ... برسند.
- بررسی عناوین این تحقیق‌ها و مطالعه تحقیقات در حوزه جنگ نرم نشان می‌دهد تاکنون تحقیقی کل‌نگر با نگاه انقلاب اسلامی ایران انجام نشده است که به ارائه الگویی در رویارویی با جنگ نرم بینجامد.



## روش پژوهش

روش این تحقیق، تجزیه و تحلیل تم<sup>۱</sup> است که نوعی پژوهش کیفی با دیدگاه تفسیری - تحلیلی است. این تصمیم‌گیری به این دلیل بود که هدف تحقیق شناسایی اندیشه‌های اولیه و عمیق برای ایجاد الگوهایی نظری<sup>۲</sup> بر اساس یافته‌های کیفی بود. در نظر است که بر اساس نتایج این تحقیق بتوان تحقیقات کمی با نمونه‌های آماری بزرگ با رویکرد آزمون نظریه<sup>۳</sup> انجام داد (علوی، قلی‌پور، ۱۳۸۸). تجزیه و تحلیل تم به دنبال مفاهیم در شکل‌های مختلف آنها است؛ لذا هر مشاهده یا مصاحبه یا سند بیشتر به شواهد بیشتری منجر، و غلظت بیشتری کسب خواهد شد. در این روش نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا می‌کند که دیگر مفهومی به مفاهیم قبلی اضافه نشود. یک قاعده کلی هست و آن اینکه نمونه‌گیری را تا موقعی ادامه می‌دهیم که هر مقوله به اشباع نظری برسد؛ یعنی تا موقعی که به نظر نمی‌رسد داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید آید (استراس، کوربین، ۱۳۸۵). جامعه آماری تحقیق، تمامی بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است که در مجموع محقق پس از بررسی ۱۰۸ مورد از بیانات ایشان به اشباع نظری دست یافت.

متن سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار ایشان<sup>۴</sup> دریافت شد که پس از فیش‌برداری اولیه برای هر یک از سخنرانی‌ها تمامی اندیشه‌های مستقل در قالب مفاهیم (مانند "یک جبهه دشمن عنودی در مقابل نظام جمهوری اسلامی در میان قدرتهای دنیا وجود دارد ۱۳۹۲/۰۵/۱۵") و عنوانهای فرعی (مانند "جبهه باطل") شناسایی، و چنین کاری برای هر کدام از سخنرانیها انجام شد؛ سپس بر اساس تمامی عنوان‌های فرعی کل تحقیق، دسته‌بندی کلی تری انجام شد که به شناسایی عنوانهای اصلی (مانند "جبهه‌بندی") منجر شد. در ادامه نتایج این فرایند با استفاده از تحلیل روابط میان مقولات (تم) اصلی در قالب یک الگوواره ارائه شده است. نتایج تحقیق و الگوواره در راستای اعتبار بخشی به تحقیق در اختیار دوازده نفر از خبرگان موضوع قرار گرفت که مورد تأیید واقع شد.

## یافته‌های پژوهش

با توجه به آنچه در بخش روش تحقیق ذکر شد و با بررسی و فیش‌برداری بیانات مقام معظم رهبری، در نهایت ۴۵ مفهوم اساسی شناسایی گردید که هر کدام از مفاهیم با تاریخ بیان آن از سوی

1. Theme analysis
2. Theory building
3. Theory testing
4. Khamenei.ir

## الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم (پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی»)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در جدول‌های ذیل آورده، و این مفاهیم به شناسایی ۲۷ مقوله فرعی (عنوان فرعی) منجر شد. هر کدام از عنوانهای فرعی با توجه به یک یا چند مفهوم استخراج گردید و در دسته‌بندی کلی‌تری، مقولات فرعی با توجه به اشتراکاتی که داشت در کنار یکدیگر قرار گرفت و هفت عنوان اصلی "جبهه‌بندی"، "تهدیدات نرم"، "ابزار تهدید"، "رویاری با تهدید"، "اهداف جهاد"، "راهبرد مبارزه"، "نتایج جهاد (اقتدار ملی)" ایجاد کرد. در ادامه نتیجه فرایند پیش گفته آورده شده است.

عنوان اصلی (۱)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
جبهه‌بندی	جبهه حق	<p>در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرد. در مصاف بین حق و باطل، بین جبهه خدا و جبهه شیطان، عزت متعلق به کسانی است که در جبهه خدایی قرار می‌گیرند (۱۳۹۱/۰۳/۱۴).</p> <p>آنچه در نظام اسلامی باید همیشه مورد توجه باشد، مشخص بودن جبهه‌هاست؛ مخلوط نشدن جبهه حق با جبهه ناحق است (۱۳۷۸/۱۰/۲۰).</p>
	جبهه باطل	<p>ما دنبال آرمان‌های بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم] و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی می‌کنند، اذیت می‌کنند، تهدید می‌کنند (۱۳۹۳/۰۴/۱۶).</p> <p>امروز ملت ما در مقابل خود یک جبهه گسترده‌ای را ملاحظه می‌کند که با همه توان خود درصدد این است که انقلاب اسلامی را از خاصیت و اثر ضد استکباری بیندازد. از اول پیروزی انقلاب، همان جبهه سعی‌اش این بود که نگذارد جمهوری اسلامی که مولود انقلاب است، پا بگیرد؛ همه تلاش خودشان را کردند که جمهوری اسلامی را از بنیان نگذارند رشد کند و البته نتوانستند (۱۳۸۷/۱۱/۲۸).</p> <p>یک جبهه دشمن عنودی در مقابل نظام جمهوری اسلامی در میان قدرتهای دنیا وجود دارد (۱۳۹۲/۰۵/۱۵).</p>

عنوان اصلی (۲)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
انواع تهدیدات نرم	تهدیدات سیاسی	مسئله، مسئله تصرف و دست‌اندازی است. البته کشورهایی هستند که نمی‌توانند مقاومت کنند و بایستند؛ اما ملت ایران ایستاده است. آن طرف مقابل هم تهدید می‌کند، تطمیع می‌کند، چرب‌زبانی می‌کند، تبلیغات می‌کند (۱۳۷۸/۰۸/۱۲).
	تهدیدات اقتصادی	همه شواهد نشان‌دهنده این است که دشمن امروز بر روی چند نقطه تکیه اساسی دارد. از واضح‌ترین‌هایش انسان شروع کند، یکی مسئله اقتصاد است (۱۳۹۰/۰۳/۰۸).
	تهدیدات علمی	یک کشور گاهی به تفکر و ذائقه ترجمه‌ای دچار می‌شود. فکر هم که می‌کند، ترجمه‌ای فکر می‌کند و فراورده‌های فکری دیگران را می‌گیرد. البته نه فراورده‌های دست اول؛ فراورده‌های دست دوم، نسخ شده، دستمالی شده و از میدان خارج شده‌ای را که آنها برای یک کشور و یک ملت لازم می‌دانند و از راه تبلیغات به آن ملت تزریق می‌کنند و به‌عنوان فکر نو با آن ملت در میان می‌گذارند. این برای یک ملت از هر مصیبتی بزرگتر و سخت‌تر است (۱۳۷۹/۱۲/۰۹).
	تهدیدات فرهنگی	غریبها سعی می‌کنند عرف‌های فرهنگی خودشان را بر کشورهای مختلف تحمیل کنند (۱۳۷۹/۱۲/۲۲). مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوب‌های مورد پسند خودش برای ملت‌ها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند (۱۳۷۹/۱۲/۰۹).
اهداف دشمن	وابسته‌سازی	همه اینها هم یک هدف را دنبال می‌کند تا اینکه راهی بگشاید و مجدداً وارد کشور ایران شود و دوباره بساطش را پهن کند و بتواند آن وضع شرم‌آور قبل از انقلاب را برای ملت ایران تکرار نماید؛ اما بدون تردید ملت ایران در مقابل این طمع‌های استکباری با قدرت تمام خواهد ایستاد (۱۳۷۸/۰۸/۱۲).
	اختلال در رفاه ملی	هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان می‌داد که اینها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه مهمی

الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم (پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری «مدظله العالی»)

عنوان اصلی (۲)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
اهداف دشمن		است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند (۱۳۹۲/۰۵/۰۳).
	عقب‌ماندگی	بی‌شک بخش مهمی از گناه عقب‌ماندگی علمی کشور در دوران بیش از پنجاه سال حکومت رژیم فاسد همچون سهم بزرگی از بی‌لیاقتی کارگزاران آن رژیم که در سایه چنین تفکری پرورش یافته بودند بر دوش کسانی است که دانشگاه کشور را آن گونه می‌خواستند و برای آن برنامه‌ریزی می‌کردند (۱۳۷۸/۰۳/۱۲).
	ابتدال و ولنگاری	فرهنگ ما، فرهنگ الهی است؛ این فرهنگ، استقلال ما را تضمین و تأمین می‌کند، آزادی ما را هم تأمین می‌کند. آن کسانی که به نام آزادی، ولنگاری را در جامعه ترویج می‌کنند، آزاد نیستند، اینها اسیر دست بسته فرهنگ غربی‌اند؛ فرهنگ غربی است که دارد اینها را هدایت می‌کند (۱۳۹۶/۱۲/۱۷).
عنوان اصلی (۳)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
راهبرد دشمن	استعمار فرانو	امروز سیاست استکباری، استعمار فرانو است؛ یعنی از استعمار نوینی که در ده‌ها سال قرن گذشته وجود داشت، یک قدم بالاتر. استعمار فرانو یعنی چه؟ یعنی دستگاه استکباری کاری کند که عناصری از ملتی که این مستکبر می‌خواهد آن را قبضه و تصرف کند، بدون اینکه بدانند به او کمک کنند. دشمن، ایمان شما را سد مستحکم خود می‌بیند و دلش می‌خواهد این سد برداشته شود. حالا عناصری از میان خود ما بیایند و بنا کنند این دیوار را تراشیدن یا سوراخ کردن. اینها گرچه خودی هستند، اما دارند برای دشمن کار می‌کنند؛ دشمن هم روی اینها سرمایه‌گذاری می‌کند (۱۳۸۴/۰۲/۱۲).

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

عنوان اصلی (۳)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
راهبرد دشمن	تحریم و محاصره اقتصادی	خیال می‌کنند که به خاطر فشار تحریم و محاصره اقتصادی، ملت دست‌هایش را در مقابل آنها بالا برده و تسلیم شده؛ نه آقا، اشتباه می‌کنید (۱۳۹۲/۱۰/۱۹).
	تقلید فکری و انحصار مرزهای علمی	در زمینه عرضه امکانات علمی، خست‌هایی از سوی کسانی که صاحبان آن هستند - که کشورهای پیشرفته علمی است - وجود دارد، باید در مقابل این خست‌ها از خودمان عزت و جوشندگی و فوران از درون نشان بدهیم. امروز دنیا به‌رغم تظاهر به سخاوت علمی در نهایت خست علمی است (۱۳۸۹/۰۶/۱۴). همین کشورهای پیشرفته غربی [...] انحصارگرند، انحصارطلبند؛ اینها نمی‌خواهند دایره این دانش، دایره این اقتدار توسعه پیدا کند؛ با دانایی ملت‌ها مخالفند (۱۳۸۹/۰۶/۱۴).
	تهاجم فرهنگی	تهاجم فرهنگی یک واقعیته است. [...] صداها، رسانه صوتی، تصویری، اینترنتی، مکتوب در دنیا دارند کار می‌کنند با هدف ایران (۱۳۹۲/۰۹/۱۹). تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند بر روی ذهن ملت ما و بر روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان، حتی کودک - اثرگذاری کنند (۱۳۹۲/۰۹/۱۹).
عنوان اصلی (۴)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
رویارویی با تهدید	جهاد سیاسی	در صحنه سیاسی هم جهاد هست، در صحنه فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه جهادند (۱۳۸۶/۰۵/۲۸). یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود (۱۳۷۵/۰۳/۲۰).

الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم (پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری «مدظله العالی»)

عنوان اصلی (۴)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
رویارویی با تهدید	جهاد اقتصادی	ما جهاد اقتصادی را یک ضرورت برای کشور می‌دانیم، نه صرفاً یک اولویت؛ یک نیاز قطعی است (۱۳۹۰/۰۶/۰۶). جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه‌ای دارد. هر تلاشی را نمی‌شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست (۱۳۹۰/۰۱/۰۸).
	جهاد علمی	یکی از انواع جهاد با نفس هم این است که شما شب تا صبح را روی یک پروژه تحقیقاتی صرف کنید و گذر ساعات را نفهمید (۱۳۸۹/۰۴/۰۲). امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. [...] منظورم معنای عام علم است؛ نه فقط علوم تجربی. ما یک جهاد علمی لازم داریم (۱۳۸۹/۰۶/۰۴). جهاد در میدان نظامی، مواجهه با یک دشمن است؛ مواجهه با یک معارض است. امروز ما در زمینه علم نیاز داریم که این جور تلاشی در کشور بکنیم (۱۳۸۹/۰۶/۰۴).
	جهاد فرهنگی	یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود (۱۳۷۵/۰۳/۲۰).
عنوان اصلی (۵)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
اهداف جهاد	استقلال سیاسی	اصل سوم [در اصول‌گرایی]، حفظ استقلال سیاسی است. این، خیلی مهم است؛ این، جزو مبانی اصولی نظام است (۱۳۸۵/۰۳/۲۹).
	استقلال اقتصادی	اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

عنوان اصلی (۵)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
اهداف جهاد		بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکند، بقیه حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد (۱۳۹۱/۰۲/۱۰).
	استقلال علمی	خوشبختانه چند سالی است که این حرکت در کشور شروع شده؛ نوآوری علمی و حرکت علمی و به سمت استقلال علمی حرکت کردن (۱۳۸۹/۹/۱۰).
	استقلال فرهنگی	این استقلال، استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. ما باید این بندهای اختاپوس فرهنگی تحمیل شده به‌وسیله غرب را از دست و پای خودمان باز کنیم؛ این هم یکی از اصول ماست (۱۳۸۵/۰۳/۲۹).
عنوان اصلی (۶)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
راهبرد مبارزه	استکبار ستیزی	نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است (۱۳۹۳/۰۴/۱۶).
	اقتصاد مقاومتی	جهت‌گیری خصومت‌های نظام اسلامی، با نظام استکبار است؛ ما با استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم (۱۳۹۲/۰۸/۲۹).
		علاج مسئله تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۳/۰۶/۱۴).
		یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرایطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباث دشمن؛ دشمنانی که ما داریم (۱۳۹۱/۰۵/۰۸).

الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم (پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری «مدظله العالی»)

عنوان اصلی (۶)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
راهبرد مبارزه	اقتصاد مقاومتی	اقتصاد مقاومتی فقط جنبه نفی نیست؛ این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصار کشیدن دور خود و فقط انجام یک کارهای تدافعی باشد؛ نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفائی خودشان را داشته باشند (۱۳۹۱/۰۵/۱۶). [اقتصاد مقاومتی] یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تضمین کننده رشد و شکوفایی یک کشور باشد (۱۳۹۱/۰۵/۱۶).
	نهیضت نرم افزاری	بنده وقتی جنبش نرم‌افزاری یا تولید علم را - که معنایش خارج شدن علم از حالت تقلیدی و ترجمه‌ای است - مطرح کردم، مسئله به این صورت زنده نبود (۱۳۸۲/۰۸/۱۵). جنبش نرم‌افزاری، یعنی در زمینه علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید (۱۳۸۳/۱۰/۱۷). مرزهای دانش را بشکنید. اینکه من می‌گویم نهیضت نرم‌افزاری، انتظار من از شما جوانها و اساتید این است. تولید علم کنید. به سراغ مرزهای دانش بروید. فکر کنید. کار کنید. با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد (۱۳۸۳/۰۴/۱۷).
	جبهه فرهنگی	وقتی در جبهه مبارزه فرهنگی بحث می‌کنیم، جبهه مقابل را «فرهنگ غربی» یا «فرهنگ تهاجم» می‌گوییم (۱۳۷۶/۱۰/۱۲). فلسفه وجودی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فهم و تبیین و تثبیت و انفاذ ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی و بازآرایی مداوم جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و پایش پیشرفت‌های فرهنگی کشور متناسب با ظرفیت‌ها و شایستگی‌های عظیم ایران اسلامی و انقلابی است (۱۳۹۳/۰۷/۲۶).



فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، سال هفدهم، شماره ۸۶، بهار و تابستان ۱۳۹۷

عنوان اصلی (۷)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
نتایج جهاد (اقتدار ملی)	اقتدار سیاسی	اقتدار سیاسی چیست؟ اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آنها تحمیل سیاسی نشود؛ کسی نتواند به آنها زور بگوید؛ کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند؛ کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آنها انگشت ایذا دراز کند. (۱۳۸۰/۰۲/۲۸).
	اقتدار اقتصادی	یک رکن اقتدار ملی، اقتدار اقتصادی است؛ یعنی کشور از لحاظ اقتصادی بتواند پول ملی خودش را تقویت کند؛ در بازارهای اقتصادی دنیا حضور تأثیرگذار داشته باشد؛ در بهبود وضع اقتصادی کشور از امکانات خودش استفاده کند؛ فقر را در کشور ریشه‌کن و یا حداقل کم کند و بتواند به‌عنوان یک کشور ثروتمند و غنی در مقابل چشم دنیا، کارایی نظام خودش را نشان دهد. این می‌شود اقتدار اقتصادی که مسئولان اقتصادی کشور موظفند این کارها را انجام دهند. (۱۳۸۰/۰۲/۲۸).
	اقتدار علمی	جمله‌ای در نهج‌البلاغه هست که خیلی جمله پرمغزی است. می‌فرماید: «العلم سلطان»؛ علم اقتدار است. «سلطان» یعنی اقتدار، قدرت. «العلم سلطان من وجده صال و من لم یجده صیل علیه»؛ علم اقتدار است. هر کس این قدرت را به چنگ آورد، می‌تواند تحکم کند؛ می‌تواند غلبه پیدا کند؛ هر کسی که این اقتدار را به دست نیاورد، «صیل علیه»؛ بر او غلبه پیدا خواهد شد؛ دیگران بر او قهر و غلبه پیدا می‌کنند؛ به او تحکم می‌کنند (۱۳۸۶/۰۶/۱۲).
		پایه و مایه همه اینها [قدرت اقتصادی، سیاسی و نفوذ فرهنگی]، قدرت علمی است! یک ملت با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می‌آید (۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

**الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم (پژوهشی مبتنی بر سخنان مقام معظم رهبری «مدظله العالی»)**

عنوان اصلی (۷)	عنوان فرعی	مفاهیم پایه (گزاره منتخب)
نتایج جهاد (اقتدار ملی)	اقتدار فرهنگی - معنوی	<p>اقتدار فرهنگی هم همین طور است [بخشی از اقتدار ملی است]؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود (۱۳۸۰/۰۲/۲۸).</p> <p>ما تکیه می‌کنیم بر روی عناصر معنوی اقتدار. اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی، ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن ظن به خدا. این است که دل را آماده می‌کند برای ورود در میدانهای دشوار؛ این است که گامها را استوار می‌کند برای پیمودن جاده‌های سخت (۱۳۸۸/۰۷/۱۴).</p> <p>آیا مراد ما از این اقتدار [معنوی]، شبیه اقتدارهای مادی و سیاسی و نظامی یا حتی از قبیل اقتدارهای نرم‌افزاری، مثل اقتدار فرهنگی [و] اقتدار زبان است؟ نه، خیلی بالاتر از این است. حجّ علاوه بر اینکه اقتدار سیاسی دارد، علاوه بر اینکه اقتدار فرهنگی نظام اسلامی را به دنیا نشان می‌دهد، اقتدار معنوی دارد؛ یعنی انسانها را از درون می‌سازد، آماده عبور از موانع دشوار می‌کند (۱۳۹۲/۰۶/۲۰).</p>

**بحث و نتیجه‌گیری**

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، غرب و بویژه امریکا، وجود چنین نظامی با ویژگی الهام‌بخش آن را، که بر مبانی اسلام مبتنی بود با دستاوردهای مادی و غیرمادی خود در تناقض و تعارض آشکار دید؛ به همین دلیل از همان ابتدای انقلاب اسلامی با شیوه‌های گوناگون به دنبال براندازی و یا استحاله این نظام نوپا بر آمد. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران متناسب با سطح تهدیدات دشمن برای دفاع از استقلال خود اقدام کرده است.

پس از هشت سال دفاع مقدس، واژه جهاد، که در مقابل جنگ‌افروزی دشمن در عرصه جنگ سخت به کار گرفته می‌شد، بار معنایی تازه‌ای به خود گرفت؛ بدین ترتیب از سوی مقام معظم رهبری واژه جهاد این‌گونه تبیین شد:

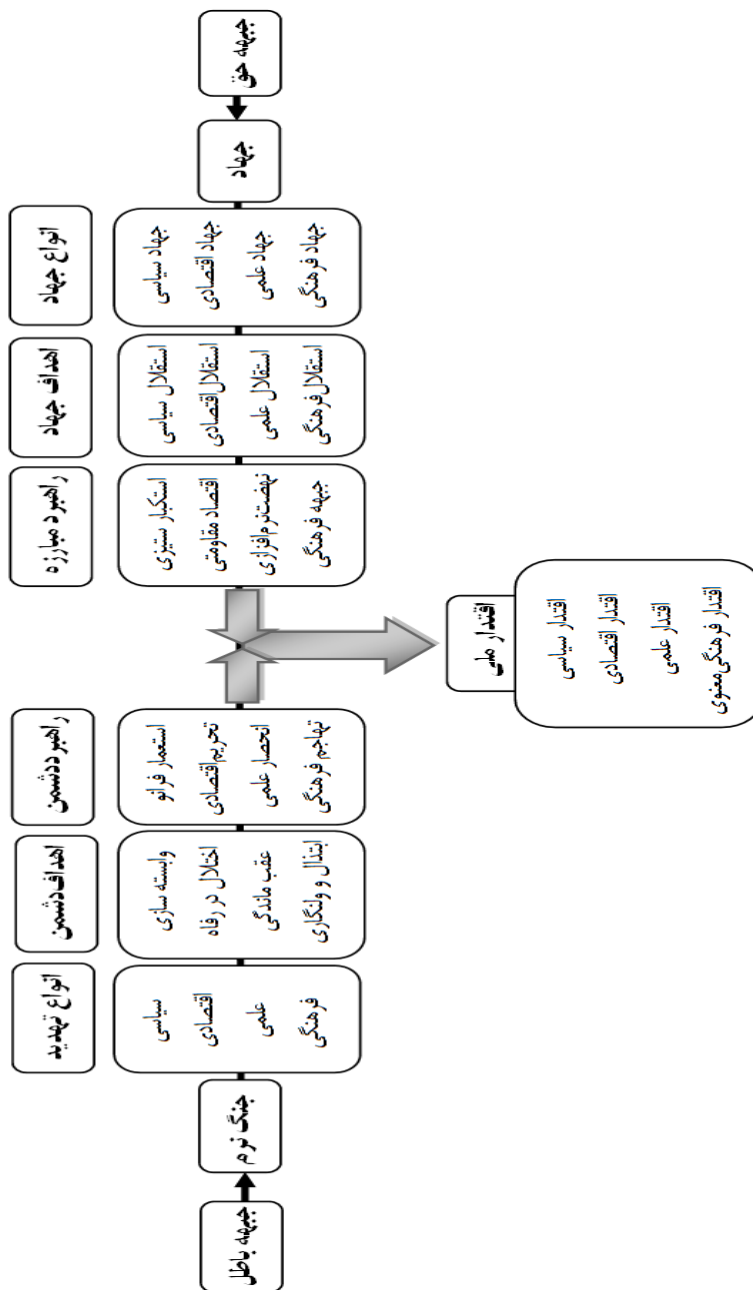
۱. «در مفهوم اسلامی، جهاد عبارت است از آن تلاشی که در مقابل یک دشمن است؛ در مقابل یک خصم است».<sup>۵</sup>
  ۲. «جهاد یعنی مبارزه» و «مبارزه یعنی تلاش پُر نیرو در مقابل یک مانع یا یک دشمن»؛ هم‌چنین «جهاد در زبان عربی عیناً به همین معناست؛ یعنی مبارزه. جهاد در قرآن و حدیث هم به همین معناست؛ همه جا به معنای جنگ مسلحانه نیست. البته یک جا با جنگ مسلحانه تطبیق می‌کند، یک جا هم با جنگ غیرمسلحانه تطبیق می‌کند».<sup>۶</sup>
  ۳. «در صحنه سیاسی هم جهاد هست؛ در صحنه فرهنگی هم جهاد هست؛ در صحنه تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست؛ در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه جهادند».<sup>۷</sup>
- از این‌رو در مقابل جنگ نرم دشمن، واژه جهاد برای دفع تهدیدات نرم دشمن به منظور دستیابی به استقلال سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی باز تعریف شد. دشمن در جنگ نرم خود علیه ایران از ابزارهای استعمار فرانو، تحریم، انحصارطلبی علمی و تهاجم فرهنگی بهره می‌برد و در مقابل، جمهوری اسلامی ایران برای دفع تهدیدات از راهبردهای استکبار ستیزی، اقتصاد مقاومتی، نهضت نرم‌افزاری و تشکیل جبهه فرهنگی بهره می‌جوید.
- «[تا یک مقطعی] این توطئه‌ها ادامه پیدا خواهد کرد؛ آن مقطع، اقتدار همه‌جانبه کشور»<sup>۸</sup> است در نتیجه از دید اسلام نتیجه جهاد، اقتدار است؛ از این‌رو مقابله با جنگ نرم دشمن و تعریف اهداف مبارزه و راهبردها بر اساس یک پارادایم فکری برخاسته از آموزه‌های اسلامی نشئت می‌گیرد.
- در انتها با بهره‌گیری از روابط مقوله‌های شناسایی شده و توضیحات پیشگفته به ترسیم الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم دشمن پرداخته شده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۹/۰۶/۰۴

۲. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۳/۰۸/ ۲۰

۳. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۶/۰۵/۲۸

۴. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۸۷/۰۹/۲۴



نمودار شماره ۱: الگوواره جهادی در مقابله با جنگ نرم

## منابع

۱. امام خامنه‌ای، سیدعلی. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۲. استراس، آنسلم؛ جولیت کوربین (۱۳۸۵). نظریه مبنایی. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر ماهیت و ابعاد جنگ نرم. فصلنامه نگاه. س دوم. ش ۵.
۴. بصیری، محمدعلی (۱۳۹۰). جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران (روشها، ابزارها و راهکارها). فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قدرت نرم. ش ۵: ۱۵۱-۱۷۷.
۵. ترابزاده جهرمی، محمدصادق؛ سجادیه، سیدعلیرضا؛ سمیعی نسب، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات انقلاب اسلامی. س دهم. ش ۳: ۳۱-۴۶.
۶. حسینی، سیدمحمد؛ جاهد، حسین علی (۱۳۹۲). تبیین رسالت دانشگاه و دانشگاهیان در مقابله با جنگ نرم. دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قدرت نرم. ش ۹.
۷. قربانزاده سوار، قربان‌علی؛ قلخانباز، خلیل؛ رحمتی، مهدی (۱۳۹۱). جنگ نرم و امنیت اجتماعی. دو فصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ش ۶: ۱-۲۲.
۸. حسینی، حسین؛ علوی وفا، حمید (۱۳۹۱). سلطه رسانه‌ای و جنگ نرم. دو فصلنامه علمی و پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ش ۵: ۴۷-۸۸.
۹. سبحانی فر، محمدجواد؛ نوروزی، روح‌الله (۱۳۹۱). از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن از دیدگاه مقام معظم رهبری. دو فصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ش ۵: ۸۹-۱۱۸.
۱۰. سلگی، غلامرضا (۱۳۹۱). کالبدشکافی جنگ نرم بر اساس الگوی کارکردی قدرت نرم. دو فصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. ش ۶: ۲۳-۵۲.
۱۱. علوی، سیدبابک؛ قلی‌پور، آرین (۱۳۸۸). شناسایی عوامل مؤثر بر رفتارهای فراتر از نقش اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها: مطالعه‌ای در دانشگاه صنعتی شریف. فصلنامه علوم مدیریت ایران. س ۴. ش ۱۴: ۱-۳۰.

۱۲. قوامی، سیدمصمصام‌الدین (۱۳۸۷). مدیریت از دید کتاب و سنت، چ چهارم. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.
۱۳. ما پیشانیان، مهسا (۱۳۸۶). راهکارهای امریکا در جنگ نرم با جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی. س پنجم.
۱۴. مبینی، حسن؛ مبینی، محمد (۱۳۹۰). تاریخ و چگونگی پیدایش جنگ نرم در ایران در مؤلفه‌های سیاسی نهضت مشروطه. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات قدرت نرم. ش ۵: ۳۵-۵۰.
۱۵. نای، جوزف (۱۳۸۳). کاربرد قدرت نرم. ترجمه سیدرضا میرطاهر. فصلنامه راهبرد دفاعی. س دوم. ش ۶.
۱۶. نای، جوزف (۱۳۸۴). قدرت نرم و سیاست خارجی امریکا. ترجمه سهراب الغای علمداری. ماهنامه اطلاعات راهبردی. ش ۳۴.
۱۷. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷). معنا و مفهوم قدرت و تهدید نرم در مطالعات امنیتی. مجموعه مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم. ج ۱. تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج. دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷). ناتوی فرهنگی و راهبردهای مقابله با آن. فصلنامه عملیات روانی. س چهارم. ش ۱۴.
۱۹. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). درامدی بر ماهیت‌شناسی جنگ نرم. فصلنامه راهبرد دفاعی. س هشتم. ش ۲۸.



***Management and Defense Research Quarterly  
Promotional Science Journal  
Volume 17, No. 86, Spring & Summer 2018***

**Publisher:** Imam Hussein Comprehensive University

**Director-in-charge:** Dr. Bahram Hussein Motlagh

**Editor-in-chief:** Dr. Mohammad Bagher Babaei Talatappeh

**Executive director:** Hassan Ahmadi

**Editor:** Mohammad Daneshgar, PhD

**Translator:** Ghasem Ghanbari, PhD

***Editorial Board***

Mohammad Bagher Babaei, PhD. Associate professor at Imam Hussein University

Mohammad Biglari, PhD. Assistant professor at Imam Hussein University

Mahmoud Reza Khorashadzadeh, PhD. Assistant professor at National Defense University

Mohammad Javad Sobhanifar, PhD. Associate professor at Imam Hussein University

Abbas Ali Salmani, PhD. Assistant professor at Imam Hussein University

Mahmoud Reza Shams Doulatabadi, PhD. Assistant professor at National Defense University

Esmail Kavoosi, PhD. professor at Islamic Azad University

Ghadir Nezami, PhD. Assistant professor at National Defense University

***Examiner & Advisory Board***

Mohammad Bagher Babaei, Sayyed Mahmoud Shams Dolat Abadi, Mohsen Nozarian,  
Mohammad Javad Sobhanifar, Abasali Salmani, Mohmmad Biglari, Mohmmadreza Besharati,  
Mahdi Zarvandi, Hasan Aboutalebi, Mohammad Ali Barzаноoni, Mohammad Ozgoli, Saeed  
kapee, Mostafa Mardanian, Ali Jamali, Hasan Bolough Zadeh, Ali Akbar Rostami, Mohammad  
Mardani, Majid Narrab, Ghasem Hasani, Ahmad Kargar.

Address: Faculty of Command and Velayat Management, Imam Hussein Comprehensive  
University. Shahid Babaei Highway, Tehran, Iran.

Tel: +9821-74188270

<http://mdrj.ihu.ac.ir>

E-maile: mdrj@ihu.ac.ir

**Lithography, Printing and Binding:** Sepah Printing Center



# ***ABSTRACTS***

## ***Contents***

<b>Title</b>	<b>Author</b>	<b>Page</b>
Applying Genuine, Agile and Resilient Management Approaches to the Supply Chain in Defense Industries (A New and Effective Strategy for Upgrading Defense and National Security Deterrence)		1
	Akbar Rahimi, Abbas Rad, Akbar Alem Tabriz, Ali Reza M'otameni	
The Mission of Military Forces in the Political System of Islam from the View of Nahjulbalaghah		2
	Esmaeel Khanahmadi	
Designing and Explaining an Appropriate Team-Based Motivational Model for Military Units		3
	Hamid Arvand, Michael Zarei	
An Overview of the Objectives and Nature of War in Islam and Other Religions and Schools		4
	Hassan Rahimi (Roushan)	
The Components of Governance in Imam Khomeini's Thought		5
	AlirezaAlikhanzadeh, Reza Najjari	
A Jihadi Paradigm against Soft War (An Investigation of the Speeches of the Supreme Leader)		6
	Hamid Reza Ghaed Ali	



## Abstracts

---

### **Applying Genuine, Agile and Resilient Management Approaches to the Supply Chain in Defense Industries (A New and Effective Strategy for Upgrading Defense and National Security Deterrence)**

Akbar Rahimi<sup>1</sup> Abbas Rad<sup>2</sup> Akbar Alem Tabriz<sup>3</sup> Ali Reza M'otameni<sup>4</sup>

#### **Abstracts**

Due to the great role that Military power plays in deterrence against external threats, it is regarded as the most important component of national power. Developed and updated military equipment constitute one of the most important pillars of military power; hence, it is considered as an effective component for upgrading national security from which all people take benefit. Military products are manufactured in defense industries following the supply chains In the Islamic Republic of Iran, and are provided to armed forces. The basic point is that only those products are manufactured which are able to compete with the defense capabilities of the advanced countries. New approaches are introduced in the field of management for products with competitive advantages. This research is intended to develop a conceptual model through employing a new three-aspect management approach including genuineness, agility and resilience in the defense industry supply chain for promoting national security. To this end, by identifying the competitive features of the defense industry through the Delphi method, and employing the qualitative research method as well as content analysis and in-depth semi-structured interviews, the role of each of the three approaches in producing competitive defense products and promoting deterrence capabilities and national security were investigated. The results indicated that the new triple supply chain approaches in the defense industry as a new strategy lead to improving deterrence and national security.

**Keywords:** genuine making approach, agile making approach, resilient making approach, defensive deterrence, national security.

- 
1. PhD candidate of Industrial Management at Shahid Beheshti University, and Researcher of defense industries.
  2. Assistant professor at the Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University.
  3. Professor of Management & Accounting, Shahid Beheshti University.
  4. Associate professor at the Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University.

## **The Mission of Military Forces in the Political System of Islam from the View of Nahjulbalaghah**

Esmaeel Khanahmadi<sup>5</sup>

### **Abstracts**

This research is aimed at identifying military missions of the political system of Islam in view of Nahjulbalaghah, affected by the great life giving religion of Islam, the state of Islamic political system in geostrategic dealings, the new geopolitical structure of the world, the opportunities and threats in the external environment, weaknesses and strengths in the internal situation, and the complex practice of alien competitors in various areas. This applied research follows a descriptive-deductive method based on a library approach. The following 3 questions are investigated for data collection: 1) What are the effective strategies of aggressive systems affecting military missions in terms of Nahjulbalaghah? 2) What are the effective Islamic strategies affecting military missions in terms of Nahjulbalaghah? 3) With regard to the perceived strategies, what are the missions of military forces in the political system of Islam according to Nahjulbalaghah? Having institutionalized the missions of the military forces in the Islamic system, a complete model of defense options are categorized in five topics, which are introduced in the conclusion section of this paper.

**Keywords:** mission, military forces, the political system of Islamic, Nahjulbalaghah

---

1. Assistant professor at Imam Hussein University.

**Designing and Explaining an Appropriate Team-Based  
Motivational Model for Military Units**

Hamid Arvand<sup>6</sup> Michael Zarei<sup>7</sup>

**Abstracts**

This research is intended to design and explain a motivational model for employees according to the nature of rapid response forces which are team oriented. This is a qualitative research following grounded theory as its strategy. Data collection is conducted through in-depth interviews and by reviewing related literature and library method. 12 military leaders and scientific elites were selected as the sample for research interviews by using purposeful sampling method from the research population including military high ranking commanders. A Semi-structured approach was used to collect data and to take notes. Data analysis was performed simultaneously with data collection, and for qualitative and in-depth data analysis the systematized method of grounded theory including open codification, selective codification and theoretical codification were used. The results indicated that the main categories included “training passionate and active combatants” consisting of two basic steps of mental and spiritual planning as well as creation of an internal motivated environment. It included four related categories: causative (mission), and interventionist (individual factors and perception of environmental threats), and dominating ground (cultural support). Eventually, it was suggested that the results and findings of the study in quantitative research be assessed as an organizational research plan as an experimental approach.

**Keywords:** grounded theory, motivation, team-based, rapid response.

---

1. PhD of Public Administration. hamid4964@gmail.com

2. Master’s degree of human resource

**An Overview of the Objectives and Nature of War  
in Islam and Other Religions and Schools<sup>8</sup>**

Hassan Rahimi (Roushan)<sup>9</sup>

**Abstracts**

War has always existed along with human beings, intermingled with human life. All through the history, a great number of schools have tried to eliminate or limit the war. However, some other schools have praised war. This research is intended to modify and explain the objectives of war in human schools and other religions compared with Islamic views. Hence the main question of this research is: “How do the objectives of Islam about war (defense) differ from those of other schools and religions?” The writer believes that this difference is more about the objectives of war. Considering the nature of the issue, descriptive-analytic method was used to respond the question. For data analysis and comparison between the opinions of the schools, the comparative method was employed. Research tools and data collection included document and library data and internet texts. The research findings showed that Islam and other religions and schools do not agree with Islam on the ultimate goals of war, and this difference is manifested variously in the scenes of war and practice.

**Keywords:** war, Islam, inevitability of war, war genuineness, Christianity, liberalism.

- 
1. It is worth noting that only “defense” exists in Islam, and if one speaks of war in Islam, it is for simplification because the war in the world of political literature is aimed at expansionism and this has no place in Islam at all.
  2. 1. Assistant Professor of Political Science Department, Bu Ali Sina University, Hamedan.

## The Components of Governance in Imam Khomeini's Thought

AlirezaAlikhanzadeh<sup>10</sup> Reza Najjari<sup>11</sup>

### Abstracts

The concept of Islamic government has been discussed among Muslims from the very beginning of Islam. Simultaneously with immigration from Mecca to Medina, the Prophet of Islam (PBUH) gradually established the mechanisms and structures of the Islamic government based on the divine teachings embodied in revelation, to be presented to the society through political power and the messages of Islam. After the Islamic Revolution, one of the concerns of the scholars engaged in the Islamic studies was Imam Khomeini's Leadership and his governance model. Due to the underlying epistemic problems of its foundations as well as inadequate understanding, many of these scholars proclaimed that the Islamic government model, which was the ultimate goal of the Islamic Revolution, was ambiguous, idealistic, imitative, and populist. In order to appreciate a model of governance for leading the society, one must find out the foundations the mainstays of its underlying theory. Hence, this research is aimed at modifying the components of Imam Khomeini's viewpoints regarding governance. These components can lead the scholars to arrive at a model of governance from the perspective of the founder of the Islamic Revolution of Iran.

**Keywords:** governance, Imam Khomeini's thought, Islamic state,  
prominent principles of governance.

---

1 . Ph.D. candidate of Allameh Tabatabaee University.

2 . Associate professor of public administration, Payam Noor University.

## Abstracts

---

### **A Jihadi Paradigm against Soft War**

(An Investigation of the Speeches of the Supreme Leader)

Hamid Reza Ghaed Ali<sup>1</sup>

### **Abstracts**

Having failed in its hard war against the Islamic Revolution, the global arrogance has now resorted to soft war to fight it. However, after three decades of imposing soft war against the Islamic Revolution, their struggle has failed in repelling their soft threats due to the efficiency of jihadi approach. This research is intended to design a model to counter soft war on the basis of Jihad. Hence, 108 cases of Imam Khamenei's lectures were reviewed to conduct thematic analysis. 44 basic themes were identified resulting in 31 subcategories. Having classified in a more general categorization based on similar components, these subcategories were turned into eight basic categories including "making front lines", "soft threats", "enemy objectives", "enemy strategy", "confronting the threats", "goals of Jihad", "struggle strategies", and "outcomes of Jihad (national authority)". Based on the relations among the main categories, the Jihadi paradigm was designed in opposition to the soft war. It shows that employing a Jihadi approach in dealing with soft threats will result in national authority.

**Keywords:** soft war, Islamic Revolution, Jihadi leadership, the Supreme Leader.

---

1. PhD candidate of system management and researcher at Imam Hussein Comprehensive University. hamidreza\_ghaedali@yahoo.com